

سبزوار

شهر دیرینه‌های پایدار



محمود

بهره‌قی

کتابخانه

کتابستان مشهد

خیابان کوی دکترها - انتهای خیابان مسعود - شماره ۱۲۱

طبقه سوم - کد پستی ۹۱۸۳۶

سبزوار، شهر دیرینه‌های پایدار

محمود دینپوری

کتابستان

۸	۰۵
۱۳	۲۸

၁၆

အိန္ဒိယနိုင်ငံ

၁၉၇၀



سبزوار

شهر دیرینه های پایدار

محمود بیهقی

کتابستان مشهد ۱۳۷۰

سبزوار، شهر دیرینه‌های پایدار

چاپ اول - بهمن ۱۳۷۰

تیراژ ۳۰۰۰ نسخه

طرح جلد: ابوالفضل کلزاری

قیمت: ۱۳۵۰ ریال

ناشر: کتابستان مشهد

سبزوار ، شهر دیرینه‌های پایدار

✱ نویسنده : محمود بیهقی

✱ تاریخ نشر : چاپ اول - بهمن ۱۳۷۰

✱ تیراژ : ۳۰۰۰ نسخه

✱ طرح جلد : ابوالفضل کلزاری

✱ قیمت : ۱۳۵۰ ریال

✱ ناشر : کتابستان مشهد - خیابان کوی دکترها - انتهای خیابان مسعود -

شماره ۱۲۱ - طبقه سوم - کدپستی ۹۱۸۳۶ - تلفن : ۸۸۶۲۶ (۰۵۱)

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۹	پیشگفتار
۱۳	اندر توصیف بیهق
۱۹	موقع جغرافیایی سبزوار
۲۱	بخش نخست - جغرافیای تاریخی سبزوار
۳۹	تطور و دگرگونی نام شهر
۴۲	نشیب و فراز شهر در طول زمان
۶۷	بخش دوم - جغرافیای طبیعی سبزوار
۶۹	آب و هوای سبزوار
۸۳	بخش سوم - جغرافیای انسانی سبزوار
۹۵	جغرافیای شهری
۱۲۰	آموزش و پرورش
۱۵۶	آثار باستانی شهرستان سبزوار
۱۷۴	زیارتگاهها و اماکن مذهبی
۱۸۳	آرامگاههای شخصیت های ادب و دانش سبزوار
۱۸۸	مزارات مربوط به پیران
۱۹۵	خرابهها
۱۹۹	عناصر شهری قدیم ، باقیمانده در شهر جدید سبزوار
۲۰۲	گذرگاههای آبی زیرزمینی سبزوار

۲۰۳	نگاهی گذرابه ساختمانهای جدید
۲۱۵	بخش چهارم - اقتصاد شهرستان سبزوار
۲۲۴	فرآوردههای کشاورزی سبزوار
۲۳۵	محصولات خودرو و طبی
۲۳۷	دام و فرآوردههای دامی سبزوار
۲۴۲	صنعت و پایه و مبنای آن
۲۵۰	طراحان و مبتکران سبزوار
۲۵۳	صنایع دستی
۲۵۶	صنایع پایه
۲۶۰	دانستنی های دیگر پیرامون معادن سبزوار
۲۶۱	خدمات دولتی
۲۶۸	بازرگانی سبزوار
۲۷۵	بخش پنجم - تقسیمات اداری
۲۸۳	پایان گفتار
۲۸۵	کتابشناسی سبزوار
۲۹۷	فهرست اعلام

پیشگفتار

سرآغاز گفتار به نام خدایی است که رحمان است و رحیم، بخشنده است و مهربان . ستایش سزاوار اوست که آدمی را به گوهر خرد و دانش بیاراست و به فراگیری علم سفارش نمود و او را بدین جهات بر سایر حیوانات مزیت و شرف داد و به وی رخصت فرمود تا از زیباییهای جهان هستی و آنچه در اوست بهره برد و از رازها پرده برگیرد ، تاریخ را برای بشر قرار داد تا از احوال نیکمردان گذشته آگاه گردد و از آنچه مایهی نیکنامی آنان شده پیروی کند و از وضع نابسامان نابخردان پند آموزد . پس از ستایش ذات او ، بزرگداشت پیامبران ، بویژه خاتم پیامبران را شایسته است که دانش آموختن را به انسانها حتی در دورترین نقاط دنیا دستور داد و دانش اندوختن را بر همگان واجب شمرد .

پس از بزرگداشت برگزیدگان خدا ، سپاسگزاری همهی استادان و و معلّمان هر قوم و ملت را سزااست که درطریق ارشاد و هدایت ، پیروان راستین پیامبرانند و دانشجویان و پژوهندگان دانش و طالبان حقیقت را راهنمایند و با چراغ دانش راه مشتاقان را روشنگرند .

و اما نگارندهی این سطور که نبودن کتابی جامع ، در شناساندن پیشینه و بود و هست زادگاه خود را کمبودی برای هموطنان و دانشجویان و محققان و بویژه همشهریانش حسّ می‌کرد ، برآن شد جای خالی کتابی را در بارهی سبزوار (بیهق) که از زمان تالیف تاریخ بیهق⁺ (نیمه‌ی پاورقی در صفحهی بعد

دوم قرن ششم هـ - ق) تاکنون نوشته نشده و یا شاید تنها ، در چند جمله و صفحه در بعضی کتابها آمده پر کند ، این بود که به تدوین و تالیف کتاب حاضر پرداخت و با نهایت وارستگی بر این باور است که دانستیهای لازم را در هر زمینه و در حد امکان در این کتاب گرد آورده است .

گر چه به قول مولانا : " مدّتی این مثنوی تاخیر شد " ولی بهر حال در طریق تکمیل این کتاب ، سالیان دراز برای بدست آوردن منابع و مواد لازم در کتابخانه های مختلف به جست و جو پرداخت ، اما خدای را سپاس گوشت که به مصداق سخن مولانا که :

گفت پیغمبر که چون کوبی دری عاقبت زان در برون آید سری
تا حدّ زیادی توفیق رفیق راه شد .

علاوه بر مطالعات ضروری ، به مصداق : خذ العلم من افواه الرجال به پرس و جو از این و آن پرداخت و همواره قلم و دفتری در جیب داشت ، و شنیده و دیده ها را یادداشت می کرد که در جای جای این کتاب از این یادداشتها بهره برده و سعی شده است مطالب به زبانی ساده و در خور فهم همگان نوشته شود و از آنجا که انسان در معرض سهو و نسیان است ، این نویسنده نیز مدّعی کاری بی عیب و نقص نیست بلکه گوش هوش به گفتار صاحب نظرانی سپرده است که بر او منت نهند و از نقصان و کمبودهای این کتاب آگاهش کنند .

در نگارش این کتاب ، زبان محاوره مدّ نظر بوده و نویسنده سعی داشته است ارتباط بیشتری با خوانندگانش برقرار کند و از آنجا که در کار نوشتن این اثر به منابع مختلف مراجعه شده به این جهت گاهی در مورد موضوعی خاص ، نظریات مختلف حتّی ضدّ و نقیض وجود داشته که تماماً نقل قول شده است و خواننده می منصف و آگاه ، خود درست از نا - درست باز خواهد شناخت .

شرح حال و آثار دانشمندان ، شاعران و تاریخ سازان و رجال

+ تالیف ابوالحسن علی بن زید بیهقی که تفصیل شرح حال و آثارش در جلد دوم خواهد آمد (ان شاء الله) .

سیاسی سبزوار ، در طی قرون متمادی ، نیاز به کتابی مستقل و جداگانه دارد که به جلد دوم واگذار می‌گردد .

علاوه بر فرهنگ رسمی یا فرهنگ خواص ، به فرهنگ و اندیشه‌ی عوام هم نیاز است ، به همین جهت به آن توجه شده و از فلکلور و آنچه که آداب و رسوم و عقاید و ادبیات عامه‌اش می‌نامند و بهترین نماینده‌ی ذوق و قریحه و گویای نحوه‌ی زندگی مردم هر سرزمین می‌باشد غفلت نشده است . البته این مورد که در محل و اغلب به طور شفاهی گردآوری شده و نیز گویش مردم سبزوار و همچنین فرهنگ واژه‌های محلی و ریشه‌یابی لغات و کلمات و اصطلاحات مدّ نظر بوده که به ترتیب الفبائی در کتاب سوم خواهد آمد .

در اینجا یاد نویسندگان و دانشمندانی را که نمونه‌ای از تحقیقات و نوشته‌ها و سروده‌ها شان زینت بخش و روشنگر و مکمل اطلاعات این دفتر است گرامی می‌دارم و از آنانی که از محضر پر فیضشان یا از مدد‌ها و ارشاداتشان بهره‌ور بودم ، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم و خدای را شاکرم که مرا این توفیق ارزانی داشت .

و ما توفیقی الا بالله

محمود بی‌هقی

اندر توصیف بیهق

آرامتر گذر ، که ببابی صفای جان
ز آب و هوای "بیهق" ، خاصه سحرگهان
گویی نسیم جان وزد از دشت و کوهسار
گسترده بر کرانه ز گل فرش پرنیان
لختی درنگ کن ، که ترا زنده می‌کند
آبی که بی‌نظیر بود ، گاه امتحان
آبی سبک که هست ز هر ثقل بر کنار
خالی ز آهک و گچ و گوگرد و این و آن
بیماری که سر زند از آب و از هوا
با یاری خدای ندارد کسی نشان
در دم ، فرح فزاید و آرامش و نشاط
در بازدم ، حیات و تن‌آسانی و توان
فصل بهار دامنهی دشت دیدنیست
دیبای سبز جلوه نماید به هر کران
از بس خروش می‌رسد از شاخ گل به گوش
مشکل شود نشیمن در باغ و بوستان . . .
آغوش این مزار ، ز فرزندگان پر است
بوده ست گنج علم و ادب را نگاهبان

از بس ستاره‌ی ادب و علم داشته
 گویی که بوده است بر این چرخ ، کهکشان
 مردان دانش و ادب بی‌شماره ای
 زین خطّه خاسته ست ، به هر قرن و هر زمان
 تاریخ را گشا ، و به دقت نظاره کن
 تا بنگری که داشته در قرن صدقران⁺
 از بسکه نام بیهقی از آن رسد به چشم
 گویی کنی شماره بر افلاک اختران
 ز آنان یکی بزرگ ابوالفضل بیهقی است
 یکتا مورّخی که بود فخر خاوران
 تاریخ او نظیر ندارد به روزگار
 با نثر بی تکلف و جان پرور و روان
 در دقت و امانت و بی سویی و وثوق
 الحقّ نمونه است به نزد جهانیان
 دیگر ابوالحسن^x پسر زید فندق است
 آن کس که دانش و خرد از او شده گران
 تالیّ بوعلیست به دانشوری و فضل
 دانا و تیز هوش و خردمند و نکته دان
 در طبّ و در علوم ریاضی و صرف و نحو
 در حکمت و معارف عقلیست بی‌قران^{*}

+ اجتماع ستارگان و (در اینجا منظور گروه ستارگان ادب و دانش
 است که در بیهقی گرد هم آمده اند) .
 x ابوالحسن علی بن زید بیهقی صاحب کتاب تاریخ بیهقی (با کتّاب
 تاریخ بیهقی یا تاریخ مسعودی از ابوالفضل بیهقی اشتباه نشود).
 * بی‌مانند

او شرح کرد دفتر نهج البلاغه را
 زان پیشتر که شرح نمایند دیگران
 بادش صد افتخار که کاری بزرگ کرد
 کس را نبود مایه‌ی این کار پیش از آن
 ابن ابی الحدید از او پیروی نمود
 وان شد برای شهرت دنیاش نردبان . . .
 این تازه یک نمونه ز نام آوران ماست
 گوهر بسی برآمده زین بحر بی‌کران
 یک قرن پیش کشور ما در ستوه بود
 وز ترکناز لشکر تاتار بی‌امان
 می‌ساخت خصم از سر مردم مناره‌ها
 پیوسته خون به کوچه و بازار بد روان⁺
 مردانگی نگر که در آن قحطی رجال
 بستند عده‌ای کمر جهد بر میان
 کشتند هر که را ز مغولها شناختند
 تا رفت این گروه ستمکار از میان
 چون تیغ سربدار برون می‌شد از نیام
 می‌شد بهار عمر ستمکارگان خزان
 ز آنان چنان رشادت و مردی بروز کرد
 کز شیر شریزه هم نزنند سر به هیچ سان
 آنان نمرده‌اند و نمیرند هیچگاه
 جاوید باد نام دلارای آن یلان

+ نامگذاری کوچه‌ای در سبزوار به نام گود انبار حکایت از آن دارد که
 در جوی آن کوچه خونها روان و در حوض پایین کوچه انبار شد .

فخری چنین بزرگ در این بوم و بر کراست ؟
 از دوده‌ی یلان و بزرگان و خسروان
 فخر دگر ز سبقت ما بر تشیع است
 کز ما سبق نبرده کس این فضل در جهان
 دیگر کسی که فخر بود سبزوار را
 دانشوری بزرگ و حکیمی است پاک جان
 اسرار ، آنکه حامل اسرار علم بود
 گنجینه ای گران ، ز گهرهای شایگان
 امروز نام او همه گیتی گرفته است
 نام بزرگ را نبود حصر در مکان
 نام بزرگ در همه عالم سفر کند
 بی‌محمل و کجاوه و مرکوب و کاروان
 آن فیلسوف شرق ، فقیهی بزرگ بود
 نام رساله اش نبود گر چه بر زبان
 منظومه ای سه چار از او مانده یادگار
 در فقه و در اصول ، هنوز است در نهان
 یعنی هنوز طبع نگردیده تاکنون
 امید آنکه رخ بنماید یکان یکان . . .
 بسیار مفخر است در این بوم و بر هنوز
 کان جمله را شماره نمودن نمی‌توان
 از کاشفی که شهره به هر علم روز بود
 شایسته نیستیم که باشیم ترجمان
 از آن همه کتاب و رساله که داشته
 افسوس نیست غیر قلیلی در این زمان
 ز ابن یعین و شاهی و سالک نگفته ام
 زان خفته بلبلان به چمنزار نغمه خوان

حیف است کز ضیائی ، خاموش بگذرم
این نام آشناست که ماندست بر زبان

از افسر و تجلی نتوان گذشت نیز
بودند این دو نیز زمانی هم آشیان

اینان که رفته اند خدایا عوض بده
از نسل پاک حاضر و از نیروی جوان

تا پر کنند جای عزیزان رفته را
تا نگسلد ز سستی این نسل ریسمان

تا فخر ما فقط نبود بر گذشته ها
ساز سفر کنیم به همراه ساربان

گر چه هنوز هست فراوان سخن ، ولی
زین بیشتر اطالهی صحبت چسان توان

" فرزانه " که ابتکار سخن را ز دست داد
خواهان پوزش است ز ایطاء و شایگان .

علی اصغر بلوکی - تیرماه ۱۳۶۶

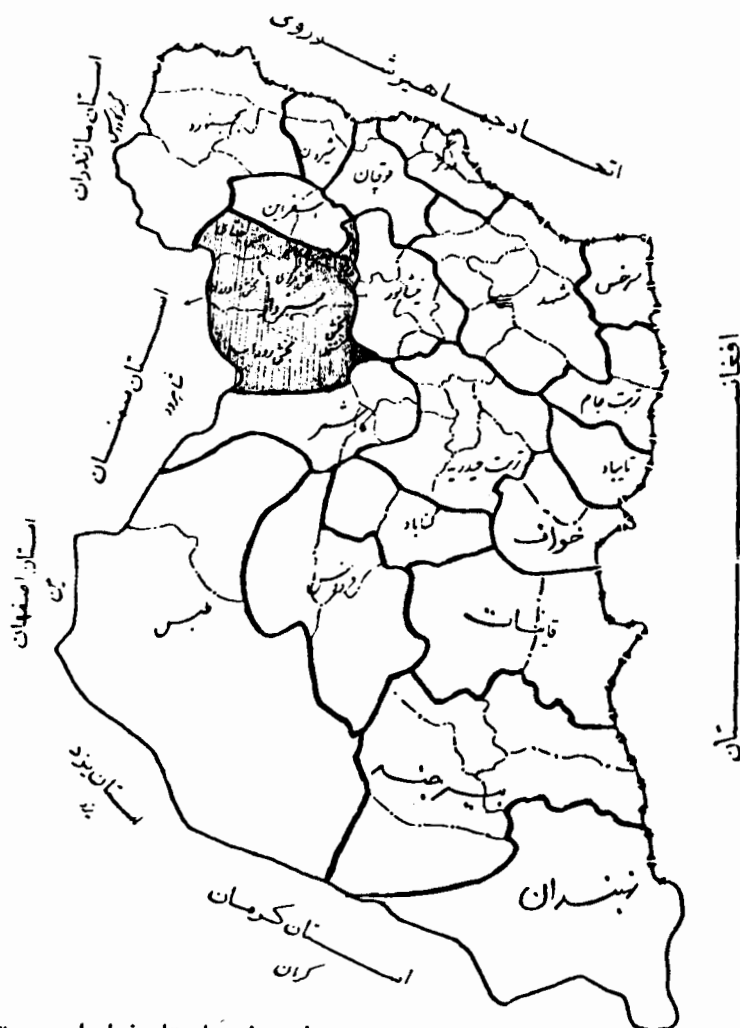
موقع جغرافیائی سبزوار

سبزوار که اکنون از لحاظ جمعیت و تجارت، پس از مشهد بزرگترین و مهمترین شهر خراسان است، در غربی ترین ناحیهی این استان و بین ۵۷ درجه و ۴۳ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۱۲ دقیقه عرض شمالی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است.

شهرستان سبزوار از شمال محدود است به اسفراین با فاصلهی ۱۰۵ کیلومتر، از جنوب به کاشمر با فاصلهی ۲۱۰ کیلومتر، از مشرق به نیشابور با فاصلهی ۱۰۵ کیلومتر و از مغرب به شاهرود با فاصلهی ۲۵۴ کیلومتر. فاصلهی سبزوار تا مشهد از جدیدترین جاده حدود ۲۲۰ کیلومتر و تا تهران ۶۶۰ کیلومتر میباشد. (اذان ظهر سبزوار ۲۵ دقیقه از تهران جلوتر و حدود ۱۰ دقیقه از مشهد عقب تر میباشد و طولانی ترین روز سبزوار ۱۴ ساعت و ۲۳ دقیقه است).

حدّ شرقی شهرستان سبزوار، سلطان آباد با فاصلهی ۴۰ کیلومتر و حدّ غربی، یعنی آخرین آبادی سمت مغرب این شهرستان در مسیر جاده روستای کاهک به فاصلهی ۸۴ کیلومتر، جنوبی ترین قریه سبزوار در کنار جاده، منتهی به شهرستان کاشمر، محمد آباد اریان (عریان) به فاصلهی حدود ۱۲۰ کیلومتر و شمالی ترین آبادی در کنار جادهی سبزوار اسفراین، روستای حکم آباد حدود ۵۰ کیلومتر میباشد⁺.

⁺ در مورد فواصل شهرهای همسایه سبزوار یاد آوری ۳ نکته ضروری است: ۱- بیشتر فواصل به وسیلهی کیلومتر شمار اتومبیل، دقیقاً



نقشه شماره ۱ - استان خراسان به تفکیک
شهرستان ، و موقعیت سبزوار در استان .
استان بلوچستان

دنبالهی پاورقی از صفحی قبل
مشخص گردیده است . ۲- فاصلهی سبزوار تا کاشمر ، از جادهی جدیدی
که در دست احداث است و از پلی تازه تاسیس به قریه دولت آباد
و از نزدیک مرکز بخش ششتم میگذرد ، به حدود ۱۵۰ کیلومتر
میرسد یا کمتر ۳۰- موقعیت سبزوار با نصف النهار گرینویچ از صفحی
۲۴۲ فرهنگ آبادیهای ایران برداشت گردیده است .

بخش نخست جغرافیای تاریخی سبزوار

تطور ، دگرگونیها و تکامل شهر سبزوار درطول زمان به مدد
ذکر روایات و آثار باقیمانده برحسب دورانهای تاریخی

در ذکر دگرگونی و تکامل شهر سبزوار ، از زمان پیدایش تا حال
بایستی از " بیهق " یاد کنیم زیرا که شهر فعلی تقریباً جایگزین آن
است .

بیهق (۱) : بیهق یا سبزوار قدیم با سابقه‌ی طولانی تاریخی
خود ، از توابع نیشابور بوده است . در این زمینه کتب و نوشته‌های
زیادی روبروی ما است که بر حسب دورانهای تاریخی آنها را ورق —
می‌زنیم .

در تاریخ ایران باستان ، بیهق جزء پارت عهد قدیم نوشته شده
است و بر درستی این مطلب آورده که : " بی‌تردید می‌توان گفت که
پارت عهد قدیم عبارت از ولایات کنونی : دامغان ، شاهرود ، جویین
سبزوار ، نیشابور و بوده و (۲) و نیز به نقل از تاریخ قومس ،
سمنان ، دامغان ، شاهرود بسطام ، سبزوار ، نیشابور و ... همه داخل

(۱) بیهق : به فتح اول و سوم ، رک : یاقوت حموی ، تاریخ معجم
البلدان ، (به عربی) ، چاپخانه‌ی سعادت مصر جلد ۲ ص ۳۴۶ و محمد
معین اعلام جغرافیایی ، ذیل شرح بیهق bayhaq جلد ۱ ص ۳۱۴ و
کتابهایی دیگر

(۲) حسن پیرنیا (مشیرالدوله) ، تاریخ ایران باستان ، قطع جیبی ،
ناشر سازمان کتابهای جیبی و ابن سینا ، تهران چاپ سوم ، کتاب
هشتم ، ص ۲۱۸۵ و ۲۱۸۶ .

مملکت پارت بوده است " .

پیرنیا در چاپ دیگری از کتاب خود آورده است که : " نیشابور دوازده روستاق^(۳) داشت ، از آن جمله جوین و بیهق و (۴)
ابن واضح یعقوبی در کتاب معروف خود به نام (البلدان) ضمن اینکه نیشابور را شرح داده از بیهق نیز یادی کرده است . ابن خرداد به نیز نظری تقریبا مشابه یعقوبی دارد^(۵) .

ابواسحاق ابراهیم اصطخری معروف به کرخی ، در جایی می‌نویسد که : " حدود نیشابور فراخ است و نواحی بسیار چون مزینان و سبزوار و و در جای دیگر از نیشابور تا خسروگرد ، چهار مرحله و سبزووار پیش از خسروگرد آید به دو فرسنگ داند " (۶) .

مقدسی در کتاب احسن التقاسیم در باره‌ی نیشابور نوشته است که : " آن را دوازده رستاق است ، از آن جمله رساتیق بیهق و او ضمن تشریح بیهق گوید که : " بیهق از حیث خیرات و فراوانی نفاست قراء به آن نزدیک است و در آنجا راه ری منشعب می‌شود و دیه‌های مهم و ادیبان دارد و در آن دو شهر سوزوار و خسروگرد که هر دو آبادند " . (۷)

(۳) همان کتاب ص ۵۲۳ .

(۴) روستاق یا روستاگ همان روستا است . رک : ابوالحسن علی‌بن زید بیهقی معروف به ابن فندق ، تاریخ بیهق ، تصحیح احمد بهمنیار کتابفروشی فروغی ، چاپخانه‌ی اسلامیة چاپ دوم ، تهران ۱۳۱۷ خورشیدی ، ص ۳۵

(۵) ابوالقاسم عبدالله ابن خردادبه ، المسالك و الممالك ، (به عربی) تالیف ۳۰۰ هـ - ق ص ۲۴ .

(۶) ابواسحاق ابراهیم اصطخری ، مسالك الممالك ، ناشر بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، به اهتمام ایرج افشار ، ۱۳۴۰ خورشیدی ، ص ۲۰۱ ، ۲۰۵ و ۲۲۳ .

(۷) ابو عبدالله محمد مقدسی ، التقاسیم فی معرفه الاقالیم مشهور به احسن التقاسیم (به عربی) ، ترجمه‌ی دکتر منزوی ، ناشر کاویان ، ۹

ابن حوقل هم در کتاب معروف خود به نام صورة الارض ، بیهق را جزء بخشهای نیشابور دانسته است . (۸)

ابوالفضل بیهقی در کتاب مشهور خود به مناسبتهایی از بیهق نامی به میان آورده (که به موقع خواهد آمد) ولی در آن ذکرری از سبزوار نرفته است . (۹)

حاکم نیشابوری در تاریخ نیشابور ضمن مطالبی دیگر ، بیهق را ناحیه ای وسیع ذکر می‌کند و در این باره می‌نویسد که : ولایت بیهق از حدود ریوند تا ولایت دامغان بیست و پنج فرسخ زیاده است و عرض مثل این و (۱۰)

یاقوت حموی در معجم البلدان ذیل کلمه‌ی بیهق ، مشخصات و حدود جغرافیایی این منطقه را بیان می‌کند و می‌نویسد که : عامل - نشین این منطقه نخست خسروجرد بود و سپس به سبزوار که عامه‌ی مردم آن را سبزوار تلفظ می‌کنند منتقل گردید . (۱۱)

ابوالحسن بیهقی (۱۲) که به حق با نوشتن کتاب جامع و دقیق خود

دنبالهی پاورقی از صفحہی قبل

تهران ۱۳۶۱ خورشیدی .

(۸) محمد بن حوقل ، صورة الارض یا کتاب المسالك و الممالك (به عربی) ، ترجمه‌ی دکتر جعفر شعار ، ناشر بنیاد فرهنگ ایران ، تهران ۱۳۴۵ خورشیدی .

(۹) تاریخ بیهقی : بیهقی ، ابوالفضل محمد بن حسین - تصحیح دکتر فیاض و دکتر غنی ، کتابفروشی بیرق‌دار مشهد اولین چاپ ۱۳۲۴-۳۷ ، ۴۴ و

(۱۰) فاصله‌ی شمالی و جنوبی تا حدّی صحیح است ولی فاصله‌ی شرقی ، غربی (از ریوند نیشابور تا دامغان) درست نیست ، مگر آنکه ریوند سبزوار را منظور داریم و از ولایت دامغان شاهرود را که سابقه‌ی تاریخی زیادی ندارد و وابسته به آن بوده است .

(۱۱) بیهق دو عامل نشین داشته که یکی قصبه و دیگری خسروجرد بوده است .

به بهترین صورت (بیهق) را تانیمه‌ی دوم قرن ششم ه - ق معرفی کرده درین باره نوشته است که در عهد ملک خراسان امیرالمشرق عبدالله بن طاهر (از طاهریان) در بیهق سیمد و نود و پنج دیه بوده و این ناحیت را دروازه قسمت نهاده اند و هر قسمتی را ربعی^(۱۳) نام کرده که :
 اَوَّل اعلی الرستاق و آن سنقریدر و آمناباد و بیهق و احمدآباد ، کروزد ، نزلآباد ، آزادمنجیر ، زیاد آباد ، حدیثه ، جلین ، حسیناباد ، باغن ، دلقدن ، ایزی ، برکه آباد ، آبکو و عبدالله آباد بوده است و صلاح - آباد در افزود و دیه سیدی در حدود دلقدن هم محدث است و گفتانده که سنقریدر از ربع ریوند است (۱۴) .

دنبالهی پاورقی از صفحی قبل

(۱۲) ابوالحسن ، علی بن زید بیهقی ، نویسنده‌ی کتاب تاریخ بیهق که از تمام جهات بیهق و نواحی مجاور را بررسی کرده به تصدیق ادبا و مورخان نوشته اش فصیح و قابل اعتماد است .

(۱۳) ربع (به فتح اَوَّل) به نقل بیهقی در صفحی ۳۴ از کتاب مجمل - اللغة : محله القوم یعنی هر جا که قومی بنا کنند و در آنجا زیست نمایند و نباید با ربع (به ضمّ اَوَّل) که به معنای ¼ از چیزی می باشد اشتباه شود .

(۱۴) بیشتر روستاهائی که در کتاب تاریخ بیهق آمد ، هنوز هم به همان نام باقی هستند که به کوتاهی در بارهی آنها اشارتی می شود .

الف - این ربع در قسمت شرق شهرستان سبزوار قرار دارد .

ب - نزلآباد یا به نوشته‌ی این زمان (نزل آباد) به فتح اَوَّل در بخش حومه و به فاصلهی دوازده کیلومتری خاور سبزوار بر سر راه شوسهی بسیار قدیمی و جاده‌ی آسفالتی جدید سبزوار ، نیشابور قرار دارد و دارای آثار باستانی است و گویند در اصل (نزول آباد) بوده زیرا که مامون در ۲۰۲ ه - ق آنجا نزول کرد .

پ - آزاد منجیر (با تلفظ محلی به کسر م) دیهی است در ۹ کیلومتری مشرق سبزوار ، بخش حومه ، واقع در کنار جاده‌ی جدید آسفالتی کهه زمنجیر (به کسر اول و دوم) گویند .

دوم: ربع قصبه سبزوار است و آن دیه عبدالرحیم بن حمویه - است متصل به قصبه سبزوار ، راز و کهناب ، رزقن ، قمنوان علیا و سفلی ، نقابشک نو و کهن ، احمدآبادک باغن و کلاتهای دیگر (۱۵) .

دنباله‌ی پاورقی از صفحه‌ی قبل

ت - شاید منظور از زیادآباد همان زیدآباد باشد در ۱۶ کیلومتری شرق سبزوار ، زیر جاده‌ی جدید سبزوار نیشابور .

ث - جَلّین (با تشدید و کسر حروف دوم و ضمّ اول) دهی در حدود ۱۷ کیلومتری شرق سبزوار .

ج - باغن که اکنون آن را باغان می‌گویند و می‌نویسند در یک فرسنگی یا ۸ کیلومتری مشرق شهر سبزوار و بخش حومه که حدود ۱۶۰۰ تن جمعیت دارد .

چ - دلقند (بر وزن دلبنند) که در اصطلاح محلی آن را (دلند به کسر اول و فتح دوم) تلفظ کنند تقریباً در ۵ کیلومتری خاور شهر سبزوار واقع است و حدود دو هزار نفر جمعیت دارد (البته ۲ روستای دیگر به همین نام در شمال باختری جغتای و هم در شمال کشور وجود دارد) .

ح - ایزی روستایی است از بخش حومه به فاصله‌ی ۴ کیلومتری مشرق شهر سبزوار و در اصطلاح محلی به آن (دبینم به کسر اول و دوم و ضم چهارم) و نام گبری آن را ایزی گویند ، شاید به علت اینکه ابوبکر سبزوار که مولوی در کتاب مثنوی خود آورده : سبزوار است این جهان و مرد حق اندرین جا ضایع است و ممتحق ، در آنجا بوده یا به تعبیری دیگر

خ - شاید منظور از صلاح آباد ، صالح آباد باشد که روستایی بوده در جنوب شهر سبزوار و اکنون متصل به شهر . (دو روستای دیگر هم به همین نام در شهرستان سبزوار) وجود دارد .

د - منظور از سنقریدر یا سنجریدر یا سنگ کلیدر (SANG KOLYDAR) روستایی است کنار جاده آسفالته جدید سبزوار ، نیشابور ، فاصله‌ی هشت فرسنگ که در حال حاضر در تقسیمات جزء سبزوار حساب می‌شود و کتاب کلیدر نوشتنی محمود دولت آبادی از همین محلّ نشات می‌گیرد) .

سیم : ربع طبس و این تبش است ، بحکم چشمی آب گرم که آنجا باشد آنرا این نام نهاده اند و طبش می‌نوشتانند . وقتی عاملی غریب افتاده است . . . و افچنگ ، هارون آباد و قارزی ، بازقن ، کرد آباد ، بلغوناباد ، سیفاباد ، شیرو ، دیواندر ، صاهه ، دساکرها ، همای در ، فرخاردس ، چهارشک ، کالماباد ، نودیه ، دواندر و هی — قریه الائمه الدلشادیمی دیگر مزارع و ینابیع باشد ، و آن متصل بود بناحیت جویین از عرض . (۱۶)

دنبالهی پاورقی از صفحی قبل

(۱۵) ۱- منظور از قصبی سبزوار ، آبادی مظهر قنات آب قصبه در شمال شهر فعلی و قدیم و ادامه‌ی آن به طرف قناتهای مغرب عبدالر— حمن و کهناب (که به موقع شرح آنها خواهد آمد) .

۲- رزقن (به کسر اول و فتح سوم) که در این زمان رازقند نوشته می‌شود و در محل رزقند (بر وزن دلیند) گویند روستایی از دهستان قصبه بخش حومه در حدود ۱۵ کیلومتری شمال شهر واقع است .

۳- نقابشک یا نقابشک محله ای باستانی و کوی بزرگ و پر جمعیتی است در مرکز به سوی جنوب شهر و

(۱۶) الف : طبش (به فتح اول و دوم) روستای آباد و بیلاقی و مرکز دهستان طبس . در چهار فرسنگی شمال شهر سبزوار متجاوز از دو هزار تن جمعیت دارد و به علت وجود چشمه های آب گرم و سرد دارای مواد معدنی می‌باشد ، گویند برای معالجه‌ی درد پا و امراض پوستی خوب است و تب شکن که اصطلاح (تبش) همین معنی دهد .

ب : افچنگ (با فتح اول و کسر سوم و سکون بقیه‌ی حروف) دهی است از دهستان طبس که آباد می‌باشد ، حدود پنج فرسنگ فاصله در شمال شهر سبزوار و غرب طبس ، و متجاوز از چهار هزار تن جمعیت .

پ - قارزی (خواندن برابر نوشتن است) روستایی است که در محل کرجی گویند در سه کیلومتری شمال طبس و از آن دهستان .

ت : بازقن (به فتح چهارمین حرف) بر وزن ساززن که در محل به آن بازقند گویند و نویسند در مغرب روستای طبس و حدود شش کیلومتری

چهارم: ربع زمیج^(۱۷) (به کسر حرف اول) و زمیج به لغت پارسی زمین بردهنده را گویند یعنی مزرعه‌ی غله زا ، و چون بهرام

دنباله‌ی پاورقی از صفحہ قبل

آن و متجاوز از دو هزار تن جمعیت .

ث : بلغوناباد (به ضم اول) در حال حاضر جزء دهستان طبس نیست مگر آنکه آن را برغبان (به ضم اول و سوم) بدانیم که نزدیک کاشک می‌باشد .

ج : منظور از شیرو ، همان شیرخودر اصطلاح محلی است ، شیرخان هم نویسند ، دهی است از دهستان طبس در پنج فرسنگی شمال شرقی شهر .

چ : دیواندر (به فتح دال دوم) که گویند در اصل دیوانه دره بوده در یک فرسنگی شرق طبس و جزء آن دهستان با حدود دو هزار تن جمعیت .
ح : ماهه که معرب چاهه (به فتح ه اول) در حدود ده کیلومتری شرق طبس و از آن دهستان .

خ : شاید چهارشک که در ربع سوم (سیّم) آمده همان چاشک یا کاشک (سکون شین) باشد نزدیک برغبان و علیک (کاشک در بلوک ششتمد هم هست) .

د : نودیه که در محل به آن ناوده گویند با فاصلہی حدود دوازده کیلومتر از طبس در شمال غربی آن واقع است با حدود پنج هزار تن جمعیت .
ذ : معنی لغت (ینابیع به فتح اول) چشمه های بزرگ و با آب زیاد است که جمع ینبوع عربی می‌باشد .

ر : کردآباد نام قدیمی روستای کوچک حسن آباد است که در حال حاضر در شمال طبس به فاصلہی پنج فرسخ از شهر و دارای پانصد تن جمعیت ز : در مورد جوبین نوشته ها زیاد است که اشاراتی می‌شود : در لباب ابن اثیر ضمن ذکر دانشمندان جوبین ، از جوبین چنین تعریف می‌کند : هی ناحیه کبیره من نواحی نیسابور تشتمل علی قراء کثیره مجتمعه یقال لهاگویان فمعربت فقیل جوبین ، یعنی (جوبین ناحیهی بزرگی است از - نواحی نیسابور مشتمل بر آبادیها و روستاهای زیاد که اول به آنها

بن یزدگرد که او را بهرام گور خوانند آنجا نزول کرد فرمود تا آنجا غله و پنبه و امثال این بکشتند و آن دیه را زمیج نام نهادند و این دیه را بوی باز خوانند و آن ربع بر جانب جنوب افتاده است . هیچ ربع را هوا معتدلتر از آن ربع نیست و هوای پشاکوه هم معتدل بود . پس درخت سنجد کشتند آنجا که ششتمد است ، چون ببار آمد آنرا ششتمد نام کردند . و درین ربع از دیه‌های مسکون زمیج است وانجمد، گنبد آنجا بیت النار بوده است ، بدان بازخوانند و کیذقان و ششتمد برازق ، آنجا خوک بسیار بوده است و دیه اشتر مرتبط اشتران بهرام آنجا بوده است ، کیذر ، بیذخ ، طزرق ، علیاباد ، سبح ، احمدآباد ، روح ، حارثاباد ، قنات ابی‌الاسود ، جاشک ، گلابدشک ، بیدخشیدر ، فضلوئی آباد ، جابرآباد ، جلاد کارن که آنرا خارسف نویسند ، بزذن ، زرسک ، بیدستانه ، زرین ، دربر ، مهرکند ، شادیخ و کلاتها متصل بدین . (۱۸)

دنبالقی پاورقی از صفحی قبل

گویان یا کویان گفته می‌شده و بعد که لغت عربی شده جویان نامیده شده است) و در جلد ۲ مراد اطلاع آمده که کوره جلیله . . بر راه کاروان رو بسطام و نیشابور ناحیه وسیعی است به نام جویان که نزدیک به دویست آبادی دارد . در نخبته الدهر هم نوشته شده خیلی آباد و طولش به سه روز و عرض دو فرسخ و آبادی مهم آن آزادوار و هم ابن خردادبه و دیگران نیز مطالبی نویسند و در حال حاضر آنقدر آباد است و دشتی حاصلخیز دارد که آینده‌ی درخشانی برای آن پیش بینی می‌شود و شامل سه قسمت پایین جویان ، میان جویان و بالا جویان می‌باشد و (۱۷) دهستان زمیج یا به اصطلاح محلی زمج (به کسر اول و دوم) از بخش ششتمد در سال ۱۳۶۷ خورشیدی بنابه پیشنهاد تقسیمات کشوری استان خراسان به بیهق تغییر نام داده است .

(۱۸) الف : همانطور که در کتاب تاریخ بیهق هم اشاره شد این ربع در جنوب شهرستان است .

ب : شاید منظور از پشاکوه همان پیشاکوه یا پیشکوه ، یعنی آبادیهایی

پنجم : ربع خواشدووریان و این ربع کلاتها دارد بسیار چون برقن ، وستاج ، دارین ، باشتین ، کاموندالعلیا والسفلی و سلماباد (۱۹).

دنبالهی پاورقی از صفحهی قبل

قبل از کوههای کوه میش باشد .

پ : ششتمد (با کسر حرف اول و سوم و فتح م) مرکز بخش ششتمد در چهار فرسنگی جنوب شرقی سبزوار است که به موقع به تفصیل خواهد آمد .

ت : گنبد دیهی است در پنج فرسنگی ششتمد که عامّه از قانون تبدیل حروف استفاده کرده و گنبد (به ضم اول و فتح سوم) گویند .

ث : کیزقان (به کسر اول و سوم) بر وزن ای فلان در دو فرسنگی ششتمد و روستایی از این بخش که آباد باشد .

ج : برازق (به ضم اول و سکون دیگر حروف) یک فرسخ مانده به ششتمد و دهی آباد است .

چ : کیزور (به کسر اول و ضم سوم) روستایی است از دهستان زمج بخش ششتمد با فاصلهی حدود دو فرسنگی از مرکز بخش (میرزا احمد اخباری که از دانشمندان است از این دیه بوده) .

ح : حارث آباد یا حارثاباد (به کسر سوم) روستایی است آباد و یکی از مراکز مهم پرورش و صدور گوسفند سبزوار در پنج کیلومتری جنوب این شهر که راه شوسه سبزوار کاشمر از وسط آن میگذرد ، این روستا زادگاه ابوالفضل بیهقی ادیب و مورخ مشهور ، نویسندهی کتاب تاریخ بیهقی می باشد .

خ : جاشک یا کاشک بر وزن (داشت) دیهی است در مسیر جادهی دولت آباد به ششتمد در یک فرسنگی شمال آن . (کاشک دیگری هم در ربع طبس آمد) .

د : بژدن یا بجدن (به ضم اول و فتح سوم) روستایی است در دو فرسنگی ششتمد و شش فرسخی شهر سبزوار .

ذ : زرسک شاید همان طرسک (به ضم اول و دوم) باشد روستایی است از بخش ششتمد در جنوب غربی آن بامتجاوز از ده فرسنگ فاصله با شهر.

شسم : ربع خسروجرد و از آن ربع بود دیه آباری بوی متصل و عثماناباد ، و دیه سدیر ، حفیر ، کسکن ، کراب ، دسکرهی بیت النار ، فسنقر ، برزه ، نحاب ، بلاشاد ، شاره ، دربر و غیر آن (۲۰) .

دنبالهی پاورقی از صفحهی قبل

ر : شادباخ در مشرق سبزوار و وصل به نیشابور که آبادی معتبر بوده است .

(۱۹) ۱- خواشد (به فتح اول و ضم چهارم) دهستانی است از بخش ششتمد .

۲- وستاج غلط چاپی است (واو آن حرف عطف) باشد و منظور استاج (به کسر اول) روستایی است در باختر ششتمد و هم از آن بخش .

۳- دارین دهی است از بخش ششتمد در غرب آن .
(۲۰) الف : خسروجرد که معرب گردیده و "گ" به "ج" تبدیل شده در اصل خسروگرد باشد ، روستایی است آباد دارای بیش از سه هزار تن جمعیت در شش کیلومتری مغرب شهر سبزوار که در زمان مولف تاریخ بیهق یکی از دو مرکز مهم بیهق به شمار می آمده و هم در آن موقع پانزده روستا وابسته به آن بوده اند و دانشمندانی در آنجا می زیستند و آثار تاریخی همچون مسجد و امامزادگان و منارهای دارد که در جای خود خواهد آمد . (در بارهی اینکه چرا چنین نامی را پذیرا شده ، گویند چون خسرو پادشاه سامانی آن را ساخته است و برخی گویند گراد یعنی یون شهر و همچون لنینگراد پس شهر خسرو باشد) و اقوالی دیگر ، مثلاً در تاریخ بیهق به صفحی ۴۱ آمده که کیخسرو فرزند سیاوخش بنا کرده است .

ب : آباری یا اباری که در حال حاضر در محل ابارش (به فتح اول و کسر حرف چهارم) گویند در چهار کیلومتری مغرب شهر سبزوار دهی خوش آب و هوا و آباد است .

پ : سدیر که آن را برخی نویسندگان بر وزن قدیر دانند و برخی به مناسبت مزاری که در آنجا است و به سه دیر یعنی سه پرستگاه شبیه بوده سدیر (به کسر اول و دوم) بعضی دیگر نامش را از قصری که نعمان پادشاه حیره ساخته ، چون اینجا نیز چنان آباد و زیبا بوده مشتق دانند

هفتم : ربع باشتین و آن باشتین بود ، نامین ، ریود ، دستجرد ،

دنبالهی پاورقی از صفحهی قبل

این روستا که اکنون استیر (بر وزن دلگیر) نامیده می‌شود در چهارده کیلومتری مغرب سبزوار بر سر راه آسفالتی سبزوار شاهرود واقع است
ت : حفیر (بر وزن نگیر) روستایی بوده که خراب شده و هم اکنون گودال حفیر بعد از خسروگرد و مشهور است .

ث : کسکن (بر وزن مسکن) دیهی است دارای آب فراوان و هوایی خوش در شمال غربی خسروگرد به فاصلهی یک فرسنگ از آن و مسکن نیز خود دیهی است به فاصلهی یک فرسنگ در جنوب غربی خسروگرد که ماسه یا شنهای روان حاشیه کویر بر آن اثر گذارده است .

ج : کراب (بر وزن مهتاب) نام یکی از دهستانهای آباد بخش حومه ، در سه فرسنگی شمال غربی خسروگرد ، محلی است خوش آب و هوا با فاصله بیست و دو کیلومتر از شهر . خواجه یحیی و خواجه ظهیر دو تن از امرای سربدار از روستای خوش آب و هوای کراب می‌باشند (برای دانستن مطالبی در بارهی این دو امیر به موضوع سربداران در همین کتاب رجوع شود) ده کراب حدوداً ، پنج هزار تن جمعیت دارد .

چ : فسنقر (بر وزن قلندر) روستایی است از بخش حومه در بیش از نه کیلومتری جنوب باختری سبزوار (امامزاده‌ای دارد که در قسمت آثار باستانی این کتاب آمده است) .

ح - برزه (به فتح اول و سوم) که اکنون به آن برزو گویند روستایی است از بخش حومه در شصت و شش کیلومتری جنوب باختری سبزوار .
(شاید این تغییر و یا پذیرش نام را مربوط به برزو پهلوان باستانی و داستانی ایران و نوهی رستم) یا بهر حال پهلوانی دیگر دانست .

خ : بلاشباد یا بلاش آباد روستایی است آباد بر سر راه آسفالتی سبزوار براکوه و جوبین به فاصلهی حدود سی کیلومتری شمال غربی سبزوار دارای رودخانه ، و چشمه سار با سه هزار نفر جمعیت ، (گویند که چون بلاش پادشاه ساسانی فرزند فیروز آن را آباد کرده چنین نامی به خود گرفته است) .

نامین ، کردآباد ، شعرانی ، بلاجرد ، بفره ، ساروغ و بشتنق و غیر
آن (۲۱) .

دنبالهی پاورقی از صفحهی قبل

د : نحاب یا نه آب (به ضم اول) در حال حاضر قناتی پرآب است
از قنات خسروگرد و شاید در گذشته آبادی در مظهر آن به همین نام
وجود داشته است .

ذ : شاره (بر وزن چاره) روستایی است در سی و پنج کیلومتری شمال
غربی سبزوار .

ر : دربر (به فتح اول و سوم) که در حال حاضر دلبر گویند روستایی
است در حدود سی کیلومتری شمال غربی سبزوار .

(۲۱) ۱- باشتین (بر وزن بازبین) روستایی باستانی در حدود پنج فرسنگی جنوب غربی سبزوار و جنوب ریود یا ریوند و مرکز قیام سربداران بوده است و در اصطلاح محلی باشتن (به کسر چهارم) تلفظ کنند .

۲- نامین (بر وزن پایین) که اکنون نامن (به کسر سوم) گویند و نویسند در حدود ۲۷ کیلومتری جنوب غربی سبزوار واقع است و محمد باقر محقق سبزواری که شرح حال وی در جلد دوم خواهد آمد از این روستاست .

۳- ریود (بر وزن ریزد) که در محل به آن ریوند (با فتح و) گویند روستایی است در حدود ۳۵ کیلومتری غرب شهر سبزوار و کنار جاده سبزوار شاهرود . این روستای آباد در شاهنامه ریبد (به فتح ب) ذکر شده که گویا رزمگاهی باستانی بوده است (ریوندی هم در مغرب نیشابور می باشد) .

۴- دستجرد که عربی شده دستگرد (با کسر گ) است همان کلاته مزینان بوده در جنوب مزینان و به فاصلهی حدود هشتاد و پنج کیلومتری جنوب غربی سبزوار .

۵- شعرانی (به فتح اول) که همان شهر آیین فعلی می باشد تقریباً در بیست و هفت کیلومتری جنوب غربی سبزوار قرار دارد . تاریخ نویسان

هشتم: ربع دیوره و آن دیه‌های بسیار دارد، آنرا قری الجبل خوانند و میلون، پرون، دوپین، برآباد و عبدالمکی و غیر آن از این ربع باشد (۲۲) .

نهم: ربع کاه و این قصبه چشم بود و بروغن و مغیثه، و ساسان قاریز، یحیاباد منزل، فاریاب، شقوقن، خسروآباد، بزدر، دستجرد بادغوس و غیر آن، درین ربع دیهی است که آنرا زردکاه می‌خوانند و

دنیاله‌ی پاورقی از صفحہی قبل

احتمال داده اند که این دیه از بناهای فضل بن محمد الشعرانی بیهقی که نسبتش به باذان در زمان خسرو پرویز می‌رسد باشد .

۶- بفره (به فتح حرف اول و سوم) روستایی است در غرب سبزوار پس از ریود در کنار جاده‌ی سبزوار شاهرود .

۷- ساروغ که در حال حاضر سارق (با ضم واو) گویند و نویسند در ۴۰ کیلومتری شهر سبزوار .

۸- بشتنق (به ضم اول و فتح سوم) که اکنون فشتنق (بر وزن گلرنگ) گویند و نویسند معرب بشتنگ است و در ۲۸ کیلومتری شهر سبزوار نزدیک ساروق می‌باشد .

(۲۲) الف : علاوه بر ربع دیوره (بر وزن صیوره) دیهی نیز در جنوب غربی سبزوار می‌باشد .

ب : منظور از قری الجبل آبادیهایی است که کوهستانی می‌باشند .

پ : میلون (بر وزن بیلزن) که در حال حاضر ملوند (بر وزن فرزند) گویند و نویسند دهی است از دهستان فروغن بخش ششتمد در سی و هفت کیلومتری باختر آن .

ت : پرون (بر وزن ارزن) که این را نیز اکنون پروند (هموزن فرزند) گویند دهی است از دهستان فروغن بخش ششتمد و در حدود سی و نه کیلومتری باختر آن .

ث : برآباد (به فتح اول) که در محل، به آن برآباد (به ضم اول) گویند و باید صحیح آن لغت اول باشد که سرزمین آباد معنی دهد، محلی است مشهور در ساخت کوزه های سفالین زیبا، از بخش ششتمد و چهل و پنج کیلومتری باختر آن .

می‌گویند در قدیم شهری بوده است و در شهورسنه‌ی اربع و عشرين و شمانمیه (ثلاثماه) کاریز آن بتمامی جاری شد ، همانا این ربع را بدان ديه نسبت کنند (۲۳) .

دهم : ربع مزینان و این مزینان بود و مایان ، کموزدو، داورزن

(۲۳) الف : ربع کاه همان بلوک کاه و باشتین کنونی است .
 ب : چشم (به کسر اول و ضم شین) را چشم نیز گویند روستایی است از بخش داورزن در چهل کیلومتری جنوب خاوری آن .
 پ : بروغن (بر وزن فروتن) نام دیهی است در نزدیکی مغیثه از بخش داورزن واقع در پنج کیلومتری جنوب خاوری آن .
 ت : مغیثه : (م مفتوح و کسر ثانی) که در فرهنگ آبادیهای ایران مقیسه ذکر شده دیهی است آباد با انگور فراوان در جنوب غربی سبزوار با فاصله‌ی هشت فرسخ از آن (به صفحه‌ی ۲۴۵۷ فرهنگ معین از مصدر غیث به معنای باریدن و باران) و به احتمال کم از (قیس) به معنای قیاس و سنجش که اولی درست تر خواهد بود به معنای محل بارش زیاد .

ث : یحیاباد منزل ، در سبزوار چهار یحیی آباد وجود دارد و چون در اینجا یحیاباد منزل مورد نظر نویسنده‌ی تاریخ بیهق می‌باشد در نزدیکی مغیثه کوهی است که در پایین آن دیهی از دهستان باشتین بخش داورزن در هفتاد کیلومتری جنوب خاوری داورزن قرار دارد (۲- یحیی آباد بخش ششم ۳- یحیی آباد طبس ۴- یحیی آباد براکوه)
 ج- فاریاب : روستایی بوده ولی اکنون کاریزی است مانده از آن ، که از معتبرترین کاریز چشم است .

ج : خسروآباد : روستایی از بخش داورزن در چهل کیلومتری جنوب شرقی آن قرار دارد . (ابوالحسن بیهقی در صفحه‌ی چهل و یک تاریخ بیهق این روستا را از بناهای کیخسرو ذکر کرده است) .

ح : دستجرد (رک ربع هفتم از این موضوع) .

خ : باد غوس : آبادی بر نزدیک مزینان بوده (بادغیس و بادخیز هم به جاهای دیگر هست) .

صدخرو ، طزر ، بهمن آباد و مهرکه آنجا مزارع اقلام بحری باشد و ماشدان و سویز و غیر آن (۲۴) .

(۲۴)

۱- مزینان (بروزن امینان) دیهی مهمتر از داورزن در حدود هفت کیلومتری جنوب آن و ربعی بوده واقع در سیزده فرسنگی سبزوار، درخوبی این روستا در صفحه ۲۸۵ تاریخ بیهق آمده که اندر حدود مزینان جامه حریر بافند بغایت نیکو که در نواحی نیشابور نیافند . (در این روستای آباد ، آثار باستانی وجود دارد که در جای خود خواهد آمد) . باید اضافه کرد که خاندان با فضیلت شریعتی که باعث افتخار سبزواریه‌ها هستند از این دیه می‌باشند . جمعیت فعلی این روستا متجاوز از سه هزار و پانصد تن است و در لباب ابن اثیر و برخی کتب دیگر از آن نام برده شده . ضمناً این روستا ریشه‌ی باستانی دارد ، مزن فرد دانشمند و مزنا (به فتح اول و کسر دوم) بزرگان دانش که در کردی نیز آمده و مزینان یعنی زادگاه دانشمندان و اندیشمندان .

۲- شاید آبادی کمیز (با ضم اول) که در غرب سبزوار و حدوداً در شمال شرقی مزینان واقعست همان (کموزدو) باشد که در تاریخ بیهق آمده است .

۳- داورزن مرکز بخش داورزن و هم روستای آبادی است در هفتاد و پنج کیلومتری شهر (برای دانستن بیشتر به بخشهای شهرستان سبزوار مراجعه فرمایید) .

۴- صدخرو یا سدخرو (بروزن منظر) دهی است از دهستان کاه بخش داورزن ، کنار جاده‌ی سبزوار شاهرود در پنجاه و پنج کیلومتری سبزوار که حدود پنج هزار تن جمعیت دارد و چون معنای خروباغ است چنین برداشت می‌شود که این آبادی صد باغ داشته‌است و روشنی زعفرانلو گوید خروبه به معنای قسمت و چون آب اینجا به صد قسمت می‌شده چنین نام گرفته است .

۵- طزر (بروزن حذر) دیهی است از بخش داورزن در سی و پنج کیلومتری خاور آن و حدود چهل کیلومتری شهر سبزوار .

- یازدهم : ربع فریومد و این فریومد و اسحاقآباد و فیروزآباد و نهاردان و غیر آن بود (۲۵) .
- دوازدهم : ربع پشاکوه و این دیهی چند معدود بود چون استارید و دیه بیشین و غیر آن (۲۶) .

دنبالمی پاورقی از صفحہ قبل

- ۶- بهمن آباد روستایی است در نیم فرسنگی جنوب مزینان که از اسمش چنین برمی آید : بهمن همان که بهیه را ساخته اینجا را نیز آباد کرده است
- ۷- مهر : (به کسر اول) دیهی است در مشرق مزینان و در مغرب شهرستان سبزوار بر سر راه سبزوار شاهرود با فاصلہ پنجاه کیلومتر از شهر (آثار باستانی آن در جای خود خواهد آمد) .
- ۸- ماشدان : دیهی است در شمال مزینان به فاصلہ حدود پانزده کیلومتر آن .
- ۹- سویز (با کسر اول) روستایی است در ده کیلومتری جنوب باختری داورزن .
- (۲۵)

الف : فریومد (بر وزن برگوید) نام بخشی از بیہق و سبزوار قدیم بوده در ۹۵ کیلومتری شمال غربی این شهرستان که در تاریخ بیہق و بعض دیگر کتب ، فریومد کرسی نشین جوین نوشته شده و برابر آنچه در کتاب (این یمین و ابنیہی تاریخی فرومد) نوشتهی آقای محمد علی شفیع چاپ ۱۳۴۲ آمده ، احتیاجات مردم فریومد از بازار سبزوار تامین می شود ، برای دوا و درمان هم به مزینان می روند . در محاورہی امروز فرومد (به ضم اول و دوم و فتح چهارمین حرف گویند و فریومد به زمان نوشتن این کتاب جزء شاهرود می باشد و آثار باستانی دارد که در جای خود خواهد آمد) .

ب : فیروزآباد که در محل به آن فروز آباد تبرک گویند در ۱۲ کیلومتری جنوب غربی فریومد قرار دارد و قبری در آنجاست که آرامگاه شیخ حسن جوری دانند .

پ : نهاردان یا نهالدان روستایی است در ۵ کیلومتری مزینان .

ابن اثیر در کتاب معروف خود ، چندین جا از (بیهق) به نام منطقه ای وسیع یاد می‌کند و می‌نویسد : مجتمع روستاهائی در نواحی نیشابور است با فاصلهی بیست فرسنگ از آن (۲۷) .

ابوالفداء : در کتاب خود می‌نویسد که : " و من نواحی نیشابور ناحیه بیهق و کانت قصبه بیهق خسروچرد فمارت سبزوار " به این معنی که از نواحی نیشابور بیهق است و قصبه بیهق خسروچرد بوده که بعد سبزوار گردیده است (۲۸) .

زکریا محمدبن محمود القزوينی : در صفحهی ۳۳۹ کتاب عربی

دنبالهی پاورقی از صفحهی قبل

(۲۶) استاربد را که در حال حاضر استربد (بر وزن نشترزد) گویند دیهی است در آخر خاک بخش سبزوار و شاهرود . (برای کسب اطلاعات کلی در بارهی بیهق به تاریخ بیهق و فرهنگ جغرافیایی ایران از انتشارات دایرهی جغرافیایی ستادارتش چاپ ۱۳۲۹ جلد نهم صفحات ۲۰۷ و ۲۰۸ و هم فرهنگ آبادیهای ایران تالیف دکتر لطف الله مفخم پایان ، صفحات مربوطه مراجعه شود) .
(۲۷)

۱- الکامل فی التاریخ یا تاریخ ابن اثیر (به عربی) تالیف عزالدین علی بن محمد موصلی معروف به ابن اثیر در ۲۷ جلد ، چاپ بیروت ، ۱۳۸۵ هـ . ق که جلد سیزدهم تحت عنوان وقایع سال ۵۲۰ مورد استفاده قرار گرفت .

۲- اللباب فی معرفه الانساب (به عربی) چاپ قاهره ناشر مکتبسه - القدسی ۱۳۵۲ هـ . ق در سه جلد .

(۲۸) تقویم البلدان (به عربی) ابوالفداء ، عمادالدین اسماعیل ترجمه آیتی ، عبدالحمید- بنیادفرهنگ ایران - ۱۳۴۹ خورشیدی ۴۴۲ ، ۵۰۹ تا ۵۲۳ . (نوشتهی ابوالفداء یا برداشت مترجم اشتباه است ، زیرا که ، بیهق ناحیه ای بوده ، قصبه و خسروگرد مستقلا دو آبادی معتبر آن خسروگرد شهر سبزوار نبوده بلکه شهر سبزوار کنونی گسترش یافتهی قصبه می‌باشد) .

آثار البلاد و اخبار العباد در تعریف بیهق گوید : بلیده بخراسان که شهرکی در خراسان باشد و

شمس التین انصاری دمشقی : بیهق و خسروجرد را از نواحی نیشابور دانسته است (۲۹) .

حمدالله مستوفی : در کتاب خود آورده که ، بیهق ولایتی است و شهرستان آن سبزوار است و (۳۰) .

بارتلد : مورخ روسی ضمن تشریح خراسان ، بیهق را نیز جزء آن دانسته است (۳۱) .

صفی الدین بغدادی : عبارات یاقوت حموی را از معجم البلدان عینا تکرار کرده است (۳۲) .

حاج زین العابدین شیروانی : در بارهی بیهق نوشته ولایتی است بهجت مطاف از بلاد خراسان از اقلیم چهارم و (۳۳) .

محمد تقی خان حکیم : در سارهی بیهق نظری دارد که از گنج دانش می‌خوانید : . . . اول خاک بیهق با نیشابور شمت فرسخ است ، سابقا دارالملک این ناحیه خسروجرد بوده اما حالا سبزوار است ، وسعت خاک بیهق از حوالی نیشابور تا دامغان بیست و پنج فرسخ و عرضش همین قدرهاست (۳۴) .

(۲۹) نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر (عربی) انصاری دمشقی شمس الدین ۷۲۷ هـ ق (. . بیهق و خسروجرد بین ولایت نیشابور . .)
(۳۰) نزهة القلوب : مستوفی قزوینی ، حمدالله ۷۴۰ هـ ق به کوشش دکتر دبیر سیاقی ، محمد - ناشر کتابخانه طهوری تهران ۱۳۳۶ خورشیدی ، ۱۴۹ ، ۱۵۰ .

(۳۱) ترکستان نامه : بارتلد - کشاورز ، کریم - بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۵۱ خورشیدی ۵۱/۱ ، ۷۲ و ۹۳ .

(۳۲) مراد الاطلاع : (عربی) صفی الدین بغدادی ۷۳۹ هـ ق ۲۴۷/۱ .

(۳۳) بستان السیاحه : شیروانی ، حاج زین العابدین - کتابخانه های سنائی و محمودی ۱۳۱۵ هـ ق ص ۱۷۸ .

(۳۴) گنج دانش : حکیم ، میرزا محمد تقی - تهران انتشارات میرزا

شادروان دکتر معین ذیل نام بیہق نویسد کہ بہتریناحیہ ایست از اعمالنیشابور (۳۵) و حسن عمید در فرهنگ خود آن را ناحیہ قدیمی در خراسان دانستہ است (۳۶) .

تطور و دگرگونی نام شهر

در بارہی نحوہی تطور و دگرگونی نام شهر ، یعنی اینکہ چرا شهر مورد بحث ما (بیہق) و بعد (سبزوار) نام گرفتہ ، نوشتہ ہا تقریباً یکنواخت است . برای آگاہی بیشتر نظریات ، از قلم مورخان این مطالب را میخوانیم :

ابوالحسن بیہقی در کتاب معروف خود آورده است کہ : بیہق در اصل بیہہ (بہ فتح اول و سوم) بودہ بہ زبان پارسی بہین (بیہین) یعنی بہترین ناحیت نیشابور و . . . (۳۷) .

لسترنج عقیدہ داردکہ بیہق بہ فارسی بیہہ و بیہان یعنی بسیار بخشنده (۳۸) .

دنبالہی پاورقی از صفحہی قبل

حبیب اللہ ، ۱۳۵۵ هـ . ق ۱۷۶ ، ۱۸۶ ، . . . (مولف گنج دانش فاصلہ اول خاک بیہق تا نشابور را کہ ۳۱ فرسخ است شمت فرسخ نوشتہ ، - حتی اگر ملاک تقسیمات آن زمان را بدانیم کہ فریومد نیز جزئی از سبزوار بودہ است سپس فاصلہ از حوالی نشابور تا دامغان را ، ۲۵ فرسخ مشخص کردہ در حالی کہ خیلی بیش از این است) .

(۳۵) اعلام دکتر معین : ۳۱۴/۱ (جلد ۵ فرهنگ دکتر معین) دکتر معین ، محمد - انتشارات امیر کبیر ۱۳۵۷ .

(۳۶) فرهنگ عمید : عمید ، حسن - انتشارات جاویدان (محمدعلی علمی) ۱۳۴۳ / ۲۷۰ .

(۳۷) تاریخ بیہق ۳۳ / .

(۳۸) جغرافیای تاریخی سرزمینہای خلافت شرقی : لسترنج - ترجمہی عرفان ، محمود - انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۶۴ خورشیدی / ۴۱۷

آقای دکتر مهدوی دامغانی چنین اظهار نظر می‌کند : ظاهرا کلمه بیهق معرّب است ، در اینکه صورت اصلی کلمه چه بوده است میان دانشمندان اختلاف عقیده وجود دارد ، برخی از کتابهای لغت اظهار نظر کرده اند که اصل این کلمه (بیهق) بوده است و گاف فارسی در عربی مبدّل به قاف شده است . یاقوت حموی در صفحات ۸۵۴ و ۸۵۵ جلد یکم معجم البلدان می‌گوید : اصل آن در فارسی (بیهه) به معنای ارزنده تر و بهتر است . با مراجعه به کتاب (المعرب جوالیقی معلوم می‌شود که " ه " آخر کلمات فارسی در هنگام تعریب به " ق " تبدیل شده است (۳۹) .

ملک الشعراى بهار نیز در مورد تغییرات کلمه سبزوار گفتاری تقریبا مشابه دارد . (۴۰) .

صفی الدین بغدادی در صفحه ۲۴۷ جلد اول مراد الاطّلاع نوشته که : بیهق (بالفتح) اصلها بالفارسیه بیهه ، ناحیه کبیره و کوره واسعه " .

هانری رنه دالمانی در باره‌ی وجه تسمیه‌ی سبزوار نویسد : " شاید به مناسبت باغهای زیادی که مانند کمر بند آن را احاطه کرده چنین نامیده شده است " (۴۱) .

(۳۹) یادنامه‌ی ابوالفضل بیهقی : از نشریات دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد ۱۳۵۰ (مورد استفاده از گفتار آقای دکتر مهدوی دامغانی محمود - تحت عنوان جغرافیای تاریخی بیهق / ۷۵) .

(۴۰) ذیل تاریخ سیستان : که مولف آن مشخص نیست و سال تالیف نیز دو سال متفاوت ذکر شده ، مصحح ، بهار ، محمدتقی ملک الشعراء موسسه‌ی خاور - ۱۳۱۴ خورشیدی / ۲۴ و

(۴۱) HENRI Rene d Almanı ، هانری رنه دالمانی ، سفرنامه‌ی از خراسان تا بختیاری ، ترجمه‌ی بهرام فره‌وشی ، ابن سینا ، تهران ۱۳۳۵ نظر ایشان در باره‌ی نامیده شدن به سبزور ، سبزوار یا سبزوار با توضیح بعدی صحیح می‌آید ، ضمنا برای دانستن بیشتر ، می‌توانید از صفحه ۳۳ تا ۴۳ تاریخ بیهق را مطالعه کنید

حاج ملا هادی (اسرار) هم در این باره عقیده‌ای دارد می‌گوید :

" از سرّ آن دهان همه اسرار شد وجود

زان سبزه زار خط ، بشد این خطّه سبزوار "

بهر حال از مطالعه‌ی مجموعه نوشته‌ها و تحقیقات چنین برداشت می‌شود که (بیهق) نام ناحیه و منطقه‌ای بوده است بسیار قدیمی هر پاره‌ای از مآخذ سبزوار و در برخی دیگر بیهق نوشته شده است و این بستگی دارد به قدمت تاریخی و زمان نگارش کتب و منابع که اگر از گذشته‌های دور باشد (قصبه) و گذشته‌های نه چندان دور (سبزوار) و صحیح نیز چنین است که کشش و گسترش بیهق به جهات چهارگانه (بویژه در سمت جنوب) سبزوار را تشکیل داده است .

ابوالحسن بیهقی در باره‌ی بنیانگذار این شهرستان نوشته که :
مردی بوده در روزگار بهمن الملک . . . که او را بیبه خوانده‌اند و آنجا که مقابل (آمناباد) است دیهی کرده است ، این نیز بنا نموده و اینجا بیهق نام گرفته است . . . (۴۲) .

حمدالله مستوفی در مورد کسی که دستور بر احداث بیهق نموده از بیهقی پیروی کرده و بنیاد آن را در حدود سیمصد میلادی مقارن با تشکیل سلسله‌ی ساسانی دانسته است (۴۳) .

ابوالحسن بیهقی در باره‌ی سبزوار نیز می‌گوید که : بنای سبزوار منسوب است به ساسان بن بهمن ، شخصی که گویند به علت رنجش از پدر با گوسفندی چند به ناحیه‌ی بیهق آمده و در محل ساسان قاریز نزول کرده و گوسفندان خود را به این محلّ که ساسان آباد نام گرفته آورده که امروز (سبزوار) نویسند و علت دیگر این که به اهتمام او منطقه سرسبز شد و سبزوار گردید ، بعضی دیگر براین عقیده‌اند که :

(۴۲) این اظهار نظر از آنجا قوت گرفته که در سابق ، حتی حال ، آبادیها به نام شاهان و سرداران و شخصیتها نامگذاری می‌شده و می‌شود همچون بهمن آباد ، خسروآباد و . . .
(۴۳) نزهة القلوب ص ۱۴۴ .

سبزوار را ساسویه بن شاپور الملک بنا کرده و منظور ، شاپوراول پسر اردشیر است که نیشابور نیز بنا نموده است (۴۴) .

خواندمیر " ساسان را پسر بهمن و نواده‌ی اسفندیار می‌داند " (۴۵) .

ابوالقاسم طاهری نیز در باره‌ی سال بنیاد سبزوار نظری مشابهی دارد و گوید : " در واقع اطلاعات ما ، در باره‌ی رونق و آبادی شهر سبزوار ، از پایان دوره‌ی زمامداری سلجوقیان و آغاز قدرت دودمان سربدار شیعی مذهب است " (۴۶) .

نشیب و فراز شهر در طول زمان به مدد ذکر روایات و سفرنامه های موجود

از گذشته‌ی پیش از اسلام سبزوار ، اطلاع ما به چند مورد خلاصه می‌شود :

۱- سبزوار جزء تقسیمات پارتیها بوده و از زمان سلوکیه به بعد دستخوش تحولاتی شده است (۴۷) .

۲- در زمان ساسانیان ، آذر برزین مهر یا آتشکده‌ی کشاورزان در مشرق مملکت در کوههای ریوند شمال شرقی نیشابور واقع بوده و به اعتقاد

(۴۴) تاریخ بیهق صفحات ۴۰ تا ۴۳ .

(۴۵) تاریخ حبیب السیر ، خواند میر ، غیاث الدین ... الحسینی ، ناشر کتابخانه‌ی خیام ، چاپ جدید ۱۳۳۳ صفحات ۲۴ و ۱۵۶ (ضمناً چون بهمن در لغت یونانی نیکو نیت معنی دهد ، پس از اینجا می‌توان چنین نتیجه گرفت که (بیهق) با نیت نیک و اندیشه‌ی پاک پایه‌گذاری شده است) .

(۴۶) جغرافیای تاریخی ایران ص ۳۴ .

(۴۷) مینا کشمیری ، رساله تاریخچه‌ی شهرهای خراسان قبل از حملی عرب به ایران ، دانشکده‌ی ادبیات مشهد ، ۱۳۵۴ خورشیدی صفحات ۱۵ و ۳۸ .

جکسن (Jackson) مکان این آتشکده در قریه‌ی مهر بوده است که بر سر راه خراسان به یک فاصله از میاندشت و سبزوار قرار دارد و در ادامهی آن یادآور می‌شوم که : " منظور از ریوند روستایی است در ۲۵ کیلومتری مغرب سبزوار که قبل از روستای مهر قرار دارد " (۴۸) .

۳- در کتاب گنج دانش در باره‌ی سبزوار نوشته شده است که : " در قدیم شهری بوده بزرگ در آن اراضی . . . اکنون جز ارگی از آن باقی نمانده ، در زیر دست جاده بیک فرسخ فاصله دزی خرابست و آن دز سپید بوده ، چون سهراب عزم ایران کرد بآنجا رسید ، با هجیر مرزبان و حکمران آن دز ، مبارزت کرد " که در شاهنامه هم به این داستان اشاره شده است (۴۹) .

دوران اسلامی سبزوار

بخشی از خراسان در زمان خلیفه‌ی دوم در سالهای هفدهم یا بیست و سوم هجری قمری ، توسط سرداران اسلام فتح شد و احنف بن- قیس حاکم خراسان را که نامش ماهوی و مجوسی و عامل یزدگرد سوم بود قراری داد و سبزوار در سال ۳۲ هجری قمری به اسلام گرائید ، در این سال عبدالله بن عامر به فرمان خلیفه‌ی سوم به خراسان آمد ، وی اسود بن کلثوم را به ناحیه‌ی (بیهق) فرستاد ، اسود کشته شد ولی برادرش ادهم به جنگ ادامه داد تا بالاخره اهل بیهق صلح کردند (۵۰) . به قول مولف بستان السیاحه " عبدالله بن عامر اکثر بلاد

(۴۸) کریستن سن، آرتور دانمارکی، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی رشید یاسمی، ناشر این سینا، چاپ اول، تهران ۱۳۵۱ .
(۴۹) میرزا محمد تقی حکیم، گنج دانش، انتشارات میرزا حبیب، تهران ۱۳۵۵ هـ - ق، صفحات ۱۷۶ و ۱۸۶ .
(۵۰) احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ترجمه‌ی دکتر آذرتاش آذرنوش، ناشر بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۴۶، ص ۲۸۶ و هم

خراسان را مانند نشابور و سبزوار و جویین و باخرز ، بعضی را به صلح و برخی را به عنف مسخر نمود " (۵۱) .

بعدها صحابه‌ی پیامبر ، بیهق را که محلی امن و مساعد یافتند بسوی این منطقه شتافتند و امثال قطن بن عمرو که از صحابه بود و هم ابورفاعه بن تمیم که بین سبزوار و خسروگرد دار دنیا را وداع گفته و بسیاری دیگر از یاران آن پیشوای گرامی اسلام که شرح آنها در تاریخ بیهق آمده ، در این شهر جای گرفتند . . .

سپس سبزوار شاهد فرار امیر خراسان ، نصر بن سیار می‌شود که با رسیدن سردار ابومسلم خراسانی به نام حمید قحطبه ، از سبزوار می‌گریزد . بدنبال آن واقعه‌ی حمزه بن آذرک سجستانی (سیستانی) که از خوارج و پیشرو جوانمردان سیستان بود برای سرکوبی کسانی که با بیگانگان همدست بودند در حدود سال ۲۲۵ هـ - ق (زمان خلافت معتصم) در این شهر روی می‌دهد ، به این ترتیب که وی به سبزوار لشکر کشید و به قول ابوالحسن بیهقی " در نزدیکی ششتمد مردان را کشت و خرابی زیاد بار آورد و به قصبه حمله آورد " (۵۲) .

در باب انگیزه‌ی قیام حمزه‌ی آذرک شادروان دکتر محمد معین می‌نویسد که وی خطاب به لشکریانش در خراسان گفت : " مگذارید که این ظالمان بر ضعفا جور کنند " (۵۳) .

در زمان طاهریان شهر بیهق زیر نفوذ آنها درآمد و همانطور که گذشت عبدالله بن طاهر این ناحیه را دوازده قسمت کرد (ر ک ، قسمت تطور و دگرگونیهای بیهق) .

بعد از طاهریان ، این ناحیه به دست صفاریان افتاد و در زمان

دنبالهی پاورقی از صفحه‌ی قبل

تاریخ بیهق ص ۴۴ و

(۵۱) حاج زین العابدین شیروانی ، بستان السیاحه ، ناشرین کتابخانه های سنائی و محمودی ، چاپ اول ، ۱۳۱۵ هـ - ق ، صفحات ۱۷۸ ، ۲۰۶ .

(۵۲) تاریخ بیهق ص ۴۹ .

(۵۳) دکتر محمد معین ، فرهنگ فارسی ، جلد ۵ (اعلام) ص ۴۶۷ .

یعقوب لیث ، احمد بن عبدالله خجستانی علم طغیان برافراشت و در بیهق مستقر شد و سپاهی گرد آورد و نیشابور را هم گرفت ولی بالاخره توسط غلامانش به قتل رسید . رافع بن هرثمه هم در زمان عمرولیث در حدود سال ۲۸۰ هـ - ق ، به سبزوار حمله نمود تا این شهر را از دست عامل وی بگیرد ولی برای دومین بار شکست فاحشی از عمرو که بدان صوب آمد خورد و فرار نمود .

پس از صفاریان ، حاکمی به نام ابوسعیدک ، از طرف سامانیان بر بیهق حکومت می کرد ، اما مردم از او در رنج بودند و وی هم ظلم را به آنجا رساند که شبی جوانان بر او شبیخون زدند و او را کشتند (۵۴) . عامل نوح بن نصر سامانی در ۳۳۲ هـ - ق ، ابوعلی بن محمد محتاج به سبب اهمیت سبزوار به این شهر اعزام می شود و همزمان وشمگیر زیاری برای دفع او و تسخیر سبزوار حمله می کند و ابوعلی که تاب مقاومت نداشت ، فرار نمود (۵۵) .

در زمان غزنویان ، شهر بیهق به دست سلطان محمود افتاد . سلطان محمود و پسرش مسعود به آن شهر توجهی داشتند . پس از مرگ سلطان محمود ، پسرش سلطان مسعود که برای گرفتن تاج و تخت او از اصفهان بر می گشت ، در بیهق منزل گرفت که ازین واقعه ابوالفضل بیهقی در کتاب تاریخش یاد می کند (۵۶) .

همزمان با شکست مسعود و تسخیر نیشابور توسط سلجوقیان مردم بیهق حکومت سلجوقیان را به رسمیت شناختند ، فرقه ی باطنیه از قهستان به حوالی بیهق تاختند و قتل و نهب فراوان کردند (این واقعه مقارن سلطنت ابوشجاع محمد بن ملکشاه حدود سال ۴۹۰ هـ - ق روی داد) .

(۵۴) تاریخ بیهق ص ۲۷۲ .

(۵۵) میر محمد خاوند شاه (میرخواند) روضة الصفا دکتر محمد جواد مشکور ، ناشر کتابفروشی خیام ، تهران ، ۱۳۳۸ خورشیدی جلد ۴ ص ۴۵ .

(۵۶) ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی ، تاریخ بیهقی ، تصحیح دکتر

سلطان سنجر سلجوقی به نواحی بیهق و مردم آن توجه خاصی داشت (آثار باستانی باقیمانده از او همچون منارهی خسروگرد ، ذر ۵۵۵ و ... موید این مطلب است) وی در سفری با تمام لشکریانش پانزده روز در بیهق توقف نمود و پس از گرفتاری او به دست غزان آنان به بیهق هم آمدند و هفت روز شهر را در محاصره داشتند ولی نتیجه ای عاید آنان نشد .

ابن اثیر می‌نویسد که : " چون پایداری اهالی را در برابر خود مشاهده نمودند خواستار صلح شدند و درین محاصره از مردم سبزوار (۵۷) جز یک تن کشته نشد " . بعدها ناحیه بیهق تسلط خوارزمشاهیان را پذیرفت : " در سال ۵۶۱ در ماه محرم موید آ ای ابه ، بیهق را محاصره کرد و در پنجم ماه صفر ، پس از گروگان گرفتن از اهالی ، دست از محاصره برداشت و به نیشابور بازگشت ولی در سال بعد بار دیگر وی به محاصره سبزوار پرداخت و دو ماه پیوسته جنگ بود و درین وقت جماعتی از امرای خوارزم در سبزوار بودند ، چه اهالی سبزوار دم از اطاعت ایل ارسلان زده بودند و بالجمله هنگامی که جنگ و محاصره بر پای بود ، خوارزمشاه ایل ارسلان با لشکر فرا رسید و موید آ ای ابه مجدد به نیشابور بازگشت " (۵۸) .

عطا ملک جوینی مورخ مشهور در بارهی محاصره سبزوار توسط جلال الدین محمود فرزند ایل ارسلان می‌نویسد که : " مردم سبزوار مقاومت زیاد نمودند ولی بالاخره با شفاعت شیخ احمد بدیلی که از بزرگان صوفیهی این شهر بود ، موضوع به صلح گرایید " (۵۹) .

دنبالهی پاورقی از صفحهی قبل

فیاض و دکتر غنی ، ناشر کتابفروشی بیرق‌دار ، مشهد ، اولین چاپ ۱۳۲۴ خورشیدی ص ۳۷ .

(۵۷) تاریخ بیهق ، تعلیقات ص ۳۲۲ .

(۵۸) همان کتاب ، ص ۲۸۴ .

(۵۹) عطا ملک جوینی ، تاریخ جهانگشا ، اهتمام و غلط گیری ، محمد قزوینی ، ۱۳۳۴ هـ - ق جلد اول صفحات ۱۱۸ و ۱۳۸ و جلد ۲ صفحات ۱۶۰

تا اینجا ، اوضاع این منطقه بر ما روشن شد ، که روشنگر اصلی ، تاریخ بی‌هق است ولی چون اتمام نگارش آن کتاب ۵۶۳ هـ - ق می‌باشد دیگر تا سال ۶۱۷ که به سبب هجوم چنگیز به ایران ، سلطنت خوارزمشاهیان پایان می‌پذیرد ، منبعی که دقیقا در باره بی‌هق و سبزواری سخی داشته باشد وجود ندارد ، ولی از حمله مغول به بعد منابع فراوانی در باره اوضاع این شهر موجود است ، تا آنجا که عباس اقبال در تاریخ مغول و سایر تاریخ نویسان بازگو می‌کنند که : " در حمله مغول ، سبزواری مورد تهاجم تولى فرزند چنگیز قرار گرفت و عده‌ی زیادی کشته شدند که حدود هفتاد هزار نفر تخمین زده اند " (۶۰) .

عطا ملک هم ضمن تایید کشته شدن هفتاد هزار نفر از سبزواریان نویسد که : " پس از کشته شدن تغاجار گورکان در نیشابور ، نورکای نویان آنجا را با خاک یکسان نمود و بعد به سبزواری حمله نمود و پس از سه شبانه روز جنگ در سال ۶۱۷ سبزواری را گرفت " . پس از آن ، سبزواری تا ۶۳۷ زیر نظر جنتمور والی خراسان مامور از طرف اوکتای - قآن قرار گرفت و به دنبال وی ، شاهزاده طغای تیمور از بازماندگان مغول بر سبزواری فرمانروایی کرد تا قرن هشتم هجری قمری که سبزواری شاهد قیام رادمردانی است که علیه بیداد و ظلم حگام مغول بپا خاستند ، جانبازانی که دوست داشتند سر خود را بر دار ببینند ولی تن به زندگی نکبت بار نسپرند ، قیامشان قیامی راستین بود ، نهضتی بود وابسته به مردم و درویشانی که دوستدار علی و خاندانش بودند ، آنان همه در زیر علم سبز تشیع گرد آمدند ، خراسان را گرفتند و تا

دنباله‌ی پاورقی از صفحه‌ی قبل

۲۴ و ۲۵ و . . .

(۶۰) در چند دفعه تجاوز مغول ، خلقی بسیار در خون خود غلطیده‌اند بطوری که کوی گود انبار در زیرلخته‌های خون کشتگان غرق شده ، خون جاری شده‌ی از این کشتار ، در آب انبار پایین این کوچه انبار شده و به همین جهت به کوی گود انبار مشهور شده است .

مازندران پیش رفتند . نظر به اینکه این تاریخ سازان در استقلال سبزواری نقش موثری داشتند ، بجاست که توضیح بیشتری در باره‌ی آنها ارائه شود . (سربداران در ۷۳۸ هجری قمری در سبزواریت استقلال برافراشتند و تا ۷۸۸ در آن منطقه و نواحی مجاور حکومت کردند ، اینان پس از مرگ ابوسعید بهادرخان ، آخرین ایلخان مقتدر مغول در ۷۳۶ از باشتین قیام کردند) .

پطروشفسکی که کتابش انصافا دقیقترین نوشته است و **بارتولد** و سایر تاریخ نویسان هم گفتارند که : در آخر سال ۷۳۶ خواجه علاء الدین محمد هندو ، وزیر امیر شیخعلی حاکم منصوب طغا تیمورخان در خراسان ، عده‌ای را مامور وصول مالیات کرد و به اطراف و اکناف فرستاد ، از آن جمله گروهی را به سرپرستی خواهرزاده‌ی خود به (باشتین) اعزام داشت . این گروه ، ضمن شدت عمل و قساوت و بیرحمی حدّ اکثر مالیات را از مردم مطالبه می‌کردند . اجحافات و مظالم و کارهای بی رویه‌ی عمّال خواجه علاء الدین ، جان مردم را به لب رسانید ، از جمله توقّعات آن بوده که خواهرزاده‌ی وزیر از مردم محل شراب و شاهد^x بخواست و از دو تن از بزرگان قوم سربدار به نامهای حسن و حسین فرزندان حمزه در دادن شاهد و شراب اصرار ورزید ، این خواسته بدان حدّ بر دو برادر گران آمد که به نوشته‌ی عباس اقبال آشتیانی گفتند : " ما سر خود را بر دار ببینیم ، بهتر است که چنین ننگی را تحمّل کنیم " (۶۱) . به هر حال ایلچی را کشتند و چون این خبر به خواجه علاء الدین محمد رسید ، سخت بر — آشفّت و کسی را به دنبال حسن حمزه که برادر بزرگتر بود فرستاد ، اما وی و برادر و دوستانش به فرستادگان وزیر که در آن موقع در (فریومد) بود جوابی نامساعد دادند و چون درگیری با خونخواران مغول قطعی بود ، گرد هم آمدند و به رهبری امیر عبدالرزاق به جمع آوری قشون پرداختند و از اینجا قیام و نهضت سربداران شروع

× زیبا و خوبری .

(۶۱) تاریخ مغول ، جلد اول ص ۴۶۶ .

شد و امیر عبدالرزاق را به عنوان اولین امیر پذیرفتند و وی سلسله‌ای را بنیان نهاد که در اینجا شرح حال و وقایع دوران امارت وی و سایر سربداران به ترتیب مورد بحث قرار می‌گیرد .

پادشاهی امیر عبدالرزاق باشتینی

امیر عبدالرزاق فرزند خواجه فضل الله باشتینی که مردی محتشم بزرگ بود از جانب پدر به حضرت امام حسین (ع) و از جانب مادر به یحیی برمکی وزیر ایرانی هارون الرشید ، از پهلوانان باشتین بود و تازه از کرمان برگشته و از مرگ ابوسعید بهادرخان اطلاع داشت ، چون عمل حسن و حسین را شنید ، کار آنان را ستود و گفت ما را از کمک به مردم گریزی و یا گزیری نیست ، با جنگجویان و دلاوران باشتینی فرستادگان خواجه علاء الدین را از باشتین بیرون کرد (۷۳۷) . پس از آن ، وزیر در حدود پنجاه نفر دیگر را به باشتین فرستاد که مسببین واقعه را دستگیر کرده و به فریومد نزد وی ببرند اما عبدالرزاق آنها را در نزدیکی مغیثه شکست داد . عبدالرزاق پس از این کار ، اطرافیان را جمع کرده و گفت : " فتنه از این دیار برخاسته عظیم که اگر غفلت کنیم کشته خواهیم شد و به مردی سر خود بر دار دیدن ، هزار بار بهتر که به نامردی کشته شدن " .

خواجه علاء الدین محمد که دید دیگر نمی‌تواند به ظلم خود ادامه دهد ، بر آن شد که به والی خراسان پناه برد بلکه از تهدید برهد ولی عبدالرزاق سر راه بر او گرفت و وی را که از راه گرگان به خراسان می‌رفت به قول میرخواند در ۷۳۷ در دلاباد از کوهسارکبود جامه به قتل رسانید (۶۲) .

مطلب کوتاه که : امیر عبدالرزاق در ۷۳۸ هـ - ق بر سبزوار و توابعش مسلط شد و آنجا و جوین و اسفراین و خجند و بیار را تصرف کرد ولی در اواخر همان سال به دست برادرش امیر مسعود به قتل رسید ، علت این قتل این بود که عبدالرزاق می‌خواست دختر بیوه‌ی

خواجه علاء الدین یا به قولی دیگر عروس بیوهی او را که اسیر کرده به زور به ازدواج خود در آورد و برای آوردنش برادر خود مسعود را مامور کرد ولی او دست خالی برگشت ! و بر اثر این سرپیچی ، امیر عبدالرزاق شمشیر کشید که مسعود را بکشد ، اما وی پیشدستی کرد و عبدالرزاق را کشت (۶۳) . بوالهوسیهای مکرر عبدالرزاق و غرور او نیز عامل دیگری بر این قتل بود .

پادشاهی امیر وجیه الدین مسعود

امیر مسعود که مرد شجاع و با شهامت و جوانمرد بوده ، برای کسب استقلال و رهایی از یوغ حکومت بازماندگان مغول تلاش زیادی کرد و با پشتیبانی مردم در ۷۳۸ به پادشاهی رسید ، نخست در سال ۷۳۹ به نیشابور که تحت تسلط ارغونشاه بود حمله بسرد و او را شکست داد و شهر آباد نیشابور را تصرف کرد و بر اثر اعتبار این شهر که از جهت مرکزیت و انشعاب راهها در مسیر امور اقتصادی و تبادل علمی مشهور بود ، شهرت و عظمت یافت .

دوم آنکه طغاتیمورخان را هم که بر قسمتی از خراسان و همهی

(۶۳) همان کتاب ، جلد ۵ ص ۶۰۳ . (ضمنا میرخواند در ادامهی آن مطلب ، به تفصیل موضوع دیگری را مطرح می کند که تازگی دارد و برای جلوگیری از طولانی شدن آن برگزیده را گزیده و نقل می کنم ، او می نویسد : امیر عبدالرزاق خواست که دختر خواجه علاء الدین محمد را در حبالهی نکاح آورد ، دختر راضی نمی شد چه می دانست که غرض امیر از این وصلت آنست که با پسر او که جمال نیکو داشت اختلاط کند و . . . " . البته در تاریخ مشهور حبیب السیر تالیف خواند میر نوادهی میرخواند در صفحهی ۱۱۴ و هم در صفحهی ۲۲۴ کتاب گنج دانش اثر محمد تقی حکیم به نقل از حبیب السیر ، موضوع با کمی اختلاف در کلمات بهمین نحو آمده ولی در منبع دیگری چنین آورده — نشده است .

گرگان حکومت می‌کرد ، در کنار رود اترک در ۷۴۱ شکست داد و بدین ترتیب تمام مناطق اطراف در غرب و شرق سبزواری تا حدود هرات را گرفت . مولف تاریخ نگارستان در باب غلبه‌ی امیر مسعود بر طغلا- تیمور نوشته است که : " در یکروز با سه هزار کس مجهول ، هفتاد هزار سوار مغول را زیروزیر گردانید " . در این زمان رقیب سرسخت امیر مسعود به نام ملک معزالدین حسین از سلسله‌ی کرت^x ، از بیسم جان با سی هزار سپاهی به طرف سبزواری راه افتاد ولی پادشاه سربدار با پنجهزار جنگجو به جلو او شتافت و در حدود زاوه که یکی از دهستانهای بخش حومه‌ی تربت حیدریه است به او رسید و وی را شکست سختی داد ولی بر اثر تدبیری که بعداً ملک معزالدین به کار برد لشکریان امیر مسعود شکست خوردند (۶۴) و امیر مسعود که از جلو پادشاه سلسله‌ی کرت فرار کرده بود به قصد تصرف مازندران به آن صوب لشکر کشید اما در جنگلهای مازندران گرفتار شد و در رستمدر فیروزکوه در سال ۷۴۵ پس از شش سال و چهار ماه سلطنت به قتل رسید .

برخی از مورخین علت شکست امیر مسعود را از ملک حسین کرت ، اختلاف نظر وی با شیخ حسن جویری و کشته شدن احتمالی شیخ به فرمان او و جدا شدن طرفداران جویری را از لشکریان پادشاه سربدار می‌دانند . در اینجا لازم است به اختصار یادی از شیخ حسن جویری بشود :

شیخ حسن جویری از قریه‌ی جور از توابع نیشابور بوده است ، کمال الدین

x Kart یا AL-e KORT از نژاد غوریان و طبقه‌ای از ملوک شرق ایران بوده اند که پایتخت آنان هرات بوده است .

(۶۴) روضة الصفا ۶۱۵/۵ و تذکرة الشعراء - سمرقندی ، دولت‌شاه بن - بختی شاه - ۱۳۱۹ هـ - ق از صفحہ ۲۰۰ به بعد و چاپ بمبئی چاپخانه‌ی علوی ۱۳۰۵ (در جنگ بین پادشاه کرت و امیر مسعود ، ابن یمین شاعر آزاده نیز به‌مراه امیر بود که تفصیل آن در جلد بعدی و در محل شرح حال این شاعر سبزواری خواهد آمد) .

عبدالرزاق سمرقندی در باره‌ی او و مرشد وی شیخ خلیفه می‌نویسد (۶۵) " در ممالک مازندران درویشی پاکیزه روزگار بود شیخ خلیفه نام به خراسان آمده به سبزوار درآمد در مسجدی ساکن شد قرآن به آواز بلند خوش خواندی ، مردم بسیار معتقد و مرید او شدند و فقها انکار نموده از نشستن (در مسجد) منع می‌کردند شیخ خلیفه به سخن ایشان التفات نمی‌کرد و آن جماعت فتوی کردند به این صورت که در مسجد شخصی ساکن شده حدیث می‌کند و چون منعش می‌کنند منزجر نمی‌شود و اصرار می‌نماید ، این چنین کس واجب القتل باشد یا نی ؟ اکثریت نوشتند که باشد و فتوی عرضه داشت پیش سلطان ابوسعید فرستادند ، سلطان فرمود که متعرض خون درویشان نمی‌شوم ، حگام خراسان به موجب شریعت عمل کنند ، فقهای سبزوار چون جواب به ایشان رسید به جدّ تمام قصد شیخ خلیفه کردند و میان اتباع شیخ خلیفه و مخالفان نزاع کلتی قائم شد و در آن ایام شیخ حسن از قریه‌ی جور تحصیل علوم کرده به مرتبه‌ی مدرّسی رسیده بود ، یکی از شاگردان او حکایات غریب و کرامات عجیب از شیخ خلیفه نقل کرد ، شیخ حسن به صحبت او آمده مودّت به مریدی رسید و ترک درس گفته ملازم شیخ خلیفه شد و بدین سبب مریدان زیاده گشتند و منازعان در عداوت غلّو می‌کردند . در این اثنا بامدادی شیخ خلیفه را در مسجد از ستونی به حلق آویخته دیدند و خشتی چند در پای ستون بر یکدیگر نهاده چنان که شخصی به ریسمان خود را آویخته باشد و این حال بیست و دوم ربیع الاول سنه‌ی ست و ثلاثین و سبعمائه (۷۳۶) واقع شد و مریدان شیخ خلیفه تبع شیخ حسن گشتند و شیخ حسن به طرف نیشابور و مشهد سپس ابیورد و خبوشان و . . . رفت (۶۶) .

(۶۵) مطلع السعدین و مجمع البحرین - سمرقندی ، کمال الدین عبید - الرزاق - اهتمام دکتر نوائی ، عبدالحسین - ناشر کتابخانه‌ی طهوری ۱۳۵۳ خورشیدی (۱۴۶ تا ۱۵۴) .
(۶۶) همان کتاب ص ۱۴۸ .

پطروشفسکی در باره‌ی حسن جوری می‌نویسد که : " شیخ به فرمان ارغونشاه در راه قهستان و نیشابور در ناحیه‌ی بارز گرفتار و در دژی محبوس شد که جمعی از طرفدارانش هم قسم شده و او را آزاد کرده و به روایتی وجیه الدین مسعود سخما نسبت به آزادی او اقدام کرد ، وی می‌خواست از نفوذ شیخ حسن جوری در میان مردم استفاده کند و بسا وجود او قدرت خویش را استواری بخشد ، در آغاز کار شیخ حسن و وجیه الدین مسعود متّفقا "کاری کردند ولی بزودی بین ایشان اختلاف نظر پیدا شد ، طرفداران شیخ حسن که تندرو بودند شیخیان و اتباع امیر مسعود که میانه رو بود سربدار می‌گفتند " (۶۷) .

پادشاهی محمد آتیمور یا آیتیمور

هنگامی که امیر مسعود عازم مازندران بود یکی از غلامان پدرش به نام محمد آتیمور را به مقام نیابت خود در سبزوار انتخاب کرد و او به محض شنیدن خبر قتل امیر مسعود در جنگل رستمدر مازندران ، در سبزوار به تخت نشست ولی پس از دو سال ، یا یکماه زیادت بر اثر توطئه های خواجه علی شمس الدین کشته شد (جمادی الاول ۷۴۷ هـ - ق) .

پادشاهی کلواسفندیار (۶۸)

بعد از قتل محمد آتیمور ، سربداران به خواجه علی شمس الدین پیشنهاد کردند که مقام سلطنت را قبول کند ولی او نپذیرفت و به پیشنهاد وی کلواسفندیار که یکی از نوکران امیر مسعود بود بر-

(۶۷) پطروشفسکی ، نهضت سربداران خراسان ، ترجمه کریم کشاورز ، انتشارات پیام ، تهران ، چاپ سوم ، ۱۳۵۱ خورشیدی .
(۶۸) کلو (به ضم اول و دومین حرف) همان کلان به معنای بزرگی و مهمتر و اصطلاحی است که در سبزوار گفته می‌شود .

گزیده شد اما چون مردی ستمکار بود در ۷۴۸ به قتل رسید .

پادشاهی خواجه شمس‌الدین فضل‌الله

پس از کشته شدن کلو اسفندیار ، مجدداً به پیشنهاد خواجه علی شمس‌الدین ، خواجه شمس‌الدین فضل‌الله برادر امیر عبدالرزاق را که مردی سلیم‌النفس بود به عنوان نیابت خواجه لطف‌الله پسر صغیر امیر مسعود انتخاب کردند ، شمس‌الدین پس از هفت ماه حکومت چون از حرکت لشکریان طغاتی‌مورخان به طرف سبزوار آگاه شد از ترس سلطنت را وا گذاشت ، سربداران نیز چهار خروار ابریشم برای اداره‌ی امور زندگانی‌ش به او دادند ، وی در آخر سال ۷۴۸ از نیابت سلطنت کناره گرفت .

پادشاهی خواجه علی شمس‌الدین

بعد از کناره‌گیری خواجه شمس‌الدین فضل‌الله ، خواجه شمس‌الدین ، مشهور به خواجه علی‌چشمی که از ده چشم (به کسر اول و ضم دوم) دهستان گاه بخش داورزن است قدرت را به دست گرفت ، او بر مردم و ارکان و بزرگان نفوذ زیادی داشت به طوری که نصب و عزل پادشاهان ، امرا و صاحب‌منصبان دستگاه سربداری به دست او انجام می‌یافت ، وی قدرت معنوی و روحانی را با سلطنت درهم آمیخت . حتی رهبری دراویش را نیز بر عهده گرفت و از اعمال خلاف شرع شدیداً جلوگیری کرد . قدرت خواجه علی شمس‌الدین باعث شد که طغاتی‌مورخان از حمله به قلمرو سربداران چشم‌پوشد ، تا آنجا که هدایایی هم برای خواجه فرستاد و متصرفات خواجه مسعود را در اختیار او نهاد و مدعیان و سرکشانی همچون علی‌رمضانی کوتوال و قلعه‌بان توس و درویش‌هندو دامغانی مطیع او شدند . " مشهور است که بر اثر خست به یکی از ملازمین که مامور وصول مالیات هم بود و حیدر قصاب نام داشت و از حساب مالیات کسر آورده حرفی زشت ناموسی زد و وی -

خواجه علی را در اوایل سال ۷۵۳ کشت " (۶۹) .

پادشاهی خواجه یحیی کرابی

خواجه یحیی کرابی که نوشته اند دستور قتل خواجه علی شمس - الدین را صادر کرده بود پس از او به سلطنت سربداران رسید ، وی مردی ادیب بود و چون از ده کراب سبزوار برخاسته بود به کرابی مشهور شده است .

" مردم اطراف خواجه یحیی را گرفتند و وی قدرت فوق العاده ای یافت به طوری که توانست مدعیان سلطنت را درهم کوبد ، وی حیدر - قصاب را به سپهسالاری انتخاب کرده در زمان او سربداران مرتب بر قدرتشان افزوده می شد تا آنجا که به مازندران رفت و طغاتی مورخان را کشت و تمام نواحی مجاور را گرفت و از دامغان تا تربت حیدریه و تربت جام زیر فرمان او درآمد و ظاهر شریعت را به حدی رعایت می نمود که خوردن مشروب الکلی را از قلمرو خویش برانداخت و قریب پانصد زن فاحشه را کشت و . . . " (۷۰) .

خواجه یحیی در ۷۵۹ ، پس از حدود پنجمسال حکومت به دست برادر خود خواجه عزالدین علاءالدوله کشته شد و در همان حال وی نیز به دست یحیی به قتل رسید .

پادشاهی خواجه ظهیر کرابی

حیدر قصاب که پهلوان و سپهسالار خواجه یحیی بود ، پس از قتل وی ، برادر یا به قولی برادر زاده اش ، خواجه ظهیر را به سلطنت برداشت . خواجه پس از حدود یکسال چون نتوانست با حیدر که در اصل همه کاره بود کنار بیاید از سلطنت کناره گرفت و از مقر

(۶۹) حبیب السیر جلد ۳ صفحات ۳۶۲ و ۳۶۴ .

(۷۰) همان کتاب جلد ۳ صفحات ۳۶۴ و ۳۶۵ .

خود (روستای سنگ سفید) به کراب رفت .

پادشاهی پهلوان حیدر قصاب

پهلوان حیدر قصاب چشمی پس از قتل خواجه علی شمس الدین به سپهسالاری خواجه یحیی کرابی رسید و در زمان خواجه ظهیر الدین همه کاره شد ، پس از وی رسماً به تخت نشست و پهلوان حسن دامغانی را که از زمان امیر مسعود سربرداری جزء سران قشون بود به سپهسالاری انتخاب کرد ، ولی همین سپهسالار با کمک عده ای دیگر پهلوان حیدر قصاب را هنگامی که به سرکوبی شخصی به نام نصرالله باشتینی به سفر این می‌رفت کشت (۷۶۲) .

پادشاهی خواجه لطف‌الله

بعداً خواجه لطف‌الله پسر امیر مسعود سربرداری با کمک پهلوان حسن دامغانی و نصرالله باشتینی به سلطنت رسید اما پس از چندی بین او و پهلوان حسن دامغانی اختلاف بروز کرد ، پهلوان حسن ، خواجه را پس از یک سال و سه ماه سلطنت کشت .

پادشاهی پهلوان حسن دامغانی

پهلوان حسن دامغانی پس از قتل خواجه لطف‌الله به سلطنت نشست . در زمان او سه واقعه‌ی مهم روی داد : نخست همدستی درویش عزیز مجدی در طوس و صوفیه پیرو شیخ حسن جوری بود که سرانجام پهلوان حسن وی را گرفتار و به اصفهان تبعید کرد ، دوم رویداد جنگ پهلوان حسن با امیر ولی یکی از امرای دربار طغاتی‌مورخان بود که به شکست پهلوان حسن انجامید ، سوم ، هنگامی که پهلوان حسن در گرگان سرگرم جنگ بود ، خواجه علی موید یکی از پیروان درویش عزیز مجدی بر دامغان مسلط شد و نصرالله حاکم آنجا را بیرون کرد و به درویش

عزیز نامه نوشت ، او هم به دامغان آمد و با هم به طرف سبزوار حرکت کردند ، خواجه علی موید برای سر پهلوان حسن جایزه تعیین کرد ، پهلوان حسن را گرفتند و او را در اوایل ذیحجه ۷۶۶ به قتل رسانیدند و به حکومت چهارساله و چهارماهه‌ی او پایان دادند .

پادشاهی خواجه نعیم الدین علی موید

" پس از قتل پهلوان حسن ، خواجه علی موید که از امرای زمان امیر مسعود سربداری بود با کمک درویش عزیز در سبزوار پادشاه شد و چون مردی دیندار بود مورد توجه مردم قرار گرفت و سگه به نام خود کرد و دوستی خاندان پیامبر گرامی اسلام و اظهار مذهب تشیع را سر لوحه‌ی برنامه‌ی خود قرار داد (۷۱) " .

از رویدادهای مهم زمان سلطنت او یکی جنگ با غیاث الدین پسر ملک معزالدین حسین از پادشاهان آل کرت است که بر اثر آن در سال ۷۷۷ نیشابور از دست سربداران خارج شد ، دیگر ، جنگ با درویش رکن الدین از طرفداران شیخ حسن جویری بود که وی در سال ۷۷۷ به فارس رفت و از شاه شجاع آل مظفر کمک گرفت و با متحدانش از طرف نیشابور به سمت سبزوار حرکت کرد ، خواجه علی مقاومت نتوانست کرد ، پس به مازندران گریخت و درویش رکن الدین در ۷۷۹ در سبزوار حرکت کرد ، خواجه علی موید در مازندران از امیر ولی که ذکرش در جنگ با پهلوان حسن دامغانی رفت کمک گرفت و با لشکریانی به سبزوار برگشت ، رکن الدین گریخت و خواجه علی مجددا در سال ۷۸۰ بر سبزوار و قاین و ترشیز (کاشمر) و قهستان و گیلک مسلط شد و از دامغان تا سرخس را زیر نفوذ خود در آورد ، سپس از امیر تیمور گورکانی که با لشکریانی خونخوار و بی‌شمار به جانب خراسان حمله آورد ، در ۷۸۲ بر سرخس استقبال کرد و او را به جنگ با امیر ولی تحریک نمود ، گرچه امیر تیمور

امیر ولی را کشت ولی خواجه علی هم که به سپاه تیمور پیوسته بود در هویزه‌ی خوزستان تیر خورد و کشته شد ، جسدش را به سبزوار آورده و از ترس شیخیان جوړیه شبانه دفن کردند ، (۷۸۸ هـ - ق) .

خواجه علی موید مردی دانشمند و عاقل بود و طرفدار دانشمندان تا آنجا که شیخ شمس الدین محمد مکی (شهید اول) کتاب (لمعه دمشقیه) را که از مشهورترین کتب فقهیه است به نام او نوشت و از جهت تعظیم ائمه (ع) و ارادت وی به خاندان پیامبر گرامی اسلام در مطلع السعیدین نوشته شده است که :

" خواجه علی بر وجوه و دنانیر اسماء دوازده امام نقش نمودی و هر بامداد و شب اسب کشیدی به انتظار صاحب الامر و الزمان " .

نوشته اند که پس از کشته شدن خواجه علی موید امیر تیمور حکومت سبزوار را بر خواجه مسعود سربداری که برادرزاده‌ی خواجه علی موید بود قرار داد و حکومت نیشابور را نیز به خواجه جمال-الدین خواهرزاده‌ی وی سپرد ، در آن حال شیخ داوود سبزواری قیام کرد : ولی امیر تیمور بار دیگر بر سبزوار چیره شد و از کله‌ی متمردان مناره ساخت ، در این کشتار زیادی مردگان بدان حدّ بود که بر زندگان مجال تکفین نیامد .

خواجه علی موید بیش از هر یک از امرای سربدار ، نزدیک به ۲۲ سال فرمانروایی کرد و با کشته شدن او سلطنت سربداریه نیز پایان یافت .

مدت فرمانروایی سربداران از امیر عبدالرزاق اولین پادشاه این سلسله در ۷۳۸ تا کشته شدن خواجه علی موید دوازدهمین و آخرین امیر در ۷۸۸ جمعا پنجاه سال طول کشید .

در یک جمع بندی از مطالب نوشته شده در باره‌ی سربداران می توان به این نتایج دست یافت :

۱- از دید تاریخی و سیاسی : در عصری که رعب و ترس سپاه مغول و خاطره‌ی جنایات و آدمکشیها و غارت و ویرانی چنگیز و فرزنداناش بر دل ایرانیان سنگینی می کرد و هیچکس را یارای مقاومت

در مقابل لشکر جرّار و خونخوار تاتار نبود نهضت سربداران قیامی
عظیم ، پرارزش و حاکی از حسّ ملیّت خواهی و میهن دوستی و جنبشی
بر ضد ستم و زور بود ، به قول ملک الشعراء بهار :

سربداران دلیر تو از ایران کردند

ریشه‌ی دولت منحوس طغاخان تیمور^x

۲- دینی و مذهبی : گرچه تقویت و رسمیت بخشیدن مذهب
تشیّع را برخی از مورّخین ، از زمان شاه اسماعیل صفوی می‌دانند ولی
شروع آن را باید از زمان دیالمه و آل بویه و بویژه ترویج عملی آن را
به دست سربداریه دانست . . .

۳- آبادانی و عمران : بنای کوشک و قلعه‌ی نظامی سبزوار به
دست امیر مسعود به سال ۷۴۰ هـ - ق صورت گرفت . ساختمان مسجد
جامع سبزوار به احتمال زیاد در زمان سربداران ساخته شد و شاید
بنایش را بتوان به خواجه علی موید نسبت داد . عشرت آباد روستایی
در ۱۳ کیلومتری شمال شهر سبزوار را هم از بناهای خواجه علی شمس
الدین ششمین پادشاه سربداری می‌دانند و گویا قصری بوده که وی برای
عشرت خود ساخته ، این شعر ابن یمین گواهی بر آن است :

بیا تا عشرت آبادی چو خلد جاودان بینی

چو خلد جاودان کاین را بسی خوشتر از آن بینی
فضیلت بر بهشت او را تمام است اینکه گهگاهی

تماشاگاه عشرت ، جای شاه کامران بینی (۷۲)

این آبادی یا باغ و قصر در حال حاضر وجود ندارد ولی نزد محلیها به
هشت آباد معروف است . کلاته‌ی خواجه علی در ۳ کیلومتری آن را نیز
از بناهای خواجه علی موید می‌دانند . چون سبزوار درین زمان پایتخت
به شمار می‌آمد ، این شهر و حتی روستاهای آن در زمان سربداریه

x ابن یمین فریومدی ، دیوان اشعار ، ص ۵ از مقدمه ، انتشارات
سنائی سال ۴۴ .

(۷۲) دکتر محمود علوی نهضت سربداران در عهد تیموری ، (پایان نامه‌ی
لیسانس) ، دانشکده‌ی ادبیات مشهد ، ۱۳۴۰ .

آبادانی ، اعتبار و شوکت یافت و . . .

از بین رفتن خواجه علی موید باعث حکمرانی امیر تیمور و فرزندانش بر سبزوار شد و اگر گاهی هم جنبشی در این شهر پیدا می‌شد به دیگر نقاط گسترش نمی‌یافت تا نوبت به سلسله صفویه رسید .

جیمز داون انگلیسی در کتاب خود ضمن بیانی شیرین و داستان گونه ، در مورد سر سلسله صفویه آورده که : شاه اسماعیل صفوی بهنگام حرکت به خراسان به بیهق وارد شد و در حالیکه از مقاومت مردم این سامان بیم داشت ولی به علت شنیدن اینکه وی از ارادتمندان آل بیت عصمت (ع) است مردم سبزوار به استقبالش شتافتند و . . . (۷۳)

شاه محمد پدر عباس میرزا (شاه عباس اول) در ۹۸۹ هـ - ق بقصد جنگ با علی قلی خان و مرشد قلی خان والی خراسان که برای پادشاهی شاه عباس ، علیه محمد شاه پدر وی اقدام نموده بودند به این استان لشکر کشید ولی این دو ، عباس میرزا را به نام شاه عباس نامیده وی را در نیشابور سلطان خواندند و تا سبزوار چنان بشتاب پیش راندند که در اردوی محمد شاه بیم و هراسی ایجاد شد ، از طرفی همین که خبر کثرت لشکریان شاه به سبزوار رسید علی قلی خان و هوا خواهان شاه عباس به صوابدید مرشد قلی خان مضمم شدند از جنگ احتراز کنند و هر یک بولایت خویش برگردند و . . . ، شاه عباس در ۱۰۰۱ هـ - ق به خراسان لشکر کشید با عبدالمومن خان ازبک در نیشابور جنگید ، شاه عباس به آسانی آنجا و سبزوار را گرفت و . . .

در ۱۰۰۴ برای بار سوم شاه عباس به خراسان لشکر کشید و عبدالمومن خان را که در ۱۰۰۲ بخراسان تاخته بود تعقیب نمود و او به سبزوار رفت و مردم آنجا را قتل عام کرد و . . . (۷۴) .

(۷۳) عارف دیهیم دار : جیمز داون انگلیسی - ترجمه ذبیح الله منصوری - ۱۳۶۳ - ۶۸۹/۲ تا ۷۰۱ .

(۷۴) بررسی اهمیت تاریخی مناطق از یاد رفته شهرهای مهم خراسان (رساله) بزرگ نیا علی - دانشکده ادبیات مشهد سال ۵۴ صفحات ۳۲ و . . . (نویسنده رساله این قسمت را از جلد چهارم کتاب

اعتماد السلطنه (صنیع الدوله) در مرآت البلدان هم اشاراتی بر چگونگی چیره شدن اوزبکان بر سبزوار دارد و می‌نویسد که : " در اوایل جلوس شاه عباس ماضی در مملکت ایران اختلالی بوده ، عبد - المومن خان اوزبک بر سبزوار مستولی شده اهالی را تماما قتل نموده است " . در باره‌ی فرمانروایان سبزوار در پایان پادشاهی صفویه آورده اند که : " دختر سام بیک کرد زعفرانلو حاکم قوچان مورد خواستگاری شاه تهماسب (تهماسب میرزا) و هم نادرشاه قرار گرفت ، نادر با نیرویی در سه فرسخی خوشان منتظر ماند که شاه برای بردن عروس به قوچان می‌آید تا تکلیف خود را با وی یکسر کند ، در همین روزها ، شاهرودی بیک کرد شیخانلو که حاکم سبزوار و اسلحمدار شاه و از مخالفین نادر بود وارد قوچان شد و چند روز بعد شاه تهماسب نیز از مشهد برای عروسی به قوچان نزول کرد و جنگی بین تهماسب و نادر روی داد که بالاخره نادر پیروز شد " و . . . (۷۵) .

سید احمد کسروی در کتاب نادر شاه نیز آنچه را که درین هنگام بر سبزوار گذشته چنین آورده : " ملک محمود سیستانی که آوازه‌ی شورش مرو و رفتن نادر را شنیده برگشتنش را از آنجا نمی - بیوسید ، بخود نمایی آغازیده ، از مشهد تا جوبین پیش رفت ولسی چون دانست که در جلو دلیران نادری تاب ایستادن ندارد ، در جوبین ماندن نیارست و با شتاب خود را به مشهد رسانید " (۷۶) .

نویسنده‌ی تاریخ قومس مسیر حرکت نادر را برای حمله به اشرف افغان از راه نیشابور به سبزوار و سمنان معرفی می‌کند و

دنیالمی پاورقی از صفحی قبل

زندگانی شاه عباس چاپ دانشگاه تهران استفاده برده است) .

(۷۵) حرکت تاریخی کرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران
توحّدی ، کلیم الله - چاپخانه‌ی کوشش مشهد - ۱۳۵۹ صفحات ۱۸ - ۱۰۱
و ۱۰۹ . . .

(۷۶) نادرشاه - کسروی ، سید احمد - انتشارات بنیاد ، تهران - چاپ
دوم - ۱۳۴۴ خورشیدی صفحات ۱۷ ، ۱۵۳ و ۱۶۶ .

می‌نویسد به سال ۱۲۱۰ یعنی زمان حکومت آقا محمد خان قاجار فرمان -
روایی سبزوار در دست یک رییس غیلی چی (قلیچی) که از یک قبیله
ترک بود قرار داشت .

ژان گورمی فرانسوی در شروع سلسله قاجار می‌نویسد که : در
جریان سفر آقا محمد خان قاجار به مشهد و تاجگذاری وی ، اللهیار -
خان قلیچی حاکم سبزوار پانزده فرسنگ آقا محمدخان قاجار را استقبال
کرد و خود و سوارانش را در اختیار وی قرار داد و با خواهی قاجار
به مشهد رفت (۷۷) . از همین نویسنده در صفحه ۳۰۸ ترجمه کتابش
نیز می‌خوانیم : وقتی بدستور آقا محمد خان خواستند که شاه‌سرخ
(نوهی نادرشاه) را از مشهد به استرآباد منتقل کنند وی را سوار اسب
کردند و مستحفظین مسلح آقا محمدخان قاجار در جلو و عقب او بودند
و دژخیمی هم با مستحفظین همراه بود ، او مأموریت داشت که بعد از
این که به قصبه ای موسوم به مزینان رسیدند شاهرخ را بهلاکت رسانند
و با دستمال خفه کنند و بعد شهرت بدهند که وی چون پیر و علیل بود
زندگی را بدرود گفت . وقتی مسافری به مزینان رسیدند مرد سالخورده
را خفه کردند و شهرت دادند به مرگ طبیعی مرده است .

سبزوار در زمان فتحعلیشاه قاجار بوسیله علی یارخان مزینانی
یا اللهیارخان که حاکمی سرکش نسبت به آن شاه نبود تعمیر و آباد
گردید (۷۸) . سید حسن امین نیز می‌نویسد " که طی محاصره دوم
سبزوار به وسیله فتحعلیشاه در ۱۲۱۵ قمری ، اللهیارخان تسلیم شد
(۷۹) . میرزا محمد خان بیگلربیگی برادر سالار که حکمران منصوب از
طرف حسن خان سالار در سبزوار ، در زمان سلطنت ناصرالدین شاه و
امارت امیرکبیر بود پس از قتل سالار در ۱۲۶۶ قمری از سبزوار به

(۷۷) **خواجه تاجدار** : ژان گورم فرانسوی - ترجمه ذبیح الله منصوری
چاپ امیرکبیر ، ۱۳۶۱ خورشیدی جلد دوم صفحات ۲۹۶ و ۳۰۸ .
(۷۸) **بررسی اهمیت تاریخی مناطق از یاد رفتنی خراسان** : صفحه ۶۳
(۷۹) **احوال و افکار ملا هادی سبزواری** : دکتر سید حسن امین ، چاپ
انگلستان ، ۱۳۶۷ خورشیدی ، ۱۹۸۸ میلادی .

تهران فرستاده و به دم تیغ تیز جلاد سپرده شد (۸۰) .

جهانگیر میرزا فرزند عباس میرزا نایب السلطنه دربارهی سبزوار زمان قاجار ، این مطالب را در کتاب خود آورده است :

ارغون میرزا فرزند شجاع السلطنه که وی نیز فرزند فتحعلیشاه قاجار است بحکمرانی مطلق العنان سبزوار منصوب می‌شود ، وی بحرکات نالایق اقدام می‌نماید (۸۱) . به علت یاگیری خوانین خراسان ، فتح - علیشاه نایب السلطنه را بداتصوب فرستاد ، اردوی خان مغفور که میرزا ابوالقاسم قائم مقام نیز در مقدم بود از سبزوار گذشتند و نایب السلطنه لشکریان نظام و غیرنظام را در مشهد مقدس و نیشابور و سبزوار جابجا نمود و در حدود ۱۲۵۰ هـ - قامیرزاده‌ی قهرمان میرزا فرزند دیگر نایب السلطنه که حکمران سبزوار است وبا امیر - زاده خسرومیرزا که بقریه‌ی مزینان رسیده و منزل کرده بود به طرف مشهد رهسپار شدند

در ادامهی تاریخ نو آمده که " حسنخان حاکم منصوب از جانب سلطان مراد میرزا ، نوآبی به اطراف فرستاد ، از آنجمله حاجی میرزا محمد - خان برادر زاده‌ی او با جمعیت بولایت سبزوار آمد ، ارگ و شهر سبزوار را مضبوط نموده نشست " . و بالاخره جهانگیر میرزا می‌نویسد که : " سلطان مراد میرزا فرزند دیگر نایب السلطنه با لشکری بخراسان آمده متعرض شدن به سبزوار را صلاح دولت ندانسته راه ترشیز و جوبین را پیش گرفت ، چرا که سبزوار قصبه‌ی کوچک و خراب بود و زمستان یحتمل که توقف لشکریان در آن ولایت بطول می‌انجامید و بسبب کمی آذوقه تنگی برای لشکریان حاصل می‌شد " *

باستانی پاریزی : از حکمران خراسان ، میرزا محمدخان سپهسالار یاد کرده و نویسد : او که مدتها صدر اعظم مقتدر ناصرالدین شاه بود

(۸۰) حرکت تاریخی کرد به خراسان : صفحہ ۳۲۴ .

(۸۱) تاریخ نو : جهانگیر میرزا (پسر عباس میرزا نایب السلطنه) به سعی عباس اقبال - ناشر شرکت سهامی چاپ - ۱۳۲۷ خورشیدی صفحات ۱۴۷ - ۱۴۸ - ۲۰۰ - ۳۲۴ - ۳۳۱ .

در سال ۱۲۸۴ هـ - ق تا خسروگرد سبزوار به پیشواز شاه که به (خراسان سفر می‌کرده) آمده بوده است⁺ . دکتر باستانی پاریزی به نقل از خاطرات دکتر غنی وجود ناامنی و دزدی در روستاهای سبزوار را یاد آور می‌شود و می‌گوید که : هجوم ترکمانان تا نزدیکیهای مزیان سبزوار ادامه یافته و بر سر راه آنجا زواری را که با کالسکه به مشهد می‌رفته اند لخت نموده و اسارت زنان نیز از دیگر کارهای آنان بوده است (۸۲) (این امر به آخر حکومت قاجار مربوط می‌شود) . بهرحال سبزوار تا اوایل سلطنت دودمان پهلوی تحت حکمرانی شاهزاده‌ای از شاهزادگان قاجار قرار داشت^x و یا تابعیت از حاکم منصوب از طرف

دنبالهی پاورقی از صفحهی قبل

* سه نکته : نخستین ، رفتن سلطان مراد میرزا در یک سفر و جهت به ترشیز و جوین غلط می‌باشد زیرا که این دو ، در دو جهت مخالف قرار دارند (جوین در شمال و ترشیز ، کاشمر در جنوب سبزوار) مگر اینکه قانع شویم که اول به یکی و دوم به دیگری سفر کرده است ، دومین موضوع در دنبالهی همان جمله آمده که سبزوار قصبه کوچک و خراب و این نوشته نیز با توجه به گفتار ابوالفضل - بیهقی و امین احمد رازی و سایر تاریخ نویسان آورده شده است در قسمت اول این بخش و هم با توجه بر پایگاه و مرکزیت قراردادن تهماسب میرزا سبزوار را و تعیین حاکمان از طرف نایب السلطنه ها و سومین ، جملهی : صلاح ندانسته است که متعرض سبزوار شود مغایر است و همه ، دلیل بر آبادی و بزرگی و جمعیت زیاد این شهر بوده است .

+ این همان سفری است که ناصرالدین شاه در سبزوار به دیدار فیلسوف و حکیم سبزواری ، حاج ملا هادی رفته است (برای اطلاع بیشتر به جلد ۲ موضوع حاج ملا هادی مراجعه شود) .

(۸۲) هشت الهفت : دکتر باستانی پاریزی ، محمد ابراهیم - چاپ اول تهران ۱۳۶۳ چاپ آسمان - ناشر موسسه انتشارات نوین ۳۱ ، ۳۵۵ .
x به سندی که در قسمت بهداشت و بهداری سبزوار از محمد علی

والی خراسان را که زیر نظر دولت مرکزی بودند پذیرا می‌شد و این امر در زمانی بود که مرکزیتی در حکومت بوجود آمد ، حال هم طبق قوانین موضوعه همچون سایر شهرستانها به وسیلهی فرمانداری که برگزیده از سوی استاندار خراسان است اداره می‌شود .

دنبالهی پاورقی از صفحهی قبل

میرزا رکنی (رکن الدوله) که از شاهزادگان قاجار بوده و کلیشه شده و مهر حکومت سبزوار دارد ، در همین جلد مراجعه شود .

بخش دوم جغرافیای طبیعی سبزوار

پستی و بلندی : رشته ارتفاعاتی که در شمال، دشت جوبین را از جلگه‌ی اصلی سبزوار جدا نموده بطور کلی معروف به کوه جغتای می‌باشد و آن دنباله‌ی جنوبی ترین ارتفاعات سلسله جبال البرز است به رشته‌ی اصلی آن در شمال نیشابور (بینالود) وصل می‌شود. در جنوب سبزوار کوه میش وجود دارد که همان دنباله‌ی کوه‌های کومس یا قومس دامغان است و شهر سبزوار تقریباً در دره‌ای میان کوه‌های شمالی جغتای و طبس و کوه‌های جنوبی کومس واقع می‌باشد .

ارتفاع شهر سبزوار ، از سطح دریا را آمارنامه‌ی ۱۳۶۰ استان خراسان ۹۴۰ متر نوشته و در جغرافیای نظامی خراسان ۱۱۳۰ و هواشناسی سبزوار آن را ۹۷۷/۶ متر می‌داند . در فرهنگ جغرافیایی ایران نوشته شده که : " کوه جغتای از مشرق سبزوار به بینالود و از طرف غرب و شمال غربی شهرستان از گذار مییندر تا گذار ناوده و طبس^x در سه رشته مختلف موازی هم قرار گرفته اند و در هر منطقه اسم مخصوصی دارد ، مرتفعترین قلل آن اندقان (۸۳) و صد خروبه به ارتفاع ۲۳۷۳ متر است و این بلندترین قلّه‌ی سبزوار می‌باشد " (۸۴) . پس از گذار

x **مییندر :** (به ضم‌ی دوم و فتح دال) ، ناوده که همان نوده است با تلفظ محلی نوشته شده و مقصود از طبس مرکز دهستانی است در شمال شهر سبزوار .

طیس ، یکرشته کوه اصلی معروف به کوه طیس و اولر (به ضم اول و فتح سوم) تا سلطان آباد و زعفرانیه کشیده شده است ، در شمال خاوری زعفرانیه معروف به کوه جسته و در خاور سلطان آباد و شمال باختری نیشابور طغان کوه نامیده می شود ، دو رشته دیگر در شمال و جنوب رشته اصلی جغتای قرار دارند ، قسمت شمالی از گذار مبیندر به طرف خاور امتداد دارد و در جنوب باختری جغتای معروف به کوه کره می باشد و از گذار برگمد (به فتح اول و سوم و چهارم) بطرف خاور معروف به کوه اندقان است ، در قسمت باختر - یعنی کاهک و مزینان ، زواک (به ضم اول) نامیده می شود ، این کوه همانطور به سوی شرق و تا گذار جلمبادان (به کسر اول و فتح دوم ، روستایی بیلاقی ، آباد و پر جمعیت از براکوه جغتای معروف به بلند بارو) ادامه می یابد . رشته ارتفاعات دیگری که دشت جاجرم و اسفراین و صفی آباد را از دشت جوین جدا نموده به طول ۴۶ کیلومتر است که از ۴۷ کیلومتری شمال خاوری پل ابریشم (۸۵) شروع و تپه های کوچک و خاکی آن تا ۱۰ کیلومتری شمال خاوری حجت آباد کشیده شده است . بلندترین قله آن در شمال نقاب (۸۶) معروف به کوه مهار است ، رشته ارتفاع دیگری که در شمال دهستان بام معروف به کوه شاه جهان می باشد مرتفع است و صعب العبور ، رشته ارتفاع دیگری که در ۲۴ کیلومتری جنوب سبزوار واقع است و طول شمالی جنوبی تقریباً ۹۰ کیلومتر

(۸۴) فرهنگ جغرافیایی ایران : چاپ ۱۳۲۹ جلد ۹ صفحات ۲۰۷ و ۲۰۸ .

(۸۵) پل ابریشم : شاید نام درستی باشد ، زیرا که جاده ای ابریشم از روی این پل که در شمال شرقی شاهرود و شمال غربی سبزوار است می گذشته ، و یا به قول افضل الملک در کتاب سفرنامه خراسان و کرمان به علت باریکی به پل ابریشم مشهور شده است .

(۸۶) نقاب : مرکز امور اداری و کشاورزی و اقتصادی بخش جوین است و نغ آب ! که بر تابلو ایستگاه راه آهن آن نصب شده معلوم نشد به چه سبب و معنایی است (برای اطلاع از این آبادی به بخش آخر مراجعه شود) .

و عرضی ۴۰ کیلومتری دارد و بیش از ۷۰ رشته چشمه از آن جاری است همان کومش است که نامش گذشت (۸۷) .

معادن و منابع زیرزمینی سبزوار : از معادن پرارزش و فعال سبزوار که در تمام شهرستانهای خراسان ، بویژه مشهد شهرت و خریدار دارد ، سنگهای ساختمانی است و پس از آن از لحاظ اهمیت ، معادن کرومیت ، مس ، گچ ، آهک ، سرب و روی و سنگهای سخت برای استفاده در وسایل تزئینی و تسبیح است و . . . (۸۸) .

آب و هوای سبزوار (اوضاع اقلیمی شهرستان سبزوار)

آب و هوا یا به معنای وسیعتر ، اوضاع اقلیمی سبزوار را بایستی در سه عامل جوّ : درجه حرارت ، رطوبت هوا و جریان هوا ، بررسی کرد .

الف : درجه حرارت : ایستگاه هواشناسی سبزوار ، حداکثر درجهی حرارت را در ماه مرداد (سال ۱۳۳۸) ۴۵/۷ درجه بالای صفر و حداقل ۱۱/۵ درجه در بهمن ماه گزارش نموده است و میزان باران در سبزوار ناچیز و حدّ متوسط در سه سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۶ حدود ۱۲۰ میلیمتر بوده است و رویهمرفته سبزوار از مناطق خشک محسوب می‌شود (۸۹) .

اکنون باید بدانیم که : برای درک گرمی و یا سردی هوا و یا کلا دگرگونی درجهی حرارت یک منطقه نمی‌توان فقط یک یا دو سال را ملاک قرار داد ، بنابراین بعد از ۱۳۳۸ چند سال را در جدولی تنظیم و

(۸۷) **بام :** مرکز دهستانی است واقع در آخرین حد شمالی سبزوار به اسفراین ، ضمناً روغن گوسفندی شاه جهان ، از محصولات دامی مشهور این ناحیه است .

(۸۸) از جهت اینکه کانه‌ها در زیر زمین و بویژه در زیر کوههای هر منطقه نهفته شده اند در اینجا گذرا اشارتی شد ولی نقش مالی و اقتصادی ارزنده‌ی آنها در بخش چهارم به تفصیل خواهد آمد .

(۸۹) نتیجه‌ی تحقیقاتی از نگارنده است که ضمن مطالب دیگر در باره‌ی

تقدیم می‌دارد :

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۰	۱۳۶۶	۱۳۶۷	توضیح
حداقل درجه‌ی حرارت	-۱۳/۶	-۹/۵	-۱۱/۲	-۱۰/۸	ساعات سنجش حداقل درجه‌ی حرارت شبانه روزی معمولا ۶/۵ بامداد و ۱۸/۵ درنظر گرفته می‌شود .
حداکثر درجه‌ی حرارت	۴۱/۴۴	۴۱	۴۱	۴۲/۸	ساعات سنجش حداکثر درجه‌ی حرارت شبانه روزی معمولا ۱۲/۵ (ظهر) در نظر گرفته می‌شود .

(جدول شماره‌ی ۱)

گرم‌ترین ماه سبزوار تیر و مرداد با درجه حرارت معمولا ۴۳ درجه (است) در سال ۶۷ تیرماه ۴۲/۴ و خرداد ۴۲/۸ درجه بوده است) .
سردترین ماه سبزوار دی و بهمن با درجه برودت و سردی معمولا ۱۲-
درجه است (در سال ۶۷ ، بهمن ماه ۱۰/۸- درجه بوده است) .
توضیحات دیگری در این زمینه :

- ۱- جهت ورزش باد در سبزوار معمولا ۹۰٪ شرقی غربی و اثر آن پیدایش هوای معمولی است و اگر تغییر جهت داده و شمالی جنوبی شود ، باعث تغییر درجه‌ی حرارت و ریزش باران می‌گردد .
- ۲- حداکثر سرعت باد بطور متوسط بین ۳ الی ۴ متر بر ثانیه متغیر و در بعضی روزها ندرتا سرعت آن به ۱۰ الی ۱۲ متر بر ثانیه می‌رسد .
- ۳- سبزوار فاقد دستگاه پیش بینی و پیشگویی هوا است .
- ۴- در شهرستان سبزوار ۱۰ ایستگاه هواشناسی زیر نظر ایستگاه شهر سبزوار انجام وظیفه می‌کنند .
- ۵- فصل یخبندان سبزوار معمولا از اوایل آذرماه هر سال شروع و تا آخر بهمن و گاهی اسفند ادامه دارد و گرما از خرداد شروع و تا آخر شهریور طول می‌کشد .

دنباله‌ی پاورقی از صفحه‌ی قبل

سبزوار ، در ۱۳۴۶ تهیه و به فرهنگدوستان تقدیم شده است .

در باره‌ی آب و هوای سبزوار اظهارنظرهای متفاوتی شده است، مثلاً "منیع الدوله در مرآت البلدان ناصری نظر داده است که : " آب و هوای سبزوار نیکوست و گویند دوازده هزار قنات رو به قبله در بی‌هق جاریست و " (۹۰) . در فرهنگ جغرافیایی ایران آمده که : " چون شهرستان سبزوار در مناطق مختلفه در سه جلگه موازی هم قرار داشته و ارتفاع هر یک از آنها متفاوت است و درجه حرارت قسمتهای جلگه با کوهستان تفاوت زیادی داشته ، یعنی قسمتهای جنوب داورزن و اطراف کالشور^x ، در دهستان آزادوار و خسروشیر هوا گرم و در قسمتهای کوهستانی معتدل بسیار مطبوع بواسطه بارندگی ها و رطوبت هوا ، درختها و اشجار در اندک مدت رشد و نمو می‌نمایند " (۹۱) . در جلد اول طرح جامع و تفصیلی شهر سبزوار که به وسیله کارشناسان وزارت مسکن و شهرسازی تدوین شده و در شهرداری سبزوار موجود می‌باشد ، در بخش مسایل اقلیمی آن ، آب و هوای سبزوار چنین تشریح شده است : " هوای سبزوار گرم و بادی و آب‌هایش شور است و در معرض تحولات کویری قرار دارد . میزان متوسط باران سالانه ۱۶۳—میلیمتر و گرمای متوسط گرمترین ماه سال ۲۹/۴۷ درجه‌ی سانتیگراد می‌باشد ، فصل باران این منطقه‌ی اقلیمی همان فصل سرد یا زمستان است و در منطقه‌ی شهری سبزوار باد شرقی شدیدی می‌وزد" (۹۲) .

فرسایش ناشی از باد ، سبب پدید آمدن تپه‌های ماسه‌ای شده

(۹۰) مرآت البلدان ناصری ، جلد ۱ ص ۳۲۸ .

x کال شور در جنوب سبزوار است و دهستان آزادوار در شمال غربی، شاید در اینجا منظور مولف فرهنگ جغرافیایی ایران ، شورکال بوده که در جوبین است و یا بیشتر احتمال دارد بعد از کالشور (واو) عطف در چاپ نیامده است .

(۹۱) فرهنگ جغرافیایی ایران ، جلد ۹ ص ۲۰۷ .

(۹۲) فقط آب روستاهای نزدیک کال شور و بعض مناطق کویری کمی شور می‌باشد ولی آب بقیه‌ی نقاط سبزوار گوارا است ، ضمناً در فصل بهار و پاییز در این شهرستان باران می‌بارد .

است و فعالیت مهمی از جانب ادارهی منابع طبیعی به منظور تثبیت این تپه ها در جریان است و اراضی وسیعی جهت تثبیت شن زیرکشت گیاهانی مقاوم نظیر تاغ است (۹۳) .

از آنجا که شهرستان سبزوار در مناطق مختلف کوهستانی و سه دشت موازی هم قرار گرفته است ، حتی قسمتی از آن مجاور با کویر نمک می باشد ، آب و هوای مختلف و متنوعی دارد . با ژرف نگری در چگونگی پستی و بلندی شهرستان و وضع و امتداد برجستگیهای منطقه و در گودی قرار گرفتن شهر و تاثیر ایجاد جنگل مصنوعی (تثبیت شن روان) ، نواحی آب و هوایی سبزوار به چهار منطقه مشخص تقسیم می شود :

۱- منطقه ی شرق سبزوار ، کوهستانی ، دارای آب و هوای معتدل زمستانی سرد و تابستانی در حد اعتدال و

۲- منطقه ی جنوب سبزوار دارای دو ویژگی است ، الف : قسمتی که از شهر سبزوار شروع شده تا حد فاصل کومش و اندکی ممتد به شرق و غرب گرم و خشک ، دامنه های دو طرف کومش از هوایی معتدل و آبادیهای حاصلخیز و میوه زا برخوردار است ، از دامنه های پست کومش به بعد به طرف کاشمر ، هوایش گرم و بیابانی است . ب :

هوای جنوب شرقی و جنوب غربی شهرستان ، با کمی تفاوت اینگونه است : الف - جنوب شرقی کمی بهتر از جنوب غربی ، دارای زمستانی سرد و خشک ، نیمه صحرایی و تابستانی گرم است . ب - جنوب غربی که ادامهی کویر است دارای تابستانی خشک و زودرس و دیرپا و زمستانی سرد و خشک ، اختلاف درجه ی حرارت از فصلی به فصل دیگر و بین شب و روز زیاد است و از این جهت از خاصیت نواحی صحرایی برخوردار می باشد .

۳- منطقه ی غرب سبزوار که بیشتر آن نیز ادامهی کویر نمک است با جنوب غربی کمی تفاوت دارد ، به این معنی که : تا آنجا که رشته

(۹۳) جزوات طرح جامع و تفصیلی شهر سبزوار ، برای دههی ۵۵ تا ۶۵
اداره ی کل شهرسازی خراسان .

کوهها یا بلندیهایی با فاصله و بریده‌ی محلی و کم ارتفاع وجود داشته باشد هوایی معتدل دارد .

۴- ناحیه‌ی شمال سبزوار بیشتر کوهستانی و رویهمرفته دارای آب و هوایی معتدل می‌باشد ، که اگر شمال شرق و شمال غرب را از هم جدا کنیم باز هم چون امتداد کوهستانها هستند ، زمستانی سرد و تابستانی خوش آب و هوا دارند و از یک وضع پیروی می‌کنند اما حدود ۱۰ کیلومتر از طبس به سمت شمال ، بدور از رشته کوههای جغتای و طبس ، به دشت جوبین می‌رسد که تابستانی گرم و زمستانی سرد و بادهای سوزان دارد .

در دشتهای وسیع جنوب غربی و پهن‌دشت جوبین و کمی هم در جنوب شرقی ، پدیده‌های ، کمی باران ، جای داشتن در کناره‌ی کویر وجود زمینهای خشک و نداشتن درخت برابر نیاز ، باعث نامساعد بودن هوا شده است در عین حال آسمان پر ستاره و صاف و شبهای خاطره انگیز سبزوار در یاد ماندنی است (۹۴) .

ب - **رطوبت هوا** : می‌دانیم که رطوبت هوا ناشی از مقدار ریزش برف و باران و . . . یعنی نزولات جوی می‌باشد .

در گزارش کارشناسان وزارت مسکن و شهرسازی که حدودا در سال ۱۳۵۴ تهیه شده آمده است : حجم نزولات آسمانی بین ۱۶۰ تا ۱۶۵ میلیمتر در سال در سبزوار می‌باشد ، مطالعه‌ی قسمت آب و هوای سبزوار در این گزارش نشان می‌دهد که معدل نزولات آسمانی بین سالهای ۱۳۴۳ تا ۴۶ حدود ۱۲۰ میلیمتر بوده است . بازهم به جدول زیر که نشان دهنده‌ی مقدار بارش چند سال می‌باشد توجه می‌کنیم :

سال	۱۳۵۵	۶۰	۶۲	۶۳	۶۶	۶۷	توضیح
بارندگی برحسب میلیمتر	۲۴۳/۷	۲۷۷/۹	۱۰۳	۲۲۶/۳	۲۸۹/۳	۲۱۹/۷	کم باران ترین ماه مرداد با ۵/۶ میلیمتر ، پر باران ترین ماه سبزوار اسفند با ۸۵ تا ۹۰ میلیمتر .
(جدول شماره‌ی ۲)							

در جدول زیر به رطوبت حاصله از برف و باران اشاره می‌شود :

سال	۱۳۵۵	۱۳۶۰	۱۳۶۶	۱۳۶۷	توضیح
حداقل	۳۰٪	۲۶٪	۲۷٪	۹٪	۱- معمولا بیشترین رطوبت هوای سبزوار در ماه‌های دی و فروردین به ترتیب ۹۷٪ و ۹۹٪ است .
حداکثر	۵۰٪	۵۸٪	۸۴٪	۹۹٪	۲- آخرین عدد آمده در ردیف حداکثر که ۹۹٪ است مربوط به فروردین ۶۸ می‌باشد .

(جدول شماره ی ۳)

پ - جریان هوا : سومین عامل موثر در گرما و سرما ، جریان هوا ، وزش باد و جهت آن است .
 سرعت باد در سبزوار گاهی به ۴۰ متر بر ثانیه می‌رسد و باعث آشوب و دگرگونی هوا و حرکت شدید و خطرناک شنهای روان می‌شود (۹۵).
منابع آب : رودها ، قنات‌ها ، چشمه سارها و بالاخره چاههای عمیق و نیمه عمیق ، منابع آب یا به اصطلاح آبده هایی هستند که یک شهر و یا منطقه و . . . از آنها مشروب می‌شود . (برای دانستن این آبده ها به اطلاعات کسب شده از اهل تحقیق و مورخان توجه شود)
 در فرهنگ جغرافیایی ایران می‌خوانیم که : رودهای بیلاقی سبزوار بهادران ، آبرود ، مهر ، صد خرو ، بفره ، ریوند ، طبس ، برغمد ، شواج و کمیز است (۹۶) .

پاورقی از صفحه ی قبل

(۹۴) برداشت و تجویه و تحلیل نگارنده از مطالعات و تحقیقات به عمل آمده است .

(۹۵) برای پی بردن به چگونگی جهت و سرعت باد در سبزوار به توضیحات ۱ و ۲ در قسمت درجه حرارت سبزوار که یادشرفت مراجعه کنید .

در کتاب آثار باستانی خراسان آمده که : " سبزوار مشتمل بر ۳۶۷ پاره آبادی است که قسمتی از آنها با آب رودهای بیلاقی آبیاری می‌شود و بقیه از آب قنوات زراعت می‌گردد ، مولف در ادامه‌ی آن می‌نویسد که ، رودخانه‌ی مهم دائمی در نواحی سبزوار نبوده کلیه‌ی آنها ، بهارآبه و در موقع بارندگی سیلی از آنها جاری می‌شود و فقط رودخانه ای که معروف به کال شور است همواره آب از آن جاری است و بواسطه عبور از زمینهای نمکزار و گچ و معادن دیگر قابل شرب نبوده بقدری تلخ و شور است که بعضی اشخاص از آب آن املاح سولفات دوسود جمع آوری می‌نمایند ، در مواقع طغیان بواسطه هموار بودن زمین اطراف عرض رودخانه به یک کیلومتر می‌رسد . رودخانه‌ی دیگری معروف به شور کال از کوههای نیشابور سرچشمه گرفته در خاک جوبین از شمال آبادیها عبور و پس از طی ۱۴۴ کیلومتر در شمال امیرآباد از خاک جوبین خارج و داخل جاجرم می‌شود ، این رودخانه بهارآبه بوده و هیچگونه استفاده زراعتی نمی‌دهد " (۹۷) .

جدول آماری زیرتعدادی چاههای عمیق و نیمه عمیق شهرستان سبزوار را نشان می‌دهد :

دشت	سطح کل زیرکشت	میزان بارندگی	چاههای عمیق	تخلیه سالانه	نیمه عمیق	تخلیه سالانه
سبزوار	۸۰۰۰	۲۲۲ میلیمتر	۲۲۰ حلقه	۱۸۵۵۰۵ مترمکعب	۱۳۶ حلقه	۲۵۲۳۷ مترمکعب
داورزن	۹۲۵۰	۲۲۰ میلیمتر	۳۵ حلقه	۲۴۹۴۸ مترمکعب	۲۰ حلقه	۶۶۵۳ مترمکعب
جوبین	۶۱۲۰	۲۸۵	۴۰۷	۲۳۱۲۳۸	۷ حلقه	۶۶۲ مترمکعب (۹۸)

(جدول شماره ی ۴)

پاورقی از صفحه ی قبل

(۹۶) فرهنگ جغرافیایی ایران جلد ۹ ص ۲۰۸ (۲) یادآوری در این مورد لازم است : نخست آنکه رودها از کوههای سفید و اندقان سرچشمه می‌گیرند و آبادیهای مسیر را مشروب می‌کنند و دوم آنکه شواج و کمیز

در سال ۶۴ در دشت سبزوار ۲۴۰ حلقه چاه عمیق و ۱۴۰ حلقه نیمه - عمیق ، در دشت داورزن ۴۰ حلقه چاه عمیق و ۳۰ حلقه نیمه عمیق و در دشت جوبین ۵۰۰ حلقه چاه عمیق و ۲۰۰ حلقه چاه نیمه عمیق فزونی یافت (۹۹) .

در طرح جامع و تفصیلی شهر سبزوار آمده که : " رود کال شور از نیشابور می‌آید و به کویر مزینان منتهی می‌شود ، از دشت جنوب سبزوار در جنوب شهر بفاصله شاید ۶ کیلومتر و بیشتر عبور می‌کند طول این دشت حدود ۱۵۰ کیلومتر و پهنایش نزدیک به ۳۰ کیلومتر است " (۱۰۰) . و اما بجاست بدانیم که : در ۱۳۶۲ سبزوار دارای ۶۸۴ قنات و ۸۶ چشمه بوده است .

برای روشنی مطلب ، چون اصولا بایستی میزان برداشت از سفره - های آبی متناسب با ذخیره سفره باشد بنابراین چنانچه حفر چاه بی‌رویه انجام بگیرد موجب افت آب در سفره خواهد شد و نهایتاً

دنیای پاورقی از صفحه قبل

هر دو با ضم حرف اول دو آبادی از بخش داورزن هستند) .
(۹۷) آثار باستانی خراسان ص ۳۶۰ (اضافه می‌نماید لغت کال Kal که در ادبیات پارسی معناهای مختلف دارد و از آن معانی مسیل و زمین شکافته ، در خراسان به ۲ معنا آمده است ، ۱- خام و نارس ۲- مسیر سیل و یا زیادی آبهای رودخانه و . . . که چون این ورودیها همیشه نیست پس خام و ناکامل می‌باشد) .

(۹۸) این آمار مربوط به سال ۶۲ است و گرفته شده از : **آمارنامهی سال ۶۲ استان خراسان ، ص ۷۲ .**

(۹۹) **آمارنامهی موجود در آب منطقهی خراسان در سال ۶۴ (اگر آخرین سال نوشته نشده ، به سبب این است که حفر چاه جدید ممنوع شده پس این آخرین آمار است و تغییراتی نداشته) .**

(۱۰۰) **آمارنامهی استان خراسان : سال ۶۲ ، ص ۷۳ (یادآوری نکته ای ضروری به نظر می‌رسد و آن اینکه : حدود ۱۲۰ حلقه چاه با آبکشی کم هم برای کوره های آجرپزی و مرغداریها حفر شده .**

اختلافاتی در سبزوار بوجود خواهد آمد بویژه در سبزوار که نزولات آسمانی کم می‌باشد برداشت بیش از این ذخیره‌ی آب تحت الارضی صلاح نیست و بجای آن استفاده از آبهای سطحی و رودخانه ها ضروری می‌باشد .

آب شرب اهالی شهر سبزوار همه از قنات‌ها و چاههایی که اسامی آنان خواهد آمد تامین می‌شود . این منابع تامین کننده‌ی آب مصرفی ساکنان شهر همگی شیرین و کوارا و خالی از املاح مضر است

- ۱- قنات قصبه همگی مدارها و تمام آبدهی آن ۲- قنات عبدالرحمان نیز همگی و تمامی آب آن ۳ و ۴- نه حلقه چاه عمیق در دشت کسکن و پشت کلوت . ۵- قنات عمید آباد ۳۶ ساعت از مدار ۱۲ شبانه - روز ۶- قنات دهر از در تابستان بیش از صد ساعت از گردش یازده شبانه روز و یکروز ۷- منبع جدیدی که نزدیک به بهره برداری است از چاههای عمیقی است که در بفره حفر شده که پس از پایان لوله کشی و سرازیر شدن آب آن به شهر (ان شاء الله) آب شهر تامین می‌شود (۱۰۱)

خوب است مطالبی برگزیده از پیشینه و وضع حال شبکه لوله - کشی آب شهر بدانیم : شبکه‌ی لوله کشی در سه نوبت با لوله چدنی ابتدا توسط سازمان بهداشت و در مرحله‌ی دوم وسیله‌ی شرکت گذار و در مرحله‌ی سوم به سعی شرکت خارکو ، انجام شده است . الکتروپمپ سه دستگاه هر یک به قدرت ۱۰ اسب و ۱۵ آمپر و تعداد مشترکین فعلی شهری (پایان سال ۶۸) بیش از ۲۴ هزار است که با توجه به تعداد ۱۵۰ هزار نفر ساکنین شهری جز عده‌ی کمی بقیه‌ی اهالی مستقما از آب لوله کشی استفاده می‌کنند و آب بها معمولا هر هتر مکعب ۴ ریال و برای مصرف گرمابه و امور صنعتی و . . . ۲/۵ ریال

(۱۰۱) قناتهای قصبه ، عبدالرحمان و عمیدآباد تقریبا وصل به شهر و در شمال آن قرار دارد ، کلوت هم با فاصله ۵ کیلومتر در قسمت شمال ، دهر از (با کسر حرف اول) در شمال غربی و وصل به شهر ، کسکن در حدود ۱۴ کیلومتری مغرب شهر و بفره (به فتح اول و سوم) روستایی در حدود ۲۵ کیلومتری مغرب شهر قرار دارند .

در هر متر مکعب است .

جنس خاک سبزوار : جنس خاک سبزوار بویژه در جنوب و جنوب - غربی شهرستان به علت اینکه این قسمت بازمانده‌ی دریای بزرگ ته - تیس می‌باشد دارای موادی ته نشسته از رسوبات آن است و با وجود کویر و دشتهای شوره زار در صورت داشتن آب برای کشت غلات و پنبه و زیره و جالیز و چغندر ، کنجد و کرچک و . . . و درختانی همچون پسته و سنجد و . . . مساعد می‌باشد ، این وضع برای دشت وسیع و زرخیز جوبین نیز مصداق دارد و جنس خاک سایر مناطق شهرستان برای کاشت و برداشت هر نوع درخت و محصول ویژه منطقه جالب می‌باشد . جنس کوههای این منطقه مجموعه ای مخلوط و درهم کرتاسه است . در قسمت شمالی روستاهای مهر و . . . (در شمال غربی شهرستان) مارنهای سبز ماسه سنگ و یا از باندهای ژیبسی پوشیده شده که ضخامت این لایه ها حداکثر به ۱۰ متر می‌رسد و در ادامه‌ی آن به طرف مغرب که به کوههای جفتای برسیم ماسه های سنگ ژیبسی دار و کنگلومرا دیده می‌شود و در قسمت جنوبی شهرستان سبزوار توفهای ماسه ای . . . (۱۰۲) .

پوشش گیاهی سبزوار : با توجه بر اینکه عواملی مانعند موقعیت ، عوامل آب و هوایی ، منابع آب همچون وجود رودها ، قنوات آبده های موثر و بارش و بالاخره جنس خاک در پوشش گیاهی هر منطقه موثر است و متأسفانه بیشترین زمینهای شهرستان سبزوار که در حاشیه کویر واقع شده نامساعد و کم آب می‌باشد ، دارای پوشش گیاهی کم و متراکم است و تعدادی هم اگر چمنزارها و یا علوفه زارهایی برای چرای چهارپایان ایجاد گردیده وسیله‌ی خود مردم ، آن هم با زحمتی

(۱۰۲) اسناد موجود اداری کل صنایع و معادن خراسان ، سال ۵۷ (ضمنا اشارتی در حدّ نیاز بر اصطلاحات زمین شناسی این قسمت لازم است) : کرتاسه به دوره‌ی سوم از دوران دوم زمین شناسی گویند ، مارنهای سبز نوعی از سنگهای رسی است و ژیبس به سولفات کلسیم آبدار یا سنگ گچ و کنگلومرا سنگهای بهم چسبیده را گویند .

فراوان و هزینہی زیاد دایر گردیده است .

تثبیت ماسه‌ی روان^x : پیدایش توفانهای خانمان برانداز و جابجایی شدید و خطرناک شنهای روان در حاشیه‌ی کویر ، باعث وجود باران سهمگین ماسه ها می‌شد که ارتفاع آن در بعضی از قسمتها به ۶ متر می‌رسید (۱۰۳) و عوارض ناشی از آن منجر به ترک روستاها و کوچ به شهرها و بسته شدن راههای روستایی و نرسیدن مواد اولیه‌ی کشاورزی و دامی و صنعتی به شهر می‌گردید ، حتی گاهی به مجرد وزش باد ، ستونی از خاکهای رنگارنگ آن نواحی به داخل شهر می‌آمد و روز مردم را همچون شب تار می‌کرد که آخرین نمونه‌ی آن در فروردین ماه ۱۳۶۴ خورشیدی ، دید و بازدیدهای عید را متوقف کرد (۱۰۴) . این امور باعث شروع فعالیتهایی به منظور تثبیت شن یا ماسه‌ی روان در مناطق کویری این شهرستان شد و حارث آباد مرکز تثبیت ماسه برای منطقه ای به وسعت ۵ هزار هکتار تعیین گردید و به ترتیب

x برگزیده ای از نوشتار این قسمت ، برداشت از پایان نامه‌ی سلیمان بیهقی ، مدرسه‌ی عالی کشاورزی همدان ، ۱۳۵۵ می‌باشد که در همه جا (شن روان) ذکر شده بود همچنان که گفتارهای رادیویی و تلویزیونی نیز در حال حاضر ، این اصطلاح را تایید می‌کند . اما بنا به یادآوری دوستی ، نقل از گفتار آقای دکتر محمودی استاد دانشگاه تهران تبدیل به (ماسه) شد .

(۱۰۳) شنهای انباشته ، ناشی از جابجایی ماسه‌ی روان در بعضی روستاهای جنوب غربی سبزوار همچون مسکن و . . . بدان حدّ بود که در منازل بسته می‌شد و اهالی ناگزیر از روی تپه‌ی ماسه های روان به پشت بام و از آنجا به داخل منزل می‌رفتند .

(۱۰۴) ناگفته نماند : همانطور که از اسم این شهر برمی‌آید روزگاری فضای اطراف این شهر و دهکده های دور و نزدیک آن را جنگلهای سبز و انبوهی پوشانیده بوده و پیران قوم نیز خاطراتی در تایید این موضوع داشتند و هنوز هم جنگلهای طبیعی متراکم ، در فواصل دور جنوب و جنوب غربی سبزوار وجود دارد .

قدمت به روستاهای دولت آباد ، یحیی آباد ، برآباد ، نامن ، کلانه - میرعلی ، چوبین و صبری کشانده شد ، حدّ شرقی میدان فعالیت ، یحیی آباد شامکان هم مرز با نیشابور است و حدّ غربی آن شامل روستای بادقوس یا بادغیس ، بعد از صدخرو و در جنوب غربی خوار و توران که تاغ طبیعی و مصنوعی در کنار هم دیده می‌شود و در جنوب شرقی هم تپه های صبری تا بردسکن و مرز کاشمر به حدود ۱۳۰ کیلومتر تعیین شده است (۱۰۵) .

برابر طرح تفکیک انفال تا پایان شهریور ۶۳ ، مرتع غیر مشجر ۲۱۵۵۲۸۵ هکتار ، مرتع مشجر ۹۸۳۷۵ هکتار ، کشتزار جنگلی ۶۱۰۰۰ هکتار و مجموع ۲۳۱۴۶۶۰ هکتار بوده و از آن زمان تا ۱۳۶۹ چندان تغییراتی نداشته است .

زندگی جانوری : با عنایت به اینکه پیدایش ، زیست و تکثیر حیوانات به عواملی از قبیل : وضع طبیعی ، بویژه موقعیت ، پستی و بلندی ، آب و هوا و پوشش گیاهی بستگی دارد ، وجود درختان تاغ و . . . در جنگل مصنوعی سبزوار (محدودی تثبیت شن روان) باعث محیطی مساعد و تغذیه‌ی حیوانات چرای می‌شود و نیز سبب وجود و تکثیر حیوانات خاص اینگونه محیطها امثال گرگ و . . . می‌گردد . در جدول شماره‌ی (۵) اسامی این حیوانات و تعداد آنها را در سال ۱۳۶۵ می‌توان ملاحظه کرد .

(۱۰۵) حارث آباد (زادگاه ابوالفضل بیهقی) در ۹ کیلومتری جنوب شهر ، دولت آباد ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی ، یحیی آباد ۴۵ کیلو - متری جنوب شرقی ، برآباد ۴۰ کیلومتری جنوب غربی ، نامن در ۲۷ کیلومتری غرب ، کلانه میرعلی ۶۰ کیلومتری جنوب غربی ، چوبین ۶۰ کیلومتری مغرب و بالاخره صبری در ۹۵ کیلومتری غرب سبزوار واقع شده اند

× ادارهی حفاظت محیط زیست سبزوار ، ۱۳۶۵ .

مستطه	نوع آب وهوا	نام گونه‌ی جانور	تعداد	توضیح
قلعه نو روداب	بیابانی (گرم و خشک)	آهو	۳۶۵ راس	۱- کل (به فتح اول) نام حیوانی است نر ، از نوع آهو .
دشت بهار- آباد- محمد- آباداریان	بیابانی و دامنه (گرم و خشک)	آهو	۱۴۰ راس	۲- در این جدول فقط آمار جانوران وحشی آمده و حیوانات اهلی در جای خود خواهد آمد. ضمناً احتمال دارد در حال حاضر ، تعداد بیش از اینها باشد .
کود افیر (به فتح همزه) وکلانته ناصری مسکن ، مزینان و...	بیابانی (گرم و خشک)	آهو	۷۴۰ راس	
دامنه های - الر، غلامان، شیر احمد و...	بیابانی (سرد و خشک)	آهو	۲۷۵ راس	
کوههای قلعه نوروداب ، زرد کوه ، کوه شملق و ...	کوهستانی (سرد)	قوچ ، میش و کل	۶۲۰ راس	
جمع کل جانوران منطقه سبزوار	کل نواحی گرم و سرد	وحشی	۲۱۴۰ راس	

(جدول شماری ۵)

بخش سوم جغرافیای انسانی سبزوار

الف : تحول جمعیتی سبزوار (به مدد روایات و آمار) : ترکیب و
گسترده‌گی ، رشد و کلاً زیادی یا کمی جمعیت بستگی کامل به عواملی
همچون عوامل طبیعی و اقتصادی مانند : موقعیت ، وضعیت ، پستی
و بلندی ، آب و هوا ، مقدار بارش ، سفره های آب زیرزمینی نحوه
و مقدار بهره برداری از آن (برای نوشیدن ، کشاورزی و یا صنعتی)
چگونگی زمین ، خاک مساعد و یا نامساعد و امکانات یا عدم امکانات
آسایشی و رفاهی دارد . این عوامل با تنوع ویژه ای در شهرستان
سبزوار بچشم می‌خورد ، مثلاً قسمت جنوبی و جنوب غربی سبزوار که
در حاشیه‌ی کویر قرار دارد با توجه به افزونی مساحت ، دارای آبادی
کمتر و نتیجتاً جمعیت کمتری هم هست ، قسمت شمالی شهرستان و
تماماً بخش حومه بویژه قصبه‌ی شمالی بر اثر موقعیت خوب ، هوای
مساعد و برخورداری از منابع آبی زیرزمینی و سطحی ، همچون چشمه
سارها ، دارای جمعیت بیشتری است . از اینروست که مراکز عمده‌ی
سکونت جمعیت روستایی سبزوار در دره های کوهستانی و در مجاورت
سفره های آب زیر زمینی و یا در پای کوهها و جلگه های آبرفتی
حاصلخیز واقع شده است .

همانطور که قبلاً اشاره شد ، سبزوار از دوره‌ی پایانی ساسانیان
مطرح بوده ولی از آن عهد و دوره های دیگر هیچگونه آگاهی از جمعیت
این شهر نداریم ، اما فقط مولف تاریخ بیهق در زمان حمله‌ی حمزه بن-
آذرک خارجی (۲۱۳ هـ - ق) به سبزوار متذکر می‌شود که : " وی در

سبزوار زیادت از سی هزار مرد و کودک پسرینه بکشت " (۱۰۶) .

به هنگام حمله نورکای نویان (نورکای نوین) جانشین تغاجار داماد چنگیز به سبزوار آمده است که : " وی هفتاد هزارنفر اهالی شهر را به قتل رسانده است " (۱۰۷) .

در زمان سربداران ، جمعیت این شهر به خاطر مرکزیت آن افزوده می شود ، به گفته‌ی عبدالرفیع حقیقت : " سی هزار تن و با بخشهایش ۳۰۰ هزار تن جمعیت داشته است " (۱۰۸) .

سیر نزولی جمعیت سبزوار بر اثر کشتار همگانی و بیرحمانه‌ی تیمور را ، در دومین حمله‌ی خود می‌توان دید زیرا که وی ۹۰ هزار تن را به قتل رسانید . بازسازی و آبادانی شهر در زمان صفویه شروع شد و این امر باعث گردید که مردم از اطراف به این شهر روی آورند .

افغانها در مسیر عبور خود به طرف اصفهان ، به سبزوار حمله کردند و بسیاری از مردم را کشتند .

نادر شهر را آزاد کرد ، اما دیگر بر اثر حملات مکرر گذشته ، این شهر نتوانست کمر راست کند .

لرد کرزن می‌نویسد : " در قرن نوزدهم میلادی به هنگام تجدید بنای سبزوار ، به وسیله‌ی اللهیارخان قلیچی ، حاکم طاغی زمان فتحعلیشاه ، شهر فقط دو هزار تن جمعیت داشته " و این وضع شاید زائیده‌ی حملات به شهر و فرار شهریان به جاهای دیگر بوده است (۱۲۲۰ هـ - ق) و حدود ۵۰ سال پس از آن ، ساکنان این شهر تاریخی به مرز ۳۰ هزار نفر می‌رسد (۱۰۹) . ولی به طوری که در سفرنامه‌ی از خراسان

(۱۰۶) تاریخ بیهقی ، ص ۴۵ .

(۱۰۷) تاریخ مغول ، عباس اقبال و . . .

(۱۰۸) عبدالرفیع حقیقت تاریخ سربداران ص ۱۲۳ .

(۱۰۹) در کتاب ایران و قضیه‌ی ایران نوشته‌ی لرد کرزن در ۱۸۹۲ میلادی ، ترجمه‌ی مازندرانی ، ص ۳۵۹ جمعیت سبزوار را در آن زمان چنین می‌نگارد : قبل از قحطی جمعیت سبزوار ۳۰ هزار نفر ، بعد تا ۱۰ هزار و حالا (شاید ۱۸۹۰) بیش از ۱۸ هزار نفر است .

تا بختیاری مضبوط است : " در قحطی سال ۱۲۸۸ قمری ، این شهر بخشی از جمعیتش را از دست داده و بیست سال پس از آن جمعیتش ۱۸ هزار تن شده است " .

حکیم الممالک هم نوشته که : " جمعیت شهر سبزوار زیاده از ۱۵ هزار نفر نبود " (۱۱۰) .

جاکسون که در ۱۳۲۵ قمری از سبزوار دیدن کرده ، جمعیت شهر سبزوار را ده هزار تن برآورد کرده است . از این زمان به بعد تا ۱۳۰۳ خورشیدی که دستگاهی رسمی برای سرشماری در کشور وجود نداشت اگر با ضریب تخمینی رشد جمعیت ، حدود ۱/۵ درصد محاسبه گردد ، می توان جمعیت شهر را در آن سال ، حدود ۱۵/۳۴۰ تن تخمین زد . در سال ۱۳۱۲ خورشیدی که اداره کل آمار و ثبت احوال کشور جایگزین اداری احصائیه کل مملکتی شد ، محاسبه ای در امر جمعیت صورت گرفت و جمعیت شهر سبزوار حدود ۱۸۰۴۰ تن در ۱۳۱۳ مشخص شد .

نخستین سرشماری همگانی در سال ۱۳۲۵ خورشیدی توسط مرکز آمار ایران وابسته به سازمان برنامه و بودجه انجام پذیرفت ولی پس از آن نیز بطور مرتب هر ده سال یکمرتبه این سرشماری وسیله سازمان مذکور تجدید شد که نتیجه ای این سرشماریها استخراج و در جدول پیوست صفحی بعد آورده می شود (۱۱۱) (جدول شماره ۶) .

باید بدانیم که نسبت تعداد افراد کمتر از ۲۰ سال به کل جمعیت سبزوار بیش از ۳۵٪ و نسبت افراد کمتر از ۵۰ سال تا ۲۰ سال به کل جمعیت بیش از ۶۰٪ و نسبت سالخوردگان کمی از تمام جمعیت می باشد و ارزیابی ترکیب سنی جمعیت سبزوار بر مبنای ضوابط یاد شده نشان می دهد که این شهر به سوی جوانی جمعیت شدید روان است و این موضوع

(۱۱۰) علینقی حکیم الممالک ، روزنامه سفر خراسان (انتشارات فرهنگ

ایران زمین) ، تهران ۱۳۵۶ خورشیدی ، ص ۱۲۸ .

(۱۱۱) برای دانستن بیشتر به آمارنامه های : آمار عمومی و آمارنامه -

های استان خراسان ۱۳۴۶ ، ۵۱ ، ۵۳ ، ۶۰ ، ۶۱ ، ۶۵ و ۱۳۶۶ مراجعه

فرمایید .

جمعیت شهر و شهرستان سبزوار و تقسیمات آن

موضوع	سال ۱۳۳۵	سال ۱۳۴۵	سال ۱۳۵۵	سال ۱۳۶۵	افزایش درصد
جمعیت شهر سبزوار	۳۵۵۴۵ تن	۴۲۴۱۵ تن	۶۹۱۷۵ تن	۱۳۴۱۸۷ تن	۵۵ به ۶۵ ۹۲/۹
برآورد جمعیت نسبی شهر	۳۸۱۸ تن	۳۸۵۶ تن	۴۹۴۱ تن	۷۴۵۵	
مرد	۱۴۹۰۶ تن	۲۱۲۹۲ تن	۳۵۳۱۶ تن	۶۸۱۹۴ تن	
زن	۱۵۶۳۹ تن	۲۱۱۲۳ تن	۳۳۸۵۹ تن	۶۵۹۹۳ تن	
خانوار	۷۶۳۷ تعداد	۱۰۳۴۵ تعداد	۱۵۳۷۵ تعداد	۲۹۰۷۰ تعداد	
باسواد	۹۱۶۴ تن	۱۹۳۱۴ تن	۳۲۶۹۷ تن	۷۴۱۷۸ تن	۷۱/۷
بی سواد	۲۱۳۸۱ تن	۲۳۱۰۱ تن	۲۸۴۷۸ تن	۲۹۳۳۰ تن	۲۸/۳
شاغلین	۶۱۰۹ تن	۹۵۴۳ تن	۱۸۷۸۲ تن	۳۰۴۰۶ در ۷۷۵۹	کارگاه ۲۹/۴
جمعیت شهرستان سبزوار	۱۸۹۸۶۶ تن	۲۰۲۰۵۱ تن	۲۵۲۹۳۷ تن	۳۵۹۹۲۱ تن	۲۲/۳
جمعیت نسبی	۸/۹۲	۱۰/۳	۱۲/۹	۱۸/۴	
مرد	۹۵۶۹۴ تن	۱۰۱۷۵۹ تن	۱۲۶۲۹۲ تن	۱۸۲۹۶۱ تن	
زن	۹۴۱۷۲ تن	۹۹۳۴۱ تن	۱۲۵۶۹۸ تن	۱۷۴۹۶۰ تن	
خانوار	۳۷۹۷۳ تعداد	۴۶۷۳۰ تعداد	۵۷۴۵۵ تعداد	۷۷۵۸۰ تعداد	
باسواد	۳۵۵۰۵ تن	۴۰۴۱۰ تن	۷۱۳۰۹ تن	۲۴۰۹۵۸ تن	۵۷/۶
بی سواد	۱۵۴۳۶۱ تن	۱۶۱۶۴۰ تن	۱۸۰۶۵۶ تن	۱۱۸۹۶۳ تن	۴۲/۴
شاغلین	۳۷۹۷۳ تن	۴۵۴۶۱ تن	۶۸۲۹۰ تن	۸۹۹۸۷ در ۱۶۱۳۸	کارگاه ۳۲/۱

(جدول شماری ۶)

سرمایه گذاری زیادتر و توجه بیشتری برای اشتغال جوانان ، یا حداقل گروه سنی میانسال (حدود ۲۰ تا ۵۵ ساله) را ایجاد می‌کند .

برداشت و توضیحات خلاصه ای از جدول جمعیت : توضیحات و سنجش و مقایسه اعداد جدول جمعیت که در اینجا ذکر و عمل می‌شود، در روشن کردن بسیاری از موضوعها برای برنامه ریزان کمکی است موثر و روشنگر از این جهت اهمیت فوق العاده ای دارد .

الف : رشد جمعیت یا (افزایش جمعیت) ده سال به ده سال سنوات سرشماری شهرستان سبزوار از لحاظ تعداد از سال ۳۵ به ۴۵ (۱۲۱۸۵ تن) ۴۵ به ۵۵ (۴۹۹۳۹ تن) و سال ۱۳۶۵ نسبت به ۵۵ (۱۰۷۹۳۱ تن) است در حالی که این نرخ رشد جمعیت یا (اضافه جمعیت هر دهه فقط در شهر سبزوار) از سال ۳۵ به ۴۵ (۱۱۸۷۰ تن) ۴۵ به ۵۵ (۲۶۷۶۰ تن) و از ۵۵ به ۱۳۶۵ (۶۵۰۱۲ تن) می‌باشد و با محاسبه درصد ۳۵ به ۴۵ شهرستان ۶/۵٪ ، ۴۵ به ۵۵ ، ۲۵٪ و ۵۵ به ۶۵ (۴۳٪) است ولی درصد اضافی شهر از ۳۵ به ۴۵ (حدود ۲۹٪) و ۴۵ به ۵۵ (۶۴٪) و از ۵۵ به ۶۵ درصدی زیاد ، یعنی حدود ۹۳٪ مشاهده می‌شود (۱۱۲) . این درصد اضافی از سال ۵۵ به ۶۵ در شهر سبزوار و اضافه جمعیت که متجاوز از ۶۵ هزار نفر می‌شود و مقایسه ای اضافی ده سال اخیر شهرستان با شهر ، نشان دهنده ی هجوم بی‌رویه ی روستائیان به شهر می‌باشد و علل این مهاجرت را می‌توان چنین بازگو کرد :

- ۱- سرخوردگی از اشتغال به کشاورزی ، آن هم به سبب زحمت فراوان و درآمد کم به سبب کمی آب و زمین و (به استثنای مالکان بزرگ و یا آنان که در دو جنبه ی مالک و کارگر ، شخصا بر روی زمین قابل و با آب کافی کار می‌کنند) .
- ۲- عدم امکانات در اکثر روستاها ، همچون راه ، وسایل رفت و آمد و حمل محصول به موقع و مرتب ، امکانات بهداشتی ، فرهنگی و آموزشی و رفاهی .

(۱۱۲) با توجه به این رشد جمعیت ، شهر سبزوار یکی از شهرهایی است که رشد جمعیتش بیش از میانگین کل ایران است .

۳- وجود کار بیشتر و تقریباً مستمر، در شهر و دریافت مزد خوب در قبال کار و . . . که بایستی با دادن تمام امکانات شهر و کمکهای ارشادی، شغلی و مالی از این مهاجرت جلوگیری کرد.

ب: جمعیت نسبی شهر با مساحت سال ۶۴ که برابر اظهار آمارگران شاخه معاونت آماری سازمان برنامه و بودجهی استان خراسان ۱۶/۷ کیلومتر مربع بوده و مقایسه گردیده و به ترتیب سال ۳۵، ۸ کیلومتر، سال ۴۵، ۱۱ کیلومتر سال ۵۵، ۱۴ کیلومتر مربع و به سال ۱۳۶۵، ۱۸ کیلومتر مربع محاسبه شده است.

پ: با توجه به تعداد مردان و زنان در دو ستون متوالی و در دهه‌های پیاپی، تقریباً در مقابل ۱۰۴ مرد ۱۰۰ زن می‌باشد و گاهی مساوی و یا
ت: میانگین بعد خانوار در شهر سبزوار از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ رو به پیشرفت است، بدین ترتیب که در سال ۳۵ (۴ تن) در سال ۴۵ (۴/۱ تن) و ۵۵ و ۶۵ تقریباً یکنواخت است و ۴/۶ تن و این میانگین در شهر-ستان به ۵ نفر افزایش یافته است.

ث: با مقایسه بین جمعیت با سواد (۷ سال به بالا برای سال ۳۵ و ۶ سال به بالا برای سال ۴۵ به بعد) حدوداً در سال ۵۵ (۳۵/۴) در شهر با سواد بوده‌اند و این رقم به (۵۷/۶٪) در سال ۶۵ ترقی نموده ولی تعداد با سوادها در سطح شهرستان از بی سوادها پیشی می‌گیرند (ضمناً به نسبت ۱۵/۴ مردان و ۳/۳ زنان و میانگین با سواد در کل شهرستان ۹۴٪ جمعیت است) و با عنایت بر مطالب دانشگاهی آمار به نقل از صفحه ۱۴۶ جلد دوم سرشماری عمومی کشور جالب خواهد بود بدانید: از آنان که در سال ۳۵ دوره دبیرستان را در سبزوار تمام کرده‌اند ۳/۴٪ به دانشگاه رفته‌اند و با مقایسه چند شهر دیگر، استقبال سبزواریه را از تحمیلات عالیه، گرچه باز هم به نسبت فارغ التحصیلان دبیرستانها کم است، می‌رساند (در زمان تحمیل نگارنده یعنی ۱۳۴۰ در دانشکدهی ادبیات مشهد، دانشجویان سبزوار و بیرجند مساوی و از سایر شهر-ستانهای استان بیشتر بود).

ج: نسبت شاغلین در سال ۳۵، از ده سالگی به بالا ولی از ۴۵ به بعد به علت کار دستگاههای قالببافی در روستاها کلاً از ۶ سالگی به بالا

محاسبه شده و با این توضیح شاغلین در شهر به سال ۳۵ (۲۰٪)، سال ۴۵ (۲۲/۹۵٪) سال ۵۵ (۲۷٪) و سال ۶۵ (۲۲/۹٪) می‌باشد و در شهرستان ۳۵ به ۴۵ حدودا (۲۰٪) ۴۵ به ۵۵ (۵۰٪) و ۵۵ به ۶۵ (۳۲٪) می‌باشد^x.

x- جدول شماری ۷ :

تحقیقی از درصد و جنس و نمود جمعیت گروههای سنی در سالهای ۴۵-۵۵ و ۱۳۶۵ شهر سبزوار

سال ۱۳۶۵				سال ۱۳۵۵				سال ۱۳۴۵			
گروه سنی	درصد	جمعیت	به نفر	گروه سنی	درصد	جمعیت	به نفر	گروه سنی	درصد	جمعیت	به نفر
کمتر از پنجسال	۷/۶۴	۳۲۴۱	۷/۲۵	۷/۶۴	۳۲۴۱	۷/۲۵	۷/۶۴	۳۲۴۱	۷/۲۵	۷/۶۴	۳۲۴۱
۵ تا ۹ سال	۷/۶۸	۳۲۵۸	۷/۶۱	۷/۶۸	۳۲۵۸	۷/۶۱	۷/۶۸	۳۲۵۸	۷/۶۱	۷/۶۸	۳۲۵۸
۱۰-۱۴	۷/۶۴	۳۲۴۱	۶/۹۶	۷/۶۴	۳۲۴۱	۶/۹۶	۷/۶۴	۳۲۴۱	۶/۹۶	۷/۶۴	۳۲۴۱
۱۵-۱۹	۴/۹۳	۲۰۹۱	۴/۲۳	۴/۹۳	۲۰۹۱	۴/۲۳	۴/۹۳	۲۰۹۱	۴/۲۳	۴/۹۳	۲۰۹۱
۲۰-۲۴	۲/۴۱	۱۰۲۲	۳/۲۷	۲/۴۱	۱۰۲۲	۳/۲۷	۲/۴۱	۱۰۲۲	۳/۲۷	۲/۴۱	۱۰۲۲
۲۵-۲۹	۲/۵۵	۱۰۸۲	۳/۲۶	۲/۵۵	۱۰۸۲	۳/۲۶	۲/۵۵	۱۰۸۲	۳/۲۶	۲/۵۵	۱۰۸۲
۳۰-۳۴	۳/۰۲	۱۲۸۱	۳/۲۸	۳/۰۲	۱۲۸۱	۳/۲۸	۳/۰۲	۱۲۸۱	۳/۲۸	۳/۰۲	۱۲۸۱
۳۵-۳۹	۲/۷۷	۱۱۷۵	۲/۹۰	۲/۷۷	۱۱۷۵	۲/۹۰	۲/۷۷	۱۱۷۵	۲/۹۰	۲/۷۷	۱۱۷۵
۴۰-۴۴	۳/۰۵	۱۲۹۴	۲/۷۱	۳/۰۵	۱۲۹۴	۲/۷۱	۳/۰۵	۱۲۹۴	۲/۷۱	۳/۰۵	۱۲۹۴
۴۵-۴۹	۲/۵۱	۱۰۶۵	۱/۹۹	۲/۵۱	۱۰۶۵	۱/۹۹	۲/۵۱	۱۰۶۵	۱/۹۹	۲/۵۱	۱۰۶۵
۵۰-۵۴	۱/۸۱	۷۶۸	۱/۹۲	۱/۸۱	۷۶۸	۱/۹۲	۱/۸۱	۷۶۸	۱/۹۲	۱/۸۱	۷۶۸
۵۵-۵۹	۰/۹۷	۴۱۱	۰/۹۹	۰/۹۷	۴۱۱	۰/۹۹	۰/۹۷	۴۱۱	۰/۹۹	۰/۹۷	۴۱۱
۶۰-۶۴	۱/۳۷	۵۸۱	۱/۳۴	۱/۳۷	۵۸۱	۱/۳۴	۱/۳۷	۵۸۱	۱/۳۴	۱/۳۷	۵۸۱
۶۵ به بالا	۱/۸۴	۷۸۲	۱/۸۳	۱/۸۴	۷۸۲	۱/۸۳	۱/۸۴	۷۸۲	۱/۸۳	۱/۸۴	۷۸۲
جمع سنی و درصد	۵۰/۱۹	۲۱۲۹۲	۹۴/۹۴	۵۰/۱۹	۲۱۲۹۲	۹۴/۹۴	۵۰/۱۹	۲۱۲۹۲	۹۴/۹۴	۵۰/۱۹	۲۱۲۹۲
جمع کل	۴۲۴۱۵ تن			۶۹۱۷۵ تن			۱۳۴۱۸۷ تن				

به اختصار و با دیدی دقیق در این جدول تفصیلی روشن می‌شود که حدودا در قبال ۱۰۰ دختر در گروه سنی کمتر از پنجسال ۱۰۳/۸۴ پسر

ج : جمعیت شهرستان در سال ۱۳۳۵ با بخش صفی آباد محاسبه شده است و در آن زمان مساحت شهرستان سبزوار ۲۱۲۸۸ کیلومتر مربع بوده ولی از سال ۱۳۳۹ صفی آباد ضمیمه‌ی اسفراین شده است .

وقایع چهارگانه‌ی زندگی : رویدادهای چهارگانه‌ی زندگی مردم سبزوار (ولادت ، ازدواج ، طلاق و فوت) در سال ۱۳۶۷ خورشیدی طبق جدول شماره‌ی ۸ بوده است .

الف : سنجش درون مرزی شهرستان سبزوار بر این رویدادها :

۱- در حالی که در قسمت زایمان ، تعداد نوزادان پسر و دختر نزدیک

دنباله‌ی پاورقی از صفحه‌ی قبل

وجود دارد و این نسبت از ۵ تا ۱۰ سال تقریباً بهم نزدیک می‌شود و از ۱۰ سال به بالا کاهش محسوسی در نسبت مردان به زنان مشاهده می‌شود و آن شاید عددی نادرست باشد به علل زیر :

۱- در درجه‌ی اول ، کمتر معرفی کردن مردان نسبت به سن واقعی آنان شاید به علت فرار از سربازی در گروه ۲۰ تا ۲۴ ساله (که ان شاء الله در حال ، این چنین نباشد) .

۲- مهاجرت فوق العاده گروه جوان شهری برای پیدا کردن کار در شهرهای بزرگ و مهاجرت جوانان برای ادامه‌ی تحصیل در سطوح عالی (گر چه تأسیس واحدهای آموزش عالی در سبزوار در سال ۶۶ باعث شده که متقابلاً قبولشدگان سایر شهرستانها در این موسسات عالی به سبزوار مهاجرت کنند) .

۳- علاوه براین مسائل ، شاید مطلب طنزآمیز کمتر گفتن سن بانسوان (بیشتر وسیله‌ی خود آنان) را نباید نادیده گرفت (چون به هر صورت هر شوخی از واقعیتی سرچشمه می‌گیرد) و در باره‌ی جوانان و میانسا- لان باید بدانیم که بعد از عمری در بدری در تهران و چون به هنگام بازنشستگی و از کارافتادگی ، به فکر آسایش و بی‌دردسر زندگی کردن و داشتن محلی امن برای ادامه‌ی زندگی می‌افتند و نیز نزدیکی گورستان عمومی سبزوار و یا حب الوطن یا حب الاقوام آنها به زادگاه اصلی کشانده می‌شوند و نسبت مردان افزایش می‌یابد .

موضوع	شهر (تن)			روستا (تن)			شهرستان (تن)		
	مرد	زن	مجموع	مرد	زن	مجموع	مرد	زن	مجموع
زایش	۲۱۹۶	۲۲۲۷	۴۴۲۳	۳۸۷۱	۳۸۲۰	۷۶۹۱	۶۰۶۷	۶۰۴۷	۱۲۱۱۴
زناشویی	+	+	۴۲۵	+	+	۲۴۶۶	+	+	۲۸۹۱
رهایی	-	-	!-	-	-	۱۲۵	-	-	۱۲۵
مرگ	۴۳۳	۲۶۷	۷۰۰	۵۶۹	۲۳۴	۸۰۳	۱۰۰۲	۵۰۱	۱۵۰۳

(جدول شماره ی ۸)

به هم است ، ولی مرگ در مردان به نسبت ۲ برابر بیشتر و زودرس تر است .

۲- با توجه به نزدیک ۲ برابر بودن جمعیت روستاها ، می بینیم که در زایش و مرگ ، در نزدیک به هم یا روستا ۱/۵ برابر است و این نسبت شاید جهت برخورداری از هوای مطبوع و غذاهای سالم و گرفتاریهای فکری و روحی کمتر باشد .

۳- در ردیف طلاق (رهایی) بینش و عاقبت نگری بیشتر باعث شده که حتی یک فقره در شهر ۱۴۰ هزار نفری ، طلاق دیده نشود و این موضوع باعث شگفتی عجیب است .

۴- میزان تولد در شهرستان سبزوار ، ۸/۵ برابر مرگ است .

ب : سنجش برون مرزی (مقایسه ی سبزوار با سایر شهرستانهای

نزدیک جمعیت استان) (۱۱۳)

۱- در ۱۳۶۳ جمع نوزادان پسر و دختر در شهرستان سبزوار با ۱۴۲۶۸ تن (۵۶۴۵ تن در شهر و ۸۶۲۳ تن در روستا) در سنجش با سایر شهر - ستانهای نزدیک جمعیت با سبزوار ، از بجنورد ، تربت حیدریه و نیشابور کمتر و با بیرجند حتی ۴/۷٪ کاهش دیده می شود .

۲- ضمن اینکه تعداد ازدواج در هر منطقه یا شهرستان ، معرّف پایبند

(۱۱۳) برای دانستن بیشتر و واقعیت ملموس تر به آمارنامه های

سالهای یاد شده مراجعه فرمایید .

بودن به قیود خاصی در جامعه می‌باشد و نیز از سوی دیگر، این مساله در رابطه با وضع اقتصادی، گرایشهای عمومی (اجتماعی) و درک واقعیتهاست، ازدواج در شهرستان سبزوار (با توجه به جدول آماری سال ۶۳) با مجموع ۲۲۳۰ تن که ۱۴۴ تن در شهر و ۲۰۸۶ تن در روستاها، به نسبت جمعیت، از تمام شهرستانهای همپا جمعیت استان مثل بجنورد و بیرجند، تربت حیدریه و نیشابور کمتر می‌باشد.

۲- جمع تعداد طلاق در سال ۶۳ شهرستان سبزوار، ۱۵۹ تن بوده که از این تعداد ۳۴ تن در شهر و ۱۲۵ تن در روستا می‌باشد، روشنگر این است که در سنجش با سایر شهرستانهای نزدیک جمعیت، با توجه به تعداد نفرات، از مشهد، بیرجند، تربت حیدریه و نیشابور کمتر می‌باشد.

۴- در باره مرگ و میر، باید آمار چند ساله را مورد نظر قرار داد زیرا که: (بروز بیماریهای واگیردار، نارسایی خوراک، بروز جنگ و ناراحتیهای اجتماعی) اثر شگرفی در این امر دارد، در سال ۱۳۵۴ جمعا ۴۵۳ تن در شهرستان سبزوار بوده است که نزدیک به (۷٪) است در حالی که در سال ۱۳۶۶ نزدیک به (۵٪) می‌باشد، و در سال ۱۳۶۳ خورشیدی جمعا در شهرستان سبزوار ۱۰۶۹ تن به رحمت ایزدی پیوسته اند. در این امر نیز شهرستانهای بجنورد و بیرجند و تربت حیدریه و نیشابور نفرات بیشتری دعوت حق را لبیک گفته اند.

در عین حال چون نمی‌توان بر آمار یکسال تکیه کرد، بنابراین به آمار سال ۱۳۶۶ نیز اشاره می‌شود: با توجه بر کل جمعیت شهرستان در سال ۱۳۶۶ که حدودا ۳۷۵ هزار تن محاسبه می‌شود زایمان ۳/۵٪ می‌باشد.

- میزان ازدواج در هر ۱۴۳ تن یک تن است یعنی درصدی متناسب با ۷٪ - در هر ۲۴۴ تن یک تن طلاق می‌گیرد یعنی تقریبا ۵۴/۰٪ (چهارصدم درصد).

- به نسبت کل جمعیت شهرستان، از هر ۲۱۰ تن یک تن به سرای دیگر شتافته است یعنی حدود نیم صدم درصد.

- با نگاهی به اعداد آمار داده‌ی سال مورد بحث (بین شهر و روستا)

تفاوت‌های روشن دیده می‌شود .

- برای مقایسه جمعیت شهر (باز هم در سال ۶۶) حدوداً ۱۳۶ هزار تن و کل روستا را ، ۲۳۹ هزار تن در نظر بگیرید و با توجه بر این دو عدد فشردگی و تراکم جمعیت در شهر با وسعت کمش ، نسبت به شهرستان به خوبی دیده می‌شود .

جغرافیای شهری

توصیف کلی شهر سبزوار در (گذشته و اکنون)

۱- مکان و موقع شهر قدیم در شهر جدید (بافت قدیم شهر با تطبیق شهر کنونی) : در تقسیمات شهر سبزوار ، نوع بافت سه منطقه قابل بررسی است :

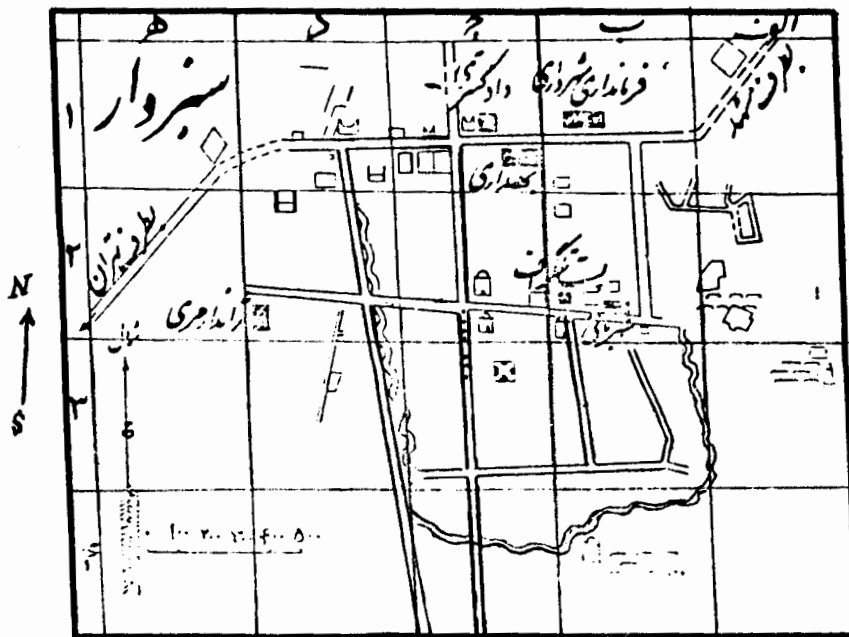
الف : بافت قدیمی و متراکم نواحی ۱ در مرکز شهر شامل محلات و کوپه‌های پامنار ، سرسنگ ، افتخار ، نقابشک ، حمام حکیم ، سروستان سرده و ترک آباد و در غرب شهر خیابان قاضی زاده ، ژاندارمری سابق (امنیه) ، دلبرآباد ، نواحی کارخانه‌ی زیره‌ی فعلی (سر پل حاج عابد)^x و نواحی جنوب شرقی آن ، دروازه تهران .

ب : بافت پراکنده‌ی قدیمی و نیمه روستایی نواحی ۳ و ۶ شامل محلات واقع در اطراف شاهزاده شعیب (ع) به طرف جنوب و شرق و غرب آن .

پ : دو بخش جدید در جنوب شهر و دیگر باغ انجیر و سمت چپ آن به نامهای محلات حاج حیدر ، کوشک ، چوب بری در قسمت شمال شمال غربی .

ت : بافت جدید نواحی ۴ و ۵ شامل محلات استادیوم ورزشی (خیابان خواجه نظام الملک) ، همت آباد ، محله بناها (فلکه‌ی کارگران) و بلوا آب قصبه و عمید آباد ، هلال احمر و سیلو (امتداد خیابان طالقانی) خوب است بدانیم که شهر سبزوار کلاً به ۶ ناحیه و ۲۴ محله تقسیم گردیده که برای جلوگیری از گسترش مطلب از ذکر آنها و خیابانهای

x به اصطلاح محلی سر پل حج عابیدی .



نقشه‌ی شماره‌ی ۲ شهر سبزوار در ۱۳۲۹ خورشیدی
(برداشت شده از فرهنگ جغرافیایی ایران)

خودداری می‌شود (به نقشه‌ی جدید شهر مراجعه فرمایید) ولی تعداد خیابانهای شهر ۷۸ می‌باشد و شاید ۸۰ که تمام این خیابانها آسفالت است و چند خیابان تازه احداث دیگر.

اکنون ضمن بازگوی نواحی و محلات شهر (از قدیمترین زمان تاکنون)، همچنین تغییرات و تحولات اجتماعی و اقتصادی آنها از نظر کلی و امور بازرگانی ناحیه، و بازرگانی خارجی، در حد امکان تشریح می‌شود:

شرق شهر: شهر ما، سبزوار در شرق گسترش چندانی نداشت و آخرین حد آن به محل سابق پیشاهنگی و اواخر میدان زند (فلکه‌ی کارگر فعلی) که به دروازه‌ی نیشابور شهرت داشته و دارد محدود بود، در این مکان گورستان همگانی برای ساکنان مرکز و شمال شرقی و جنوب شرقی وجود داشت و کوره راهی یا به اصطلاح (راه مالرو) در پایین آن بود که از آن طریق به روستاهای ایزی (دبینم) دلقند (دلند)، باغان، آزاد- منجیر (زمنجیر)، زعفرانی و ... شامکان (شامکن)، سنگلیدر (سنگ-

والمؤمنين

والمؤمنين



المؤمنين
قلوب
عبادة

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي أحل النكاح

وحرم الزنا والسفاح

وحصل الله على محمد صلى الله عليه وسلم

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم
والله اعلم بالصواب



ولعبد لظرفهم آية شريفة

والنحو الأباي منكم والصلحين

من عبادكم وأما لكم ان يكون

فقرأ يغنيهم الله من فضله والله

دعوه قديره حضرت خضر تبت صلاته عليه

النكاح سنتي فمن رغب عن سنتي

فليس بي فاما رتب رغبته وديار

بسم الله الرحمن الرحيم
والله اعلم بالصواب

والمؤمنين

والمؤمنين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

وقتی از او است و خویش را می از دست حق تعالی - و الله

مرا و حق و آیت و در میان جناب امیر آفرین که میسر شد

در حق عیسی بن مریم و آیه که در حق او میسر شد و در حق

و عیسی بن مریم و آیه که در حق او میسر شد و در حق

الافقه ان الله انزل من السماء ماء فصار حيا و مردها

عاجی در حق او و آیه که در حق او میسر شد و در حق

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

نه دست قیمة بنامه تا من منها فرشت و نه

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

منها فرشت و نه دست قیمة ده تا من طهر خج و نه

قیمة چهر تا من منها ثلث از منزل و کت قیمة

منها یقه بر زنه تا من سر زنه تا من سر زنه تا من

در حق او و آیه که در حق او میسر شد و در حق

نافذ و تا من در حق او و آیه که در حق او میسر شد و در حق

چهارم از من سر زنه تا من سر زنه تا من سر زنه تا من

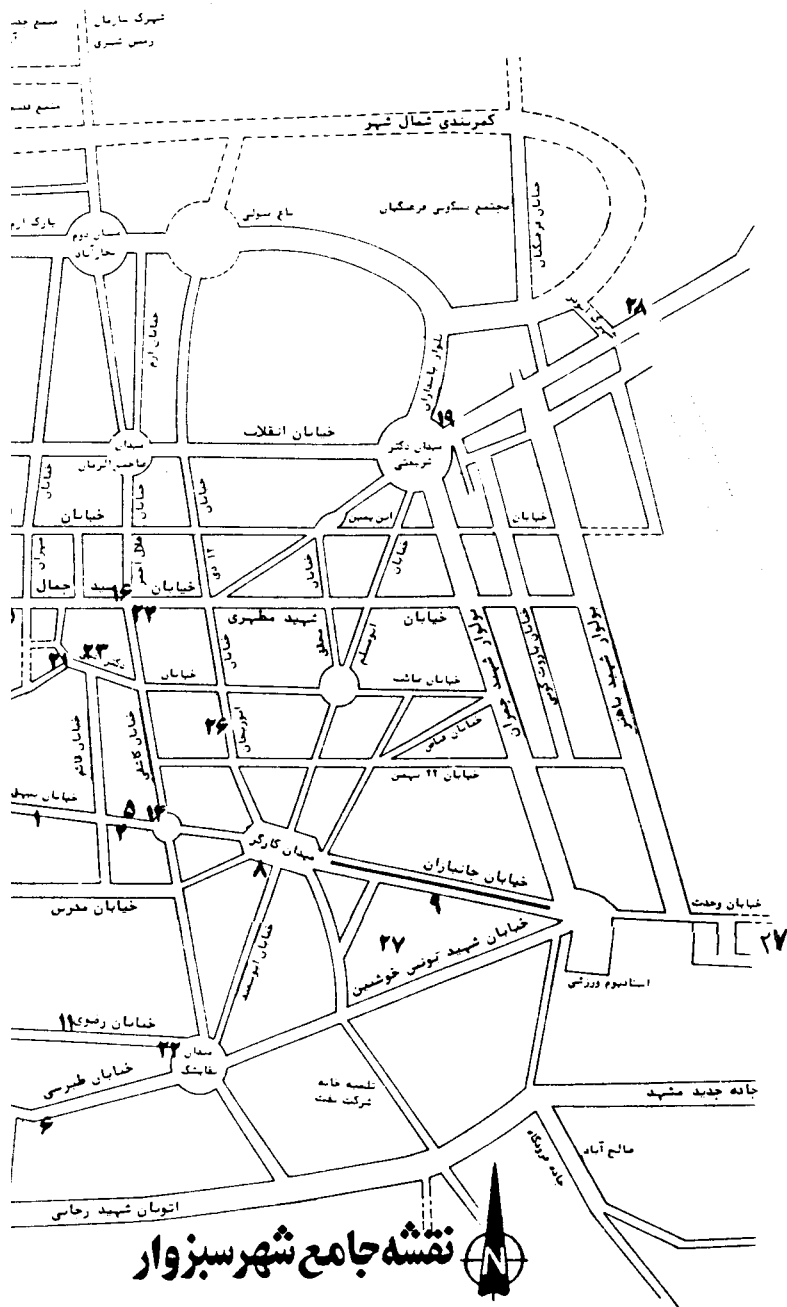
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

کلیدر (۱۱۴) و در نهایت به نیشابور با وسایل آن روزی مسافرت می‌کردند و از آنجا به زیارت امام رضا (ع) در شهر مقدس مشهد مشرف می‌شدند . در گذشته ، در پای همین گورستان ، یعنی در مسیر راه مالرو تعزیه داری (شبیه خوانی) انجام می‌گرفت ، سمت جنوب ، یعنی دنبال راه مالرو نیز قبرستان بود که حدود سال ۱۳۳۰ خورشیدی در ۱۵ بهمن (روز جشن نهالکاری) هموار گردید و بجای آن میدان زند به نام فرماندار آن زمان یا (باغ رضوان) ساخته شد و در همان اطراف ، باشگاه ورزشی بنا گردید ، پس از سال ۱۳۳۲ نیز ساختمان پیشاهنگی ساخته شد و متعاقباً روستاییان مهاجر درین قسمت شهر مستقر شدند و شروع به خانه سازی کردند ، مهاجرت آنان باعث آبادی و توسعه‌ی محل و بنای چند دبستان و دبیرستان و باشگاه ورزشی گردید و مرده شویخانه که قبلاً در کوچه مجاور باشگاه وجود داشت از آنجا برچیده شد و به گورستان همگانی محلّ مملّی انتقال یافت . برج و باروی شهر که مثل کمربندی دور شهر را محاصره کرده بود از روبروی در پستخانه و در ضلع جنوبی میدان روبروی آن در دو طرف خیابان کاشفی در حدود سال ۱۳۳۰ خراب شد . آرامگاه فیلسوف شرق ، حاج ملا هادی سبزواری که در آن زمان بقعه‌ی گچی داشت و حیاط آن سنگفرش بود تقریباً در سال ۱۳۴۰ خورشیدی به سبک جدید بنا شد ، وجود زمین زیاد بین فرودگاه (صالح آباد) و شهر و کشش آن به طرف کوره های آجرپزی و شش یخدان نیز روستاییان شرق و جنوب شرقی را به خود جذب کرد و . . .

جنوب شهر سبزواری : با فاصله‌ی ۳۰۰ متر از امامزاده شعیب به طرف شمال و جنوب و به دو سوی خاور و باختر آن جنوب شهر را شامل می‌شد ، آنجا نیز غیر از چند آرامگاه خصوصی و دباغخانه (پایین کوی

(۱۱۴) دبیم (به کسر اول و دوم و ضم چهارم) ، دلند (به کسر اول و فتح دوم) ، باغان یا به نوشتی ابوالحسن بیهقی ، باغن و یا باقن (به فتح سوم) ، زمنجیر (به زیر در نخستین و دومین) ، سنگ کلیدر SANG-KOLYDAR (در اصطلاح محلی دهنی با سه زبرپیاپی از نخستین سنگلیدر و علامت زیر در نخستین و سومین و یکی به آخر مانده بازبر) .



نقابشک) و کاروانسراهایی در سمت غرب امامزاده شعیب ، بقیه غیر- قابل سکونت بود و گورستان ساکنان جنوب و قسمتی از مرکز و جنوب غربی را تشکیل می‌داد . که هنوز هم آثاری از آن باقی است. جنوب شهر همچون شرق مهاجرین روستایی را پذیرا گردید و خندق آن به وسیله‌ی خاک باروهای خراب شده ، پر شد ، ساکنان مرکز شهر از سوراخهایی که شکل دهانه‌ی نقب را داشت بر دیوارهای باروی قبل از خراب شدن گذر می‌کردند و به زیارت آرامگاه حضرت شعیب بن موسی (ع) و یا قرائت فاتحه‌ای برای اموات می‌آمدند ، این قسمت وسیع به علت باز بودن افق و دید به سمت جنوب شهرستان ، آمادگی گسترش بیشتر از شرق داشت ولی بعض ساکنان پایین کوچه های نقابشک و حمام حکیم و پامنار و قسمت پایینی آن که به مناسبت نصب سنگی بزرگ بر کنار جوی به (سرسنگ) مشهور شده بود به تدریج به شرق و شمال شرقی شهر رفتند و در آن مکانها اقامت گزیدند و روستاییانی که معمولا از جنوب و جنوب شرقی و جنوب غربی شهرستان به شهر مهاجرت می‌کردند جایگزین آنان شدند ولی چون فشار مهاجرت از روستاها به شهر زیاد شد از شعیب بن موسی به سمت غرب آمدند و در خیابان اصلی خواجه علی و خیابانهای کوتاه دیگری به موازی آن مستقر شدند و آنجاها نیز آباد و شلوغ گردید اما این قسمت به اندازمی شمال و شرق توسعه نیافته است . این محلها که قسمتی از آن در حال حاضر اسرار جنوبی و خیابانهای رضوی و مجاور امامزاده را شامل می‌شود علاوه بر سکونت ، کارگاههای قالی بافی و تعمیرگاههای اتومبیل و صنایع کوچک شهری را در برگرفته است و وجود دباغخانه و زمینهای کشاورزی و خندق و کاروانسرای سرراه ، بخاطر آلودگی ، با همیاری مردم و شهرداری وقت خراب شد و جای آنها خانه های مسکونی کوچک ، خاص طبقات کم درآمد مهاجر قرار گرفت ، در این محل دروازه‌ای به نام دروازه‌ی سبریز برای وصول عوارض شهرداری بود که بعدها خیابان کشی شد ، نصب مجسمه‌ی بزرگی از آهن به شکل شیرهایی ، باعث شد این فلکه به فلکه‌ی شیرها مشهور شود ، درین منطقه خیابان ناوی بنا شد که اکنون به بلوار امام خمینی تغییر نام داده و بیشتر ساکنان آن را مهاجران روستاهای نوده ، کراب ، دلبر ، کسکن ، مسکن ، نامن و باشتین و برخی دیگر از روستاهای غربی

و جنوب و شمال غربی تشکیل می‌دهند ، که درین قسمت هنوز سیمای روستا را می‌توان مشاهده کرد .

غرب شهر : باختر شهر سبزوار که به علت رفتن از آنجا به عراق عجم و عراق عرب به دروازه‌ی عراق مشهور بوده و هست ، امتداد خیابان عظاملک شمالی و جنوبی و تقریباً تا محل فعلی میدان بار را تشکیل می‌داد . (وجود برج و بارو و خندق غرب شهر در محل فعلی دبستان شیعی دبیر مؤدب و دانشمند و ربّانی یکی از نخستین معلمان سبزوار) که سابقاً به نام دبیرستان گوهرشاد بود و پشت بالاترین قسمت آن کوچه‌ی کلاه فرنگی به طرف پایین تا آخرین قسمت کوچه پادریخت تا دروازه سبزیز قرار داشت مردم را از حمله‌ی ترکمن‌ها و ... مصون می‌داشته . باز هم برای ساکنان دار - بقاء گورستانی در محل فعلی اداره‌ی دارایی و خیابان قاضی زاده و ژاندارمری وجود داشت که مردگان کوچه‌های کلاه فرنگی و ارگ جنوب غربی و غرب را پذیرا بود و تقریباً در محل فعلی بازار روز دروازه عراق ، مرده شویخانه کوچکی هم بود ، اینها همه خراب شد و همانگونه که ذکرش رفت ، اداره‌ی دارایی ، ژاندارمری ، خیابان و دبستان حرفه‌ای قاضی زاده ، بازار روز ، میدان بار ، خیابان‌ها و ساختمان‌های مجاور ساخته شد ، کاروانسرای بزرگ که ملکیت آن متعلق به میرزا - حسینخان غنی بود نیز خراب گردید ولی روبروی آن و هم پشت کاروانسرای دیگر راهروی بود که به میدانی می‌رسید و باز هم در آنجا شبیه و تعزیه - خوانی بر پا می‌کردند و بعد به آب انبار بزرگ شاید ۳۰ پله‌ای و پس از آن به کاروانسرای دیگر که علاوه بر انجام امور بازرگانی ، محل آسایش بارآوردگان از روستاهای غربی بود منتهی می‌شد ، این کاروانسرا ادامه داشت تا آب انبار و رباطی که محل ژاندارمری بود و پشت آن استخر و قبرستان کوچکی وجود داشت که گل محمد و ... قهرمانان کتاب کلیدر در آنجا به خاک سپرده شدند و سالها بعد که ساختمانها و دکانها و بنگاههای باربری و مسافربری ، میدان بار و ... ساخته شد ، دروازه‌ی عراق ، محل ازدحام و فعالیت‌های عمده فروشی تره‌بار و سبزی و ... گردید ، وجود دو اداره‌ی دولتی و چند شرکت مسافربری ، رونقی به این ناحیه داده است .

شمال شهر : ارگ سابق که دزدان و یا به هر حال مقصّران را از بالای آن به پایین (ته خندق) پرت می‌کردند ، تقریباً در محل شهرداری

فعلی برج و بارو و خندقی داشت و این خندق تا محل سینما و بانک ملّی و به سوی جنوب و شرق ادامه داشت ، شهربانی یا نظمیه ای وجود نداشت ، بلکه عدالتخانه یا (دیوانخانه) با حاکم و داروغه و نایب باشی بود که با فاصلهی ۱۰۰ متر روبروی بانک ملّی قرار داشت و حدوداً روبروی در بزرگ شهرداری فعلی دروازه ارگ بود ، و امّا شمال شهر در زمان سابق به علّت جریان آب قصبه و عمید آباد در جویها و وجود درخت و سبزه و خیابانهای متعدد و سرویسهای خدماتی ، مانند مدارس ، بیمارستانها و ادارات ، مورد توجه قرار گرفت ، در شمال غربی شهر دوروستای کوشک بالا و کوشک پایین مشرف بر شهر و برای دفاع از آن ساخته شده بود که اینک بویژه با احداث خیابان ابن یمین و امتداد آن از سراسر شمال شهر از شرق به غرب ، توسعهی فوق العاده ای یافته و در دل شهر قرار گرفته است . امّا بیشتر ساکنان بخصوص در حدّ غربی آن را کشاورزان قبلی همان منطقه تشکیل میدهند که از جهت ساختمانی و پذیرش تمدّن شهری ! تا حدّ زیادی با شهریها همگام شده اند . قسمت شمال شرقی هم توسعه اش به مانند شمال و شمال غربی زیاد بوده است و آنچه قابل ذکر می باشد ، در تمام محدوده ی شمال ، ساختمانها جالب و از لحاظ معماری بهیچوجه از شیوهی کویری پیروی نکرده ، بلکه به شیوهی جدید ساخته شده اند ، به شکلی که منزلها بیشتر دو اشکوبه بوده که طبقه ی زیرین آن به عنوان زیرزمینی تمیز و زیبا قابل سکونت برای تابستان گرم سبزوار و طبقه ی بالایی به اتاقهای نشیمن ، پذیرایی و سرویس کامل و . . . اختصاص دارد و بامها همگی مسطح و مصالح به کار رفته ، آجر ، سیمان ، تیر- آهن و نمای سنگی می باشد .

مرکز شهر : بخش قدیمی شهر ، از دروازه ی نیشابور تا دروازه ی عراق با فاصلهی حدود ۴۰۰ متر به دو طرف شمال و جنوب خیابان بیهق شهر قدیم را تشکیل میدهد . جاکسون آمریکایی که در ۱۳۲۵ هـ - ق از سبزوار دیدن کرده از آنها به محله های اعیان نشین شهر تعبیر کرده و پایین کوچه های پامانار (سرسنگ) ، افتخار ، قنبر سیاه ، سبریز و دروازه ی عراق را محلات مسکونی طبقات پایین اجتماع می داند و از کوچه - های نقاشک ، حمام حکیم و نه بام در جنوب خیابان بیهق و ترک آباد در

مشرق و سروستان و سرده و شریعتمدار (کوچمی حوض چهارراه) و امتداد آنها نامی نبرده است (۱۱۵). علاوه بر آن تا امامزاده یحیی بن موسی (ع) خیابان ارگ سابق (اسرار شمالی)، اسرار جنوبی، کلاه فرنگی، پادرخت و . . . همه و همه در این راستا، مرکز شهر را شامل می‌شوند و چون خیابان بی‌هق و اسرار به علت ازدحام جمعیت و کم عرض بودن و همچنین وجود دکانها و مراکز خرید و فروش و داشتن کوچه‌های باریک و بن‌بست با وضع امروز شهر هماهنگی ندارد، اگر از خیابان بی‌هق به طرف شرق شهر برویم به پارک زند (کارگر) و بلوار سابق پیرنیا (جانبازان) می‌رسیم که در آنجا در پناه درختان تنومند آن بر روی نیمکتها می‌توان به استراحت پرداخت، ادامه‌ی خیابان بی‌هق به سوی باختر منتهی به میدان وسیعی می‌شود که چون ۳۳ هزار متر مساحت دارد به فلکه‌ی ۳۳ هزار متری مشهور شده که بعد پارک ملت و تازگی میدان امام خمینی نام گرفته و محل تفریح مردم می‌باشد (۱۱۶).

بافت اقتصادی و اداری و مسکونی شهر را به این نحوی توان مشخص کرد:

۱- محلات بازرگانی: محلات بازرگانی شهر سبزوار نیز، خود به دو بخش تقسیم می‌شود، اول محله‌های بازرگانی پیوسته و فشرده و دوم محلات بازرگانی غیرپیوسته و پراکنده.

الف: محلات بازرگانی پیوسته و فشرده: بر روی محورهای بی‌هق و اسرار که یکدیگر را در چهار راه امامزاده یحیی قطع می‌نمایند و بر بازار قدیمی شهر منطبق است و حد آن را در شمال می‌توان از ابتدای خیابان دکتر غنی^x در خیابان اسرار دانست که در اسرار جنوبی به پایین میدان، به تقاطع خیابان مرکزی (خیابان مدرس) محدود می‌شود، در جهت شرقی غربی، خیابان بی‌هق، از خاور، تقریباً از میدان جلو پست و تلگراف

پاورقی از صفحه قبل

- (۱۱۵) برخی از جنبه‌های جغرافیای شهری سبزوار (پایان نامه)، کاظم اتحادی، دانشکده‌ی ادبیات دکتر شریعتی، مشهد ۱۳۵۷.
- (۱۱۶) به نقشه‌ی شماره‌ی ۲ مراجعه شود.
- x اسم جدید این خیابان نواب صفوی است.

شروع می‌شود و تا فلک‌های دروازه عراق و اطراف آن به خیابانهای عظاملك و . . . ختم می‌گردد ، حداکثر تمرکز در چهارراه امامزاده یحیی است که خرده فروشیه‌ها از همی اصناف بطور نامنظم در مجاورت همدیگر قرار دارند . محدودی فلک‌های دروازه عراق و خیابانهای جانبی آن نیز در سالهای اخیر به عمده فروشی پرداخته اند و یکی از علل این چنین فعالیتها در- آنجا وجود میدان بار است .

بازار سبزوار نیز همچون سایر شهرها مرکز ثقل و کانون اصلی داد و ستد است و کاروانسراهای سمت چپ بازار اصلی از شمال به جنوب و کاروانسراهای آقانورالله اصفهانی ، جعفرزاده ، اولیاء و آقا ، در خیابان بی‌هق تا مسجد جامع از شرق و سایر سراهای محدودی جهات سه‌گانه‌ی دیگر کمک کار آند . مغازه های اطراف آن در خیابان ، بیشتر اجناس و کالاهای مورد نیاز شهریان را عرضه می‌نمایند و فروشندگان بازاری معمولاً کالاهای مورد پسند روستاییان سبزوار که غلات و پنبه و زیره و محصولات از این قبیل را به کاروانسراهای موجود در آن و پیرامونش فروخته‌اند و یا مراجعان از شهرهای دیگر را تامین می‌کنند .

خوب است بدانیم که اولاً ، بازار قدیمی ، آن اصالت پیشین خود را از دست داده است ، زیرا بازار دارای سقف مدور و آجری با هواکشهای طبیعی بوده است که در گذشته بر ستونهای آن ، شبها چراغهای زنبوری بیه سوز و بعد فانوس انگلیسی روشن و آویزان می‌کردند و میرشب و نایب باشیه با به صدا درآوردن سوت حضور خود را اعلام می‌داشتند ، داروغه و سرگروه که بر آنها نظارت داشت (در داخل بازار) به رتق و فتق امور می‌پرداخت و اما اکنون پوشش سقف از آهن و شیشه شده که به هیچوجه مزایای قدیم را ندارد ، زیرا در تابستان گرم می‌شود و در زمستان ، سرما به داخل بازار نفوذ می‌کند . ثانیاً در قدیم راسته بازاری از اول دروازه‌ی نیشابور حدوداً تا دروازه عراق وجود داشته که به علت ایجاد خیابان بی‌هق از بین رفته است . ثالثاً بازار فعلی از جهت اجتماع و پیایی بودن کسبه‌ی هر صنف نامرتب شده و اصناف مختلف با هم درآمیختند در سمت چپ انتهای بازار بزرگ یا به اصطلاح (راسته بازار) و در اولین چهارسو ، بازار قنادها قرار دارد که درست به مقابل در غربی

حسینی قنادها کشانده می‌شود .

بازار قدیم سبزوار از دید تاریخ نویسان و جهانگردان : حمدالله مستوفی در *نزهة القلوب* در باره‌ی سبزوار و بازارش نوشته که: "سبزوار بازارهای خوب و فراخ دارد و طاق از چوب بسته اند که چهارسوی بازار است بغایت محکم و عالی " لرد کرزن در این باره در کتاب *ایران و قضیه ایران* می‌نویسد که : " در بازار سبزوار پارچه پشمین زبری می‌یافتند و . . . " عبدالحمید مولوی در کتاب *آثار باستانی خراسان* نظر داده است که : " سابقا در این شهر دو بازار طولانی و جالب و دیدنی به سبک بازارهای شرقی وجود داشته که در سال ۱۳۱۸ شمسی به منظور احداث خیابان تمام بازارها را خراب کردند و به جای آن خیابان مرکزی و قدیمی ، یعنی اولین خیابان سبزوار (خیابان بی‌هق) از شرق به غرب احداث شده است و . . . (۱۱۷) .

امروزه در بخش غربی خیابان اسرار مرکزی (از چهارراه امامزاده یحیی به سوی جنوب) به فاصله‌ی شاید ۲۰۰ متر ، محله‌ای است به نام " محله‌ی کولی‌ها " یا *غر شمارخنه*^x که جای پرسروصدایی است و صدای پتک و تبر و تیشه در کارگاههای آنجا با فریاد مردمانش درآمیخته است ، ساکنان آن دارای آداب ویژه و گویش خاصی هستند . بهرحال جمعیت این محله را مهاجرین دوره گرد خیلی با سابقه تشکیل داده اند و در حالی که ساکن شده اند باز هم برخی از آنان در فصول بهره برداری جو و گندم برای تعمیر وسایل درو و کشت و کار به روستاها روان می‌شوند و تعداد آنها متجاوز از یکصد خانوار است و از لحاظ قومی جدا از جامعه‌ی

(۱۱۷) به علت گسترش شهر، خیابان مرکزی شهر فعلی را می‌توان خیابان پهنی که از روبروی خیابان پیشاهنگی ، حدودا پایین کوچه‌های نقابشک حمام حکیم و پامنار و . . . را بریده ، به میدان رسیده و ادامه‌ی آن به بلوار امام خمینی می‌رسد ، دانست که پس از انقلاب اسلامی ، نخست خیابان مصدق نام گرفت و حالا خیابان مدرس .
^x برخی این لغت را (غیرشمار) دانند ، چون در سرشماری ، شمارش نمی‌شدند .

شهری سبزوار هستند و مردمی سختکوش و جدی و مبتکرند که بیشتر فعالیتشان در تهیهی وسایل کشاورزی و کارهای دستی و برخی اشیاء همچون میانه و نی قلیان و . . . است . بگذریم که در پایین این محله ، سرای معمارزاده (در میدان اناریهای قدیم) و در سمت مشرق خیابان اسرار مرکزی ، سرای شازده و پایین‌تر از این دو کاروانسراهای دیگری وجود دارند که همه از لحاظ خرید و فروش پشم و پنبه و پوست و کرک و مو و تمیز کردن و درجه بندی تخمهی هندوانه و . . . فعال و مهم و قابل توجه هستند .

فعالیت خرید و فروش و یا مبادلهی احشام و چهارپایان ، سابقا در میدان اسرار (میدان قدیمی زغالیه) بوده ولی درحال حاضر چنین فعالیتهایی در مسیر جادهی سبزوار کاشمر ، در سه کیلومتری جنوب شهر می‌باشد .

ب : محلات بازرگانی پراکنده و تازه : این محلات که در سالهای نه چندان دور پیدا شدند و روز بروز دامنهی گسترش و پیوستگی آن بیشتر می‌گردد به ترتیب پیدایش از این قرارند :

۱- خیابان اسدآبادی غربی (به اصطلاح سبزواریها خیابان بالا) که حدّ آن را می‌توان از میدان جلو دبیرستان اسرار به حساب آورد تا فلکهای ۳۳ هزار متری که به سوی جادهی شاهرود از بلوار سربداران ادامه یافته است ، محل تمرکز کارگاههای تعمیراتی و بنگاههای خرید و فروش اتومبیل می‌باشد . کارخانهی بزرگ و مجهّز زیره پاک کنی سبزوارنیز در مدخل ورودی جادهی شاهرود به سبزوار کنار میدان ۳۳ هزار متری واقع شده است ، مراکز خرید و فروش اتومبیل و لوازم یدکی آن نیز در ادامه خیابان اسدآبادی به طرف نیشابور ، بویژه در بلوار دکترشریعتی رونق خاصی دارد .

۲- خیابان شریعتمدار که متجاوز از ، ۲۰ سال از احداث آن می‌گذرد در عرضه و فروش پارچه ، لوازم آرایشی ، دوخت و دوز و بوتیک ، خرید و فروش قالیههای محلی با احداث ۵ پاساژ فعال است .

۳- سومین منطقه ، امتداد خیابان اسرار جنوبی و دو خیابان رضوی شرقی و غربی است که بیشتر به مبادلات کالاهای مورد نیاز به روستاییان

می‌پردازد .

۴- چهارمین منطقه ، محله‌ی تجاری پراکنده‌ی خیابان عطاملک مرکزی است .

۵- پنجمین بخش تجاری پراکنده ، خیابان سابق ناوی (بلوار امام خمینی) است که بیش از ۱۵ سال از احداث آن می‌گذرد و جمعیت انبوه آن با روی آوردن به فعالیتهای تعمیراتی و فروش لوازم و وسایل موتوری و فروش قالی و لوازم و مواد اولیه‌ی آن بویژه با ایجاد کارگاههای قالیبافی در منازل ، گذران می‌کنند .

۶- آخرین بخشهای تجاری ، یکی کاشفی شمالی (از جلو پست و تلگراف تا چهار راه هلال احمر) است که با احداث چندین پاساژ و دکانهای تمیز و جالب عرضه پوشاک و لوازم لوکس ، در این زمینه ها آینده‌ی خوبی خواهد داشت و دومی خیابان قائم است که در جنب محل سابق شهربانی در خیابان بیهق واقع می‌باشد .

محلات مسکونی : محلات مسکونی شهر سبزوار را می‌توان به شرح

زیر تقسیم بندی نمود :

الف : طبقات فرودست یا ساکنان جنوب و جنوب شرقی که افراد ساکن در دو طرف بلوار سابق پیرنیا (بلوار جانبازان) و مسجد و آرامگاه اختصاصی آیت الله سیادت ، خیابانهای خواجه نظام الملک و . . . که بیشتر طبقات روستای مهاجر و یا کارمند هستند ، بیشتر ساختمانهای جدید بنا کرده اند ولی همه از سبک مهندسی پیروی نکرده ، برخی ساختمانها در نواحی فرودگاه و دو طرف امامزاده شعیب خشتی با پایه های قطور و گل رس که سطح رویی ساختمان را کاه گل پوشانده است می‌باشد .

ب : طبقات متوسط که بیشتر آنان کارمند دولت و خدمتگزار ملت هستند در حالی که با سلیلی صورت خود را سرخ نگه داشته اند ، از طبقه‌ی مرقه پیروی کرده در خیابانهای اسدآبادی ، عظیمیان ، محلات کوشک و . . . ساکن شده اند و با گرفتن وام یا با داشتن دو حقوق منزلی به سبک مهندسی و خوب ساخته اند .



" عکسی از ساختمانهای جنوبی‌ترین منطقه‌ی شهر "

پ : بخشهای گسترش یافته‌ی نو مانند بخش شرقی خیابان کاشفی جنوبی که از فضای سبزی برخوردار است و بناهای آن مهندسی‌ساز می‌باشد .
ت : قسمت مرکزی شهر به علت دستیابی ساده و زود به نیازهای زندگانی ، محل زیست معمّرين و کسبه است .

ث : بازرگانان و سرمایه داران و پیشه وران پولدار ، شمال و شمال شرقی و یا شمال غربی را برای سکونت ، جای مناسبی تشخیص داده و ساختمانهای دو طبقه‌ی به اصطلاح محلی (کرسی دار) خوب و مهندسی ساخته اند .

بخش اداری (ادارات و موسسات و پراکنده‌گی آنها در شهر) : شهر سبزوار با جمعیتی بیش از ۱۵۰ هزار تن و شهرستانش که نزدیک به ۴۳۰ هزار تن جمعیت دارد ، کلیه‌ی ادارات و سازمانهای مورد نیاز چنین جمعیتی را داراست .

پراکنده‌گی و تمرکز ادارات بیشتر در خیابان اسدآبادی و خیابانهای



" عکسی از ساختمانهای مدرن شمال شهر "

جدا شده و ادامهی آن تا عظاملک شمالی و کاشفی شمالی است ، از آن میان فرمانداری که در خیابان فرمانداری ، تقریباً با فاصلهی مساوی از دروازه های تهران و مشهد (از جادهی قدیم) در مسیر خیابان اسد آبادی قرار دارد .

سبزوار به علّت جمعیت زیادش دارای ۲ نماینده در مجلس شورای اسلامی است (معرفی آنان با نمایندگان مجلس شورای ملی سبزوار از صدر مشروطیت تاکنون به خواست خدا در جلد دوم خواهد آمد) .

شهرداری : شهرداری سبزوار با داشتن ۵۳۵ تن کارمند ثابت و تقریباً ۲۰۰ تن کارگر فصلی ، نظارت بر پاکیزگی پیاده روها و محدودهی خیابانها و کوچه ها و طبیعتاً نظافت و زیبایی کلّی شهر به وسیلهی ایجاد فضاهاى سبز و . . . را دارد . منابع درآمد شهرداری که با آن

حقوق کارمندان و کارگران این موسسه پرداخت می‌گردد و کمی هم صرف آبادانی شهر (در موارد مختلف) می‌شود ، از محل وصول عوارض دایمی، نوسازی ، اتومبیل و . . . است که در مقام مقایسه ، عوارض وصولی سال ۱۳۵۶ شهرداری سبزوار ۱۱۲/۸۹۷/۶۹۰ ریال بوده که ۶۰٪ تا ۷۰٪ هم برای گردش امور شهر و شهرداری دولت کمک کرده است ولی این وصولی در سال ۱۳۶۵ به ۷۰۹/۲۰۲/۵۵۱ ریال (حدود ۶ برابر) رسیده و دولت هم از طریق وزارت کشور حداکثر سه میلیون تومان آن هم اختصاصا برای انجام امور عمرانی به شهرداری داده است که این مبلغ حدود ۳٪ کل درآمد شهرداری سبزوار در سال مذکور بوده است .

تعداد کل پروانه‌ی ساختمانی صادره به سال ۱۳۵۳ در شهر سبزوار ۵۲۸ پروانه بوده که همه ساخته و مسکونی شده است و از این لحاظ پس از مشهد قرار دارد اما سومین شهر از این جهت در استان خراسان تربت حیدریه با ۳۷۹ پروانه صادره که ۳۵۰ باب آن ساخته و مسکونی شده می‌باشد که با توجه به این اعداد ، مقام سبزوار در بین شهر-ستانهای استان خراسان روشن می‌شود (۱۱۸) . در صفحه ۱۱۱ آمارنامه خراسان ۱۰ سال بعد یعنی (۱۳۶۳) بازهم می‌خوانیم که : پروانه‌ی ساختمانی صادره‌ی سبزوار ۱۶۴۲ بوده که بعد از مشهد و با اختلاف زیاد با سایر شهرستانهای خراسان قرار دارد (۱۱۹) .

تاسیسات شهری جدید : شهر سبزوار برای آسانی رفت و آمد و . . . حدود ۸۰ خیابان آسفalte دارد که ۵ خیابان آن قدیمی و یا تقریبا قدیمی و بقیه ، برابر نیاز در نقشه‌ی شهر منظور و ایجاد شده است . از خیابانهای قدیمی ، بی‌هق و اسد آبادی (معروف به خیابان بالا) ، اسرار (ارگ) کاشفی و عظاملک نخستین خیابانها و امتداد آنها به سوی شمال و جنوب و یا شرق و غرب پس از آن ایجاد شده است .

آسفالت و آسفالتکاری : حدود سال ۱۳۵۲ برای آسفالت خیابانهای

(۱۱۸) آمارنامه‌ی استان خراسان ، ص ۱۲۱ سال ۱۳۵۳ .

(۱۱۹) آمارنامه‌ی استان خراسان ، ص ۱۲۰ سال ۱۳۶۳ .

جدید ، کارخانه‌ی آسفالت سازی خریداری شده بود که چون کارخانه‌ی دیگری در ۱۳۶۲ جایگزین آن شد ، کارخانه‌ی قبلی به مرکز بخش جغتای واگذار گردید ، از کارخانه‌ی جدید علاوه بر آسفالت خیابانهای سطح شهر ، گاهی در مراکز بخشها ، حتی جاده‌ی قدیم مشهدبه سبزوار و آسفالت جاده اسفراین بهره برده شده است .

آتش نشانی و کشتارگاه : ایستگاه آتش‌نشانی سبزوار که در بر-خورد خیابان پیشاهنگی و کاشفی جنوبی (روبروی خیابان مدرّس) می‌باشد ، دارای سه ماشین بزرگ و یک لندروور و یک دستگاه آمبولانس است که این تعداد وسایل موتوری پاسخگوی نیاز شهر نیست ! سبزوار فقط یکباب کشتارگاه دارد که دارای دو سالن است ، یکی سالن ویژه کشتار گاو و شتر و سالنی دیگر برای کشتن گوسفند ، این کشتار-گاه در حدود ۱۰ کیلومتری جنوب غربی شهر واقعست و با توجه به جمعیت زیاد این شهر ، به کشتارگاه بزرگتر و مجهزتری نیازمند است .

آب نوشیدنی شهر سبزوار : شهر سبزوار به علت واقع شدن در گودی و خشکی و شوری زمین جنوب آن و سنگ بودن عمق زمینش ، متأسفانه کم آب است . دلیل آن ، اینکه چندین سال پیش در میدان اسرار چاهی حفر نمودند که چون به نوعی خاک چسبنده‌ی فشرده که معمولاً از لحاظ سختی به سنگ شبیه است برخورد نمود آبی نداشت ، اما در قسمت شمال شهر با فاصله‌ی یکی دو کیلومتر ، به علت بر-خورداری از رطوبت بیشتر و دسترسی به منابع آبی پای کوه ، آب-ده خوبی دارد ، کما اینکه آب قصبه و عمید آباد و عبدالرحمن در این-قسمت قرار دارند (۱۲۰) .

در گذشته‌ی نه چندان دور (پیش از لوله کشی ، یعنی حدود سال ۱۳۲۵ خورشیدی) آب قصبه از دهن فرهنگ یا مظهر آن توسط سرمیرآب یا به اصطلاح میرآب باشی ، به اولین نقطه‌ی شمالی شهر می‌رسید ، این آب

(۱۲۰) برای دانستن بیشتر به قسمت قنوات آب شهر مراجعه نمایید .

در دو جوی جریان پیدا می‌کرد و هر جوی به افرادی که از لحاظ مقام در سطحی پایین‌تر قرار داشتند و به آنها آب بر یا میرآب می‌گفتند سپرده می‌شد. قسمتی از جوی مرکزی و قسمت دیگری از جوی شرقی از چند باغ می‌گذشت، از آن جمله از باغ صفا گذر می‌کرد که واقعا با آن همه سرسبزی و وجود گلها و آبشارهای طبیعی و مصنوعی جای با صفایی بود، سپس جوی مرکزی از کوچه‌های مریضخانه و قنبرسیاه و حوض چهارراه و افتخار و آقا، سرده و سروستان، حمام حکیم و پامناز و ۰۰۰ و جوی شرقی از ترک آباد و صفائییه و ۰۰۰ دروازه‌ی نیشابور و کمی از سروستان و بالاخره نقابشک گذر می‌کرد، جلودروازه‌ی نیشابور تقریبا روبروی سرای هنربخش از جویی سنگی عبور می‌نمود، چند درخت بید و توت در کنار جوی کاشته شده بود و آنان که نخ و یا لباس رنگ کرده بودند، بعد از درآوردن از خم یا دیگ رنگرزی، می‌آوردند و درآب روان می‌شستند و سپس به ریسمانهایی که به درختان تنومند بسته بودند آویزان می‌کردند و برخی بانوان که لباسشویی دیگران را برعهده داشتند در کنار جوی گودهایی کنده، اجاق مانندی ساخته با هیزم و هیمه و زغال آب را گرم می‌نمودند و چوبک (بیخ) در آن ریخته لباسها را می‌شستند (برای ظروف مسی از گل خشکیده گیاهی به نام اجوه یا اشنو و برای شستن ظروف برنجی و نقره‌ای از در آمیخته نرمی آجر و خاکستر الک شده بهره می‌بردند و ۰۰۰) با این آب و امثال آن حوضچه‌های داخل حیاط را در روز و آب انبارها را شبانه‌گام آب می‌کردند، به این ترتیب که پس از رشته رشته و جوی جوی کردن آب به وسیله میرآب باشی و سپردن آب و مسیرش به آب‌بر، وی در حال عبور از کوی و کوچه‌ها با صدای بلند مردم را از آمدن آب آگاه می‌کرد (از گویش محلی وی و چگونگی خانه‌بخانه بردن آب، به سبب به‌درازا کشیدن مطلب خود داری می‌شود) . الغرض! قسمت شرقی و مرکز شهر از آب قصبه استفاده می‌کردند و بقیه شهر هم به همین گونه، از آب - عمید آباد و کمی هم از آب قنات عبدالرحمان - برای نوشیدن کسبه و یا آنان که کالا و خوراکیهایی برای فروش به شهر می‌آوردند و در مقابل چیزهایی می‌خریدند، آب انبارهای زیبا و بزرگ و محکم می‌ساختند که

غالباً ۱۵ تا حدود ۳۰ پله داشت و کف آن از ساروج که مخلوطی از خاکستر و شن نرم و کمی آهک بود و گاهی هم سفیده تخم یا شیر به آن می‌زدند ساخته می‌شد که بر اثر زیاد مالش دادن و مالش کشیدن مثل سرب یا مس سرخ و درخشنده می‌گردید و به همین جهت مشهور شده که برای سرد ماندن آب نوشیدنی، سرب یا مس در کف آب انبارها جا می‌گذاشته‌اند و نیز برای جلوگیری از کرم، زغال می‌ریختند. نمونه‌ای از این آب انبارها، یکی در دروازه نیشابور روبروی سرایی یا رباطی که می‌گویند شاه عباس ساخته، موجود است و در حال حاضر هم آب دارد و از آب آن نیز استفاده می‌شود و ساکنان نواحی چند سال یک‌دفعه آب آن را خالی و از لجن ته نشست شده پاک می‌کنند و دوباره پرآب می‌نمایند، دیگر آب انبارها: تقریباً در اوایل کوچه نقابشک، وسط کوچه حمام حکیم، سرسنگ واقع در پایین کوچه گود انبار کسه موجود است، حوض چهار راه در اول کوچه ای به همین نام در وسط خیابان شریعتمداری (فدائیان اسلام) که خراب شده و حوض ۸ پایه که چون هشت پایه داشته چنین نام گرفته و قسمتی از آن در حال حاضر، در کف پیاده رو سبزیز واقع گردیده و دیگر حوض کوچه کلاه فرنگی و بالاخره جنب ژاندارمری سابق و . . . و اما شبکه آبرسانی در سبزوار از سال ۱۳۳۸ طی چهار مرحله شروع شد:

- ۱- وسیله سازمان بهداشت .
- ۲- وسیله شرکت گذار .
- ۳- توسط شرکت خارکو .
- ۴- وسیله شهرداری .

که هنوز هم بهره‌گیری و بهره‌رسانی آن را زیر نظر دارد، ضمناً تعداد مشترکین آب در حال نوشتن این مطالب به ۲۴ هزار بالغ می‌شود .

پارک (۱۲۱): پارک‌هایی که هم سرسبزی و پاکیزگی هوا را موجب می‌شوند و هم جایی برای آسایش و گردش هستند به ترتیب قدمت عبارتند از:

(۱۲۱) Park باغ یا محل پردرخت برای گردش و . . را گویند .

- ۱- باغ ملی (محل ارگ سابق که زمینی جدا شده از بیمارستان حشمتیه است و در حاشیه و برخورد دو خیابان اسد آبادی و اسرار قرار دارد .
- ۲- پارک جانبازان (پیرنیای سابق در مشرق شهر) .
- ۳- پارک ۳۳ هزار متری در مغرب شهر .
- ۴- پارک دکتر شریعتی (در شمال شرقی ، ورودگاه جاده‌ی پیشین مشهد).
- ۵ و ۶- دو باغ کودک که یکی در جنوب و دیگری در شمال شهر ایجاد شده است .
- ۷ و ۸- شهر بازی در فلکه یا میدان دکتر شریعتی و پارک ارم در جاده‌ی طبس (انتهای خیابان طالقانی که در دست ایجاد و تکمیل است) .
- میدان :** میدانهای سرسبز یا به اصطلاح محلی و عمومی خراسان فلکه (چون در سطحی بسیار کوچک به فلک مانده است) در شهر عبارتست از :
 - ۱- فلکه‌ی ۳۳ هزار متری .
 - ۲- فلکه‌ی ستون یادبود سابق یا میدان آزادی فعلی (جلو دایره‌ی راهنمایی رانندگی و مهمانسرای عمومی) .
 - ۳- فلکه‌ی کارگر .
 - ۴- فلکه‌ی امیرکبیر در مسیر کوشک سابق .
 - ۵- ۶- ۷- فلکه های اول و دوم و سوم طالقانی (در خیابان طالقانی در مسیر راه طبس) .
 - ۸- فلکه‌ی سابق شیرها یا میدان رسالت (در جنوب شهر بر سر راه کاشمر) .
 - ۹- فلکه‌ی قدس (جلو دبیرستان اسرار) .
 - ۱۰- فلکه‌ی فلسطین (میدان اسرار) .
 - ۱۱- فلکه‌ی ابومسلم (در امتداد خیابان ابومسلم و برخورد آن با خیابان مشهور به عظیمیان) .
 - ۱۲- میدان و یا فلکه‌ی سه گوش (روبروی اداره‌ی جنگلبانی سبزوار) .
 - ۱۳- فلکه‌ی دکتر شریعتی (روبروی شهربانی) .
 - ۱۴- فلکه‌ی بزرگ و بیضی شکل که ادامه‌ی خیابان ۱۷ شهریور و ۶ خیابان دیگر به آن می‌رسد در مغرب کوشک بالا)

بلوار (۱۲۲) : سبزوار دارای ۶ بلوار است :

- ۱- بلوار دکتر شریعتی .
 - ۲- بلوار دکتر فاطمی (روبروی نخستین پمپ بنزین) .
 - ۳- بلوار چهل متری اول (دکتر چمران) از میدان دکتر شریعتی به طرف اولین استادیوم ورزشی سبزوار (۱۲۳) .
 - ۴- بلوار سربداران (بعد از فلکهای ۳۳ هزارمتری به طرف جاده تهران)،
 - ۵- بلوار امام خمینی که (از جنوب به میدان رسالت یا فلکهای شیرها می‌رسد و از شمال به فلکهای ۳۳ هزار متری) .
 - ۶- بلوار کم پهنای کم کشش آزادی که امتداد آن به میدان وسیع ۱۷ شهریور می‌رسد (و در قسمت ۱۴ میدان آمد) .
- سبزوار در حال حاضر فقط یک سینما به نام ۱۷ شهریور دارد .
- خدمات عمومی شهری :** در ادامه خدماتی که جنبه‌ی خدمات عمومی شهری داشت و توسط شهرداری ارائه شده سایر خدمات شهری عبارتند از :

گرمابه ها : بطوری که پس از این خواهید خواند به دو علت گرمابه های شهر سبزوار بیشتر در قسمت جنوب و جنوب شرقی سبزوار قرار دارد و اگر هم گاهی در قسمتی از شمال گرمابه ای وجود دارد ، زمان بنایش به قبل از سکونت طبقات مرقه در این محدوده مربوط می‌شود و اما علل :

- ۱- عدم امکان ساختن حمام در منازل جنوب .
- ۲- مراجعه‌ی روستاییان (کشاورزان یا کلاً کارگران و مسافران) به هنگام آوردن کالای خود به شهر یا آمدن به شهر برای انجام کاری و ضمناً استحمام و تمیز برگشتن به روستا .

Boulevard (۱۲۲) یک لغت فرانسوی است و خیابان درخت دار و چمنزار را گویند .

(۱۲۳) دو خیابان دیگر هم به موازی آن در سوی خاور ، به نامهای ۴۰- متری دوم کشیده شده و به صورت بلوار است و ۴۰ متری سوم در دست احداث می‌باشد .

اینک اسامی گرمابه ها و محل هر کدام :

- ۱- گرمابه‌ی آریا در میدان اسرار .
- ۲- گرمابه‌ی بقراط در اسرار جنوبی .
- ۳- گرمابه‌ی بهار در چهار راه سربداران .
- ۴- گرمابه‌ی بهشت در بلوار دکتر چمران .
- ۵- گرمابه‌ی رفعت پور در خیابان امیرکبیر (کوشک بالا) .
- ۶- گرمابه‌ی زیبا در دروازه‌ی عراق .
- ۷- گرمابه‌ی شفق در اوایل خیابان امیرکبیر .
- ۸- گرمابه‌ی شهرزاد در خیابان دکتر غنی .
- ۹- گرمابه‌ی صفا در اسرار جنوبی .
- ۱۰- گرمابه‌ی کورش در خیابان محقق (روبروی نخستین پمپ بنزین) .
- ۱۱- گرمابه‌ی مرمر در جعفرآباد .
- ۱۲- گرمابه‌ی ولّی عصر در راه حارث آباد (جاده‌ی کاشمر) .

مهمانخانه ها :

- ۱- مهمانخانه‌ی اسلام در اسرار جنوبی .
- ۲- مهمانخانه‌ی باختر در اسرار شمالی .
- ۳- مهمانخانه‌ی بروجردی در بیهق غربی .
- ۴- مهمانخانه‌ی بلوار در بلوار شریعتی .
- ۵- مسافرخانه و مهمانخانه‌ی پارس در خیابان بیهق جنب مدرسه‌ی فخریه .
- ۶- مهمانسرای جهانگردی در خیابان اسد آبادی غربی ، جنب راهنمایی .
- ۷- مهمانخانه‌ی حاتم در اسد آبادی شرقی .
- ۸- مهمانخانه‌ی رضوی در خیابان بیهق مرکزی .
- ۹- مهمانخانه‌ی شاد در عظاملک مرکزی .
- ۱۰- کلبه‌ی شهرداری در میدان ۳۳ هزار متری .
- ۱۱- مهمانخانه‌ی طوس در اسد آبادی مرکزی روبروی باغ ملی .
- ۱۲- مهمانخانه‌ی ملّی در بیهق غربی جنب شرکت مسافربری قم .

بنگاههای حمل و نقل و مسافربری : برخی از شرکتهای متعدد

مسافربری که در این شهر با پرسنل کاردان و نیرومند مشغول کارند

به این شرح نامشان آورده می‌شود :

شماره‌ی تعاونی و نام شرکت	محل آن	تعداد اتوبوس	مقصد
تعاونی ۱ (ایران - پیمان)	خیابان عظاملک - مرکزی	۲۸ دستگاه	تهران، گرگان، مشهد و... سوریه
تعاونی ۲ (اتحادیه اتوبوس داران)	خیابان عظاملک - مرکزی	۱۲ دستگاه	تهران، مشهد، زاهدان و قم
تعاونی ۴ (میهن - تور)	خیابان بی‌هق نزدیک پست و تلگراف	۱۸ دستگاه	تهران، مشهد، کرج، زاهدان، قم و سوریه
تعاونی ۹ (ترانسپورت)	خیابان عظاملک - جنوبی	۱۲	تهران و مشهد
تعاونی ۱۲ (شرکت قم)	خیابان بی‌هق (دروازه عراق)	۱۱ دستگاه	تهران و مشهد
ترمینال خراسان	ابتدای بلوار دکنتر - شریعتی	۲۷ دستگاه	فقط مشهد نیم ساعت به نیم ساعت سرویس دارد
جمع ۶ شرکت	در مواقع عادی (غیر از اعیاد)	۱۵۷ دستگاه	برخی از این شرکتها در مواقع ضروری بیش از این و برای سایر جاهای سرویس می‌گذارند.

(جدول شماره‌ی ۹)

بنگاههای باربری : به صورت رسمی ، سبزوار ۵ بنگاه باربری مشهور دارد که همه در خیابان اسدآبادی هستند و از شرق به غرب عبارتند از :

- ۱- بنگاه باربری مسرووری واقع در ورودی جاده‌ی قدیم مشهد به سبزوار (بلوار دکنتر شریعتی) .
- ۲- بنگاه باربری کاشمیری روبروی باغ ملّی .
- ۳- بنگاه باربری محمدیه تقریباً در وسط خیابان اسدآبادی .
- ۴- بنگاه باربری رستگار جنب خیابان امیرکبیر .
- ۵- بنگاه باربری میهن ، تقریباً اواخر خیابان اسدآبادی به طرف تهران . علاوه بر اینها حواشی بعضی خیابانها و تمام کاروانسراها محل ورود و خروج اتومبیلهای بزرگ و کوچک باری هستند و برخی از کامیونهای -

بزرگ مستقیماً از بعض روستاها کالا یا گاو و گوسفند به تهران و مشهد و حمل می‌کنند .

شهرستان سبزوار نزدیک به ۷۶۰ دستگاه کامیون دارد که صاحبان آنها در تعاونی عضو می‌باشند و تعداد دیگری نیز غیرعضو . از این ۷۶۰ دستگاه ۶۰ دستگاه تریلی می‌باشند .

تعداد کل تانکرهای مشغول به کار سبزوار ، از قبیل خاور ، بنز ده تن ، ده چرخ و تریلی که بر روی آنها تانکر حامل نفت و سایر مواد سوختنی نصب شده است حدود ۸۵ دستگاه می‌باشد که ۳۵ دستگاه از شهر به حومه و بخشها ، ۵ دستگاه داخل شهر و ۴۵ دستگاه خارج از شهرستان سبزوار به اصفهان ، ری ، شاهرود ، بندرعباس و مشهد و سایر شهر- ستانهای استان خراسان بکار مشغولند و حدود ۳۵۰ دستگاه از کامیونهای بنز ۱۰ تن فقط از دو قریه‌ی حارث آباد و فسنقر هستند .

تاکسی : در حدود سال ۱۳۴۰ خورشیدی ، برای نخستین بار ۱۰-

دستگاه تاکسی برای رفت و آمد مردم شهر و حومه‌ی سبزوار بکار گرفته شد و به علت کمبود این وسیله‌ی نسبتاً تندرو ، ناگزیر ۷۰ دستگاه درشکه و ۳۰۰ دستگاه اتومبیلهای سواری از قبیل : جیپ ، فولکس واگن ، شورولت بنز و سایر مدل‌های شخصی نیز مورد استفاده قرار گرفت ولی اکنون از درشکه اثری نیست ولی بیش از ۵ هزار دستگاه اتومبیل شخصی در شهر صاحبان و اهل البیت را از جایی به جای دیگر می‌برند . تعداد تاکسی‌های سبزوار در حال حاضر ۲۶۰ دستگاه است و کرایه‌ی آنها ۱۵ ریال در داخل شهر می‌باشد .

مینی‌بوسهای مشغول به کار برابر آمار واحد تعاونی مینی‌بوس‌داران-

سبزوار ۳۶۰ دستگاه شخصی و ۲۰ دستگاه تحت نظارت شرکت خاص (مینی‌بوس خط واحد) در مسیرهای تعیین شده با دریافت نفری ۱۰ ریال کرایه در محدوده‌ی شهری در رفت و آمد است .

سازمان تربیت بدنی شهرستان سبزوار : برای پرورش تن و شاید

به پیروی آن ، بالا بردن سطح اندیشه و خرد ، دو استادیوم ورزشی سرباز و در هوای آزاد ، یکی در قسمت شرق شهر ، در امتداد خیابان خواجه- نظام الملک به مملی و دیگری در شمال شرقی شهر در حاشیه‌ی بلوار

دکتر شریعتی به ترتیب به نامهای شهید ابوالقاسم مظهری و سرهنگ شهید هوایی یونس خوشبین وجود دارد و نیز دو سالن سرپوشیده ورزشی در منطقه‌ی ترک آباد قدیم به نامهای سالن تختی و دیگری در جنوب شرقی شهر به نام شهید مشکانی که اولین شهید انقلاب اسلامی درسبزواری است و هم باشگاهی در دروازه‌ی نیشابور که کادر اداری تربیت بدنی در آنجا هستند و در مراکز بخشها میدان ورزشی موجود می‌باشد .

علاوه بر باشگاه ورزشی تربیت بدنی ، بازهم باشگاههای ورزشی باستانی یا پهلوانی در شهر سبزوار دایر است :

- ۱- باشگاه ورزشی سربداران واقع در میدان اسرار یا (فلکمی فلسطین) به مسئولیت آقای غلامی که از داوران ممتاز خراسان می‌باشد .
- ۲- باشگاه ولی عصر که در کوچه‌ی آقا در خیابان بیهق قرار دارد و صاحبان امتیاز آن مرحوم جاجرمی و آقای خسرو جلالی است .
- ۳- ورزشخانه‌ی مولای متقیان در محل ژاندارمری سابق که ملکی آن متعلق به ارشاد اسلامی است و مسئول آن آقای غلامرضا خادمی (اعتمادی فر) می‌باشد .

۴- ورزشخانه‌ی پوریای ولی واقع در پایین میدان نقابشک (کاشفی جنوبی) به مدیریت آقای احمد خلقی .

۵- باشگاه ورزشی پهلوانی آقای سید حسن نقیب زاده که فدراسیون کشتی وی را مرشد کارآزموده می‌داند در خیابان فیاض .

اکنون که از پهلوان و پهلوانی صحبت شد ، خوبست که ذکریم هم از پهلوانان نام دار سبزوار به میان آوریم . از جمله ، حاج سیّد حسن رزّاز ، که خوی جوانمردی اش بنام است ، مدت ها در سبزوار مقیم بوده ، کربلایی فریدون نعیمی که شغل اصلی وی قفل سازی بود ، و کربلایی عبدالحسین پهلوانی ، از سادات معروف عربشاهی . (دو تن اخیر ، فوت کرده اند و فرزندان آنها زنده اند و از پیش کسوتان گود زورخانه می‌باشند .) دیگر ، مرحوم حاج علی خان فرامرزی و پدرش که به یوزباشی معروف بوده ، و نیز می‌توان از دیگر پهلوانان از جمله نصرالله شفیعی ، و روان شادان حسین رفیع پور و حاج عباس زرّین قلم نام برد . این نکته نیز گفتنی است که اولین گود زورخانه‌ی خراسان

در سبزوار دایر شده ، و آن زورخانه ای بوده است که به کوشش پهلوان امیر عبدالرزاق باشتینی ، مؤسس سلسلهی سربداران در زیرزمینی تأسیس گردید .

آموزش و پرورش (وضع سواد و تحصیل در سبزوار)

الف - سواد : بالا بودن سطح سواد و دانش هر جامعه موجب افزونی بینش انسانی و گسترش فرهنگ آن جامعه می‌باشد و اگر بینش درست انسانی به آن حد رسد که حق از ناحق باز شناسد ، اقتصاد ، بهداشت و بطور خلاصه دین و دنیا و آخرت تامین است و برای این منظور لازم است که مراکز تحصیلی را زیاد و فعال و قابل استفاده و پذیرش کودکان ، نوجوانان ، جوانان ، حتی پیران نمود تا همگان با تمام وجود و میل و رغبت ، به کانونهای تحصیلی روی آورند ، زیرا که سواد ، محلّ و سن و حدّ و مرزی نمی‌شناسد و به فرموده‌ی پیامبر گرامی اسلام (ص) سواد آموزی و طلب دانش بر تمام مردان و زنان مسلمان واجب است . پیش از ورود به این بحث به جدول زیر توجه فرمایید :

سال	شهر	شهرستان
۱۳۳۵	۹۱۶۴ تن	۳۵۵۰۵ تن
۱۳۴۵	۱۹۳۱۴ تن	۴۰۴۱۰ تن
۱۳۵۵	۳۲۶۹۷ تن	۷۱۳۰۹ تن
۱۳۶۵	۷۴۱۷۸ تن	۱۶۱۷۲۲ تن

(جدول شماری ۱۰) " باسوادان سبزوار در گذرای ۳۰ سال "

با عنایت به جدول جمعیت (جدول شماره ۶) ، و توضیحات آن ، اکنون باید اضافه کرد که : با توجه به جمعیت ۱۰ ساله به بالا در ۱۳۳۵ و ۹ ساله در دهه های بالاتر افراد باسواد و هم جمعیت کل شهر و شهرستان حدودا به ترتیب در سال ۱۳۳۵ خورشیدی ۲۹٪ ، در

۱۳۴۵ حدوداً ۴۴٪ ، در سال ۱۳۵۵ متجاوز از ۴۸٪ و بالاخره در سال ۱۳۶۵ حدوداً ۵۴٪ جمعیت شهر باسواد بوده اند و این نسبت در سطح کل شهرستان درصد پایین تری را نشان می دهد .

نسبت باسوادی بین زنان و مردان نیز متغیر بوده و در ۱۳۳۵ اختلاف زیادی داشته که با گذشت زمان کاهش یافته است و با در نظر گرفتن تغییرات کیفی سواد و آموزش ، در طول زمان باسوادان در سطوح بالاتر تحصیلی افزایش یافته اند که از کل باسوادان در سالهای سر-شماری شده (مرد و زن) در ۱۳۳۵ برابر با ۱۱/۳٪ ، در سال ۱۳۴۵ حدود ۲۱٪ ، در ۱۳۳۵ بیش از ۲۸٪ و بالاخره در ۱۳۶۵ زیاده از ۳۰٪ را زنان باسواد شامل می شوند ، بطوری که می بینیم پیشرفت و بیشتر شدن بانوان باسواد در دهه ها نامتعادل و در سوی کمبود می باشد مثلاً از ۱۳۳۵ به ۴۵ نزدیک به ۱۰٪ افزوده شده ولی از ۴۵ به ۵۵ حدود ۸٪ و حال آنکه متاسفانه این پیشروی از سال ۵۵ به ۶۵ ، فقط ۲/۵٪ بوده است و چون مطلب طولانی خواهد شد از یاد بخش درصد باسواد برحسب سن و جنس در جمعیت از ۷ ساله به بالا خود داری می شود .

ب : تحصیل ، در سبزوار موسسات فرهنگی و مدارس خصوصی ، به صورت امروزی یا به صورت نو از سال ۱۲۸۸ خورشیدی بوجود آمده است ، از سال ۱۳۰۵ خورشیدی نیز مدرسه دیگری در این زمینه و بالاخره از ۱۳۰۰ و ۱۳۰۶ مدارس دولتی در شهر تاسیس گردید که به موقع نام نیک آن رفتگان نیکو بنیاد را می آورم

نام نیک رفتگان ضایع مکن تا بماند نام نیکت پایدار
مکتبخانه : مکتبخانه هایی که نوباوگان ، در آنجاها قرآن مجید و یا . . . را از زمانهای پیشین فرا می گرفته اند و یا در حال حاضر فرا می گیرند در پهنی شهر و شهرستان سبزوار زیاد بوده و هست و اگر گاهی " آق ملایی " وجود داشته ولی اغلب به وسیله بانوان با حیا و عصمت که اصطلاحاً به آنان " آق باجی " و یا " ملاباجی " می گفتند ، اداره می شده است .

در این مکاتب علاوه بر تعلیم قرآن ، کتب کم برگ و ساده و خوش مطالبی همچون : استغفرالله العظیم ، حسنین ، عاق والدین و برای

تفتن و سرگرمی کتاب پرمایه‌ی موش و گربه و سلیم جواهر و
تدریس می‌شده و در سطوح بالاتر، از کتب مرثیه خوانی، پربریگی مانند
جودی، جواهری، انوارالشهاده و روضه‌الشهدای ملاحسین کاشفی استفاده
می‌کردند و می‌کنند و نمونه‌ی این مکتبها در زمان حاضر به صورت مدرن
تر از گذشته در سطح شهرستان وجود دارد.

از قدیمی‌ها، از شرق به غرب شهر آخوند کُری، خانم باجی،
کربلایی محمد آقا و خواهرانش، ملا فرشته‌ی صالحی که علاوه بر تعلیم
قرآن، از علمای عصر، همچون مرحوم آقای حاج میرزا ابراهیم علوی اجازه
داشت مسائل و مشکلات دینی بانوان را جواب دهد و هم دختران آن
مرحومه، آخوند ترکه و ملاشرف یا (کلب شرف)، دختر میرزا احمد -
جوهر، عیال مثنی محمد، حاج شیخ احمد اجتهادی، حاجیه ملای -
مغیثه ای، خانم بیارجمندی و آخوند محترم دیگری به نام نوس دراز از
آن جمله اند. (به سبب درازی مطلب، از نحوه‌ی ورود بچه‌ها به
مکتبخانه‌های قدیمی و سایر مراسم ویژه و چگونگی تدریس و فراگیری
دروس خودداری می‌شود.)

در حال حاضر مکتبی از نمونه مکاتب قدیمی کارا، مکتب خانمی
است به نام خانم خمیرچی معروف به باجی ساعت.

علاوه بر مکتبهایی که نام برده شد مکتب علمی و مدرنی به نام
مکتب نرجس در شهر سبزوار وجود دارد، از بانوانی که از ابتدای
تاسیس این مکتب با جدیت و حوصله‌ی تمام در آنجا به تعلیم قرآن و
جوابگویی به مسائل شرعی و ارشاد مشغول بود مرحومه خانم امجدناوی
عیال نیکوکار روانشاد حاج عباسعلی آقا بابائی بوده است.

اکنون برای تکمیل معلومات از خاطرات طیب و ادیب مشهور
سبزوار، دکتر قاسم غنی نیز بهره می‌بریم (۱۲۴): درپایین‌کوچه حمام

(۱۲۴) دکتر قاسم غنی، زندگی من، به کوشش سیروس غنی، انتشارات
آبان، چاپ اول، جلد ۱، صفحات ۵۲ و ۶۱، ۱۳۶۱. (کسانی که
نامشان در گفتار دکتر غنی آمده آنان بوده‌اند که وی در خلال ۱۳۱۵ تا
۱۳۲۵ هـ - ق نزدشان درس می‌خوانده است، ضمناً شادروان روح‌الله لاهوتی

حکیم میرزا باجی بود به نام ننه آقا مادر آقا سید رضا طلبه‌ی مشهور به "آقای لسان" روزه خوان و در وسط کوچه حمام حکیم آقامیرزا روح‌الله لاهوتی سبزواری (آقای روح) و آقای نظام العلماء مکتبخانه‌ای داشت، فارسی درس می‌داد و بعد عمّ جزء. دختر حاجی عرب پیرزن سفید مو و با وقار نیز در اطاق مرطوبی به تعلیم قرآن می‌پرداخت. نزد این خانم باجی خنده ممنوع بود. (یکی از خواص ختم عمه‌ها با ننه غذا خوردن و به او دادن بود). آقای شیخ عباس دامغانی (در مدرسه‌ی شریعتمدار) گلستان و نصاب الصبیان تدریس می‌کرد. آقای نور یا میرزا نورالدین، برادر آقای روح خطّ. آقا شیخ عبدالعظیم اردبیلی در سرای آقا (ساخت آقای حاج میرزا ابراهیم شریعتمدار) هم خطّ تعلیم می‌داده و نصاب و صرف میر، تاریخ معجم، انشاء نویسی و نامه نگاری (ترّسل). ضمنا پس از این اشخاص شیخ نعمت الله طالب الحق و شیخ موسی کنعانی هم مشترکا مکتبخانه‌ی علمی داشته اند.

مدارس علوم قدیمه: یا به اصطلاح مدارس طلاب که به خواستاران، علوم دینی، فلسفی، عربی و مطالب علمی در این زمینه می‌آموزند و علماء و حوزه‌ی تدریس آنان در سبزواری به شرح زیر است. (این تحقیق مربوط به سال ۱۳۴۵ خورشیدی تاکنون می‌باشد، آنان که در زمان نگارش این مقالت به عالم باقی شتافته اند و مردانی با فضیلت بوده و بر مردم این دیار حقّ فراوانی دارند، خدایشان بیامرزد).

الف: مدرسه‌ی شریعتمدار - آقای حاج شیخ حسین شهرستانی، آقای حاج شیخ محمدتقی عندلربی و حاج آقای محمدی.

ب: مدرسه‌ی فخریه - آقای حاج میرزا محمد علی برابادی، مرحوم حاج میرزا علی سیادت، مرحوم حاج شیخ حسن علیمحمدی، مرحوم حاج

دنباله‌ی پاورقی از صفحه‌ی قبل

که چند سالی در اواخر عمر، کارمند ثبت اسناد و املاک بود قبل از آن در کاروانسرای حاجی زمان کلاسی داشت که در آن صرف میر و گلستان و هدایه تدریس می‌کرد و پس از تاسیس مدارس رسمی، شاگردان وی به آن مدارس اعزام شدند.

میرزا اسدالله فاضلی ، آقای حاج سید محمد تقی فقاہتی ، حاج آقای قریشی و مرحوم حاج شیخ حسن قاضی .

پ : مدرسی فصیحیہ - مرحوم حاج سید فخرالدین افقی ، مرحوم حاج شیخ ولی اللہ اسراری ، حاج آقای شبیری و حاج آقای مہرآبادی .

ت : مدرسی مرحوم آیت اللہ فقیہ سبزواری - کہ در حال حاضر مدرسی علمیهی محمدیہ نامیدہ می‌شود ، حاج آقای ابراہیم نژاد .

علاوہ بر حوزہ های علمیه کہ یاد شد ، آقایانی کہ پس از این نامشان می‌آید ، در منزل شخصی بہ مشتاقان تدریس می‌کنند :

آقای میرزا علیرضا افقی فرزند روانشاد حاج سید فخرالدین افقی ، آقای حاج سید عباس افتخار ، آقای حاج سید مصطفی سیادتی و آقای حاج سید محمد حسن علوی و اضافہ بر این آقایان ، آقای علم - الہدی و مرحوم حاج سید ابوالفضل فقاہتی ہم از ہمشریانی ہستند کہ در مشہد تدریس داشتہ و دارند . جمع عدهی طلب سبزواری در سال ۱۳۶۸ خورشیدی متجاوز از ۴۰۰ تن بودہ است .

پایہ گذاران فرهنگ نوین سبزواری : بہ مجرد آنکہ از پایہ گذاران فرهنگ نوین این شهرستان صحبت می‌شود ، خدمتگزاری بزرگ همچون مرحوم شیخ محسن ستودہ ، شیخ محمد شعبانی ربّانی، میرزا محسن خان قدر و شیخ حسن داورزنی بہ ذہن تداعی می‌شود . اکنون بہ عنوان سپاس و قدرشناسی، شرح حال و خدمات آنان (گر چہ کوتاہ) در این مقالّت آورده می‌شود ، تا مشوق و محرّکی برای سایر خدمتگزاران باشد .

شیخ محسن ستودہ : شادروان شیخ محسن ستودہ فرزند ملانوروزعلی از برجستگان علوم دینی و برخوردار از درجّی اجّتہاد بودہ ، تحصیلات خود را در زادگاہش قریہی گوران طالقان از محضر درس والد بزرگوارش و اساتیدی همچون حاج سید ابوالحسن طالقانی (پدر زندہ یاد مبارز حاج سید محمود طالقانی) بہ پایان رسانیدہ و در روزگار نوجوانی عازم تہران شدہ و از مدرسی عالی سپہسالار (مدرسی عالی شہید مطہری) با استفادہ از محضر علمای عالیقدری ، چون سنگلجی بـہ سال ۱۲۸۰ خورشیدی فارغ التحصیل شدہ است . پس از چند سالی تدریس در تہران با معرفی مرحوم نصیرالدولہ بہ شهرستان سبزواری مہاجرت و مقیم این



مرحوم ستوده

در سال ۱۲۸۸ خورشیدی با همکاری شادروان دکتر حسن زاهدی که اهل تهران و مقیم سبزوار و مشهور به موسیو (Monsieur) بوده است دبستانی را به نام (مدرسه علمی خیریه) بنیان گذارد . این مدرسه به سبکی مدرن و با اسلوبی صحیح بر اصول دین و دانش جدید پایه - گذاری شد و برای تدریس و تعلیم شرعیات و مسائل فقهی ، هم‌آهنگ با سنّ محصلین در کلاسهای مختلف از وجود معلمین ارزندۀ هم‌چون حاج سید احمد افتخارزاده و برادرش آقای حاج میرزا یوسف افتخارزاده و شادروان حاج شیخ اسدالله مصطفوی بهره گرفته می‌شد و جهت تعلیم خط از مرحوم استاد علی حکاک دعوت به عمل آمد و آن فقید کلمات مشکوٰۃ کتب به صورت ترکیب الحروف با آن سرمشقها و تمرینها و رقعه‌ها زیبا را با دقت و حوصله زیاد تعلیم می‌داد که نمونه‌هایی از کا

تعلیم یافتگان آن زمان ، از آیات سوره های مبارکه ی قرآن و یا غزلیات حافظ و سعدی باقی است .

در سال ۱۲۹۰ از آقای شیخ محمد شعبانی ربانی برای تدریس ریاضیات و زبان فرانسه دعوت بعمل آورد و آن مرحوم هم با علاقهای وافر به این مهم پرداخت و چنان صمیمیتی بین این دو نفر برقرار شد که تا زمانی چند ، اهالی سبزوار آنها را برادر یکدیگر می پنداشتند . علاوه بر افرادی که نامشان آمد ، شاید سال ۱۲۹۵ خورشیدی بوده که زنده یادان احمد اسکوئی زاده ، شیخ داوود ستوده برادر زن آقا شیخ - محسن و حاج شیخ نعمت الله سدیری (عندلیبی) که علاوه بر ادبیات ، خط خوش هم داشت به گروه آموزگاران پیوستند . از نخستین نوآموزان دبستان خیریّه ، می توان زنده یادان سیدحسن نبوی ، احمد فرزین و محمد ابراهیمی و آقایان میرزا حسینخان ابراهیمی و محمد ابراهیم بیهقی ساکن تهران را دانست و . . .

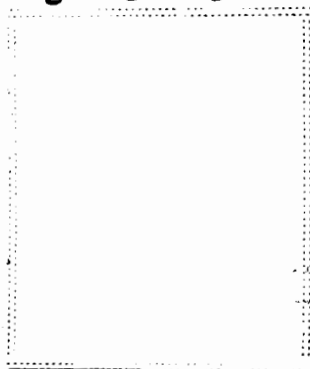
مرحوم ستوده معتقد بود که ملکات فاضله ی اخلاقی هر محصل در سنین دبستانی و به ویژه در کلاس اول ابتدایی شکل می گیرد به همین جهت سخما آموزگاری کلاس اول را بر عهده می گرفت .

در کلاسهای بالا ، مشکل ترین مسایل حساب و هندسه از کتابهای ۶۰۰ مساله و ۱۰۰۰ مساله ، جذر و کعب ، زبان فرانسه و دیکته هایی که جنبه ی اخلاقی و اندرز داشت از کتابهای کلیله و قابوسنامه ، حفظ اشعار فردوسی و ایراد آن با آهنگ حماسی و تعلیم جغرافیا از نقشه ی گنگ توسط مرحوم ربّانی ، معلومات عمیقی به دانش آموزان می بخشید ، بطوری که هنوز هم مردان ۶۰ ساله به بالا که کودکان آن روز بودند آن خاطرات را همواره بازگو می کنند و به یاد آن دو بزرگوار هستند . شادروان آق (آقا) شیخ محسن ستوده در روز عید غدیر خم در دی ماه سال ۱۳۱۸ خورشیدی ، در سن ۶۲ سالگی به عالم ملکوت پیوست .

شیخ محمد شعبانی ربّانی : معروف به (شیخ آقا ربّانی) هم اهل طالقان و فارغ التحصیل از مدرسه ی دارالفنون بود و مسلّط به زبانهای عربی و فرانسه ، در ریاضیات استاد و به علّت خدمات ارزنده اش از سوی وزارت فرهنگ نشان درجه ی یک خدمت و از محضر حضرت آیت الله

(۱)

محل الصاق عکس



نمره ترتیب

اسم محمد آقا

نام خانوادگی بهیقی

اسم پدر چمن آقا محمد ولی طفل چمن سیراوند

نمره ورقه هویت حیات سیرود (۲۴۲)

محل صدور ورقه هویت سیروار

تاریخ تولد سال هزار سیصد و هشتاد و سه (۱۳۰۳)

محل تولد محله صلام حکیم

اسم شهر سیروار

(۲)

توانا، بود هر که دانا بود
بدانش دل پیر برنا بود

نمره شاگرد.....

نمره ورقه صحی.....



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

دبستان.....

محمد کا که هویت او درظهر این صفحه تصریح شده است

سال گذشته بامعدل..... در کلاس..... بوده و فعلاً

شاگرد کلاس..... این دبستان میباشد

شاگرد مذکور در تاریخهای ذیل آبله کوبیده است :

۱ در تاریخ ۲۰ بهمن ۱۳۱۱ در شهر تبریز بنمره ۱۷۹۴۴

۲ در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۱۱ در شهر..... بنمره ۲۰۳۰۲

۳ در تاریخ ۱۰ مرداد ۱۳۱۳ در شهر..... بنمره ۲۶۳۰۶

اسم نام خانوادہ سال تحصیلی ۱۳۱۲ - ۱۳

نمره ترتیب	درس	نمره با عدد	نمره با حرف
۱	دکمه	۲۵	با نرود
۲	سبب و سبب	۲۰	بیت
۳	انت	۱۲	(دوازده)
۴	خط	۱۳	نیزده
۵	نزد و نزدیک	۲۰	بیت
۶	نارسی	۱۳	نیزده
۷	نارنج	۲۵	بیت
۸	شمس	۱۱	یازده
۹	سبب و سبب	۸٫۵	بیت
		جمع	صدوری ریزش
		۱۳۹٫۵	

توضیحات راجع بشاگرد

دفعات تاخیر ورود

استعداد

رفتار

عدد ساعات غیبت ۳۳

با معدل کلاس شاگرد: ۱۸ بین ۱۸

سعی و مراقبت در دروس
نظافت

محل اعضاء مدیر و مهر دبستان

محل اعضاء ولی

(۴) امتحانات ثالث دوم کلاس

اسم نام خانوادہ سال تحصیلی ۱۳۱۳

نمبره ترتیب	درس	نمبره با عدد	نمبره با حرف
۱	دیگر	۱۵	پایزده
۲	حساب	۱۱	یازده
۳	حسن خط	۵	پنجاه
۴	موضوع	۱۱	یازده
۵	قرآن و روایت	۱۲	دوازده
۶	تاریخ و جغرافیہ	۱۲.۵	دوازده و نیم
۷	تاریخ	۹	نه
۸	جغرافیہ	۱۵	پانزده
۹	حساب و ہندسہ	۲۰	بیست
		۱۱۵.۵	جمع

توضیحات راجع بشاگرد

دفعات تاخیر و زور

عدہ ساعات غیبت

بین ۱/۱

با معدل ۱۲/۱ شاگرد

محل امضاء مدیر و مهر دبستان

مستقیم

۱- تعداد خوب

رفتار خوب

معنی و مراقبت دارد

نظام و انضباط

محل امضاء ولی

امتحانات ثلاث سوم و سالیانه و تجدیدی (۵)

اسم نام خانوادہ ل تحصیاتی ۱۳۱۴-۱۳۱۵

نمبره ترتیب	درس	نمبره امتحان ثلاث سوم	معدل نمرات سالیانه	نمبره با حرف	نمبره امتحان تجدیدی
۱	دیکتہ	۱۱		یازده	
۲	مسابقتہ	۱۶		یازده	
۳	انکس	۱۱		یازده	
۴	حسن حفظہ	۱۷		سہ	
۵	تاریخ	۱۱, ۵		یازده و سہ	
۶	فانیکس	۱۱, ۵		یازده و سہ	
۷	مکتبہ	۱۲		دو ازده	
۸	خزائن	۱۱		یازده	
۹	دین	۱۵		یازده	
۱۰	دین	۱۱	۱۵, ۵	یازده و سہ	
۱۱	دین		۱۲, ۸	دوازده و سہ	
۱۲	دین		۱۲, ۸	دوازده و سہ	

توضیحات راجع بشاگرد

استعداد دفعات تاخیر ورود

رفتار عدم ساعات غیبت

سعی و مراقبت بین ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۵

نظافت و ارتقا قبول شدہ و حق ارتقاء بکلاس را داد

محل اعضاء ولی محل اعضاء مدیر و مہر دبستان

(۸)

مواد مستخرجه از نظامنامه داخلی دبستانها

ماده دهم - در اول هر سال تحصیلی کسانی در کلاس اول دبستان پذیرفته میشوند که منتهی در آخر اسفند همان سال سنشان هفت سال تمام بشود و حد اکثر سن شاگردان کلاسهای دبستان از این قرار است :

سال اول	۹
سال دوم	۱۰
سال سوم	۱۱
سال چهارم	۱۲
سال پنجم	۱۴
سال ششم	۱۶

قبصره - شاگردانی که قبل از تصویب این نظامنامه با سن زیادتر بدبستان وارد شده اند تا ختم تحصیلات همان دوره مشمول ماده فوق نخواهند بود ؛

ماده یازدهم - در موقع معرفی شاگرد بدبستان ولی یا قائم مقام او باید شخصا حاضر شده مدارك ذیل را بدفتر دبستان بدهد :

العظمی سید ابوالحسن اصفهانی به دریافت درجهی افتخار نایل گردید .



مرحوم ربانی

تعبّد شادروان شیخ آقا ، وی را بر آن داشت تا از روحانیت و معنویت درگاه ملائک پاسبان ، حضرت علی بن موسی الرضا (ع) بهره گیرد و در سنوات آخر عمر مقیم مشهد گردد. و بالاخره در سال ۱۳۴۹ خورشیدی در این شهر درگذشت و در صحن عتیق دفن گردید .
آقای حسن ربانی دکترا در ریاضیات و استاد سابق دانشگاه تهران و دانشکدهی پلی تکنیک فرزند دانشمند ایشان است .
میرزا محسن خان قدر^x : یکی دیگر از خدمتگزاران صدیق فرهنگ

^x قدر (به فتح ق ، د) لغتی است عربی به معنای توانایی و نیرومندی و این خاصیت در آن مرحوم بوده است .

نوین سبزوار میرزا محسن خان قدر بوده است . آن مرحوم ضمن خدمت در پست ریاست فرهنگ و اوقاف و صنایع مستظرفه ، در جنب حسینیه ی لطفعلیخان (مقابل کوچه ی معروف به حوض چهار راه) که تصدی آن را مرحوم حاج عباس معمارزاده بر عهده داشت و آن زمان ، آن را مسجد ارگ می‌گفتند دبستان دولتی در حدود سال ۱۳۰۰ خورشیدی تاسیس کرد که از بازده مثبت آن می‌توان به خوبی آن پی برد زیرا که از به اصطلاح فارغ التحصیلانش آقای دکتر محمد متولّی و شادروانان دکتر رحمت‌الله - امین فر ، دکتر یدالله سلطانی ، دکتر عباسعلی جراحی ، غلامعلی میلانی ، برادران منوچهری و . . . بودند . در چرخش خوب این مدرسه مرحوم احمد فرزین در پست نظامت نیز نقش برجسته ای داشته است .

حاج شیخ حسن داورزنی : مرحوم حاج شیخ حسن داورزنی فرزند کربلایی حمزه علی در قریه ی داورزن از توابع سبزوار چشم به جهان گشود و مراحل تحصیلی را در این شهر و مشهد در مدرسه ی فاضل‌خان گذراند و سپس به سبزوار برگشت . حدود ۱۰ سال در سرای مختار ، روبروی حمام قیصریه به طالبان علم ، قرآن مجید ، عربی و ادبیات فارسی آموخت . بالاخره در آبان ۱۳۰۵ خورشیدی " دبستان ملّی دانش " را برای آموزش به روش نو پایه گذاشت . این مدرسه نخست در میدان زغالی ها و در منزل مرحوم موثق‌بود و سپس به کوچه ی مسنوفی نقل مکان کرد ، وی به سبب فعالیت و صداقت در خدمت به اخذ مدال و نشان درجه ی ۲ فرهنگ از دستگاه آموزش و پرورش نایل گردید . این مرد فاضل ، وارسته و پرهیزگار که علّو طبعش زبانزد همگان می‌باشد و بیشتر مشاهیر و بزرگان سبزوار از شاگردان آن مرحوم هستند در ۴ فروردین ۱۳۵۲ خورشیدی به سوی پروردگار شتافت . به پاس ۵۰ سال خدمات این رادمرد که همچون شمع فروزان به اجتماع سبزواریان پرتو افکنده بود ، جلسه ای برگزار و ضمن تجلیل از وی ، آقای حسین ممتحنی (حمید سبزواری) چکامه ای سرود و خواند که پاره ای از آن ، در اینجا آورده می‌شود :

ای سمندروار آتشها به جان اندر زده
همچنان پروانه گرد شعله بال و پر زده

ماه گشته ، روشنی بر جمله بام و در زده
مهر تابان گشته ، پرتوها به دلها بر زده

شیوهی دانش سپرده ، پاس دانا داشته
بذرایمان در ضمیر پیر و برنا کاشته
پرچم دانش به رغم دیو جهل افراشته
کام اندر راه مردان هنرپرور زده

بهر تعلیم (الف) قامت دوتا کرده چو (دال)
زندگی را کرده صرف نشر فرهنگ و کمال
تا که ابناء وطن را وا رهاوند از ضلال
پرتوی تابنده از افکار روشنگر زده

من چه کالا پیش آرم کان بود شایان تو
قاصر آید خامه از تقریر قدر و شان تو
تو معلم هستی و این برترین عنوان تو
وه که بر پای ارسطو ، بوسه اسکندر زده

من که اینک از بن دندان شناخوان توام
بندهی احسان تو ، پروردهی خوان توام
من " حمیدم " کمترین طفل دبستان توام
طفل ابجد خوانت اینسان نکته در دفتر زده

در تاریخ وفات مرحوم داورزنی نیز به شعری دیگر از " حمید "

می‌نکریم :

داورزنی آن معلم پاک سرشت

کاندر دل خلق تخم علم و دین کشت

" در سیصد و پنجاه و دو ، از بعد هزار "

بکذاشت جهان و شد به گلزار بهشت

از کسانی که باروانشاد داورزنی در نخستین سال‌های فعالیت دبستان دانش



مرحوم داورزنی

همکاری داشته اند می‌توان از شادروانان ولی‌الله فرهنگی ، حاج عباسعلی آقا بابائی ، میرزاحمد و میرزاحمد رضا خلیلی و فتاحی و همچنین آقایان محمدرضا مسلم و محمدرضا صدقی نام برد .

اکنون نخستین مدارس دخترانه‌ی ملی و دولتی سبزوار و مدرسین آنها به این شرح معرفی می‌شوند :

نخستین دبستان ملی دخترانه به زمان مرحوم ضیاء الحق حکیمی که ریاست فرهنگ و اوقاف و فوائد عامه و صنایع مستظرفه را بر عهده داشت در سال ۱۳۰۸ خورشیدی به همت مرحوم حاج عبدالواسع علوی و به مدیریت خانم اقدس یا قدسیه شگفتی دختر رئیس امنیه‌ی آن زمان (ژاندارمری) با حدود یکصد نفر نوآموز بکار پرداخت و پس از وی خانمی کاردان و با پشتکار به نام خانم عفت شریعتمداری که به خانم مدیر

مشهور شد به سبزوار آمد و با همکاری خانم متین و محترمی به نام خانم احترام که (خدایشان بیامرزاد) به کار نوباوگان پرداخت. (فامیل اصلی خانم شریعتمداری ، شریعتمدار تهرانی بود)

نخستین دبستان دولتی دخترانه به نام دبستان گوهرشاد در سال ۱۳۱۳ خورشیدی و در زمان ریاست فرهنگی فقیه نیا به مسئولیت خانم شمس الشریعه و به نظامت و معلمی خانم طاهره مصباح چهره‌ی آشنا و خدمتگزار و خانم منیره اهرابی دایر شد . همین دبستان در ۱۳۳۵ به زمان ریاست فرهنگی ناطقی و مدیریت خانمش به خدمت ادامه داد و در این موقع نیز یکی دیگر از خدمتگزاران قدیمی فرهنگ سبزوار به نام خانم کبری حاتک به جرگه‌ی آموزگاران پیوست و شاید تقریباً همزمان با آنان و یا به دنبال ایشان ، روانشاد خانم عذرا سبزواری ، خانم عالی‌مهر صراف ، خانم عصمت شفقی ، خانم شوکت بصیری ، خانم شوکت عربشاهی ، خانم ثمینی و روانشاد خانم گرامی و از اولین معلمان سبزوار به خدمت پرداختند و دومین دبستان دولتی دخترانه به نام دبستان مختلط ۱۷ دی ، در ۱۳۱۶ در منزل مرحوم دکتر جراحی دایر و شاگردانش از سایر دبستانهای پسرانه و دخترانه تامین گردید و مدیریت آن را نخست خانم مهرپویان و پس از ۲ سالی خانم حاتک آن را تا ۱۳۲۷ برعهده داشتند .

اولین کودکستان به سال ۱۳۱۴ و به مدیریت خانم جهانی در کوچه آقا شروع به کار کرد و بعد در محل دبستان ۱۷ دی به مدیریت خانم حاتک و نخستین دبستان دولتی پسرانه پس از دبستان دولتی که مرحوم قدر بانی آن بود ، به نام دبستان اسرار به سال ۱۳۰۶ در محل منزل مرحوم حاج آقارضا ابراهیمی (کوچه سبزیز) به مدیریت آقای فریدی و نظامت آقای جمالی دایر شد و نوآموزان آن از مدارس که آقای سید احمد افتخارزاده در حسینیه‌ی بزارها و مرحوم روح الله لاهوتی در سرای حاج زمان و مرحوم آخوند ترکه در دکان کوچک راسته بازار قدیمی نرسیده به کوچه حمام حکیم بنیاد نهاده بودند تامین گردید .

دبیرستان اسرار : نخستین دبیرستان پسرانه‌ی دولتی به سال ۱۳۱۵ خورشیدی به زمان ریاست فرهنگی آقای فقیه نیا ، زیر نظر خودایشان تا

چند ماهی ، در منزل مرحوم آقا رجبعلی جراحی دایر شد و سپس آقای عباسعلی رادمنش رسماً " ریاست آن را برعهده گرفت . مرحوم رادمنش ضمن ریاست دبیرستان ، به علّت نبودن دبیر ، یک تنه تمام مواد درسی کلاس اول دبیرستان را به ۴۰ تن دانش آموز تدریس می کرد (به جز تدریس دینی و عربی را که فقیه نیا به عهده داشت .) به زمان آقای ناطقی (رئیس فرهنگ و . .) آقای محمد جمشیدیان مرد وارسته ، فقه و عربی را تدریس می کرد و برای تدریس سایر دروس از دبیران مشهد و تهران دعوت بعمل آمد ، آقای عبدالحسین پازوکی تاریخ و جغرافیا تدریس می کرد و تعلیم می داد . مدتی هم معاونت اداره و پس از مرحوم رادمنش به سمت ریاست دبیرستان اسرار برگزیده شد . مرحوم محمد زوّار ادبیات فارسی ، روانشاد علی اکبر لقّافیان شیمی ، مرحوم مهدی فتائی تاریخ و شاید هم تاریخ طبیعی ، آقای شاهچراغی طبیعی آقای عطار اهل دامغان شیمی ، آقای ترانه زبان فرانسه ، آقای اعتزاززاده ریاضی ، آقای قاسمی هم ریاضی ، آقای حبیب که دارای فرهنگی به فرانسه می باشد زبان خارجهی آن زمان که فرانسه بود تدریس می کردند و شادروانان چاووشی ورزش و قلندریان موسیقی تعلیم می دادند . این دبیرستان در سال تحصیلی ۱۳۱۹ و ۲۰ به محل فعلی منتقل شد و حدوداً همزمان ، آقای مهندس هنربخش به سمت دبیری به سبزوار آمد و ۲ سالی بعد ریاست دبیرستان به ایشان واگذار گردید .

نیاز به یادآوری است که این دبیرستان تا سال ۱۳۳۲ دارای پنج علمی بود و از آن زمان ششم طبیعی با ۱۹ دانش آموز و بعد سایر رشته ها دایر گردید .

اولین دبیرستان پسرانهی ملی به مسئولیت و ریاست آقای ثمینی در حدود سال ۱۳۴۷ خورشیدی به نام دبیرستان ملیّ سعدی با داشتن رشته طبیعی و دومین آنها به نام دبیرستان ملیّ علوم ، سالی دیگر پس از آن به سرپرستی نویسندهی این مطالب با داشتن رشتهی ریاضی دایر شد .

اولین دبیرستان دولتی دخترانه به نام دبیرستان گوهرشاد ، در سال ۱۳۱۷ خورشیدی در محل کوچی آقازاده به ریاست خانم مریم ناطقی و معاونت خانم طاهرهی مصباح دایر شده و بعد از رفتن خانم ناطقی ،

توانا بود هر که دانا بود



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره تعلیمات

کارنامه تحصیلی

دهرستان شهرستان شهر بخش دیه...

سنه تحصیلی ۱۳۱۵ - ۱۳۱۶

نام خانوادگی علمور

نام علی محمد

نام پدر سید میرزا

محل کلاس اول



شماره ترتیب.....

تاریخ صدور کارنامه..... ۱۳

نام خانوادہ.....

نام.....

نام پدر.....

شماره ورقہ ہویت..... ۱۴

محل صدور ورقہ ہویت.....

تاریخ تولد (باتمام حروف) سال شمسی.....

آدرس :.....

آقای.....
خانم.....

۱ - تاریخ..... در شهر..... بشماره.....

۲ - تاریخ..... در شهر..... بشماره.....

۳ - تاریخ..... در شهر..... بشماره.....



شماره محصل

شماره ورق صحی



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

دبیرستان شهر

کتاب محلی که هویت او در صفحه مقابل تصریح شده است

در تاریخ با معدل از عهده امتحان

کلاس دبستان بر آمده و فعلا

محصل کلاس این دبستان میباشد

محل امضاء و مهر رئیس دبستان



- ۴ -

شماره ترتیب	عنوان	شماره آخر سال باعداد با حروف	شماره سال باعداد با حروف	تجدیدی
۱	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۲	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۳	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۴	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۵	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۶	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۷	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۸	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۹	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۱۰	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۱۱	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۱۲	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۱۳	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۱۴	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۱۵	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۱۶	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۱۷	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۱۸	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۱۹	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۲۰	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۲۱	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۲۲	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۲۳	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۲۴	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۲۵	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۲۶	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۲۷	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۲۸	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۲۹	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۳۰	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۳۱	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۳۲	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۳۳	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۳۴	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۳۵	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۳۶	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۳۷	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۳۸	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۳۹	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۴۰	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۴۱	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۴۲	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۴۳	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۴۴	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۴۵	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۴۶	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۴۷	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۴۸	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۴۹	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۵۰	فایده	۱۳۸۵	۱۳۸۴	



جمع ۱۳۸۵
معدل ۱۳۸۴

محل امضاء رئیس و مهر دبیرستان

— • —

توضیحات راجع به آقای بیگمهر محمودی

تعداد نیم سال	تعداد سال	تعداد کل	
۱۵	۱۵	۱۵	استعداد
۱۴	۱۴	۱۴	سمی و مراقبت
۱۲	۱۴	۱۴	رفتار
۱۴	۱۵	۱۳	نظافت
—	نادر	نادر	ساعات غیبت با عذر موجه
۹۰	۸	۲	ساعات غیبت بدون عذر موجه
۱۲/۷	۱۲/۴	۱۳/۱۴	معدل امتحان
۱۹	۱۸	۲۸	رتبه بین کل نفر عده کلاس

(موادی که باید در شهر یور امتحان آنها تجدید شود)

- ۱
- ۲
- ۳
- ۴
- ۵
- ۶
- ۷

- ۷ -

۱۳۲۱ هجری قمری از تاریخ ۱۳۱۵ هجری قمری تا تاریخ خرداد ۱۳۱۹ هجری قمری
 در کلاس اول دبیرستان ... در کلاس اول دبیرستان ...
 بوده است ساعت با عذر موجه ...
 ساعت بدون عذر موجه غیبت داشته است از عهده
 امتحانات مقرر و ...
 ... با معدل ...
 ... و حق ارتقاء بکلاس ...
 داراست و مشمول ماده ۵۶ نظامنامه دبیرستان
 ... باشد.

شهریه خود را تا آخر خرداد ۱۳۱۵ هجری قمری پرداخته است
 بر طبق حکم نمره ... مورخ از ...
 پرداخت شهریه معاف بوده است
 محل مهر و امضای رئیس ...



۱- عبارات و کلمات زیادی خط کشیده شود

۲- اعداد با تمام حروف نوشته شود

مواد مستخرجه از نظامنامه دبیرستان

مقررات مربوط بمحصلین

ماده سیزدهم - در سال اول دبیرستان کسانی پذیرفته میشوند که سنشان از ۱۷ سال تجاوز نکرده باشد

تبصره - محصلینی که قبل از تصویب این نظامنامه با سن بیشتر بدبیرستان وارد شده اند تا ختم تحصیلات مشمول ماده فوق نخواهند بود

ماده چهاردهم - موقع پذیرفتن محصل در دبیرستان از ۲۱ شهریور تا آخر شهریور خواهد بود (بطوریکه در اول مهر ماه عموم محصلین در کلاس باید حاضر شوند و رسماً شروع بدرس شده باشد) و از اول مهر به بعد رئیس دبیرستان نمیتواند محصل در دبیرستان قبول کند و محصلی که پذیرفته شد حق انتقال بدبیرستان دیگر ندارد مگر بموجب حکم اداره مربوطه .

ضمیمه دبستان گوهرشاد ، واقع در اول کوچه نقابشک گردید و ریاست آن به خانم طوبی تربیت واگذار شد ، پس از آن مدتی مرحوم محمد شعبانی ربانی و سپس مدت زیادی خانم طاهره مصباح آن را اداره می کردند. از دبیران اولیه این دبیرستان می توان بازهم از (شیخ آقاربانی) که ریاضیات و زبان فرانسه تدریس می کرد ، آقای جمشیدیان فقه و عربی خانم طوبی تربیت و خانمها عشرت و عصمت صحت زاده سایر دروس را درس می دادند . این دبیرستان از ۱۳۳۱ به کوچه مریضخانه و بالاخره به زمان ریاست فرهنگی مرحوم شاهیده در خیابان سابق محمود رضایی و اکنون به محل دبستان قاضی زاده منتقل شده است . دومین دبیرستان دخترانه که در سال ۱۳۴۲ تاسیس گردید به نام ششم بهمن بود که اکنون ۱۷ شهریور نام گرفته است .

اولین دبیرستان ملی دخترانه در سال ۱۳۴۹ به نام دبیرستان ملی فروغ ، با امتیاز خانم زری ظفر محبوب خدمت خود را شروع کرد که آن هم به سرنوشت ۲ دبیرستان ملی پسرانه دچار و تعطیل گردید .

مرکز تربیت معلم پسران : مرکز تربیت معلم پسران سبزوار به سال ۱۳۶۲ در محل خیابان علامه طباطبایی در اواخر خیابان طالقانی دایر شده است و تا کنون ۳ دوره فارغ التحصیل داده است . فارغ التحصیلان این مرکز که برای تدریس در دوره ابتدایی و راهنمایی تربیت شده اند پس از فراغت در شهرهای استان خراسان ، گیلان و مازندران به خدمت مشغول می شوند . تعداد محصلین آن در سال تحصیلی ۶۸-۶۹ ، ۳۰۰ تن بود که در رشته های آموزش ابتدایی ، دینی و عربی ، زبان انگلیسی ، حرفه و فن و علوم ریاضی به تحصیل مشغولند و از کمک هزینه تحصیلی و بیمه استفاده می کنند (سبزوار قبلا تا ۱۳۴۹ تربیت معلم و دانشسرا داشت) .

مرکز تربیت معلم دختران : مرکز تربیت معلم دختران سبزوار که به سال ۱۳۶۶ تشکیل شده در محل سابق دانشسرای مقدماتی دختران (روبروی دبیرستان ۱۷ شهریور) ۲۵۰ تن دانشجو از شهرستان های استان خراسان دارد که در رشته های ابتدایی ، دینی و عربی تحصیل می کنند و بعد به شهرستان محل تعهد برمی گردند .

تعداد مدارس و آمار دانش آموزان شهرستان سبزوار در سال تحصیلی ۵۷ - ۵۸

این آمار گرفته شده از آموزش و پرورش سبزوار می باشد مربوط به آذرماه ۵۷ و هنگامی بوده که بخش جغتای از لحاظ فرهنگی هنوز جزو سبزوار بوده است . تعداد مدارس (دبستان و . . .) کلّا ۲۵۱ باب ، تعداد کل کارکنان اداری و آموزشی در مقاطع مختلف ۲۶۹۴ تن ، تعداد دانش آموزان و نوآموزان دبستانی و کودکستانی ۲۶۲۱۳ تن ، راهنمایی تحصیلی ۶۲۵۸ تن ، دبیرستانها ۴۱۷۳ تن ، هنرجویان هنرستان صنعتی ۶۵۰ تن ، دانشسرای مقدماتی ۴۰۱ تن و جمع کلّ دانش آموزان در تمام مقاطع تحصیلی از پسر و دختر ۳۷۶۹۵ تن بوده است .

(جغتای از سال تحصیلی ۵۹ - ۶۰ به لحاظ فرهنگی مستقلّ یعنی منطقه ای شده است) .

توضیح ۱ : کلیه کودکستان ها و اکثر دبستان های روستایی دارای دانش آموزان مختلط (پسر و دختر) می باشند . همچنین یک باب مدرسه کودکان استثنایی سبزوار نیز مختلط است .

توضیح ۲ : با توجه به آماری که در خرداد ۶۷ ، از اداره ی کل آموزش و پرورش خراسان گرفته شد ، این واقعیّات به چشم می خوردند که از لحاظ تعداد کلّ دانش آموزان در مقاطع مختلف هنرجویان هنرستانها و حرفه ای و بازرگانی شهر سبزوار (بدون جغتای) با ۷۷۶۳۷ تن رتبه ی اول را در بین تمام شهرهای خراسان (به جز مشهد) دارا است و مرتبه ی دوم را نیشابور با ۷۴۸۸۰ و مقام سوم را بجنورد با ۷۰۱۰۲ به خود اختصاص داده اند .

توضیح ۳ : از لحاظ تعداد نوآموزان و دانش آموزان دوره ی ابتدایی که هسته ی اصلی تحصیل دانش است سبزوار با ۵۸۹۳۳ تن اول ، بعد نیشابور و مقام سوم از آن بجنورد است .

توضیح ۴ : با افزوده شدن دهستان درّی یام به سبزوار ، کلّ دانش آموز شهرستان سبزوار (با منطقه ی جغتای) در پایان سال ۶۸، ۱۰۵ هزار تن است .

تعداد دانش آموزان شهرستان سبزوار در سال تحصیلی ۶۶ - ۶۷

مقطع تحصیلی	شهر		جمع	حومه داورزن، ششتمد		جمع	جمع سه بخش و شهر	منطقه جغتای (جمع پسر و دختر)	جمع کل شهرستان
	پسر	دختر		پسر	دختر				
استثنایی	۱۱۷	۶۲	۱۷۹	—	—	—	۱۷۹	۱۹	۱۹۸ تن
کودستانی	۳۹۲	۳۲۸	۷۲۰	—	—	—	۷۲۰	۵۲	۷۷۲ تن
دبستانی	۱۱۴۸۸	۱۰۴۱۵	۲۱۹۰۳	۱۶۵۵۹	۱۲۳۵۳	۲۸۹۱۲	۵۰۸۱۵	۸۳۳۱	۵۹۱۴۶ =
راهنمایی	۵۳۷۶	۴۰۹۴	۹۴۷۰	۳۷۷۴	۸۴۷	۴۶۲۱	۱۴۰۹۱	۱۸۴۴	۱۵۹۳۵ =
دبیرستان - نی	۳۶۷۳	۲۱۱۲	۵۷۸۵	۳۵۷۹	۴۹	۵۶۸	۶۳۵۳	۳۷۲	۶۷۲۵ تن
خدمات و فنون	۲۳۱	۲۹	۲۶۰	—	—	—	—	—	۲۶۰ تن
هنرستان فنی	۷۱۸	—	۷۱۸	—	—	—	—	—	۷۱۸ تن
مراکز تربیت معلم	۲۹۴	۱۲۵	۴۱۹	—	—	—	۴۱۹	—	۴۱۹ تن
دانشسرای تربیت معلم	—	—	—	نقاب		۱۴۵	۱۴۵	—	۱۴۵ تن
راهنمایی شبانه	۳۶۴	۱۲۱	۴۸۵	—	—	—	۴۸۵	—	۱۰۰+۴۸۵ درجغتهای
دبیرستان شبانه	۱۲۷	۱۱۹	۲۴۶	—	—	—	۲۴۶	—	۴۰+۲۴۶
جمع کل	۲۲۷۸۰	۱۷۴۰۵	۴۰۱۸۵	۲۰۹۹۷	۱۳۲۷۹	۳۴۲۷۶	۷۴۴۶۱	۱۰۷۳۸	۸۵۱۹۹ تن

(جدول شماره ۱۱)

توضیح ۵ : آخرین آمار دریافت شده در فروردین ۷۰ مربوط به تعداد پسران و دختران دانش آموز ، در تنها سه مقطع ابتدایی ، راهنمایی و دبیرستان و صنعتی ، از ادارهی کل آموزش و پرورش خراسان (ابتدایی

با ۷۱۱۱۳ تن ، راهنمایی ۲۳۱۴۲ تن ، دبیرستان و صنعتی ۱۱۱۱۱ تن) و با مجموع کل ۱۰۵۳۶۶ تن، با سنجش تعداد دانش‌آموزان این سه مقطع در خرداد ۶۷، ازدیاد عدد ۲۲۵۸۲ را طی سه سال و هر سال بیش از ۷۵۰۰ تن یعنی حدود ۹٪ رشد را می‌رساند .

تعداد کارکنان آموزش و پرورش شهرستان سبزوار در سال ۶۶-۶۷ با منطقه‌ی جغتای ۵۴۷۰ تن بوده است .

تحصیلات عالی در سبزوار : پیشینه‌ی وجود موسسه‌ی تحصیلات عالی در سبزوار به قبل از انقلاب اسلامی بر می‌گردد : در سبزوار ، قبل از انقلاب تا یکسالگی پس از آن شعبه‌ی ای از دانشگاه کار که ابتدا به آن مجتمع صنعتی می‌گفتند و مسوولیت اداری آن و سایر شعبه‌های مشابه را در سطح کشور همشهری دانشمندان آقای دکتر مهندس حسن هنربخش بر عهده داشت و محل آن در سبزوار همین محلی بود که فعلاً دانشگاه تربیت معلم سبزوار در آنجا به تعلیم و تربیت می‌پردازد . پس از انقلاب اسلامی کشورمان فعالیت آن متوقف ماند و سپس نیز که شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه‌ی کار آن را تجویز کرد ، دانشجویانش به‌مراه اساتید آن آواری تهران و مشهد شدند زیرا که این موسسه‌ی عالی از سبزوار برچیده شد ^x.

دانشگاه آزاد اسلامی : از سال ۱۳۶۴ تقریباً در جنوب شرقی شهر سبزوار (میدان نقاشک) تاسیس گردید . در این دانشگاه علاوه بر ادبیات فارسی و معارف اسلامی که در حدّ کارشناسی (لیسانس) دایر است ، در رشته‌های حسابداری ، بهداشت عمومی ، برق و کشاورزی نیز دوره‌ی ویژه‌ی معلمین شاغل دارد که اینان پس از طی ۴ تابستان درس خواندن و فراغت از تحصیل در این رشته‌ها و در این دانشگاه به حدّ کاردانی (فوق دیپلمه یا تکنسین) می‌رسند و حوزه‌ی جذب آنان محدود به سبزوار نیست و دانشجویانش (دختر و پسر و زن و مرد) پس از قبولی

x دانشگاه کار از ۱۳۵۵ در سبزوار دایر و تا ۱۳۶۴ ، دو دوره فارغ - التحصیل داده است و پس از انقلاب ، در دانشکده‌ی فنی و مهندسی مشهد و اصفهان ادغام شد .

در کنکور سراسری ، از همه جا پذیرفته می‌شوند . بودجه‌ی این دانشگاه از محل دریافتی شهریه از دانشجویان و مختصر کمک‌های اهالی تامین می‌شود و بیشترین اساتید آن از مشهد به سبزوار می‌آیند و در زمان نوشتن این مطالب ۶۰۴ نفر دانشجو در رشته‌های گوناگون این دانشگاه به تحصیل مشغول بودند . این دانشگاه به ساختمان جدید خود در ضلع غربی میدان دکتر شریعتی منتقل شده است .

دانشگاه تربیت معلّم : دانشگاه تربیت معلّم سبزوار که افتخار نام فیلسوف و حکیم مشهور شرق (حاج ملاهادی اسرار سبزوار) را پذیرا شده است در سال ۱۳۶۶ خورشیدی در محلّ سابق دانشگاه کار (۵ کیلو - متری باختر شهر سبزوار) و حاشیه‌ی جاده‌ی سبزوار شاهرود دایر گردیده از لحاظ ارزش علمی یکی از مراکز مهمّ آموزش عالی کشور می‌باشد زیرا موسسه‌ای است سازنده ، بدین معنی که دانشجویانش که با کنکور سراسری پذیرفته می‌شوند پس از طی دوره‌ی چهارساله‌ی دانشگاهی رسماً به شغل شریف و خطیر معلّمی می‌پردازند ! لیسانسه‌های این دانشگاه چون اوّل ضمن فراگرفتن دروس دیگر ، با مسائل تعلیم و تربیت آشنا می‌شوند و ثانیاً در خلال تحصیل به کلاس رفته و عملاً کلاس‌داری را یاد می‌گیرند ، ارزش بیشتری از لیسانسیه‌های آزاد دارند و با یک گروه بالاتر استخدام می‌شوند و مدّت تحصیل آنان نیز جزء سنوات خدمت رسمی به حساب می‌آید .

دانشگاه تربیت معلّم سبزوار در حال حاضر با داشتن رشته‌های ادبیّات فارسی ، ادبیّات عرب ، الهیّات ، ریاضیات ، زمین شناسی و فیزیک ۶۰۰ تن دانشجوی دختر و پسر را تعلیم می‌دهد . اساتیدی که در این دانشگاه به امر خطیر تعلیم و تربیت و تدریس و ارشاد مشغولند از تهران و مشهد و یا سبزوار تامین می‌شود که اساتید ثابت آن با داشتن تیتّر دکترا و بیشتر از سبزوار و سبزوارها می‌باشند . به تازگی ، با همیاری مردم و کمک دولت ، ۲۰۰ هکتار زمین در ۶ کیلومتری شمال شهر سبزوار (کنار جاده‌ی سبزوار اسفراین از طریق طبس) در نظر گرفته شده که برای ایجاد دانشکده‌ها و پیش بینی خوابگاه ۶ هزار دانشجوی آن پایه ریزی شده است .

نشریّات سبزوار : یکی از پر ارزشترین و کاملترین و یا جامعترین

وسيله ، از وسايل ارتباط جمعی که انسان را از ریزترین نکات اخبار اجتماعی ، فرهنگی ، علمی و سیاسی آگاه می‌کند نشریات است که در سبزوار هم این نشریات آگاه کننده بوده و به چاپ می‌رسیده است :

۱- مجموعه‌ی امروز که آن را مرحوم سیدمهدی علوی به سالهای ۱۳۱۷ و ۱۳۱۸ و ۲۵ خورشیدی در تهران و سبزوار منتشر می‌کرده است (این شخص در مجله‌ی نوبهار هم با ملک الشعراء بهار همکاری داشته است و زادگاه اصلی وی ششتمد می‌باشد) .

۲- مجله‌ی هفتگی اسرار شرق که در بردارنده‌ی مطالب اجتماعی، انتقادی و سیاسی بوده و مرحوم محمد علی صهبا آن را در ۱۳۲۸ خورشیدی در سبزوار منتشر می‌کرده است .

۳- روزنامه‌ی جلوه‌ی حقیقت (ناشر افکار انجمن تبلیغات اسلامی سبزوار) که صاحب امتیاز آن آقای شیخ محمد حجازی و گرداننده‌ی آن فرزندش آقای فخرالدین حجازی بود ، در طی سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ خورشیدی در سبزوار منتشر می‌شد در بردارنده‌ی مطالب ادبی ، دینی بود و گاهی سیاسی در بیان آزادی و طرفداری از زنده یاد دکتر مصدق .

۴- مجله‌ی هفتگی بیهق که صاحب امتیاز آن آقای کاظم اسکوئی بود و به مدیریت آقای حسین جوادی و سردبیری آقای محمد تقی فیروزی ، از آذر- ماه ۱۳۴۱ خورشیدی با مطالب ادبی و انتقادی و اخبار ، بویژه اخباری که به محور همشهریان در همه جا می‌چرخید و می‌درخشید منتشر می‌شد .

۵- مجله‌ی ماهانه‌ی پیک سبزوار که صاحب امتیاز آن آقای دکتر ابراهیم ابراهیمی و به مدیریت و سردبیری آقای علی اصغر بلوکی از ۱۳۴۱ خورشیدی با اخبار شهرستان و مطالب ادبی و علمی و اجتماعی ، در سبزوار منتشر می‌شد .

از نشریاتی که توسط روزنامه نگاران سبزوار ولی در خارج از این شهرستان به چاپ می‌رسید عبارتند از:

۱- روزنامه‌ی آزاد که صاحب امتیاز آن مرحوم عبدالقدیر سبزواری (آزاد) بوده و از ۱۳۰۲ در ۴ صفحه قطع بزرگ به ارزش شش شاهی و بعد پانجاه دینار و آونمان سالانه ۱۴۰ ریال در مشهد شروع به چاپ و انتشار نموده ولی بعدا در تهران ناشر افکار حزب استقلال ایران شد و تا ۱۳۳۲

خورشیدی عصرها منتشر می‌شده است .

۲- روزنامه‌ی پهلوان که صاحب امتیاز آن مرحوم حسین رفیع‌پور بوده با اخبار و مطالب ادبی و ورزشی در تهران چاپ می‌شده است .

۳- روزنامه‌ی دیهیم به مدیریت و صاحب امتیازی آقای دکتر علی قاضی - زاده ، حاوی اخبار علمی و مطالب اجتماعی و سیاسی در تهران چاپ می‌شده است .

۴- روزنامه‌ی اتمیک به مدیریت و صاحب امتیازی آقای دکتر حسن هنر- بخش که حاوی اخبار و مطالب علمی بوده است ^x.

از مراکز فرهنگی که در سبزوار فعالیت دارند :

الف : کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان :

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سبزوار ، در داخل شهر، دارای ۲ کانون یا ۳ مرکز فعالیت است :

۱- مرکز فرهنگی هنری شماره‌ی ۱ واقع در داخل باغ ملّی (خیابان سید- جمال الدین اسد آبادی)

۲- مرکز فرهنگی هنری شماره‌ی ۲ واقع در خیابان ابومسلم (پشت مدرسه راهنمایی شهید مطهری) .

۳- مرکز فرهنگی هنری شماره‌ی ۳ واقع در داخل پارک کودک (جنب بارگاه امامزاده شعیب بن موسی) .

و در خارج از شهر نیز سه پایگاه روستایی سیار دارد که تمام فعالیت‌های ثابت را در حد امکان انجام می‌دهد ، به اضافه‌ی پخش کتاب و نشریات که توسط ماشین در روستاها ماموریت دارند و آنها در روستاهای صد- خرو ، ششتمد و رباط سرپوش می‌باشد و هم یک مرکز فرهنگی هنری ثابت در روستای آباد نقاب دارد که علاوه بر سایر فعالیت‌ها ، نوباوگان آن از لحاظ تعداد نامه‌هایی که در بردارنده‌ی قصه‌ها و اشعار و نقاشی‌ها و . . . است و به مرکز آفرینش‌های ادبی استان می‌فرستند ، در استان بر همگان پیشی گرفته اند . (جمع کتاب‌های این چهار مرکز و شهر حدود

x بنا به اختصار ، از تفصیل کلام خودداری می‌شود . ولی در جلد دوم کتاب ، بنا به ضرورت باز هم مطالبی در این زمینه خواهد آمد .

۶۴ هزار جلد) و اعضاء رسمی کل مراکز فرهنگی و هنری سبزوار ۸ هزار پسر و نزدیک به ۴ هزار دختر می باشد و علاوه بر آنها مراجعه و استفاده حضوری از کتابخانه ها انجام می شود و هم حدود ۳۰ هزار جلد کتاب برای مطالعه در منزل داده شده است . (با توجه بر آمار موجود کتابخوانان استفاده کننده از این کتابخانه ها ، پس از مشهد ، بیشتر از سایر شهرستانها هستند) . در سیاست جذب نوجوانان به این محلهای امن و سودمند ، انواع فعالیتهای مفید و انسان ساز به این شرح انجام می گیرد .

- ۱- انواع فعالیتهای آموزشهای اسلامی شامل آموزش قرآن مجید ، اخلاق و احادیث در ۶ ماهی آخر سال ۶۸ با شرکت حدود ۸ هزار تن .
- ۲- انواع فعالیتهای فرهنگی مانند شعرخوانی ، بررسی کتاب و . . . در ۶ ماهی آخر سال ۶۸ با شرکت حدود ۲۱ هزار تن .
- ۳- انواع آموزشهای هنری شامل نقاشی ، عکاسی و . . . در ۶ ماهی آخر سال ۶۸ با شرکت حدود ۵ هزار تن .
- ۴- انواع فعالیتهای هنری شامل نمایش ، فیلم نشان دادن و . . . در ۶ ماهی آخر سال ۶۸ با شرکت حدود ۱۱ هزار تن .
- ۵- انواع فعالیتهای گروهی شامل بازی و سرگرمی ، بازدیدهای علمی و جشنها و . . . در ۶ ماهی آخر سال ۶۸ حدود ۵ هزار تن .

اداری ارشاد اسلامی سبزوار : یکی دیگر از اداراتی که در ارشاد مردم و اشتغال و سرگرمیها و هنر آموختن و بالا بردن سطح دانش و بینش اهالی شهر ما ، نقش موثری را بر عهده دارد اداره فرهنگی و ارشاد اسلامی می باشد که در میدان نقابشک قرار دارد و در واحدهایی این چنین فعالیت می کند :

- ۱- واحد سیر و سیاحت که وظیفه اصلی آن سرکشی از واحدهای پذیرایی بین راهها (کافه ها و هتلها و . . .) است .
- ۲- مرکز آموزش تئاتر که در سالنی مجهز در داخل خود محوطه اداره قرار دارد ، همچنین مرکز آموزش سرود و آهنگهای انقلابی و ترانههای مساعد .
- ۳- واحد اداری و خدمات که وظیفه اش انجام امور اداری و خدماتی است و دیگر واحد تبلیغات که در محل اداره متمرکز می باشند .
- ۴- واحد سمعی و بصری که گهگاهی برای مردم ، در میدانها و پارکهای

شهر و زمانی نیز در سطح روستا ، فیلم نشان می‌دهد .
۵- انجمن سینمای جوان که امور آموزش سینما و عکاسی و تهیه فیلم را زیر نظر دارد .

۶- واحد آموزشی و پرورشی که همان کتابخانه می‌باشد . این ، کتابخانه‌ی عمومی فرهنگ سبزوار بوده که اکنون به بهترین اسلوب استاندارد با- قرائتخانه‌ی آن در ضلع شرقی اداره قرار دارد و کتابخانه‌ی عمومی دکتر شریعتی نام گرفته است ، موجودی کتب کتابخانه بیش از ۱۰ هزار جلد بوده که ۲۰۰ جلد کتب خطی نفیس است . اعضاء رسمی این کتابخانه برابر آمار دی ماه ۱۳۶۸ ، ۸۸۲ تن ، تعداد کل مراجعین ۵۶۰۰ تن ، کتب امانت داده شده ۳۲۲۰ جلد و تعداد کتب آن ۱۰۴۴۷ جلد می‌باشد و علاوه بر این قرائتخانه و آنچه که گذشت در آرامگاه حاج ملاهادی ۳ هزار جلد ابن یمین حدود ۷۰۰ جلد ، و در ششتمند در آرامگاه ابوالحسن بیهقی حدود ۱۳۰۰ جلد کتابخانه ها و قرائتخانه‌هایی است که از اوّل سال ۱۳۶۶ زیر نظر میراث فرهنگی قرار گرفته است .

اوقاف شهرستان سبزوار : موقوفات سبزوار همچون شهرستانهای دیگر اگر با وقف کنندگان مشخص و متولیان (اداره‌کنندگان وقف) معلوم و مورد وقف در دست خود ایشان باشد ، به اصطلاح اداری اوقاف غیر- متصرفی است که تعداد آنها در شهرستان سبزوار ۶۱۷ فقره می‌باشد با ۷۷۶ رقبه و موقوفات متصرفی ، یعنی آنها که متولیان مشخص ندارد ، یا خود متولی از اداری اوقاف خواسته ، به وکالت از طرف وی خرج کند ۱۳۲۴ فقره با ۱۶۲۴ رقبه که جمعا ۱۹۴۱ تعداد موقوفه و ۲۴۰۰ رقبه- می‌باشد^x.

x رقبه (به فتح سه حرف پیاپی اول) لغتی است عربی و جمع آن رقبات می‌باشد و گردن و غلام و حق مالکیت معنی دهد ولی اصطلاحی است که از زمان صفویه به بعد در ایران معمول شده ، به معنای یک واحد از املاک موقوفه و علت آنکه تعداد رقبات موقوفات براسل تعداد موقوفات زیادی دارد این است که بعض موقوفات دارای چند ملک است مانند منزل مغازه و

آثار باستانی شهرستان سبزوار

مقدمه ای کوتاه در قدمت بیهق : پیدایش بیهق به تصریح کتب

تاریخی زیادی ، همچون کتاب ارزنده‌ی تاریخ بیهق به زمان بهمن بن - اسفندیار جدّ سوم سرسلسله‌ی ساسانیان یعنی به بیش از ۲۵۰۰ سال پیش می‌رسد .

مورخین و وقایع نگارانی که در پیشینه‌ی بیهق تحقیق کرده اند و نام بعضی از آنان ، در قسمت های قبلی این کتاب ذکر شد برآنند که ، بهمن آباد سبزوار به دستور بهمن ساخته شده و نیز سبزوار از بناهای ساسان جدّ اردشیر بابکان است . آنان بنای خسروجرد و خسروآباد و خسروشیر را به عهد خسرو دوم ساسانی نسبت می‌دهند ، و بلاش آباد را به بلاش که پادشاه دیگری از همان سلسله می‌باشد و . . . که این‌ها همه گواهان زنده و گویایی بر باستانی بودن بیهق و توابع آن می‌باشد . هرچند آنچه که ذکر شد ، مربوط به پیش از اسلام است ، ولی بناهای زیاد دیگری هم مربوط به پس از نشر اسلام در این منطقه وجود دارد . بنابراین ، طبیعی است که در این منطقه آثار باستانی ، همچون تپه ها و ظروف سفالین دیدنی و ساختمانهای کهن ، حتی از زمان هخامنشیان یافت شود . که در این بخش ، اشاره ای به برخی از آن ها می‌شود :

جاده‌ی ابریشم که چین را به اروپا پیوند می‌داده و از نظر تأثیر- گذاری متقابل تمدنهای کهن آن زمان مثل چین ، ایران ، یونان و روم بر یکدیگر ، و حمل و مبادله‌ی کالاهای پرارزش و اشیاء عتیقه ، بزرگترین و از جهت بازدهی مالی نیز پرارزشتترین شاهراه تاریخی جهان به شمار می‌رفته ، از شرق به غرب خراسان می‌آمده و از سبزوار می‌گذشته است . پل ابریشم موجود در مغرب شهرستان سبزوار ، نشانگر و یادگار آن است . عبور کاروانهای بزرگ از بیهق باستانی و سبزوار ، ایجاب می‌کرده است که برای محفوظ ماندن و سلامت کاروان داران و کالا و چهارپایان ، پناهگاهها ، توقفگاهها ، رباطها و کاروانسراهایی به وسیله‌ی حکمرانان در پهن‌دشت شهرستان سبزوار ، ایجاد و دایر شود . به گمان برخی افراد ، رباطها و مراکز پیک موجود سبزوار همه

از زمان شاه عباس صفوی می‌باشد ، ولی مطالعہ سنگ نبشته ها می - رساند که تعدادی از این پناهگاهها از دیرترین روزگاران در این منطقه وجود داشته است و اگر بخواهیم به بناهایی این چنینی از قرن دهم ه - ق به بعد بنگریم ، می‌بینیم که توجه و علاقہ امیر نظام‌الدین ، معروف به امیرعلیشیر نوائی وزیر دانشمند و نیکوکار سلطان حسین بایقرا ، که به سال ۹۰۶ ه - ق ، در گذشته در ساختن اینگونه بناها مؤثر بوده است .

نامگذاری محلات شهر ما ، همچون سبریز (سربریز یا صبرریز) که از لبریزشدن کاسه‌ی صبر مردم در برابر ستمگران و سربریزان مغول حکایت می‌کند و یا " گودانبار " که بازگوکننده‌ی انبارشدن خون سربیدگان در راه استقلال سبزوار ، در آب انبار محله‌ی سرسنگ توسط چنگیزخان است ، و " نقابشک " که به تعبیری نقاب به چهره افکندن و حمله کردن بر دشمنان و مهاجمان را در این شهر می‌رساند و نیز وجود کوشک و جغتای و آق قله و . . . بازگوکننده‌ی اسرار سبزوار است .

الف : آتشکده‌ی آذربرزین مهر ، در باره‌ی این آتشکده و مجموعه‌ی آن که در آن محل وجود دارد گفتار زیاد است ولی آنچه تایید شده این است که آذربرزین مهر آتشکده‌ی ای ویژه‌ی کشاورزان بوده و همانست که در قریه‌ی مهر سبزوار می‌باشد . نویسنده‌ی کتاب آثار باستانی و معماری - سبزوار و اسفراین " جایگاه اجتماعی آتشکده‌ی آذربرزین مهر " یا چهار طاقی ساسانی خانه‌ی دیو می‌نویسد : " در ۳۰ کیلومتری شمال غربی سبزوار و در میان ارتفاعات شمالی روستای ریوند ، بقایای یکی از جالبترین چهار طاقی های ساسانی موجود است که از لحاظ موقعیت جغرافیائی ، در یکی از صعب‌العبورترین مناطق واقع شده است . پشته‌ی سنگی مهیب از میان بستر سنگی رودخانه ریوند سربرکرده که حدود ۱۰۰ متر بلندی دارد و چهار طاقی خانه‌ی دیو ، درست در بالای این پشته‌ی سنگی استوار شده است . به منظور استحکام پایه های اولیهی چهار طاقی و همچنین برای اینکه سطح زیرین بنا را با پلان مربع آن هماهنگ نمایند ، اقدام به صفه سازی کرده اند . در منابع اوستایی آذربرزین مهر^۱ جایگاه پرستش مختص کشاورزان بود . آقای قراخانی با استناد به نوشته های ایران در زمان

ساسانیان و جلد دوم یسنایخش نقل می‌کند که : مستشرقینی مانند لازار- فابی و جکسن مکان آتشکده را قریه‌ی ریوند و مهر سبزوار دانسته‌اند" (۱۲۵) و آقای توحیدی باستانشناس در گزارشی که از نتیجه‌ی تحقیقات خود در باره‌ی آثار باستانی سبزوار تنظیم کرده، آورده است : " جستجو برای یافتن پرستشگاه در ریوند نیشابور به نتیجه نرسیده است " (۱۲۶)

فردوسی به نقل از دقیقی برپایی آذربرزین مهر را به گشتاسب - نسبت داده گوید :

پس آزاده گشتاسب برشد بگاه

فرستاد هر سو به کشور سپاه

پراکند گرد جهان موبدان

نهاد از برآذران ، گنبدان

نخست آذر مهر برزین نهاد

بکشور نگر تا چه آیین نهاد

آقای قراخانی در صفحه‌ی ۱۶ کتابش به دنبال‌ی مطلب گذشته چنین نوشته : منطقه‌ی ریوند سبزوار بخشی از یک ایالت وسیع ساسانی بوده و از مراکز عمده‌ی قلمرو دولتهای پیش از اسلام محسوب می‌شده و به احتمال قوی مرکزیت دینی در این منطقه برقرار بوده است .
ب : ارگ سبزوار ، در باره‌ی ارگ سبزوار و موقعیت آن ، آنجا که بحث دروازه‌های شهر در بافت جدید مطرح شد مطالبی نوشته و قلمی گردید

پاورقی از صفحه‌ی قبل

× آذربرزین مهر در پهلوی (آتش مهربالنده) ترجمه شده است
(۱۲۵) آثار باستانی و معماری بقاع متبرکه‌ی اطراف شهرستان سبزوار و اسفراین - حسن قراخانی بهار - ناشر فرهنگسرا - ۱۳۶۴ ص ۱۳ تا ۱۵ .
(۱۲۶) آثار باستانی سبزوار - فائق توحیدی کارشناس باستانشناسی ایران ۵۵ و ۱۳۵۶ (گزارشی است پلی کپی شده موجود در میراث فرهنگی خراسان) .

که برای دانستنی های بیشتر ، آن قسمت خواندنی است اما نکته ای که بیانگر نقش مهم این مکان است از نوشته ی آقای دکتر محمود علوی می توان برداشت کرد ، آنجا که نوشته : راهی زیرزمینی از محل ارگ از شهر تا باشتین برای حمل آذوقه و . . . وجود داشته که با مطالعه کتاب عارف دیهیم دار نیز این موضوع تأیید می شود . (جمله ای که از آقای دکتر محمود علوی نقل شد ، برداشت شده از پایان نامه ی تحصیلی لیسانس ایشان موسوم به نهضت سربداران در عهد تیموری ، به سال ۱۳۴۰ از دانشکده ی ادبیات مشهد است) .

پ : در باره ی بازارهای قدیمی سبزوار که به سبک بازارهای شرقی از چهار دروازه ی عمود بر یکدیگر بنا شده است ، به قسمت محلات تجارتنی مراجعه شود .

ت : مصلای شهر سبزوار : نمازگاه سبزوار یکی از ساختمانهای کهن این شهر است که مردم برای برگزاری نماز عید و جمعه و همبر-گزاری نماز باران بدانجا می رفته و در حال حاضر گورستان همگانی در ضلع جنوبی آن قرار دارد و احتمالاً در ۱۲۱۴ هـ - ق ساخته شده است . درباره ی موقعیت و قدمت این بنا نگاهی به نوشته ی باستانشناسان و سیاحان و وقایع نگاران می افکنیم : صنیع الدوله که جزء پارکابیهای ناصرالدین شاه و با وی در سفر خراسان همراه بوده ، این محل را دیده و چنین آورده : " در باغی در هزار قدمی شهر سبزوار بنای مرتفع و عالی گنبدی دارد به ارتفاع پانزده ذرع ، آجرها به صورت چپ و راست چیده شده است " (۱۲۷) . مرحوم عبدالحمید مولوی هم نوشته است که : " در زمین های شرقی خارج شهر سبزوار بفاصله ی کمی از شهر بنای آجری و محکم مصلای سبزوار قرار دارد که از سبک ساختمانی آن مشخص می شود که از ابنیه ی عهد صفویه و زیر بنای آن ۲۴۲ متر و فضایی در حدود یک هکتار در اطراف آن قرار دارد و در حال حاضر قسمتی از جنوب آن گورستان عمومی شده است و

(۱۲۷) مطلع الشمس - محمد حسن خان ، صنیع الدوله - تهران ۱۳۰۳ هـ - ق

محلّی هم برای برگزاری نماز جمعه در حدود ۳۰۰ متری آن در دست احداث می‌باشد . سقف این مصلّی بسیار عالی و ماهرانه ساخته شده یازده متر ارتفاع دارد ، از لحاظ ظرافت و مهارت و زدن ضربی جناغی در سایر ابنیه‌ی خراسان کمتر دیده می‌شود " (۱۲۸) . اضافه می‌نماید که در این محل در گذشته باغی با وسعت زیاد وجود داشته است و امروزه به فاصلهی ۳۰۰ متری غرب آن مصلای زیبایی با گنبد طرح مسجدالاقصی برای برگزاری نماز جمعه به سال ۱۳۶۵ ساخته شده است .

آقای قراخانی عقیده دارد که : " این مصلّی در قرن هشتم هجری به دستور خواجه علی موید سربداری ساخته شده است " (۱۲۹) .

ث : رباط شاه عباسی شهر سبزوار : همانطور که از اسمش پیدا است در زمان شاه عباس کبیر ، به دستور آن پادشاه همچون بیشتر رباط-های دیگر بین راهها و روستاها و شهرها برای آسایش مسافران و چهار-پایان آنان ساخته شده است ، که در انشعابی از خیابان بی‌هق در پشت کارخانه‌ی سابق برق قرار دارد . مدتها در این محل ژاندارمری سبزوار قرار داشت و زمانی دیگر پادگان لشکر و موقعی هم انبار غله بود و در حال حاضر (سال ۱۳۶۹) مهاجرین عراقی در آنجا ساکن می‌باشند و برای تندرستی و شاید رفع بیکاری باشگاه ورزش باستانی در آن بکار گرفته‌اند . این رباط در سال ۱۰۱۸ هـ - ق ساخته شده است و آب‌انباری نیز از قدیم در جلو آن می‌باشد .

در اینجا مطلبی خاطره انگیز است و آن اینکه اجساد گل محمد ، قهرمان کتاب کلیدر و هم پیمانانش و سر عموییش در پشت این رباط به خاک سپرده شده است ، ضمناً رباط دیگری هم در دروازه‌ی نیشابور وجود دارد که آن هم دگرگونیهای زیاد داشته ، زمانی برای مسافران و چندین سال کانون کار و آموزش شهرداری و محلّی برای نگهداری افراد و یا خانواده های بی‌سرپرست بوده و در این زمان انبار شهرداری می‌باشد و

(۱۲۸) آثار باستانی خراسان - عبدالحمید مولوی ۲۰۲ .

(۱۲۹) آثار باستانی و معماری . . . اطراف سبزوار ، قراخانی بهار ،

روبروی آن آب انباری زیبا ، با ۲۵ پله که هنوز هم قابل استفاده است قرار دارد .

ج : رباط شاه عباسی مزینان : گر چه قسمتهایی از این رباط خراب شده ولی آنچه باقی مانده نشانگر زیباییها و جالب توجه بودن آن می باشد آب انباری قدیمی نیز در جلوی آن است و چاپارخانه ای هم در آنجا وجود دارد و برابر لوحی که بر سر در رباط نصب است ساختمانی زمان شاه عباس اول (اوایل قرن پازدهم هجری قمری) می باشد و بنای دیگری نیز در آنجاست که بانی آن مامون فرزند هارون الرشید می باشد (۱۴۰) .

چ : رباط سرپوش و رباط زعفرانی : نیز دو اسم آشنا برای سبزواریها یا تحقیق کنندگان این شهر است و از آثار موجود چنین برمی آید که در این دو آبادی که هردو در خاور سبزوار قرار دارند رباط-هایی بوده و آثاری از آنها موجود می باشد .

در بارهی کاروانسراهای سبزوار در نوشتار پیشین مطالبی آمد ، اینک برای تکمیل آنها از نوشتهی شادروان دکتر شریعتی بهره می بریم :

" کاروانسراهای سبزوار ، یکی کاروانسرای پامنار ، دیگری کاروانسرای حاج محمد زمان و سومی کاروانسرای شریعتمدار و در دروازهی نیشابور حاجی فرامرزان کاروانسرای بسیار عالی برای زوآر و مسافران بنا کرده است ، در دروازهی عراق رباط مستحکم و با اهمیتی است یادگار میرزا ابراهیم شریعتمدار " (۱۴۱) .

پوپ هم در این مورد در کتاب خود به نام " معماری ایران " نوشته است که : " برای حفظ رونق تجارت و اقتصاد ، کاروانسرا یک ضرورت داشت و هیچ عجیب نیست که یک کاروانسرای ساخت دورهی سلجوقی در سبزوار ۱۷۰۰ حجره داشت و فاصلهی این کاروانسراها شش فرسنگ و گاه کمتر . . . " (۱۴۲) . ساختمان پرستشگاهها (مساجد) و زیارتگاههای محلی (امامزاده ها و پیران) از دید باستانشناسان :

۱- مسجد پامنار : در سال ۲۶۶ هـ - ق در کنار کوچه ای در پای منار آن ساخته شده است و به همین مناسبت مسجد پامنار گویند .

از تطبیق سال ۲۶۶ هـ - ق با سالهای سلطنت پادشاهان اولیمی بعد از اسلام می‌توان چنین نوشت که در زمان پادشاهی محمدبن طاهر، آخرین پادشاه سلسله طاهریان ساخته شده است .

ابوالحسن علی بن زید بیهقی گوید : " این مسجد سابقا مسجد جامع و مسجد آدینه‌ی سبزوار بوده است " و به دنبال این مطلب می‌نویسد که : مسجد آدینه‌ی قصبه‌ی سبزوار در روزگار حمزه بن آذرک الخارجی خراب گشته بود و مردم نماز جمعه و اعیاد بخسروچرد رفتندی و ، زنی بوده بزاد برآمده و مالدار در قصبه ، روزی اهل خسروچرد را با اهل قصبه نزاعی اوفتاد و گفتند ما را امروز عید نیست ، و در رویت هلال اختلافی افتاده بود ، مشایخ رقم برزدند و گفتند باغ این مستوره‌ی متموله^x این کار را شاید ، برخاستند و بدر سرای او رفتند صریر* دوک او شنیدند ، گفتند از وی حسابی برنتوان گرفت ، پس حال عرض دادند ، آن پیرزن رحمت الله گفت چندانکه مسجد را می‌باید خطر- کشید تا من بر وقف نامه گواه گیرم ، و درخت بسیار است درین باغ ببايد برید و سقف مسجد را از آن ترتیب باید کرد و مزد اجرا (به ضمّ اول و فتح دوم به معنای افراد اجیر و بکار گرفته شده) و عمله چندانکه باید من می‌دهم ، مردمان گفتند شکرالله سعيك (احسان و کوشش ترا خدایت ثنای جمیل دهد) ، سخاوت را مشرب دیانت تو است ، جود تو از جودمعن (۱۳۳) معنی گرفته است اما با چنین همت و دیانت‌فاتحمی

پاورقی از مفهمی قبل

(۱۳۱) راهنمای خراسان ، دکتر علی شریعتی‌مزیانی ، ص ۱۶۵
(کاروانسرای شریعتمدار که روبروی کاروانسرای حاج زمان می‌باشد به کاروانسرای آقا یا دو در مشهور است) .

(۱۳۲) معماری ایران ، پوپ ، ترجمه‌ی غلامحسین صدری ، تهران ۱۳۶۶ .

x زن با حجاب و ثروتمند

* آواز ، صدا

(۱۳۳) معن بن زائده‌ی شیبانی از مشهورترین بخشدگان و از جمله شجا-
عان و فصحای عرب است و معتمد بالله یا معتمد علی الله ، پانزدهمین خلیفه‌ی

مصحف جوانی خواندن و جامه‌ی نشاط حب دنیا دوختن و از آخر نامه با
عنوان آمدن و با چندین همّت و مروّت این دوک رشتن چیست ؟ گفت



مسجد پامناز

دنباله‌ی پاورقی از صفحہ‌ی قبل
عباسی (معاصر صفاریان) می‌باشد .

حدیثی از مصطفی صلوات الله علیه بمن رسیده است بدان حدیث تبرک واجب دانسته ام و دیگر که غایت صلاح زنان نشستن است و هیچ کار نبود که معین بود بر نشستن الا غزل . پس این مسجد بنا کردند در تاریخی که خلیفه المعتمد بالله بود ، سنه ست و ستین و ماتین (سال ۲۶۶) من دیدم پادشاه بلغار امیر ابواسحق (۴۱۵ هـ - ق) مالی بر نواحی بیهق فرستاد تا بر مسجد آدینهی سبزوار و خسروجرد نفقه کنند " . (۱۳۴) . به جای دیگر ، بیهقی گوید : " به فرمان منتصر خلیفه و احمد خجستانی فی شهر سنه ثمان و ثمانین و ماتین مسجد جامع قصبه بنانهادند " . صنیع الدوله نیز در این باره گوید : " مسجد جامع قدیم سبزوار معروف به مسجد پامنا مناره ای به ارتفاع ۱۵ متر دارد ، از ابتدا صحنی نداشته فقط ایوانی دارد ، طاقهای شبستان ۹ تاق و سه نیم طاق دارد " (۱۳۵) .

عبدالحمید مولوی هم در این باره توضیح می دهد : " بنا به عبارت تاریخ بیهق مناره کنونی مسجد پامنا بعد از سال ۲۴۴ قمری ساخته شده و جنبان است و بیست و سه متر بلندی و بیشتر از نهصد سال عمر دارد این مسجد چندین دفعه تعمیر و مرمت گردیده و آخرین مرتبه در سال ۱۳۶۷ هـ - ق . ضمن کاشیکاری سردر عبارتی به شرح زیر دارد (بسی حجه الاسلام حاج میرزا عبدالله برهان خاتمه یافت کتبه جواهر قلم و در دو طرف در مسجد سوره مبارکه ی هل اتی . . . و در آخر کتیبه مرقوم است از کلب پس تر در خانمی خدا حاج محمد اسماعیل صولتی (۱۳۷۲) " (۱۳۶) .

میرزا محمد تقی حکیم هم در کتابش ، به این مطالب می افزاید که :

(۱۳۴) تاریخ بیهق - ابوالحسن بیهقی ۴۹ - ۵۰ و ۵۳ . (ضمنا قسمتی از مطالب تکراری و پاره ای نیز برای جلوگیری از به دراز کشیدن حذف شد ، در صورت نیاز به کتاب ارزشمند تاریخ بیهق مراجعه شود) . (۱۳۵) مطلع الشمس ، محمد حسنخان صنیع الدوله ، ۲۵۵/۳ . (۱۳۶) آثار باستانی خراسان ، عبدالحمید مولوی ۴۴۴ . کلمه ی پسر تر که عقب مانده تر معنی دهد شاید می خواسته پست تر باشد (مولف) .

" تمام بنا از خشت خام و کریچه ها* در و کلون داشته چند جای چراغ هم در دیوار هست ، هر کس از وضع ریاضات و ریاضتخانه های عیسویان باخبر باشد یقین می‌نماید که اینجا را کشیشهای عیسوی که در ازمنه‌ی سابقه در این سواحی بوده اند برای ریاضت مرتاضین عیسوی مذهب ساخته اند و کریچه های مزبور همان حجرات تنگ و تاریکی است که فرنگیها سلول می‌نامند . . . چنانچه اغلب کلیسیاهامبدل به مسجد شده اند اینجا هم اکثر تغییر یافته است " (۱۳۷) .

شادروان دکتر شریعتی تحت عنوان (مسجد جامع قدیم معروف به پامنا) در مطلبی به کوتاهی نوشته : " در شمال مسجد مناری بسیار قدیمی برپاست به ارتفاع ۱۵/۵ متر و بالای آن کتیبه ای بخط کوفی به چشم می‌خورد و ایوانی متصل به این منار بوده که آثار آن هنوز پیداست و می‌رساند که اینجا مسجدی بسیار قدیمی بوده است " (۱۳۸) .

هرتسفلد معتقد است که : " این مناره از بنای سربداریه است در حدود سال ۶۰۰ هجری " .

۲- مسجد جامع : با شواهدی که پس از این در باره‌ی مسجد جامع سبزوار آورده می‌شود بنای آن را با احتمالی زیاد به قرن هفتم یا اوایل قرن هشتم هـ - ق پیوند می‌دهد :

صنیع الدوله در مطلع الشمس نوشته که : " مسجد جامع از ابنیه‌ی سربداریه است (قرن هشتم قمری) . . . محراب مقصوره که ابتدا ساخته شده قبله را بطور اهل تسنن تشخیص داده بعد محراب کوچکی در میان محراب بزرگ اصلی ساخته شده و قبله‌ی اهل تشیع را معین کرده ، بالای در مسجد لوحه‌ی سنگی نصب است فرمانی به خط نستعلیق از شاه طهماسب

* کریچه به تالار و خانه‌ی کوچک و کلون به قید چوبی پشت در ، کسه به وسیله‌ی آن در را بگیرند و بندند گویند - فرهنگ معین .

(۱۳۷) گنج دانش ، میرزا محمد تقی خان حکیم ، ۵ .

(۱۳۸) راهنمای خراسان ، دکتر علی شریعتی مزینانی ، ۱۶۱ .

x سال ۶۰۰ هجری زمان سلطنت سلطان محمد خوارزمشاه بوده ، نه سربداریه ، زیرا که سربداران سبزوار از ۷۳۷ به امارت رسیده اند .



مسجد جامع

اول در مورد اینکه از جانب وی برای گورکنان و غسلان مقرری داده واخذ اجرت غسلی و گورکنی را نامشروع دانسته است (سنه ۹۷۹ هـ - ق) x
 دیوار طرف راست درب مسجد جامع بر سنگی عبارتی از فرمان ناصرالدین شاه مبنی بر تخفیف قیمت کاه از خرواری یکتومان به پنج هزار دینار (سنه ۱۲۹۰ هـ - ق) (۱۳۹) و فرمانی دیگر از شاه تهماسب ثانی در آنجاست دایز بر اینکه چون اهالی سبزوار از هجوم افغان و بلوچ و ترکمانان صدمه دیده اند از پیشکش ورود و تلاقی معاف دارند، حتی کمک کنند سنه ۱۱۳۶ ، حسنعلی زنگنه نیز در ۱۱۲۵ - چنین فرمانی داده که بر سنگ نوشته شده " (۱۴۰) . عکسهایی از این سنگ نبشته ها در جلد ۲ خواهد آمد.

x - مزد گرفتن برای غسل میّت حرام است (نقل از قسمت احکام غسل میّت

توضیح المسائل) .

(۱۳۹) مقایسهی ارزش کاه به خرواری پنج ریال در آن زمان با خرواری

پانصد تومان در این زمان برای جوانان شگفت آور خواهد بود .

عبدالحمید مولوی نیز در بارهی مسجد جامع سبزوار سخنانی دارد و طی آن می‌نویسند: "مسجد جامع سبزوار در طرف جنوبی خیابان بیهق و تقریباً در مرکز شهر واقع شده و کلاً چهارهزار متر مساحت دارد که فضای وسط آن یکهزار و یکصد و شصت و پنج متر است و ایوان بزرگ جنوبی آن دیدنی تر از سایر قسمت‌هاست و ایوان شمالی که در حاشیمی پیاده رو خیابان بیهق قرار دارد آجری و ۱۴ متر ارتفاع دارد و دو مناره‌ی کوتاه و کوچک بر بالای آن قرار دارد و دو سنگ در دو طرف چپ و راست ایوان نصب شده که تاریخ ۱۳۳۶ قمری بر آن نوشته شده و دز سنگ چینی به ترتیب از بالا به پایین نوشته شده "هو الله، بسم الله الرحمن الرحيم" و در خط پایین تر آن عبارت "بنده‌ی شاه ولایت تهماسب ثانی حکمی صادر کرده" در طرف راست نیز سنگ دیگری درین مضمون نصب است: "هو - المراد: مقرر شد . . . حاکم سبزوار تعهد می‌کند در آتیه بابت پیشکش ورود از کسی وجهی دریافت نکند و اگر وجهی بگیرد ناصوفی باشد." در دالان طرف شرقی ایوان شمالی عبارتی بر سنگی نوشته شده که شکسته و در ۱۳۰۰ قمری از طرف مرحوم حسنخان اعتماد السلطنه تعمیر گردیده است (۱۴۱). . . شبستانی نیز در همین محل برای انجام فریضه هست .

شبستان شرقی جامع سبزوار پالگردی برای فریضه‌ی حوضخانه در روز - های تابستان گرم ساخته شده و بر بالای آن نیز شبستان بهاری هردو جالب بوده و برای آب و هوای خاص سبزوار لازم^x. بعداً شبستانی بعرض ۹ متر و طول ۳۸ متر آهنی بطرف فضای مسجد ساختند با نوشته‌هایی سفید بر زمینه‌ی لاجوردی کاشی بر بالای پنجره‌ها و درهای آهنی ورودی بشرح زیر:

پاورقی از صفحہ قبل

(۱۴۰) مطلع الشمس - صنیع الدوله ۲۰۴/۳ .

(۱۴۱) ر. ک فرمان شاه تهماسب اول که قبلاً نوشته، به اضافه آنکه چون غسل و دفن اموات واجب کفائی است و اخذ اجرت غسالی و گورکنی نامشروع است

x این قسمت‌ها را حدود ۲۵ سال پیش خراب کرده‌اند، ضمناً شبستانی که به سعی آیت الله فقیه ساخته شده گنجایش ۲۵۰۰ نفر را دارد .

" بسمه تعالی بانی معظم مرحوم حسینخان غنی بسعی حضرت آیت-
 الله العظمی آقای حاج میرزا حسین فقیه سبزواری در سال ۱۲۸۵ قمری به
 اتمام رسید . " ایوان جنوبی جامع سبزوار جلوه‌ی خاصی را
 دارا می‌باشد . دو مناره‌ی آجری بدون تزیین بالای ایوان جنوبی است ، عرض
 ایوان ۹/۲۵ متر و طول آن ۱۹/۷۵ و ارتفاعش ۱۷/۶۰ متر ، در آهنی
 کوچک بطرف سراسیمه‌ی کوچه نه بام ، ورودی و خروجی دیگری بر این ایوان
 و اصولا مسجد می‌باشد . کلاً این ایوان و شبستانهای آن اسلوب ابنیه
 اواخر قرن هشتم هجری را می‌رساند و در قسمت‌های مختلف آن نمونه‌هایی
 از آیات مبارکه‌ی سور با کافی نوشته شده و یا شهادتین . البته این ایوان
 و اطراف آن در ۴۲/۶/۲۵ بهمت آقای حاج محمود مسلم و سعی آقای حاج
 محمد تقی عندلیبی تعمیرات و کاشیکاری شده است . شبستان غربی جامع
 سبزوار شبستانی طولانی در نه دهنه و دو در ورودی یکی از دالان حاشیه‌ی
 خیابان بی‌هق و دیگری از فضای داخل مسجد می‌باشد . بالای درها و پنجره‌ها
 کاشیکاری شده و گاهی با خط کوفی کلمات الله - محمد - علی نوشته‌اند .
 نام بانی و سال بنای این مسجد کاملاً مشخص نشده ولی بنا به آنچه در
 صفحه ۲۲۳ کتاب گنج دانش و جلد سوم مطلع الشمس آمده و در سبزوار
 هم مشهور است از بناهای سربداریه است و شاید بتوان گفت با مطلب مندرج
 در تاریخ بی‌هق این مسجد در قرن پنجم هـ ق ساخته شده و سربداران
 که احتمال زیاد داردخواجه علی موید سبزواری آن را تجدید بنا و مرمت
 کرده باشد (۱۴۲) .

شادروان دکتر شریعتی هم در این باره چنین مطلبی دارد :
 " از ساختمان محراب چنین برمی‌آید که پیش از سربداریه نیز
 اینجا مسجد بوده است و این سلسله آنرا توسعه داده اند زیرا محراب
 مقصوره ابتدا بسبک اهل تسنن ساخته شده بود و بعد محراب کوچکتری در
 میان این محراب بسبک تشیع ساخته اند ، طول مسجد ۵۰ قدم و عرض آن
 ۴۰ قدم و " (۱۴۳) .

(۱۴۲) در تاریخ بی‌هق ذکری از مسجد جامع فعلی نشده ، زیرا آن زمان
 مسجد جامع سبزوار ، همان مسجد پامناز بوده است . تاریخ بی‌هق ۳۴۵ هـ

آقای دکتر محمود علوی به همراه مطالبی ، بیتی از ابن‌یمین را در این باره آورده که :

مسجد جامع همی خوانندش اما جنت است

وندر او فواره ای مانند حوض کوثر است

و به دنبال آن نوشته که در محل گودی بوده و جوی آبی از آنجا عبور می‌کرده و . . . (۱۴۴).

مسجد جامع چشام در جنوب غربی سبزوار و نزدیک مزینان در روستای چشام ساخته شده که به علت خرابی بعداً تعمیر گردیده است .

در باره‌ی این مسجد نوشته اند که : " یکی از چند مسجد تک ایوانی عصر صفویه است و دو شبستان شرقی و غربی آن قابل استفاده و اساس خود مسجد دست نخورده . جامع چشام از لحاظ اسلوب معماری و طرح پلان مستطیل و جزئیات قوسهای شبستانها گویای فرم معماری صفویه است و شباهت بسیار زیادی با مسجد پایین قلعه‌ی مزینان که از آثار صفویه است دارد . دلائلی که ثابت می‌کند مسجد جامع چشام از عهد صفویه است اولاً نخستین پایه های مسجد در حوالی سال ۹۷۱ (به عهد شاه تهماسب اول صفوی) گذارده شده و در زمان شاه سلیمان تکمیل شده . ثانیاً بانی و تکمیل کننده‌ی بنا شخصی به نام حاجی‌ملک بوده که در عهد شاه سلیمان " توفیق بنای مسجد " را پیدا کرده بنا به متن اشعار کتیبه ای که در آنجا می‌باشد که ماده‌ی تاریخ بنا از " کلک قضا " در آخرین مصراع آن به حروف ابجد سال ۹۷۱ هجری قمری می‌شود (۱۴۵).

پاورقی از صفحه‌ی قبل

(۱۴۳) راهنمای خراسان ، دکتر علی شریعتی ۱۶۱ (ضمناً چون سربرداری به تشیع و پایبندی به مبانی آن سعی زیاد داشته اند از آنان بسدور است که در مسجد جامع محرابی به سبک اهل تسنن بسازند ، بهره آنکه گفتار دکتر شریعتی درست است و گسترش آن به وسیله‌ی خواجه علی موید سربرداری بوده) .

(۱۴۴) رساله‌ی نهضت سربداران در عهد تیموری ، دکتر محمود علوی

۴- مسجد جامع خسروگرد : خسروگرد که در اوایل اسلام حاکم نشین ناحیه بیهق بوده ، دارای جامعی بوده که خراب شده و فقط مناره‌ی آن معروف به مناره یا میل خسروگرد ، به یادگار مانده است .

۵- مسجد جامع فریومد : فریومد که در شمال غربی مزینان واقع می‌باشد و به قولی در ۷۴۰ هـ - ق کرسی‌نشین ناحیه‌ی جوبین سبزوار بوده است ، دارای مسجد بزرگ و با شکوهی می‌باشد که به دوران مغول یا احتمالا قبل از آن یعنی در قرن ششم هجری قمری ساخته شده . این مسجد دو ایوان بلند روبروی یکدیگر دارد . طاق نماها و رواقهای جنبی و نیمه گنبدی آجری و دالان و محراب آن هنوز باقی است و کلا می‌توان گفت که جنبه‌ی تزیینی این بنا بر استحکام آن می‌چربیده است .

۶- مسجد جامع قارزی : در محل سابق جغتای که به عقیده‌ی نام قدیمی‌اش قارزی بوده ، خرابه‌های مسجدی ، به نام مذکور هست .

۷- مسجد جامع نزل آباد : صنیع الدوله در باره‌ی مسجد نزل آباد نوشته که " گنبد عظیمی به ارتفاع ۱۵ ذرع دارد و آثار خط کوفی در آن دیده می‌شود و این آبادی یکی از قصبات معتبر بیهق بوده است " (۱۴۶).

۸- مسجد جامع پایین قلعه‌ی مزینان : در باره‌ی این مسجد ، نخست به گفتار آقای قراخانی می‌پردازم آنجا که می‌گوید : " در حاشیه‌ی غربی روستای مزینان سه قسمت قابل تفکیک در آن مشخص است یکی حیاط مسجد به ابعاد ۲۵×۲۹ متر ، قسمت دوم تنها ایوان مسجد است در غرب آن به طول و عرض ۷×۹ قسمت سوم شبستان شمالی به ابعاد ۵/۲×۱۲ و با ارتفاع ۵/۴ متر . مسجد پایین قلعه‌ی مزینان مدتهای مدیدی متروکه بوده و اخیرا اهالی از شبستان شمالی آن برای برپایی نماز و بویژه روضه خوانی استفاده می‌کنند و این بنا یکی از چند بنای آجری است که در عهد صفویه در حوالی شهرستان پیافکنده شده

پاورقی از صفحه‌ی قبل

(۱۴۵) آثار باستانی و معماری بقاع متبرکه‌ی سبزوار . . ، حسن قراخانی
بهار ، ص ۴۱ .

(۱۴۶) مطلع الشمس ، صنیع الدوله ، جلد ۳ ص ۱۹۰ .

است (۱۴۷) .

صنیع الدوله نیز در جلد سوم کتاب **مطلع الشمس** می‌گوید که :
 " مسجد در واقع در مزینان کهنه قرار داشته . . . قلعه‌ی مزینان کهنه
 ۸ برج داشته . . . و منبری از آجر و گچ در ضلع شرقی شبستان
 ساخته اند " .

مدارس علمیه :

۱- **مدرسه‌ی فخریه** : کهن‌ترین مدرسه‌ی به اصطلاح علوم قدیمه
 مدرسه‌ی فخریه است . این مدرسه در حاشیه‌ی جنوبی پیاده رو خیابان
 بیهق پس از چهار راه برخورد خیابان بیهق و اسرار، در محل امامزاده
 یحیی قرار دارد که به مدرسه‌ی دروازه عراق یا مدرسه‌ی کهنه هم مشهور
 است و بنای آن را به فخرالدوله‌ی دیلمی نسبت می‌دهند . و اما بر



مدرسه‌ی فخریه

(۱۴۷) آثار باستانی و معماری . . . حسن قراخانی بهار ، ص ۴۳ .

کتیبه‌ی سردر این مدرسه با کاشی نوشته شده بوده است : اتمام عماره
 هذه البقعه الشريفه الميمونه بالمدرسه الفخريه الخسرو الاعظم
 بالمالک الرقاب معزالدوله (۱۴۸) .

از این جمله چنین برمی‌آید که به زمان معزالدوله‌ی دیلمی (۳۲۰-
 ۳۵۶ هـ - ق) ساخته شده و شاید فخرالدوله که نوه‌ی برادر معزالدوله
 بوده و از ۳۶۶ تا ۳۸۷ امارت و فرمانروایی حضوری داشته آن را تکمیل
 نموده است .

بهر حال اخیراً توسط متولیان آن که سادات معروف مختاری یا
 مختارشاھی اهل طبس سبزوار هستند و به یاری اوقاف سبزوار
 و درآمد حاصله از کاروانسرای مختار که نزدیک آن است و مهمان
 پذیر پارس و دکانین که وصل به آن می‌باشند و وقف برای مدرسه هستند
 تعمیراتی شده است .

۲- **مدرسه‌ی فصیحیه :** واقف آن مرحوم حاج عبدالصانع فصیحی
 می‌باشد که در سمت شمالی مدرسه‌ی مزبور مدفون است و چون حاج -
 ملا هادی سبزواری (اسرار) مدتهای زیادی در این مدرسه به تدریس حکمت
 اشتغال داشته به مدرسه‌ی حاج ملا هادی هم معروف گریده است .
 صنیع الدوله در باره‌ی این مدرسه گوید که : " بانی آن حاجی-
 عبدالصانع سبزواری است که در ۱۱۲۶ به اتمام رسیده و در لوحی که
 موجود بوده قبر حاجی عبدالصانع ابن المرحوم محمد مومن سبزواری-
 ۱۱۴۳ فوت واقف و بانی بوده است . آیه‌ی مبارکه‌ی لقد اسّمن بنیانه
 علی التقوی من الله سال تاریخ بنا را می‌رساند " (۱۴۹) .

عبدالحمید مولوی در کتاب خود چنین می‌نویسد : " این مدرسه
 در تاریخ ۱۱۲۴ هـ - ق (اواخر عهد صفویه) توسط حاج عبدالصانع
 فصیحی برای طلاب علوم دینی بنا شده و اوقافی برای مصارف و مخارج
 آن و طالبان علوم دینی قرار داده ، متأسفانه بیشتر مساحت این مدرسه

(۱۴۸) تاریخ بی‌هق ، ابولحسن بی‌هقی ص ۳۴۴ . (معمولاً باید بعد از
 کلمه‌ی المیمونه یا المشهوره ، حتی مسمّاه می‌بوده است) م .

(۱۴۹) مطلع‌الشمس- صنیع‌الدوله ۲۵۵/۳

(شاید چهار پنجم مساحت آن) همچون مدارس دیگر در زمان احداث خیابان بیهق از بین رفته ولی متولی مدرسه که از اعقاب واقف است قدری زمین در پشت مدرسه خریده و نواقص مدرسه را جبران نموده است " (۱۵۰) . این مدرسه در حال حاضر در حاشیه جنوبی خیابان بیهق روبروی خیابان قائم واقع شده است . آخرین تعمیر در سال ۱۳۵۰ هجری قمری زمان تولیت آقای میرزا محمد تقی فصیحی انجام پذیرفته است .

۳- **مدرسه شریعتمدار :** " در ۱۳۰۳ هـ - ق به دستور حاج میرزا ابراهیم شریعتمدار سبزواری نوهی مرحوم میرزا مهدی شهید ثالث از سادات علمای سبزواری در قرن سیزدهم هجری قمری ساخته شده و اوقافی برای مصارف آن در نظر گرفته است . این مدرسه با فاصله کمی از مدرسه فصیحیه ، تقریباً در مقابل آن قرار دارد و متأسفانه دو ثلث مساحت این مدرسه نیز بر اثر ایجاد خیابان بیهق از بین رفته است و اکنون مقبره‌ی واقف در قسمت باقی مانده می‌باشد (۱۵۱) .

۴- **مدرسه مزینان :** تقریباً همزمان با مدرسه شریعتمدار سبزواری باز هم به وسیله‌ی مرحوم حاج میرزا ابراهیم شریعتمدار که استعداد و ذوق مردم آنجا را در سطحی بالا و مستعد دید ساخته شده و هزینه‌ی بعدی آن را نیز تقبّل نمود ، مدرّس آن ، مرحوم آخوند ملّا قربانعلی (پدر بزرگ پدری شادروان دکتر شریعتی) از افراد فاضل و دانشمند و پرهیزگار زمان خود بوده است . از این بنا در حال حاضر چنین استفاده‌ای نمی‌شود و فقط به سعی دکتر شریعتی و هم هزینه‌ی آن روانشاد کتابخانه‌ای در آن دایر شده است . مدارس علمیه‌ی دیگری به مانند مدرسه‌ی آیت‌الله فقیه سبزواری که به تازگی نام مدرسه‌ی محمدیه بر آن نهاده اند و به خرج آن مرحوم ساخته شده است و . . . هست که به علّت باستانی نبودن از تشریح آنها خودداری می‌شود .

(۱۵۰) آثار باستانی خراسان - عبدالحمید مولوی ۴۶۳ .

(۱۵۱) کتاب پیشین ۴۶۹ (این مدرسه به مدرسه‌ی صلوات نیز معروف بوده است) .

زیارتگاهها و اماکن مذهبی

۱- امامزاده شعیب بن موسی بن جعفر (ع) : مقبره‌ی این بزرگوار در سابق بعد از برج و باروی و خندق جنوب شهر سبزوار قرار داشت ولی در حال حاضر در داخل شهر (پایین کوچه‌ی نقابشک و سبزیز) جنوبی ترین خیابان سبزوار (خیابان طبرسی) جای گرفته و زیارتگاه مشتاقان و دوستان دودمان پاک پیامبر گرامی است .

آقای عبدالحمید مولوی در باره‌ی این امامزاده می‌نویسد : " دارای فضای با روح و آرامگاههای اختصاصی بر اطرافش هست ، آرامگاه مجلل و مورد احترام و چندین دفعه مرمت و تعمیر و دارای صحن و حرم و دو مناره است که جدیداً کاشیکاری شده ، داخل حرم و چهار ایوان کوچک چهار طرف تماماً آئینه کاری گردیده ، برابر لوحه ای که در آرامگاه نصب است ساختمان ضریح مطهر آخرین مرتبه در سال ۱۳۵۰ شمسی در اصفهان ساخته شده است و در بالای درگاه جنوبی و در سمت شرق هیات امنائی که در تعمیر آرامگاه دست داشته اند ذکر شده ، ارتفاع گنبد امامزاده شعیب هفده متر است . واصل بنای مزار احتمالاً از عهد صفویه می‌باشد " (۱۵۲) .

صنیع الدوله نیز در جلد سوم مطلع الشمس مطلب کوتاهی دارد که " در جنوب شهر سبزوار و پشت باروی سابق واقع در حوالی آن قبرستانی است ، البته سنگ قبری بزرگ در آنجا دیده شده و این اشعار بر آن نبشته شده است :

الهی توئی آگه از حال من
عیان است پیش تو احوال من

(۱۵۲) همان کتاب ص ۳۹۷ (پیرامون روشن شدن مطلب باید بدانیم که .
اولا در بین اولاد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ، شعیب نام نیست
و شاید غرض یکی از سادات پرهیزگار باشد و ثانیاً از تشریح کامل به
علت طولانی شدن مطلب خودداری شد)

توئی از کرم دلنواز همه
 به بیچارگی چاره ساز همه
 بود هر کسی را امیدی به کس
 امید من از رحمت تست و بس
 اگر طاعتم رد کنی یا قبول
 من و دست دامان آل رسول



حرم و گنبد امامزاده شعیب

در دو گدھی قسمت بالا و پایین سنگ ، نوشته اند هذا وفات صاحب سیادت مآب عالی جناب مرحوم مغفور میرمحمد حسین بن میر— سید احمد السبزواری سنه ثلاث و ستین و تسعمائه (۹۶۳) که این سنگ وفات شخص مذکور را می‌رساند نه بنای مقبره‌ی شعیب بن موسی را " . آقای قراخانی نیز می‌نویسد : به اعتقاد باستانشناسان متعلق به

دوره‌ی سربداریه است . (توضیحا آورده می‌شود که در کتاب تاریخ بیهق از شعیب بن محمد بن شعیب البیهقی مطالبی آمده که : استاد ابواسحق ثعلبی مفسر کانت ولادته سنه عشره و ثلثمائه و وفاته فی صفر سنه ستّ و عشرين و ثلثمائه ببیهق و سمع الحدیث من ابی نعیم سنه ستّ عشره و ثلثمائه) و نیز با عنایت بر توضیحات قبلی و مصراع دوم بیت آخر شعری که گذشت : (من و دست دامان آل رسول) اگر در باره‌ی او باشد پس خود از آل رسول نبوده که متوسل به آل رسول شده است .

۲- امامزاده یحیی بن موسی بن جعفر (ع) : در باره‌ی آرامگاه این شخصیت و خود وی گفتار زیاد است که چکیده‌ای از این گفتارها و یا نوشته‌ها را در اینجا یادآور می‌شویم . در تاریخ بیهق آمده که : " یحیی بن زید بن زین العابدین علی بن الامام الشہید المظلوم الحسین بن امیر المومنین علی بن ابی طالب علیه السلام چون از معرکه بگریخت و پدرش زید کشته آمد او بقصد سبزوار آمد ، و یحیی از ائمه‌ی زیدیان بود ، و آنجا که مسجد شادان است نزول کرد و ذکر شادان که از فرزندان قنبر بود بیان کرده شد ، و آمدن یحیی بن زید بود سنه ستّ و عشرين و مائه (۱۲۶ هـ - ق) . در بازار سبزوار بقعه‌ای به نام امام زاده - یحیی بن زید موجود و زیارتگاه اهالی است ، لیکن قتل یحیی در جوزجان بوده و جسد او را هم پس از قتل بدار آویختند و همچنان بر دار بود تا به امر ابومسلم خراسانی آن را فرود آوردند . یحیی از سرخس به بیهق آمد و از آنجا به نیشابور شد ، در نیشابور با عمرو بن زراره که والی بود جنگ کرده او را بقتل رسانید . پس به هرات و از آنجا به جوزجان رفت و در جوزجان کشته شد " (۱۵۳) .

در آثار باستانی خراسان هم می‌خوانیم که : " مزار امامزاده یحیی

(۱۵۳) تاریخ بیهق - ابوالحسن بیهقی ص ۲۹۸ - اشاره می‌شود که چون بالای سردر کاشی شده سمت خیابان بیهق نوشته یحیی بن موسی ، به همین جهت سبزواریه‌ها یا بعض دیگران ، آنجا را آرامگاه یحیی بن - موسی بن جعفر می‌خوانند . (مولف)

واقع در محل تلاقی خیابان اسرار و بیهق در نبش چهار راه در اصل شاید در قرن ششم هـ - ق ساخته شده و روکاری یا کاشیکاری و سنگ و آئینه یا ضریح داخل حرم در قرن چهاردهم هجری بخرج حاج میرزا محمود حقیران ساخته شده و تعمیرات ادامه دارد .



حرم و گنبد امامزاده یحیی

دو در از خیابان بیهق و اسرار و دو گنبد و سردرهای کاشیکاری

دارد در اصل وجود این امامزاده بنام یحیی بن زید علوی محل شک و شبهه می‌باشد زیرا نه در تاریخ بی‌هق آمده و نه دیگران درستی آن را گفته اند ، بلکه بیشتر مورخین یادآورند که در زمان هشام یا ولید عباسی امامزاده یحیی در بلخ و یا جوزجان کشته و در همانجا به خاک سپرده شد و وجود امامزاده یحیی فرزند موسی بن جعفر (ع) در سبزوار و گرگان یا تهران بدور از درستی است " . صنیع الدوله نیز در کتابش نوشته " مزار دیگری هم بوده است در وسط بازار سبزوار از عهد غازان خان مغول ۶۳۶ " .

مرحوم حاج محمد علی حسین زاده بی‌هقی جدّ پدری نویسنده‌ی این کتاب دارای سفرنامه‌ها و دست‌نوشته‌ها و مقالاتی است که در مجله‌ی خاطرات وحید چاپ شده ، مشاهدات خود را در مورد امامزاده یحیی این گونه یادداشت کرده است : " در وسط بازار گنبدی و صندوقی و پنجره‌ی آهنی به توی بازار دارد ، پای پنجره‌ی سنگی از مرمر بقسدر لوحی و یک رباعی ذیل آن نوشته شده است . اصل بنا از عهد غازان-خان است بالای در بقعه مکتوب است :

تا که این بقعه‌ی خراب آباد

گشت معمور از دم پیرش

گفت تاریخ سال او نیر

ده ز وجه اجاره تعمیرش^x (۱۲۵۷)

شادروان دکنتر شریعتی نوشته است که : " سازمان بنا از زمان غازان خان است و تاریخ ثمان و سبع‌مائه (۷۰۸) بزحمت هنوز خوانده می‌شود " (۱۵۴) .

x با توجه بر وجود چند باب مغازه‌ای که متعلق به این بنا است ، شاید منظور پرداخت وجه تعمیرات از محل اجاره‌ی دکانها می‌باشد . (۱۵۴) راهنمای خراسان ص ۱۶۲ (ضمنا در سفرنامه‌ی سدید السلطنه تالیف محمد علی‌خان سدید السلطنه که انتشارات بهنشر در ۱۳۶۲ آن را منتشر کرده است آمده که : مدفون آن معلوم نیست و آرامگاه دیگری را نیز نزدیک آن به نام حسین پسر سید سجاد داند و) .

۳- امامزاده فضل بن زید (ع): در بارهی مقبرهی فضل بن زید، صنیع الدوله می‌نویسد که: "دم دروازه‌ی ارگ بالای تختگاهی است مرتفع که ۶ ذرع ارتفاع دارد، داخل اطاقی صورت قبر و ضریح چوبی است" (۱۵۵).

۴- امامزاده جعفر: بنای امامزاده جعفر در حاشیه‌ی روستای چاهک که در محل به آن (مزار چپه به فتح ج و ه اول) گویند واقع در ۱۲ کیلومتری شرق طبس "بنائی ۸ ضلعی مربوط به دوره‌ی قاجار است، داخل بنا کلاً سفیدکاری، کنبد آن سالم و آیه‌ی شریفی "و ان یکاد"، در زمینه‌ی لاجوردی دارد، در داخل بنا قطعه سنگی موجود است که جای پای کودکی را با ظرافت خاصی در آن حکاکی کرده اند و اعتقاد عمومی بر این می‌باشد که جای پای این امامزاده می‌باشد که برادر کوچک حضرت رضا (ع) است، مشخصات می‌رساند که از عهد صفوی است و با جامع مزینان می‌خواند" (۱۵۶).

۵- امامزاده سید حسین: این امامزاده در روستای آزاد منجیر (۹ کیلومتری شرق سبزوار) قرار دارد و ساختمان بنا بیشتر به دوران صفوی می‌ماند. دارای گنبدی است به ارتفاع ۱۲/۵ ذرع که در سالهای اخیر بازسازی شده. در وسط گنبد قبری است به عرض ۱/۵ ذرع و ۳ ذرع و یکچارک طول و ارتفاع یک ذرع (در حوالی این قبر، دو لوح سنگ کبود موجود است که در یکی نوشته هذا مرقد سعادت و رفعت پناه و عزت معالی دستگاه امیر سیدعلی علوی سنه ۱۰۳۸، در سنگ قبر دیگری که به دیوار نصب است مسطور است: هذا مرقد مرحوم سیادت پناه میرمحمدبن میرمحمد صالح سبزواری ۱۱۵۱ هـ- ق) (۱۵۷).

(۱۵۵) صنیع الدوله این مطلب را در ۱۳۰۳ هـ - ق نوشته ولی در حال حاضر چنین آرامگاهی وجود ندارد و شاید برجستگی قبر مانندی که در محوطه‌ی شهرداری فعلی و خندق قدیم می‌باشد که در بین مردم و در بعض کتابها به قبر سهراب شهرت یافته و یا آنکه پهلوی برج و دروازه‌ی پیشین ارگ روبروی در اصلی شهرداری وجود داشته است.

(۱۵۶) آثار باستانی و معماری و بقاع . . اطراف سبزوار، حسن قراخانی

۶- امامزاده سید جعفر بن موسی : در درفک (به اصطلاح محلی درفت - در هر دو لغت به ضم اول و دوم و سکون بقیه) در ۵ کیلومتر شرق طبرس قرار دارد و به کمک اوقاف و همت اهالی بعد از سال ۱۳۶۰ بازسازی شده است (۱۵۸) .

۷- بقعه امامزاده سید ناصر بن محمد : بنای آرامگاه سید ناصر- بن محمد در حاشیه جنوبی روستای چشم (به کسر اول و ضم دوم) از توابع بخش داورزن است و امروز این بنا دو در دارد و دو ایوان و اتاقهایی برای استراحت که یا خراب شده و یا غیر قابل استفاده است. گنبدش ۱۸ متر ارتفاع داشته و یکی از بلندترین گنبدها در منطقه سبزوار است (۱۵۹) .

آجرکاری گنبد از داخل دارای نمای چشم نوازی است و آنها را با رج های جناقی و با مهارت تمام چیده اند ولی اثری از مقبره نیست . ابوالحسن بیهقی مولف تاریخ بیهقی ضمن شرح احوال بزرگان و اعاضم بیهقی از ناصر بن محمد یاد کرده و در صفحه ۲۸۵ همان کتاب گوید که " بر قصبه چشم بر جانب قبله ، مشهد الناصرین محمد بن حسین- العلوی الحسین الاصفهانی است . " اما بعید بنظر می رسد که آرامگاه به زمان حیات بیهقی (قرن ۶) یا قبل از آن باشد .

قدیمترین کتیبه موجود در این بنا ، دارای تاریخ ۸۱۳ هجری و متعلق به آرامگاه شخصی به نام درویش حسین است که به احتمال زیاد

دنباله پاورقی از صفحه قبل

بهار ص ۱۸ .

(۱۵۷) آثار باستانی و معماری . . . قراخانی - ۱۹ .

(۱۵۸) همان کتاب و همان صفحه . یادآور می شود که در درفک سوراخی به اندازه ای که یک انسان میانه جثه بتواند از آن بگذرد بر دیواره کوهی است و مردم محل آن را رد پای دلدل اسب حضرت علی (ع) دانند و نذر می کنند اگر ایمان داشته باشند و نذرشان برآورده شود از آن عبور کنند .

(۱۵۹) همان جا - صفحه ۴۰ - مرقد ابوالرفاعه تمیم . . . را بیهقی خسروآباد می داند ، برای دانستن بیشتر مطلب صفحه ۲۳ تاریخ بیهقی را بخوانید.

از خدام اولیه بقعه بوده است . بیهقی قدمت چشم را به قرون اولیه اسلام می‌رساند . از مصلای قصبه باستانی چشم که امروزه بکلی منهدم شده است کتیبه نفیسی باقی مانده است و متعلق به قرن ۸ هجری است وجود خرابه های مقبره ابوالرفاعه (از صحابه رسول به قول بیهقی) و همچنین مصلای قدیمی که احتمالا در عهد سربداران آباد بوده قدمت تاریخی چشم را می‌رساند و هم مسجد جامع چشم که از آثار معماری دوره صفوی است . (بنای آرامگاه سید ناصر شهابیهایی با بنای مصلای سبزواری زمان سربداران دارد و شاید همزمان یا در قرن نهم و یا ساخته شده به تاریخ ۱۰۷۱ هجری است .)

۸- بقعه امامزاده سید حسین و آرامگاه سید اسماعیل : در ۲

کیلومتری شمال ده مزینان و در حاشیه روستای بهمن آباد قرار دارد . بقعه سید اسماعیل با خشت و آجر ساخته شده و از لحاظ ترکیب و هماهنگی مصالح فرم زیبایی بدست آورده است . ارتفاع گنبد ۱۵ متر است . سنگ قبری در سمت چپ ورودی اطاق مقبره دیده شده به تاریخ ۱۰۷۱ هجری است . بفاصله ۵۰ متری بقعه سید اسماعیل بقعه امامزاده سید حسین از خشت و آجر و بنا به گفته معمرین مزینان از فرزندان امام موسی بن جعفر (ع) است . در جلد سوم مطلع - الشمس وی از اولاد حضرت امام موسی کاظم (ع) شمرده شده است (۱۶۰).

۹- امامزاده بی‌بی علیّه خاتون : در حاشیه روستای باشتین قرار

دارد . اهالی روستا ، متوقی را خواهر علی بن موسی الرضا (ع) معرفی می‌کنند . بنای مزبور دوازده ترک است و بوسیله حیاطی به ابعاد ۴۰×۵۰ متر محصور شده است . اول بنا خشت بوده ولی حالا آجر کرده اند . ارتفاع گنبد جدید به ۱۵ متر می‌رسد و در حیاط امامزاده برای استراحت زوآر غرفه های آجری ساخته اند و با توجه به طرح کلی بنا ، بنظر می‌رسد، این اثر از یادگار آثار پیش از صفویه در این محل باشد (۱۶۱) .

۱۰- امامزاده سید علی اکبر : در روستای خالی از سکنه علی-

(۱۶۰) حسن قراخانی بهار ، آثار باستانی و معماری و بقاع . . ص ۴۲.

(۱۶۱) همان کتاب ، ۴۴ .

آباد پایین در بخش داورزن قرار دارد . طرح این بنا به صورت مربع است به ابعاد ۴×۴ متر ، مصالح بنا خشت و مقداری آجر است (۱۶۲)، حیاط امامزاده ۲۰×۱۲ و دارای محوطه‌ی مشجری است ، طرح بنا شبیه به آثار پیش از صفوی در خراسان است^x.

۱۱- امامزادگان خسروگرد : در باره‌ی اسامی و تعداد نفراتی که زیر گنبدی در ۵ کیلومتری غرب شهر سبزوار در جاده‌ی سبزوار شاهرود (بین ابارش و خسروگرد) به خاک سپرده شده اند ، بحث‌های مختلفی صورت گرفته است از جمله :

ابوالحسن بیهقی تحت عنوان (ذکر ساداتی که در خسروگرد و غیر آن مدفونند) نوشته است : " در بیهق السید الحسین بن محمد بطن هشتم از امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع) . چنین گویند که مادر او دختر موسی کاظم بود . بر در خسروگرد نزول کرده بود جماعتی از بازرگانان ، جوانان و رنود بشب از خسروگرد بیرون آمده بودند و قصد مال ایشان کرده ، و آن حالت بکشتن ادا کرده و این سید کشته آمده ، پس مشایخ و اعیان و علمای خسروگرد باتفاق کلمه از والی خواستند تا رندان را قصاص کردند و این سید را دفن کردند و از بعد از آن السید - ابراهیم بن عبیدالله بن ابراهیم بن محمد بن موسی الکاظم (ع) در دیه اباری بیمار شد و درگذشت و او را در جوار آن سید شهید دفن کردند و بعد از آن السید الحسین بن علی (ع) شاید بعد از ۱۲ پشت بیه حضرت امیر (ع) می‌رسد در جوانی فرمان یافت و او را در جوارایشان دفن کردند و بعد از آن در آن خانه‌ی پیشین سید اجل عزالدین زیدبن . . . (به ۱۲ بطن بعد به حضرت سیدالشهداء (ع) می‌رسد) آنجا دفن کردند و بعد از آن خاک و روضه‌ی سید اجل عالم سعید العزیزبن هبه - الله بن علی بن محمد و اقارب و اولاد ایشانند در این دو قبسه و عمارت آن قبّه‌ی بزرگ مجدالملک اسعد القمی فرموده رحمه الله از مال غنیمت روم " (۱۶۳) .

(۱۶۲) ایضا ، ۴۵ .

x در محل ، اعتقاد عمومی براین است که متوفی فرزند امام موسی -

حسین زاده‌ی بیهقی و عبدالحمید مولوی از سه نفر یاد می‌کنند که در بقعه ای بین خسروگرد و اباری مدفونند . صنیع الدوله در کتابش نوشته که : " یکفرسخ از شهر سبزوار بطرف شاهرود آثار خرابه‌ی خسرو- گرد دیده می‌شود ، در ابتدای آن بقعه ایست مثنی و گنبدی مقرنس دارد در کتیبه‌ی اطراف آن سوره‌ی مبارکه‌ی "هل اتی" و بعضی احادیث بخط کوفی ، این بقعه خراب شده (۱۶۴) و جناب حاجی میرزا ابراهیم شریعتمدار آن را مجدد ساخته . اهالی گویند شاهزاده حسین ، شاهزاده قاسم و شاهزاده - ابراهیم از اولاد حضرت موسی بن جعفر علیهم السلام در اینجا (۱۶۵) - غایب شده اند^۱ .

آرامگاههای شخصیت‌های ادب و دانش سبزوار

۱- آرامگاه ابوالحسن بیهقی : در ششتمد که زادگاه ابوالحسن است و هم جای درگذشت وی ، آرامگاهی به سبک آرامگاه خیام در سی

دنباله‌ی پاورقی از صفحه‌ی قبل

بن جعفر (ع) است .

(۱۶۳) ابوالحسن بیهقی ، ۲۸۴ و ۲۸۵ .

(۱۶۴) به علت چندین دفعه سیل افتادن به داخل آرامگاهها ، پایه‌های آن فرو نشست و گنبد آن نیز شکسته شد و اکنون با بنای گنبد جدید و ... به وسیله‌ی اوقاف سبزوار و کمک معتقدان ، اصالت باستانی بودن خود را از دست داده است .

(۱۶۵) مشاهدات و نوشته‌ی ابوالحسن بیهق مورخ دقیق در نیمه‌ی دوم قرن ششم هجری با توجه بر نگارش دو نفر دفن شده در خانه‌ی پیشین دلیل بر وجود ۵ آرمیده در آن زمان بوده ، ضمناً در حال حاضر انارستانی در اطراف آن و غرفه‌هایی در کناره‌ی دیواره‌ی های باغ آنجا استراحتگاه و برای برخی تفریگاهی شده است . اضافه می‌شود که سلطان سید قریش و امامزاده‌های دیگری در نوده و . . . به خاک رفته اند که به علت باستانی نبودن بناها ذکر نگردید) .

× محمدحسن خان صنیع الدوله ، مطلع الشمس ، ۲۲۲-۳

سال اخیر بنا گردیده و کتابخانه و قرائتخانه‌ی کوچکی هم دارد که جوانان ادب دوست و تحصیل کردگان و دانش آموزان از کتب آن به خوبی استفاده می‌برند و چون قبلاً به سبک ساختمان پیران راه طریقت آرامگاهی داشته مردم محل ، آنجا را به عنوان زیارتگاهی دانسته در ایام سوگواری سرور جانبازان در این مکان به سوگ می‌نشینند و در فرصتهای مختلف در آنجا اطعام و نذر می‌کنند و به هر حال صاحب‌دلان به آن دل می‌سپارند .



آرامگاه حاج ملا هادی سبزواری

۲- آرامگاه حاج ملا هادی سبزواری : در ضلع جنوب غربی فلکمی کارگر (زند سابق) آرامگاه فیلسوف شرق ، حاج ملا هادی قرار دارد که

در اصل خانهای شخصی آن دانشمند بوده و در همانجا به خاک سپرده شده است . عبدالحمید مولوی گوید : " مقبره‌ی این فیلسوف شهیر را مرحوم میرزایوسف مستوفی الممالک (۱۶۶) به فاصله‌ی کمی بعد از سال ۱۲۸۹ هـ - ق پس از فوت آن بزرگوار که در ملک شخصی خودش بوده احتمالاً در ۱۲۹۲ دفن گردیده و در قسمت غرب داخل باغ که مقبره قرار دارد با غرفات و حجراتی برای اقامت طلاب ساخته است . آرامگاه حاج - ملا هادی در کنار میدان بزرگی که مشجر و زیباست در قسمت شرقی شهر قرار دارد ، سابقاً بر روی آرامگاهش صندوق چوبی سبزرنگ قرار داشته ولی اکنون به سنگ مرمر سفید مبدل گردیده و ضربی سقف مقبره برجستگی گنبدوار دارد و تمام ساختمان با آجر ساخته شده است (۱۶۷) .



ساختمان آرامگاه حاج ملا هادی

(۱۶۶) میرزا یوسف آشتیانی (مستوفی الممالک) در ۱۲۷۵ به منصب صدارت ناصرالدینشاه رسیده و در ۱۳۰۲ هـ - ق درگذشته است .
(۱۶۷) عبدالحمید مولوی ، آثار باستانی خراسان ، ۴۳۹ . مساحت زیربنای آرامگاه و اطاق‌هایی که به عنوان آرامگاه‌های اختصاصی به آن ضمیمه شده است کلاً ۳۷۰ متر می‌باشد .

(آرامگاه این حکیم و فیلسوف نامی از آن به بعد چند دفعه تعمیر و مرمت گردیده و بستگان نزدیکش امثال مرحوم حاج شیخ ولی‌الله اسراری و شادروان ضیاء الحق و حسام‌الدین حکیمی نیز در همان جا دفن گردیده‌اند و هم کتابخانه ای به سعی آقای بهاء الدین حکیمی نوهی دیگر آن مرحوم و به سرپرستی میراث فرهنگی سبزوار در ضلع جنوبی آن دایر گردیده است) .

۳- **مقبره ملا حسین کاشفی** : این بنا جایگزین پیرحاجاتی است که اکنون در کنار خیابان خواجه نظام الملک (شهداء) به طرف مصلی قرار دارد و آن یادبود آرامگاهی است برای واعظ الکاشفی البیهقی و گرنه وی در سبزوار دفن نشده و خود بنا هم در ۱۳۴۹ شمسی به سبک جدید از طرف انجمن آثار ملی ساخته شده ، و قدمتی ندارد .

۴- **مقبره مرحوم سید جعفر نظام‌العلماء سبزواری** : وی از علمای بزرگ و شعرای خوب گفتار سبزوار می‌باشد ، حدود صد سالی پیش در دهکده‌ی قاسمی از بخش ششتمد ساخته شده است .

۵- **مقبره ابن ابی‌الطیب** : در باره‌ی این مقبره عبدالحمید مولوی می‌نویسد : " در محله‌ی سبریز کنونی سبزوار که اسم سابق آن اسفریس است واقع می‌باشد که بواسطه‌ی احداث خیابان رضوی سبزوار بنای مقبره خراب شده و فقط سه دیوار مقبره باقی مانده است و این مقبره نزد سبزواریه‌ها به پیرحاجات معروف است " (۱۶۸) .

شادروان حاج شیخ ولی اسراری در باره‌ی شیخ علی ابن ابی‌الطیب کتابی نوشته و در آن آورده است که در محله‌ی سرسنگ بر اثر کشیدن خیابان رضوی خراب شده و کمی که مانده به عنوان حسینیه از آن استفاده می‌شود و . . . (۱۶۹) .

۶- **مزار سبز** : در جنوب شهر قدیم و در متن خیابان رضوی کنونی مزار کوچکی است که چون گنبد آن سبز می‌باشد نزد سبزواریه‌ها

(۱۶۸) عبدالحمید مولوی ، آثار باستانی خراسان ، ۴۴۸ .

(۱۶۹) ولی‌الله اسراری ، شیخ علی بن ابی‌الطیب ، چاپ بی‌هق ، سبزوار

به گنبد سبز یا مزار سبز مشهور شده است . عبدالحمید مولوی نوشته که : مشهور به مدفن شاه حبیب الله است و عقیده بر آن است که مرقد شاه تهماسب دوم صفوی و عباس میرزا کودک خردسال وی می باشد که به امر رضا قلی میرزا فرزند نادر کشته شده اند و در آن محل دفن می باشند (۱۷۰) .

۷- در قریه‌ی **کروژده** جوین ، نزدیک نقاب بقعه و بارگاهی قدیمی وجود دارد که در ایوان ورودی آن سنگ آرامگاه (ملک الوالی الغنی امیرجلال الدین احمد الشریف الحسینی ابن خواجه علاء الدین محمد الجوینی متوفی سنه ۷۰۷) و دیگر لوحی سنگی از خواجه جلال الدین محمد فرزند خواجه مظفر حسین جوینی متوفی سنه ۱۰۲۱ می باشد .

۸- **آرامگاه ابن یمین** : به علت قدمت ، باستانی شناخته شده نزد آرامگاه پدرش در فریومد بر فراز تپه ای ساخته شده است .
آرامگاهها و بقاع دیگر :

۱- **بقعه بیلدارباشی** : " این بقعه در روستای فسنقر از توابع بخش حومه‌ی شهرستان سبزوار واقع شده و یکی از جالب ترین بناهای عهد صفویه است . طرح بنا از بیرون ۸ ضلعی است ، بیرون آن از آجر و بدون تزیین و عرض در که ایوان اصلی را به بقیه متصل می نماید ۹۰ سانتیمتر است . بنای بیلدارباشی که به امامزاده نیز شهرت دارد از داخل دارای طرح مربع است که هر ضلع آن ۶/۶۰ به دایره مبدل شده . داخل بنا در اوایل دوره‌ی قاجاریه مرمت شده و در داخل بنا بر بدنه‌ی گنبد نوشته که این تعمیرات را استاد علی اکبر تبریزی انجام داده ، ضریح موجود بر روی مقبره متعلق به سالهای اخیر و دارای ابعاد

(۱۷۰) عبدالحمید مولوی ، آثار باستانی خراسان ، ۴۷۰ . برای روشن شدن نوشته یاد آور می شود که : دو تن نام برده شده ، آخرینهای سلسله‌ی صفویه بوده اند که پس از آگاهی غلط رضا قلی میرزا فرزند نادرشاه از شکست پدرش در دهلی ، دستور داد آنان را کشتند که به اطلاع خار سر راهش نباشند و هم اکنون بقایای این مزار در کنار حسینیه‌ی مستیچه واقع می باشد .

۱/۵۰×۲/۲۵ متر است بر دیوار جنوبی داخل بنا سنگ قبری نصب شده که : هذا مرقد شریف عالیجاه سیادت و مغفرت پناه / نجابت و مرحمت دستگاه ، غفران و رضوان آثاری / میرمحمد شریف الحسینی ابن سعادت و نجابت پناه عزّت / و معالی دستگاه میرمحمد طاهر بن بیلدار باشی سبزواری . (چنانکه از این متن برمی آید صاحب بقعه میرمحمد شریف - حسینی فرزند میرمحمد طاهر ، بیلدار باشی سبزواری بوده و مصراع آخر سه بیت هلالی از آسمان قدر افتاده) فوت وی را ۱۰۲۵ و سنگ قبر در ۱۰۲۶ گذاشته شده و صاحب بقعه یکی از اعظم دولت صفوی است و در سیامین سال سلطنت شاه عباس اول از دنیا رفته است " (۱۷۱) .

۲- **مقبره شیخ همام** : در ایزی بنای خشتی نامنظمی است که در دوره قاجاریه بر روی مقبره پدید آورده اند ، اضلاع بیرونی بنا ۴×۴ متر و طول تنها ایوان شمالی بنا ۳ متر است و گنبد محقر . هویت شخصی متوفی شناخته نشد (۱۷۲) .

۳- **مقبره حاج باباخان** : در جوار امامزاده بی بی علیه خاتون (ذکر آن گذشت) در روستای باشتین می باشد . دارای طرحی هشت ضلعی و مصالح آن از آجر و پوشش آن به وسیله یک گنبد کوچک عرقچینی صورت گرفته و از آثار اواخر دوره قاجاریه و آرامگاه یکی از اعیان محل به نام حاج باباخان ساکن تاج آباد است و در گذشته به ۱۳۰۱ هـ - ق است (گواه درستی مطلب سنگ قبر است) .

مزارات مربوط به پیران

۱- **پیر گردان^x**: آرامگاه این پیر در حدود یک کیلومتری خارج از

(۱۷۱) حسن قراخانی بهار ، آثار ، باستانی و معماری ۱۷۰۰ و ۱۸ . اهالی فسنقر گویند که دو تن از اولیاء در این بقعه مدفونند و به همین جهت نام آن دو را ، دو اول اولیاء دانند . (۱۷۲) همان کتاب ۱۹/

x پیر گردان را در سبزواری پیر گردو گویند که با کسر گ و ضم د ،

شهر به طرف غرب، روبروی کلاته سیفر زیارتگاهی برپاست که تا ۷ هفته‌ی بیایی در روزهای چهارشنبه عده‌ای از زنان بویژه دختران به اصطلاح "دم بخت" به همراه مادران و کس و کار خود پای پیاده با نان و ماستی که یک من نان است و ۳۰ سیر ماست و به نذر حضرت عباس به حضرت پیر مشرف می‌شوند، آن هم معمولاً قبل از برآمدن آفتاب. آنها عقیده دارند، اگر در دو رکعت نماز حاجتی که می‌خوانند و در آن چشمشان را هم محکم بسته‌اند رویشان و جهتشان از قبله به طرف خاور (به طرف مشهد مقدس) برگشت، گره از کار بسته‌شان گشوده و مقصودشان برآورده می‌شود. شاید در حدود ۱۵ سالی پیش بر سردر آهنی ورود به آرامگاه نام ابورفاعه را نوشته‌اند و با توجه به نوشتنی تاریخ بی‌هق، این پیر بین سبزوار و خسروگرد کشته شده، شاید همین محل فعلی آرامگاه او باشد!

۲- بقعه‌ی پیر استیر: در ۱۲ کیلومتری مغرب شهر سبزوار و در کناره جاده‌ی سبزوار-شاهرود، روستای استیر یا سدیر واقع شده که گویا پیر یا پیرانی اهل کرامت در آنجا به خاک سپرده شده‌اند و برای درمان و برآمدن حاجت (بچه دار شدن)، زن و شوهر شبی را در آنجا بیتوته می‌کنند و از این پیر نیاز می‌خواهند. صنیع الدوله در باره‌ی خفتگان زیر این بقعه نوشته است: "شش نفر از علمای اولاد کمیل بن زیاد رحمه الله در اینجا مدفونند، سدیر که همان استیر است و از ساختمان آن که چند جای چراغ در دیوار هست، هر کس از وضع ریاضات و یا ریاضتخانه‌های عیسویان باخبر باشد یقین می‌نماید که اینجا را کیشهای عیسوی مذهب ساخته‌اند و کریچه‌هایی دارد که همان حجرات تنگ و تاریکی است که فرنگیها سلول گویند و جای اقامت و مجاهدت مرتاضین است. بعلاوه لفظ سدیر که محققاً در اصل سه دیر می‌باشد و از این برمی‌آید که راهبان نصرانی در اینجا سه دیر ساخته بودند" (۱۷۳).

دنبالمی پاورقی از صفحی قبل

به معنی گرداننده است.

قراخانی در اصل بنای بقعه ، مشاهدات خود را چنین آورده : " طرح بنای این پیر عبارت از یک طرح مربع است و دارای ۲ در ورودی . ابعاد داخلی بنا ۶/۶۰x ۶/۶۰ و بلندی آن تا اول گنبد ۸ متر است و قسمتهای اصلی بنا از خشت خام می باشد و یادگارهای متعددی بر دیواره های بنا از روزگاران گذشته نوشته اند . در داخل بنا ، بر بالای پیشانی در خروجی ، نام دو شیخ به نامهای شیخ ابراهیم و شیخ حسین نگاشته شده که در این بقعه مدفونند . صندوق فلزی مقبره متعلق به سالهای اخیر است " . در جلد سوم مطلع الشمس هم آمده که : " از قرار تقریر اهالی ۶ نفر از اولاد کمیل بن زیاد مدفونند ، در بیرون بقعه سنگ قبری است به نام سلطان حسین کوسیائی " (۱۷۴) .

تپه های باستانی : علاوه بر آثار باستانی و تاریخی که ذکر آنها گذشت ، در سبزوار با تپه های باستانی زیادی روبرو می شویم که با کاوش و بررسی آنها در آتیه ، گوشه هایی از تاریخ و تمدن این سرزمین آشکار خواهد شد و اینک آثار معروف این شهرستان را از زبان باستان شناسان بخوانید :

۱- تپه باستانی علی آباد شور : در ۱۰ کیلومتری جنوب سبزوار با ارتفاع اصلی بیش از ۳ متر قرار دارد ، دو قسمت اصلی و باستانی در اصطلاح محلی به نامهای پشتی حوض و پشتی سیاه نامگذاری شده . (از مطالعه آثار سفالی این تپه استنباط می گردد که بقایایی از قرون ۵ تا ۶ هجری قمری در آن موجود است) .

پاورقی از صفحه قبل

(۱۷۳) صنیع الدوله ، مطلع الشمس جلد ۳ ص ۲۲۴ .
(۱۷۴) همان کتاب . ضمناً ، نخست آنکه نفرات دفن شده پنج نفر شد مگر بیرونی از بقعه دفن شده را نیز به حساب آوریم که در آن صورت سالهای درگذشت و به خاکسپاری یکنواخت نخواهد بود ، دو دیگر آنکه شاید درست کوسیایی ، گود آسیایی باشد که دهی است نزدیک استیر و در شمال آن .

۲- تپه‌ی باستانی لطف آباد : بر سر راه روستای دروک (به ضم اول و دوم) به لطف آباد در بخش حومه‌ی شهرستان سبزوار یک منطقه باستانی وسیعی را شامل می‌شود که از لحاظ تنوع سفال و گسترش دامنه‌ی دوره‌های سکونت ، یکی از مهمترین تپه‌های اسلامی منطقه‌ی سبزوار محسوب می‌شود و مطالعه‌ی سفالها حاکیست که تداوم فرهنگی و سکونت در لطف آباد از قرن ۴ تا ۷ هجری همچنان استمرار یافته و دربخشی از این تپه که هم اکنون به نام مسجد خوانده می‌شود آثار آجر و مصالح دیگر مشهود است .

۳- تپه‌ی باستانی درویش آباد : بر سر راه روستای شمس آباد به دروک از توابع بخش حومه سفالهای لعابدار ظریف و به رنگ لاجوردی معرف ادوار تمدنی ۶ و ۷ هـ - ق در این تپه است و اثر حصاروبرجی نیز در آن پیداست .

۴- تپه‌ی باستانی حیدر : در ۴ کیلومتری شمال روستای نزل آباد و مجموعاً در ۸ کیلومتری مشرق سبزوار که اکنون یک منطقه‌ی جنگلکاری در حاشیه‌ی کویر درآمده ، آثار سفالهای اسلامی بر سطح این تپه پراکنده است .

۵- تپه‌ی باستانی شمس آباد : در حاشیه‌ی شرقی روستای شمس آباد مفلون (مافلون) از توابع بخش حومه پشته‌ی باستانی عظیم و گسترده‌ای بوده که بمرور از بین رفته ولی قسمت مرکزی و اصلی دست نخورده است . از لحاظ دارا بودن آثار سفالی ، شمس‌آباد تپه‌ی غنی و پرباری است . سفالهای قرن ۶ الی ۹ هجری با لعابهای فیروزه‌ای و لاجوردی و سبز در آن یافت می‌شود . آثار و بقایای قلعه‌ی خشتی بر روی این تپه متعلق به اوایل دوره‌ی قاجار است برای دفاع از یورش ترکمانان (۱۷۵) .

۶- تپه‌ی سیزده بدر : این تپه در ۳ کیلومتری شمال روستای فیض‌آباد از بخش داورزن قرار دارد . از لحاظ دارا بودن سفالهای متنوع قرون پنجم تا هفتم هجری بسیار قابل توجه است . در این تپه انواع سفالهای

فیروزه‌ای، سبز و صدفی زیاد دیده می‌شود و از مطالعات اولیه می‌توان حدس زد که پس از یورش مغول به این نواحی تپه‌ی سیزده بدر بمدت نسبتاً طولانی متروک شده و احتمالاً در اوایل قاجار جبهه‌ی غربی تپه که محوطه‌ی وسیع و گسترده می‌باشد مسکون گردیده و امروزه خرابه‌های دیوار منازل مسکونی آنان هنوز پابرجاست (۱۷۶).

۷- تپه‌ی کال کشاد : بین دو روستای فشتنق (به ضم اول و فتح سومین حرف) و زرکوه در شمال‌بخش داورزن و مشرف به کلاته کال کشاد و رودخانه‌ی ریوند است و در منطقه‌ی بیلاقی . آثار سفالی بسیار خوب و سفالهای بدون لعاب این محل همگی اسلامی هستند . (۱۷۷)

۸- تپه‌های عزیزآباد : در حاشیه‌ی روستای عزیزآباد ششتمد محوطه‌ی وسیعی شامل چند تپه‌ی باستانی وجود دارد ، در دره‌ی سبزی و نهری در ۴ قسمت در شرق محوطه تاسیساتی از آجرهای سی سانتی به چشم می‌آید که با ذخیره‌ی آب و یا تقسیم آن در ارتباط است . در قسمتهای پست و کم ارتفاع چندین قبر با پوشش رویت شده است . بررسی سفالهای لعابدار فیروزه‌ای و صدفی با نقش گل و بوته نشان می‌دهد که این محوطه یکی از غنی‌ترین مناطق در ادوار اسلامی و به خصوص قرن ششم هجری است (۱۷۸) .

۹- تپه‌ی دولت آباد : در ۵ کیلومتری جنوب روستای دولت آباد بر سر راه ششتمد به کلاوشک قرار دارد ، با وسعت کم و ارتفاع ۴ متر دو قطعه سفال مشخص بدست آمده که دارای لعاب فیروزه‌ای و گل‌های آبی قرن ۶ هـ - ق است .

۱۰- تپه‌ی قلعه‌ی میدان : در ۳ کیلومتری میدان ، بر سر راه میدان به بیروت در ربع شامات در حاشیه‌ی کویر است . مشخصه‌ی سفالهای خمره‌ای که شباهت به آثار دوره‌ی پارت دارد و ارتفاع تپه

(۱۷۶) همان کتاب ، ۴۶ . برای اطلاع بیشتر به گزارش فائق

وحیدی مراجعه شود .

(۱۷۷) ایضا ، ۴۷ .

(۱۷۸) ایضا ، ۷۷ تا ۷۹ .

قابل توجه و مظهر یک قنات قدیمی که آب دارد در آنجا موجود است فائق توحیدی نیز در بارهی این تپه نوشته که در ۸۰ کیلومتری جنوب سبزوار در آخرین حدود جنوبی شهرستان آثار بکر و دست نخورده در آن دیده می‌شود

۱۱- تپه‌ی طلایی : در ۴ کیلومتری شامکان ششتمد تنوع و تعداد سفالهای لعابی سبز اسلامی در آن است و با توجه بر وجود سفالهای زرد و فیروزه‌ای دوران قرون میانی اسلام را می‌رساند . باستانشناس کاردان، توحیدی نیز می‌نویسد: . . . از لحاظ تنوع سفالهای دوره‌ی اسلامی یکی از غنی‌ترین تپه‌های منطقه بحساب می‌آید و شاید در حاشیه‌ی کویری مرکز تمدن بزرگی بوده . . . از قرن پنجم هجری قمری .

۱۲- تپه‌ی سنجد (سنگرد) : در ۶ کیلومتری جنوب روستای سنگرد از بخش ششتمد تپه‌ی وسیعی است دارای سفالهای لعابدار اسلامی در قرن ۶ هجری قابل سکونت بوده ، قاچاقچیان عتیقه تپه را از رو غربال کرده اند .

۱۳- تپه‌ی قنات درنقرآباد : در ۲ کیلومتری شمال غربی ده بنغن از بخش ششتمد دو پشته‌ی باستانی از قرون ۷ و ۸ هجری دارای سفالهای بدون لعاب می‌باشد .

۱۴- تپه‌ی بل قوز (بلقیس) : در حاشیه‌ی شمالی روستای مزینان بسیار گسترده و وسیع بوده ولی به علت استفاده‌ی زراعی بخصوص برای کود در سنوات اخیر ، حالیه قسمت اصلی و مرکزی آن باقی مانده و به سبب بارش و اسکان ، آثار زیادی از آن از بین رفته ولی از مشاهدات آثار حاضر محل تمدنی بزرگ بوده سفالهای خاکستری رنگ زیادی از اوائل هزاره‌ی اول دارد . ارتفاع تپه حدود ۴ متر بوده و تپه از لحاظ مالکیت متعلق به آقای حاج میرزا حسن حسینی است (۱۷۹) . (برای این تپه تقاضای ثبت در آثار ملی شده است) .

۱۵- محوطه‌ی تخت ارمنی : در حاشیه‌ی ده پروند از توابع ششتمد

(۱۷۹) فائق توحیدی ، نتیجه‌ی تحقیقات و گزارش در باره‌ی آثار باستانی سبزوار ، موجود در میراث فرهنگی خراسان .

محوطه‌ی وسیعی به نام محوطه‌ی تخت ارمنی وجود دارد ، دارای دو پشته به ارتفاع ۳ متر که از آن خاک برداری شده و آثاری سفالی از قرن ششم بدست آمده است (۱۸۰) . (توحیدی بر مطالب فوق افزوده است که بقایای یک امامزاده از دوره‌ی صفوی در آن یافت شده که در حال حاضر محلی برای سوگواری بنا گردیده است) .

۱۶- دخمه‌ی چهل دختر : در ۴ کیلومتری شمال غربی کلاته‌ی آهو در ده کمیز (با ضم ک) از بخش داورزن دخمه‌ی چهل دختر بر بدنه‌ی پشته‌ی سنگ ماسه ای که احتمالا از لحاظ زمین شناسی متعلق به دوران سوم (کرتاسه) می‌باشد ساخته شده است . از لحاظ موقعیت طبیعی و معماری شباهت زیادی به دخمه های اقوامی دارد که در نخستین سپیده دم آغاز تاریخی وارد فلات ایران شده اند . احتمالا چهل دختر در اصل اطاقکی بوده که در جایگاه مقابر اسلامی بشمار می‌رفته است (۱۸۱) . قراخانی ارتفاع این پشته را حدود ۴۰ متر و ایوان دخمه را به طول ۳ متر و عرض ۱/۲۰ متر می‌داند و عقیده دارد که وضع ظاهری دخمه شباهت زیادی به دخمه های دوره‌ی مادها (بخصوص دخمه و دربند صحنه) دارد ولی احتمال می‌رود که آنجا اطاقکی بوده که به عنوان جایگاه مقابر اسلامی در قرن ۸ و ۹ هجری از آن استفاده می‌شده است (۱۸۲) .

۱۷- غار اصحاب کُف : با دخمه‌ی چهل دختر یک کیلومتر فاصله دارد و در اصل عبارت از اطاق مربع شکلی است که در بدنه‌ی صخره ای سست و ماسه ای کنده شده و جنبه‌ی زیارتگاه پیدا کرده است . ایمن اطاقک به ابعاد ۲/۵×۲/۵ متر و بلندی ۲/۳۰ متر می‌باشد و داخل

(۱۸۰) حسن قراخانی ، آثار باستانی و معماری . . . اطراف سبزوار و . . . ۷۸ . . .

(۱۸۱) فائق توحیدی ، گزارشهایی در باره‌ی آثار باستانی سبزوار، میراث فرهنگی خراسان . (شاید چنین نامی گواه آن باشد که در آنجا ۴۰ دختر در خاکند) .

(۱۸۲) قراخانی بهار ، آثار باستانی و معماری . . . سبزوار ، ۴۵ .

سفید کاری شده و شباهت زیادی به دخمه‌ی چهل دختر دارد .

۱۸- رباط یحیی آباد : علاوه بر رباطهائی که یادشان در نخست همین بخش رفت در حاشیه‌ی روستای بدون سکنه یحیی‌آباد نیز رباطی است (یحیی‌آباد در ۴۰ کیلومتری جنوب شرقی بخش داورزن می‌باشد) با ملاط گچ و آهک . ارتفاع جرزها ۲ متر است . پی‌های باقیمانده به بلندی ۵۰ الی ۶۰ سانتیمتر با سنگهای صیقلی سفالهائی در سطح این رباط پراکنده است که حدس زده می‌شود رباط در قرن ۶ هجری ساخته شده و فقط از لحاظ پاره ای اطلاعات مربوط به تاسیسات رفاهی و غیره در عهد سلجوقی قابل توجه است (۱۸۳) .

خرابه ها : (بازمانده‌های ساختمانهای کهن)

خرابه های مانده‌ی دوران قدیم شهرستان سبزوار عبارت است از :

۱- خرابه های چوبین : بر سر راه چوبین به بادغوس در حاشیه‌ی کویر ، محوطه‌ی باستانی وسیعی وجود دارد که به خرابه های چوبین معروف است و همانطوریکه می‌دانیم در قرون پنجم و ششم هجری مناطق زیادی از ایالت بیهق قدیم مسکون بوده و مناطق آباد ، در محور پیشرفته‌های عظیمی قرار داشته‌اند . در صفحه‌ی ۳۹ تاریخ بیهق هم از چوبین به عنوان منطقه و شهری آباد نام برده شده است . سفالهای لعابدار و همچنین سفالهای قرون ۱۰ و ۱۱ در آن زیاد است و آثاری از امامزاده‌ی که بازسازی شده .

۲- خرابه های باد غوس : خرابه های شهر باد غوس یا بادغیس محوطه‌ی باستانی وسیعی است که بر سر راه مزینان به باد غوس واقع شده به ابعاد وسیع بیش از ۱/۵ کیلومتر و از روی تشابه اسمی و شرایط اقلیمی به نام بادغیس مشهور شده و الا شهر معروف بادغیس در نزدیکی شهر هرات امروزی است . در اینجا آثار سفالی قرون ۴ تا ۹ هجری یافت شده است (۱۸۴) .

۳- **خرابه‌های فاریاب و کلروون:** دو منطقه‌ی پیوسته بهم در شمال روستای چشم و دارای قدیمیترین آثار سفالی دوره‌های پارت و ساسانی است. در کلروون حتی از زمان‌های پیش از آن نیز بقایای خشتی و چینه‌ای یافت می‌شود (۱۸۵) .

مناره‌ی خسروگرد: در ۵ کیلومتری غرب شهر سبزوار ، در کنار جاده‌ی سبزوار به شاهرود و در یک کیلومتری روستای آباد خسروگرد ، مناره‌ای که باقی مانده‌ی مسجد خسروگرد می‌باشد وجود دارد و اثری است تاریخی و دیدنی که سبزواریها به آن میل خسروگرد گویند . در کتاب **ایران و قفقاز ایران** ، نوشته‌ی لرد کرزن (در سال ۱۸۹۲ میلادی) آمده است : " مناره‌ی خسروگرد منار تک و بلند که ۱۰۰ پا ارتفاع دارد ، طرح و نگاری بر سطح خارجی آن دیده می‌شود که تا راس ادامه می‌یابد".

بارتولد در کتاب **تذکره‌ی جغرافیای تاریخی ایران** هم در باره‌ی مناره‌ی خسروگرد نوشته است : مناره‌ی خسروگرد که یکی از قـاـبـل تفحصترین بناهای باقیمانده قرون وسطی است موجود می‌باشد . بطوری که از خط کوفی معلوم می‌شود منار خسروگرد را در زمان سلجوقیان به سال ۵۰۵ هـ - ق (۱۱۱۱ میلادی) بنا کرده اند تصویر این منار در کتاب کرزن (ج ۱ ص ۲۷۰) دیده می‌شود . افضل الملک در **سفرنامه‌ی خراسان و کرمان** در باره‌ی موقعیت و ارتفاع آن نظر داده که در وسط شهر بیهق با ۲۰ ذرع بلندی ، از بناهای قبل از اسلام است .

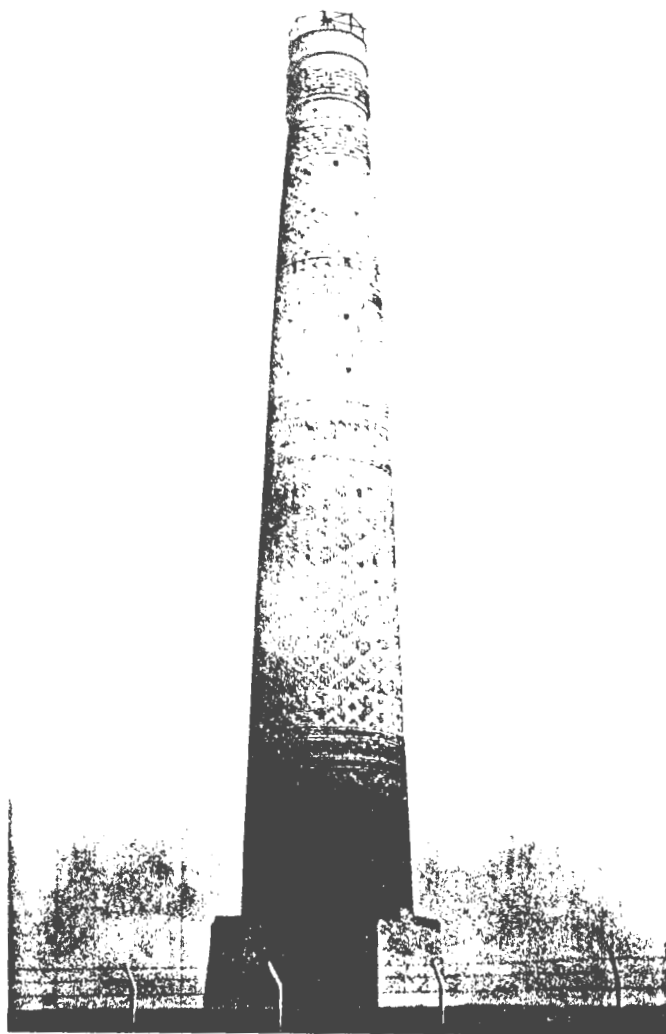
صنیع الدوله نیز در باره‌ی این مناره گوید : " از آثار خسروگرد

پاورقی از صفحه قبل

(۱۸۴) بادغیس ناحیه ایست از هرات مشتمل بر قرای بسیار (جلد ۱ ، ۲۲۷ اعلام دکتر معین) . نظر به اینکه در این محل در سبزوار ، گرد- بادهائی پیچان وجود دارد لذا به بادخیز هم مشهور شده است .

(۱۸۵) حسن قراخانی بهار ، آثار باستانی و معماری . . . ۴۶ (ضمناً بنا به نوشته‌ی جلد دوم اعلام معین صفحه ۱۲۹۴ فاریاب یا پارسیاب شهری از خراسان بزرگ نزدیکی بلخ در کرانه‌ی غربی جیحون و هم دهی از شهرستان بوشهر است) . در اینجا فاریاب جزء بخش داورزن سبزوار می‌باشد .

که شهر بی‌هق بوده ارتفاع منار بیش از ۲۰ متر و این منار منعلق به مسجد خسروگرد بوده است و در ۱۳۰۰ هـ - ق هنگام برگشت ناصرالدین‌شاه از مشهد دستور به تعمیر آن داده و در شمال منار تقریباً بفواصله‌ی هزار ذرع قریه‌ی خسروگرد است که از ۱۵۰ خانوار سکنه و دورشته قنات



مناره خسروگرد

و باغات و انار آن معروف است و چهار برج و خندق داشته است (۱۸۶) عبدالحمید مولوی معتقد است که : " تنها اثر باقیمانده از آبادیهای قدیم خسروگرد که مسجد هم همانجا بوده و مناره‌ی دیدنی به ارتفاع حدود ۳۰ متر دارد ، بدور آن در دو محل کتیبه‌ای بخط کوفی دارد که به معنی سال ساخت آن پانصد و پنج هـ - ق ذکر گردیده و آن جمله امر به بناء هذِهِ المناره فی خمس و خمسمائه است البته شاید ۵۰۵ سال تعمیر و مرمت ولی بنای آن با بنای مسجد که احتمالاً مقارن ساخته شده ۴۱۵ هـ - ق زمان سلطنت محمود غزنوی می‌باشد " . (با توجه بر وجود شباهت نزدیک دو مناره‌ی موجود در خارج شهر غزنین که از طرف سلطان محمود غزنوی ساخته شده است) (۱۸۷) .

این میل از فاصله‌ی حدود شش فرسخی دیده می‌شود و از این رو برای کرایه دهندگان اسب و وسایل نقلیه و هم جهت مسافران راهنمای خوبی است و آنچه از شکل بنا معلوم می‌شود ، در وحلی‌اول مخروطی شکل بوده است ولی امروزه به علت خرابی که ناگزیر به برداشت ۵ تا ۶ متر از بالای آن شده اند به شکل استوانه دیده می‌شود .

کتاب فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران ، در باره‌ی مناره‌ی خسروگرد چنین نوشته است : " مناره‌ی خسروگرد ثبت تاریخی ۱۶۰ ، این مناره که در عداد زیباترین مناره های تاریخی آغاز قرن ششم هجری قمری است قریب ۳۸ متر بلندی دارد ، در بدنه‌ی آجری آن دو رشته کتیبه‌ی کوفی و تزئینات لوزی شکل دیده می‌شود ، تاریخ کتیبه‌ی این مناره سال ۵۰۵ هجری است " .

هانری رنه دالمانی که از کناره‌ی این مناره گذشته در کتاب خود به نام سفرنامه‌ی از خراسان تا بختیاری متذکر می‌شود که : " ایمن

(۱۸۶) صنیع الدوله ، مطلع الشمس ، ۲۲۲/۳ (یادآوری دو موضوع در ارتباط با نوشته صنیع الدوله ضروری است ۱- جمعیت فعلی خسروگرد حدود ۴ هزار نفر است ۲- انار را در خسروگرد ، انار گویند) برای اطلاع بیشتر از چنین تلفظی به جلد دیگری از همین کتاب مراجعه شود) . (۱۸۷) عبدالحمید مولوی ، آثار باستانی خراسان ، ۴۸۳ .

مناره متعلق به مسجد شهر خسروگرد بوده که تیمور آنرا خراب کرده است . ارتفاع این مناره سی‌متر و شکل آن مانند برجی است در موقع شورش افغانها یعنی در سال ۱۱۳۵ ، این بنا آسیب زیادی دید ولی نادرشاه به تعمیر آن همت گماشت . اکنون این مناره تنها گواه شهر با عظمتی است که بکلی ویران شده است " . حسینعلی بیهقی طی مقالهی نسبتاً مفصلی نکات دقیقی را در بارهی آثار باستانی خسروگرد از جمله این مناره ذکر کرده . وی می‌نویسد : " متن نوشته‌ی خط کوفی در دو کتیبه‌ی اطراف مناره این چنین است : امر ببناء هذه المنارة صاحب العجم مقبل الملك تاج الدوله ابوالقاسم بن السعيد ولي اميرالمومنين فی‌سنه خمس و خمسمائه ، پس در سال ۵۰۵ هـ - ق همزمان با سلطنت سلطان سنجر ساخته شده است " (۱۸۸) .

عناصر شهری قدیم ، باقیمانده در شهر جدید سبزوار

پاره ای از عناصر شهری قدیم موجود در شهر جدید سبزوار ، ضمن

(۱۸۸) حسینعلی بیهقی ، نامهی آستان قدس ، شماره‌ی ۱ ، دوره‌ی دهم ، ص ۱۴۱ تا ۱۴۳ . ضمناً در حاشیه‌ی مطالبی در بارهی مناره‌ی خسروگرد یادآوری ۵ موضوع ضروری است ۱- مقالهی حسینعلی بیهقی مفصل بود ، برگزیده‌ی ای از آن نوشته شد . ۲- تا آنجا که این نویسنده به یاد دارد مناره‌ی خسروگرد ۹۳ پله دارد . ۳- متجاوز از ده سالی پیش به علت خراب کردن پای مناره که مشخص نیست توسط چه شخص یا اشخاصی و به چه منظور انجام شده ، در محکم‌آهنی بر محل ورود به مناره نصب شده و با سیم خاردار محصور گردیده است . ۴- برای جلوگیری از طولانی شدن مطلب ، از ذکر نوشته‌های چند اثر خودداری شد . ۵- جهت کسب اطلاع بیشتر به دائره المعارف سرزمین و مردم ایران تألیف عبدالحسین سعیدیان (قسمت خراسان) ، کتاب جهان اسلام نوشته‌ی حسین عمادزاده و صفحهی ۳۹۸ شماره‌ی ۲۵ مجله‌ی نوبهار مقالهی احمد بسیجی رجوع کنید .

ذکر دروازه ها و کاروانسراها نوشته شد و اینک دنباله‌ی مطلب :

الف : محلات تاریخی و قدیمی شهر سبزوار : ابوالحسن بیهقی که مورّخی صاحب نظر است در باره‌ی محلات موجود در نیمه‌ی دوم قرن ششم هجری قمری چنین نوشته :

اسفریس یا اسپریس : (به کسر اول و سوم) نام یکی از محلات جنوبی سبزوار . اکنون سبریز بر وزن تبریز و چون اسفریس به معنی میدان و فضا است ، پس این محله دارای میدانها و فضاهایی بوده است .

سراشغمبر : ظاهراً مخفّف و محرّف سراچه قنبر است . در سبزوار هنوز کوچه ای منسوب به قنبر سیاه هست و آن کوچه به شاهراه اتصال دارد . " سرای " در سبزوار و برخی از توابع آن خانه های بزرگ بسیار قدیم است که قلعه مانند ساخته شده و اهالی آن را سرای گویند و ظاهراً این خانه ها ، خاصّ روسا و حکّام و نقبای سادات و نوّاب آنها بوده و هر سرایی به نام صاحبش خوانده می شده است

سپید دز : در کنار سبزوار قلعه کهنه ای بود که عوام می گفتند زندانخانه‌ی دیو سفید بوده و از این افسانه چنین برمی آید که نام اصلی آن سپید دز بوده و لفظ سفید منشأ تصوّر دیو سپید شده است .

سردیه : نام یکی از محلات سبزوار و دارای مدرسه ای موسوم به مدرسه‌ی سردیه بوده و اکنون هم کوچه‌ای به نام سرده در سبزوار هست .
قصبه : این کلمه هر کجا بطور مطلق یاد شده بمعنی سبزوار است و ربع قصبه هم که مرکزش همین جا بوده و چند آبادی و قریه را در بر می گرفته است .

نقابشک : به ضم اول و کسر ب (بر وزن تراشت) نام یکی از محلات بزرگ سبزوار است . این کلمه را نوقابشک هم نوشته اند (۱۸۹) .

(۱۸۹) برای دانستن بیشتر رجوع کنید به صفحات ۲۶۸ ، ۳۲۷ و ۳۴۶ - تاریخ بیهقی ، ابوالحسن بیهقی (بیشتر این مطالب از تعلیقات آخر کتاب می باشد که مرحوم احمد بهمنیار استاد فقید دانشگاه نوشته است) ضمناً از نوع سراهایی که در این کتاب آمده ، در حال حاضر هم در کوی ۴



سرایبی در کوچه سرده

در سه سفرنامه‌ی هرات، مرو و مشهد که اصل آن به سال ۱۳۴۷ هـ-ق تالیف شده در باره‌ی محلات آن زمان شهر سبزوار آمده که: " سبزوار شهر معتبريست و محلات آن یازده‌اند از اینقرار: نورشک، حمام حکیم مزار سبز، سرکوجه قاضیان به محله‌ی آقا مشهور، ارگ، حاجی مقلو الداغینه، زرگر، سبریز و کوجه نو (۱۹۰) ". مطلع‌الشمس نوشته است که:

دنبالهی پاورقی از صفحهی قبل

نقابشک وجود دارد که با بیش از ۱۰ متر ارتفاع دارای اطاقکهایی در کناره‌های آن، گنبدمانندی بر سقف و پنجره‌هایی در اطراف است و— حوضی در وسط که به هنگام گرمای تابستان باد پنجره‌های آن و،،،، هوای مطبوعی را ایجاد می‌کند (.

(۱۹۰) قدرت الله روشنی زعفرانلو، سه سفرنامه هرات، مرو و مشهد،

۱۳۴۷ هـ-ق، ص ۱۹۱ .

" قلعه‌ی شهر سبزوار از بناهای امیر وجیه الدین مسعود سربداری است که پس از مرگ سلطان ابوسعید و تصرف سبزوار ، حصارى آنجا بنا کرد پایه‌ی برجهای قلعه از آجر و باقى با خشت است . بروج کوچک و بزرگ حصار شهر ، صد و چهل و چهار عدد و بروج ارگ ده عدد که چهاربرج در طرف مشرق . . . خندق دور باروى شهر با اختلاف از دوازده الی پانزده ذرع عرض دارد " .

گذرگاههای آبی زیرزمینی سبزوار

قناتهایی که در زیر زمین سراسر شهر در گودی ۵ متر یا بیشتر جریان دارند و در حقیقت اگوهای (۱۹۱) طبیعی برای ورود کل فاضلابهای محلات هستند و از این جهت و هم به لحاظ بهره‌ی کشاورزی قابل بحث هستند ، از شرق به غرب عبارتند از :

۱- قنات سنجرآباد : در زیر فرودگاه ظاهر می‌شود و فاضلاب اطراف شهرک ابوذر و شهیدباهنر (چهل متری) و چهل متری سوم را با خود می‌برد .
۲- قنات آقاسی : با داشتن ۱۹ مالک در زیر مصلای جدید ظاهر می‌شود و زمینهای اطراف و قسمت پایینی خود تا جاده‌ی جدید مشهد تهران (کمربندی) را آبیاری می‌کند و چون در همسایگی مظهر ایمن فاضلاب منازل نیز ساخته شده بوی بد و زننده‌ی آن ناراحت کننده است. این قنات گذرگاه آبهای بلوار دکترچمران و انشعاب هایش و خیابانهای ابومسلم و ۲۲ بهمن و . . . است .

۳- قنات نقابشک : به اصطلاح در زیر پای جاده‌ی اتوبان (کمربندی) ظاهر و کشاورزی می‌شود و فاضلابهای مرده شوپخانه‌ی سابق ، میدان

(۱۹۱) EGOUT ، مجرای فاضلاب ، گنداب رو و . . . معنی می‌دهد(ضمناً نیاز به یادآوری است که : تمام قناتهای داخلی زیرشهری سبزوار از زیر زمین به کلوتها که برجستگی کوتاه در حدود ۵ تا ۶ کیلومتری شمال شهر کشیده شده است می‌رسد و بجز قنات آقاسی ، بقیه در زیر کمربندی جنوب ظاهر می‌شوند .

کارگر و کاشفی و کوی نقابشک و ترک آباد و صفائیه و به این قنات می‌ریزند .

۴- قنات فتح آباد و جعفرآباد و احتمالا قنات کمیلی ، گیرنده‌ی فاضلابهای خیابان قائم و بسیج مستضعفین ، سرده ، پامنار و افتخار و کوچه های بالاتر و پایین تر ، تا بعد از خیابان اسرار و سبزیز است و در زیر اتوبان ظاهر می‌شوند .

۵- قنات حاج عباس : که به نام مرحوم حاج عباس معمارزاده است بازده آبهای کوچه کلاه فرنگی و انشعاباتش به بالا و پایین و راست و کمی هم چپ را به همراه می‌برد و در کلاته ای که به نام آن روانشاد است در سر راه روستاهای کوچک کلاته دولت و کلاته‌ی طیبی و سمت چپ جاده کاشمر ، با فاصله‌ی بیشتر ظاهر می‌شود .

۶- قنات حاج ملا : که به نام مرحوم حاج ملامحمد محمدیه (کاشمیری) نامیده می‌شود و فاضلابهای نواحی کوشک و عظاملک و دروازه عراق به آن وارد می‌شود و در زیر پمپ بنزین جدید سمت ورودی از شاهرود به سبزوار (خط کمربندی) ظاهر می‌شود .

۷- قنات افضل آباد : که از نواحی میدان سی و سه هزار متری به راست و چپ و خیابان ناوی (بلوار امام خمینی) تا آخرین مناطق مسکونی غرب شهر امتداد دارد ، تمام آب آن قنات و فاضلابهای مربوطه در پهلوی شش یخدانها یا یخدانهای سر راه حارث آباد ظاهر می‌شود و املاک آن نواحی را مشروب می‌کند . (۱۹۲)

نگاهی گذرا به ساختمانهای جدید

در اینجا به ساختمانها و بناهای ادارات و بانکهایی که پس از

(۱۹۲) در مورد روستاهای باستانی سبزوار در ابتدای کتاب با استفاده از " تاریخ بیهق " مطالبی ذکر شد . در عین حال ، برای اطلاع و تحقیق بیشتر می‌توانید به منابع زیر رجوع کنید: (الف) - فرهنگ جغرافیایی ایران ، از- انتشارات دایره‌ی جغرافیایی ستاد ارتش . (ب) - فرهنگ آبادی های ایران ، تألیف شادروان دکتر لطف الله مفخم پایان .

سال ۱۳۳۰ خورشیدی به سبکی نوین در سبزوار ساخته شده ، اشاره می‌شود (۱۹۳) :

۱- **اداری آموزشی و پرورش :** در سال ۱۳۳۴ در خیابان اصلی اسرار ساخته شده است .

۲- **بانک ملی شعبه اصلی سبزوار :** همزمان با آموزش و پرورش ساخته شد ولی در ۱۳۵۸ تکمیل و توسعه داده شده است و آن هم در خیابان اصلی اسرار قرار دارد .

۳- **پل کال شور :** در سال ۱۳۴۱ ، دو پل با فاصلهی کمی ، بر سر راه کاشمر ، نزدیک به حارث آباد بنا گردید .

۴- **خانه پيشاهنگان :** در سال ۱۳۳۹ در نبش میدان کارگر، جنب آرامگاه حاج ملاهادی ساخته شده و اکنون امور تربیتی آموزش و پرورش از آن بهره می‌برد .

۵- **اداری دادگستری و اداری ثبت اسناد ،** مشترکا در محل بر-خورد خیابانهای اسدآبادی و کاشفی در ۱۳۳۹ ساخته شده است .

۶- **اداری دارایی** در سال ۱۳۳۸ ، در خیابان اصلی عطاملک ساخته شده است .

۷- **دبیرستانها و سایر موسسات آموزشی :** دبیرستان دکتر غنی به سال ۱۳۳۵ بین میدان پست و تلگراف و میدان کارگر ساخته شده است ، دبستان فردوسی در مقابل آن پس از دبیرستان دکتر غنی ، محل دبیرستان سابق ابن یمین در کوچهی آب قصبه ، دبستان قاضی زاده در ۱۳۳۹ در خیابان قاضی زاده ، دبیرستان دخترانهی ۱۷ شهریور به سال ۱۳۴۴ ، محل سابق و اولیهی دبیرستان دخترانهی گوهرشاد در ۱۳۳۴ در نبش خیابان عطاملک ، محل فعلی دانشرای راهنمایی تربیت معلم

(۱۹۳) علاوه براین ساختمانها ، بناهای دیگری مثل ژاندارمری ، شهربانی ، قند و شکر و بانکها و . . . وجود دارد که به همراه مشخصات کامل ساختمانهای مذکور دراین نوشته بنا به رعایت اختصار حذف گردید .

دخترانه مقابل دبیرستان دخترانه‌ی ۱۷ شهریور در ۱۳۴۶ و دیگر—
موسسات آموزشی و پرورشی در سالهای اخیر .

۸- **شهرداری :** ساختمان جدید شهرداری از سال ۱۳۵۶ درمساحتی بیش از ۸ هزار متر در خیابان اصلی اسرار (بین آموزش و پرورش و بانک ملی شعبه‌ی اصلی) ساخته شد و در جنب دادگستری فعلی ساختمان هتل شهرداری با محوطه‌ی ای سرسبز بنا گردید (این بنا قبل از ساختمان شهرداری ساخته شده است) .

۹- **هلال احمر :** یا شیر و خورشید سابق در تقاطع خیابان کاشفی و خیابان اسدآبادی (چهارراه هلال احمر) در سال ۱۳۴۲ ساخته شده است .

پیشینه‌ی موسسات بهداشتی در سبزوار : درست در هفتاد سال پیش برای تاسیس بیمارستانی در سبزوار قراردادی به شرح زیر منعقد گردید : " بعدالحمد و صلوه چون بندگان حضرتت ستطاب اجل اکرم افخم اعظم ، سلاله‌ی دودمان مصطفوی شجره‌ی بوستان مرتضوی آقای آقا- میرزا هادی خان سالار حشمت (۱۹۴) حکمران جلیل سبزوار دامت شوکته نظر بمضمون بلاغت مشحون الدنیا مزرعه الاخره و فایز شدن بفیوضات الهیه و نایل گردیدن بمواهب رحمانیه بمفاد الدال علی الخیر کفاعله ، برای پرستاری مرضای فقیر بوسایل اعمال صالحه و افعال حسنه کوشش نموده در عشر اول ماه جمادی الاولی سال یکهزار و سیصدوسی و هشت جمعی از وجوه اهالی برای اقدام باین امر خیر دعوت فرموده خود حضرت معظم له و هر یک از مدعوین فراخور حال بجهت مثنویه روز واپسین یکباب مریضخانه اعانه داده و از سرمایه‌ی فطانت و هوشیاری صیانت بقا این اساس مقدس را در خریداری محلی دانسته لهذا حاضر گردید جناب جلالتما بجل آقا امیرزا عزیزالله خان مصالحه صحیحه شرعیّه اسلامیّه نمودند همگی و تمامی یکباب منزل مسکونی و متصرفی خود را که تقریبا یکهزار و سیصد ذرع و واقع است در شمال باروی شهر

(۱۹۴) دکتر غنی در کتاب (زندگی من) نوشته ، در آن وقت سالار حشمت لقب داشت و آقای میرهادیخان امیر فرّخ (امیر ارفع) بوده است .

سبزوار و محدود بحدود ظهرمع ممر و مدخل و بیوتات تحتانی و فوقانی و آلات حدیدیّه و خشتیّه و کَلّما متعلق بها و آنچه از منزل مزبور دانند و شمرند کائناماكان بالغاً بمبلغ یکهزار و هشتصد تومان وجه نقد رایج خزانه‌ی عامره و حضرت مستطاب معظم حسب‌الله و طلباً لمرضاته قبول مصالحه نمودند و مال الصلح را از وجوه اعانه کارسازی و مصالح مغّری الیه دریافت نمودند و منزل مزبور بتصرف مریضخانه موسوم بحشمتیّه داده شد و مصالح مغّری الیه غبن فاحش بل افحش خود را عالماً عارفاً مصالحه شرعیّه نمودند پنج استار^x نمک معدنی . (و مطالب بعد از این در حاشیه) و ضمان (کلمه‌ای خوانده نشد شاید درک) شرعی منزل مزبور در عهده مصالح مسطور است که مستحقّاً لغير- عیناً اَوْ مُنْفَعَتاً جَزْءُ اَوْ کُلّاً از عهده در آید و عقد مصالحه مسبوق است با اجاره نود عام کامل در عوض مقدار یکمن گندم آبی و یکصد دینار (پولی بود) رایجی و بر مراتب مزبوره . صیغ شرعی (شرعیّه) جاری گردید و مصالح اقرار و اعتراف نمود هیچیک از امناء اوقاف و متولیان عام را حق دخالت یا انتفاعی از این مریضخانه نخواهد بود و اینورقه حسب- السند قلمی گردید حقیقتاً بنا علی الرسم القبالة که عند الحاجة حجة باشد تحریراً فی بیستم جمادی الاولی سنه ۱۳۳۸ مطابق با ۲۲ برج دلو شمسی ۱۲۹۸ ، جناب آقامیرزا عزیزالله خان برصحت مندرجات اینورقه اقرار نمود بتاريخ ۲۵ جمادی الاولی ۱۳۳۸ اعترافات و مهرها یازده نفر مهران الحسین العلوی ، مراتب مسطورهی فوق صحیح است ۱۳۳۸ و اعتراف تاریخ ۲۷ جمادی الاولی رئیس عدلیه‌ی سبزوار به مهر عدلیه " (۱۹۵) . در اینجا تصویر دو سند محکم که هر کدام حکمی است از وزارت داخله به حکومت سبزوار و از حکومت سبزوار به

x استار (به کسر اول) واحدی است در مقدار ، برابر ۴ یا ۴/۵ مثقال (ضمناً بعد از مسطور است دو کلمه ناخوانا بود ، شاید عند . . .) . (۱۹۵) بعد از نخستین تاریخ ۱۳۳۸ امضایی مشکل خوانا ، تقریباً دکتر قاسم خان بود و پس از مهر عدلیه ، اصلاً امضایی وجود نداشت .

بلدیه (شهرداری) راجع به صحیفه عمومی که در آن دستور ندادن دوا بدون نسخه طبیب می باشد و امضاء محمد علی میرزا رکنی (رکن - الدوله) و مهر حکومت سبزوار به تاریخ ۱۳۰۴ خورشیدی دارد ، جهت اطلاع از متن آن عینا چاپ می شود .

و اما خاطرات حاج میرزا بدیع بدیعی ، کسی که به همراه دکتر قاسم خان غنی در پی گذاشتن بنای بیمارستان حشمتیه و چرخاندن



استان خراسان و سیستان

حکومت سمنگان

۲۹ بهمن ۱۳۰۴

۱۳۹۳

مراد مرقوم وزارت عدلیه

حکومت سمنگان
از محکمات کتبی وزارت عدلیه و نیز از نامه های که از سوی خطای محمدرضا شاه قاجار به دست آمده است
در مورد فرزندانی که در زندان سمنگان در زندان سمنگان در زندان سمنگان
نکته طلب فرستاده می شود و این قسم باید در سمنگان در سمنگان در سمنگان
همانرا که در زندان سمنگان در سمنگان در سمنگان در سمنگان
امضا راجع به در سمنگان در سمنگان در سمنگان در سمنگان
در سمنگان در سمنگان در سمنگان در سمنگان

مراد مرقوم با مهر

حکم وزارت داخله به حکومت سبزوار

و به این ترتیب ساختمان بیمارستان در ساختمان مرکزی فعلی ساخته شد و به نام سالارحشمت (بیمارستان حشمتیه) نامگذاری گردید. علاوه بر زمین منزل مرحوم خضایی ، بعداً هم یک قطعه زمین وقفی با اجازه مرحوم حجت الاسلام حاج میرزا حسین علوی تبدیل به احسن شد به این معنی که زمین دیگری به وسیلهی رئیس بیمارستان که مرحوم دکتر غنی بود خریداری و به واگذار کنندهی زمین مجاور بیمارستان فعلی که در آن زمان باغی بود داده شد ، علاوه بر آن منزل کوچکی که در ضلع جنوب شرقی وجود داشت ، به آن ضمیمه گردید . البته قبل از تاسیس بیمارستان حشمتیه ، مرحوم میرزاهدی احتشام (به گفتار دکتر غنی در کتاب زندگی من ، میرزاابوالحسن احتشام الاطباء) و مرحوم شیخ محمد حسن گنابادی ملقب به شفاء الملک و میرزااسماعیل طالقانی مشهور به افتخارالحکماء و هم مرحوم رجبعلی جرّاح ، معروف به دکتر رجبعلی که در زخم بندی و مداوای مجروحین دست داشت به کار پزشکی مشغول بوده اند و در اتاقی از منزل شخصی به این کار می پرداخته اند. از لحاظ به اصطلاح حق ویزیت ، در قبال سه نسخهی پزشک ، که (هر روز یک نسخه به بیمار داده می شد) آن مریض فقط ۲ ریال می پرداخت. پس از ورود دکتر غنی بطور کلی داروها از تهران درخواست می شد و در ضلع جنوب غربی بیمارستان حشمتیه از در پایین موجود بیمارستان که هنوز پابرجاست اتاقی به نام داروخانه ساخته شده بود ، اولین مسوول داروخانه آقای میرزا احمد مهدوی داماد میرزا مهدی احتشام بود ، و پس از یکسال اینجانب (منظور آقای بدیعی است) سرپرستی داروخانه را پذیرفتم . در مورد دارو ، پیش از آقای دکتر غنی ، از داروهای گیاهی و گردهای معرّق و قابض^x استفاده می شد و به وسیلهی پزشکان نام برده شده تجویز می گردید .

داروخانه های آن زمان عبارت بودند از :

x منظور از معرّق آنچه که تولید عرق کند و رطوبت پوست و اعضاء را به وسیلهی عرق دفع سازد ، می باشد و قابض به داروهای جلوگیری از اسهال گویند .

- ۱- داروخانه‌ی جلالیه مربوط به آقامیرزا جلال تقوی که بعد دامادش تا چند سال قبل آن را اداره می‌کرد .
 - ۲- داروخانه‌ی عمومی به مسوولیت آقامیرزا احمد مهدوی که اکنون فرزندش آن را اداره می‌کند .
 - ۳- داروخانه‌ی عافیت به مدیریت آقامیرزا محمد حسین الهی که اکنون تحت عنوان دارویی عافیت ، فعالیت می‌کند .
 - ۴- داروخانه‌ی آقامیرزا ابراهیم تقوی .
 - ۵- داروخانه‌ی آقا غلامحسین امید .
 - ۶- داروخانه‌ی آقا حسام الدین .
 - ۷- داروخانه‌ی خیریه یا داروخانه‌ی آقاعبدالصمدکه بعد فرزند آن مرحوم ، مرحوم حاج نورالدین آذر مهر آن را اداره می‌کرد و اکنون هم فرزندانش آن را اداره می‌کنند .
 - ۸- داروخانه‌ی حشمتیه که به همین نام باقی است و مسوولیت آن بر عهده‌ی من (منظور آقای بدیعی است) می‌باشد " .
- در برابر این پرسش که آیا دکتر غنی در تمام دوره‌ی تمدّی مسوولیت بیمارستان در سبزوار بود یا نه ؟ آقای بدیعی گفت "در غیاب آقای دکتر غنی پزشکان حاضر در سبزوار امثال آقایان دکتر حسن افتخاری ، دکتر علی شاملو ، دکتر ابوالحسن احتشام (اعظمی) مسوولیت بیمارستان و امور بهداری را بر عهده می‌گرفتند ، سر-پرستاران و پرستاران همه مرد بودند و برای امور مربوط به زنان از وجود بانوانی که نزد مرحوم دکتر غنی تعلیم دیده بودند استفاده می‌شد و . . . " آقای بدیعی در ادامه‌ی گفتار خود می‌افزایند : " مریضخانه‌ی آن زمان دارای بخشها و تختهای متفاوت بود از قبیل ۲ تخت برای جراحی و کحالی (چشم پزشکی و عمل چشم) ۲ تخت برای بیماران خصوصی و ۸ تختخواب عمومی ، جمعا ۱۲ تخت و علاوه برآن اطاق عمل و دستگاه بیهوشی و دستگاه استریل وسایل عمل - تزریقات و پانسمان و اعمال جراحی وسیله‌ی خود مرحوم دکتر غنی که دارای گواهی عمل بود انجام می‌پذیرفت . "
- بهداری این زمان : سبزوار در حال حاضر سه بیمارستان مجهّز

در داخل شهر دارد که دو باب آن فعال بوده و یک بیمارستان دیگر به زودی بهره برداری خواهد شد .

۱- بیمارستان حشمتیه که مادر بیمارستانهای سبزوار است دارای بخش - های داخلی - زنان - اطفال و اورژانس می باشد و ۴۰ تختخواب دارد و متصل به ادارهی بهداری شهرستان می باشد .

۲- بیمارستان امدادی (دکتر بهشتی) که در قسمت شمال شهر - بر سر راه سبزوار به طبس واقع شده در زمینی به مساحت ۱۷ هزار متر مربع اهدائی بانو طوبی علوی است و با بودجهی شیر و خورشید سابق (هلال احمر) ساخته شده و چهار باب ساختمان نیز برای سکونت پزشکان دارد . تعداد تخت این بیمارستان که به تازگی شهید دکتر بهشتی نام گرفته ۱۱۰ دستگاه می باشد که در آن بیماران جراحی عمومی - چشم - گوش و حلق و بینی - ارنولوژی و ارتوپدی عمل و درمان می شوند .

بهداری سبزوار کلاً ۸ نفر متخصص در رشته های جراحی ، زنان ، داخلی ، چشم ، گوش و حلق و بینی دارد و علاوه بر پزشکان ورزیدهی ایرانی ، ۲۳ پزشک خارجی نیز از کشورهای هند ، بنگلادش و افغانستان در استخدام بهداری هستند که اغلب در سطح روستاها و در ۲۴ درمانگاه مشغولند (۱۹۶) . با توجه به جمعیت سبزوار در پایان شهریور ۶۸ که ۳۹۴ هزار نفر می باشد و تعداد پزشکان و تختهای موجود در بیمارستانها هر ۱۱۰ نفر از ساکنین سبزوار یک پزشک و به هر ۱۵۷۶ نفر اهالی این شهرستان ، یک تخت نصیب می شود . اخیراً قطعه زمینی به مساحت ۱۲۰۱ متر مربع که از طرف آستان قدس در اجارهی جمعیت هلال احمر بوده در اختیار آقای حاج محمود مبینی قرار گرفته که به هزینهی خود بیمارستانی احداث نماید . ایشان با فعالیت تمام شروع به ساختمان کرده و به نام دو فرزند شهید خود آن را قابل بهره بردای نموده ولی

(۱۹۶) اضافه می نماید که علاوه بر ۳۱ تن پزشک استخدامی بهداری ، پنج تن پزشک آزاد نیز به کار مداوای اهالی مشغولند .

درای بخشهای مختلف نیست و فقط بخش زنان و زایمان را دارد و موقتاً درای ۵۰ تخت است. این بیمارستان ابتدای خیابان دکتر غنی در تقاطع خیابان دکتایی و تقریباً در مرکز شهر قرار دارد و اخیراً مورد بهره برداری واقع شده است .

اداره بهداشت که امور مربوط به بیماریهای غیرواگیر و واکنشهای عمومی را برعهده دارد ، و **اداره مالاریا** که به مداوا و پیشگیری و پیکیری امراض واگیردار و درمان بیماریهای ابتدایی میپردازد و **بهداشت محیط** که مسوولیت بررسی بهزیستی بهداشت محیط زندگی در شهر و روستا و آموزش و بهداشت و پاکیزگی مهمانخانه ها و معارفه های خواروبار و لبنیات فروشی و مکانهای عمومی همچون بیمارستانها ، گرمابه ها و . . . را بر عهده دارد ، زیر نظر بهداری شهرستان در خیابان طالقانی قرار دارند .

سازمان بهزیستی سبزوار : از سازمانهای دیگری که با بهداری شهرستان سبزوار و همگام با آن ، از طرفی در سوی تندرستی و از سوی دیگر برای رفاه حال بعض خانواده ها و سایر خدمات مشابه فعالیت دارد سازمان بهزیستی سبزوار است . سازمان توانبخشی که کار فیزیوتراپی بر روی اعضاء معلول را بر عهده دارد ، یکی از سازمانهای وابسته به آن می باشد .

مجمع شهید محمد فاضل : مرکز سابق رفاه خانواده که در حال حاضر به نام دانشجوی فداکار ، شهید محمد فاضل نامگذاری شده است دارای اطاقها و کلاسهای متعدد است و در مساحتی بیش از ۱۳۵۰۰ متر مربع در موقعیتی مناسب بین سه خیابان افسر ، صائب و ۲۲ بهمن در سال ۱۳۵۲ خورشیدی ساخته شده است و با ایجاد ۴ کلاس مهد کودک در ۴ نوبت ، صبح و بعدازظهر کودکان شیرخوار تا ۵ ساله را میپذیرد . علاوه بر آن دو کارگاه بافندگی و دوزندگی ویژهی خواهران و عکاسی و نقاشی دارد که به عموم تعلیم داده می شود . کلینیک بهداشت خانواده نیز در این مجمع به ادامه ی کار مشغول است . خدمت دیگری که وسیله این مرکز ارائه می شود کمک به خانواده های بی سرپرست و معلولین جامعه می باشد که دو جنبه ی ارشادی و مالی دارد . علاوه بر خدماتی که توسط ادارات و سازمانهای بهداری و بهداشتی و کمکی انجام می گیرد

بهداری ۲ باب آموزشگاه بهیاری و بهورزی ، برای تربیت پرستل و کادر پرستاری بیمارستانها و درمانگاهها نیز دارد . که با نگاه کردن از لحاظ ساختمان و پرسنل علمی ، به دانشکده پزشکی تبدیل شده است .

بخش چهارم اقتصاد شهرستان سبزوار

اقتصاد چیست ؟ از نظر لغوی ، اقتصاد به معنی میانه روی در هر کار و از آن جمله میانه روی در خرج و تعادل بین دخل و خرج است و از نظر علمی : علمی است از علوم اجتماعی که در باب فعالیت مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر و ... وضع شده و بحث می‌کند . در این ارتباط ، نخست از کشاورزی سبزوار که با تجارتش پایه و مبنای اقتصاد این شهرستان را تشکیل می‌دهد شروع می‌کنیم .

اوضاع کشاورزی شهرستان سبزوار : در شکوفایی یا پیشرفت کشاورزی هر منطقه یا شهرستان یا برعکس عقب ماندگی آن سببهایی موثرند . ترکیب و گسترش و رشد و کلاً زیادی و یا کمی جمعیت در هر منطقه یا شهرستان و وضع زندگی مردم آن ، بستگی تمام به عواملی همچون عوامل طبیعی و اقتصادی مانند موقعیت ، پستی و بلندی ، آب و هوا ، مقدار بارش ، سفره های آب زیرزمینی و برخورداری و سود بردن از آنها و یا بهره نبردن از وجود آنان ، خاک مساعد یا نامساعد و امکانات رفاهی آن محل دارد . سبزوار به علت وسعت زیاد و تنوع آب و هوا و بخصوص به سبب دارا بودن کوههایی در شمال که برف و بارانگیر است و از بارش بیشتری برخوردار می‌باشد و نیز در همان حدّ ، کوههای "کوه میش" در جنوب و جنوب شرقی و هم وجود کویر در جنوب غربی که دارای خشکی بیشتری است ، دارای محصولات گوناگون و متنوع می‌باشد و کشاورزان سبزوار در هر ناحیه و محیطی به کشت گیاهان قابل پذیرش زمین و نیک بازده آن محیط

مبادرت می‌ورزند . آبیاری کشاورزی از قنوات سبزوار ، ذخایر آب دو کوه شمالی و جنوبی در پهن‌دشت زرخیز جوبین و زمینهای پربهای قبل از آن و دشت کوه میش و روستاهای پیش از آن تامین می‌گردد .

واحد آب در سبزوار ، زوج ، ساعت ، دقیقه ، فنجان ، اشک سنگ ، تشته (تیشته) می‌باشد . و یک زوج آب مقدار آبی است که بتواند در یک شبانه روز ۱۶۰۰ متر زمین را که در اصطلاح محلی " جیریب " نام دارد ، به وسیله‌ی دو گاو و توسط یک کشاورز کشت می‌شود ، آبیاری نماید و فنجان که در بعض روستاها تیشته گویند ۵ دقیقه می‌باشد (البته در طبس و جنوب شرقی خراسان ۴ دقیقه طول می‌کشد) .

اصطلاحات^x مربوط به وسایل کشاورزی در سبزوار : بطوری که در بحث جمعیت ملاحظه شد اکثر مردم سبزوار را روستاییان تشکیل می‌دهند که کار اصلی آنان کشاورزی است ولی به علت استفاده از شیوه‌ی کشاورزی قدیم و وسایل سنتی و کمی آب ، بویژه در حاشیه‌ی کویر بازده آن رضایت بخش نیست .

می‌دانیم که در هر شهر یا منطقه ، معمولاً اصطلاحاتی جهت هر چیز دارند ، از آن جمله برای کشاورزی ، که شناخت آن دانشی است برای هر دانش آموز در سطح وسیع کلمه که اینک به آن‌ها اشاره‌ای می‌شود :

۱- یوغ (به ضم اول) چوبی است که بر گردن حیوان (گاو ، الاغ ، اسب و قاطر) گذاشته و برای بهره‌وری و استفاده در شخم زدن یا به اصطلاح کالش و هم در خرمن کوبیدن و . . . از آن استفاده می‌کنند .

۲- سیم (به فتح اول) نخی را گویند که از یوغ به زیر گلوی حیوان بسته می‌شود .

۳- یاجو (بر وزن زالو) بندی است تقریباً به عرض ۵ سانتیمتر و طول دور گردن حیوان ، ساخته شده از روده‌ی گاو یا گوسفند که

x بعضی از اصطلاحات در باره‌ی محصولات و ابزار کشاورزی در عین شیرینی لغات ، به علت طولانی شدن مطلب ، در کتابی دیگر خواهد آمد .

یوغ را بر شانه‌ی حیوان در موقع شخم یا کوبیدن وصل می‌کند و در حال حاضر به علت گرانی روده و پوست ، بیشتر از لاستیک استفاده می‌کنند .

۴- مییار به چوب درازی که برای عمل شخم زدن استفاده می‌شود گویند.
۵- اج (به کسر اول) چوب بلندی است که یوغ به وسیله‌ی آن به گاو آهن وصل می‌شود .

۶- یج (به کسر اول) به چوبی می‌گویند که نخ از پایین به آن وصل میگردد . (در نیشابور یجن به فتح اول و دوم و در شهرهای جنوبی خراسان نیز همچون سبزوار یج می‌گویند .

۷- نخ صحرا که همان خیش باشد و آن به تیغی فلزی محکمی گویند که با فشار آدمی به زمین فرو می‌رود و به وسیله‌ی آن خاک شخم‌زده می‌شود.
۸- دست مییون : چوبی که در پایین مییار به شکل دستگیره‌ای است برای انسان ، که با فشار آن تیغ یا خیش برای شخم زدن به زمین فرو می‌رود و هر چه فشار بیشتر باشد ، خاک بهتر زیر و رو می‌شود .

۹- رخز (به کسر اول و دوم) چوبی است تراشیده که دست مییون روی آن قرار گرفته و به تیغی گاو آهن وصل می‌شود .

۱۰- مله (به فتح اول و دوم) چوبی است بزرگ و تخت و تراشیده و صاف و سنگین ، عرض آن ۳۰ سانتیمتر با طول ۲ متر و کمی کمتر یا بیشتر ، دو حلقه در دو سر آن است و زنجیری به آن پیوسته و آنها به یوغ بر شانه‌ی یکجفت گاو یا . . . وصل است و دو حیوان آن را می‌کشند و انسان که راننده است بر تخته سوار می‌شود و زمینی را که کالش کرده و شخم زده اند صاف و هموار می‌کند .

۱۱- دموز (به فتح اول و سوم و سکون بقیه) وسیله‌ای که با آن خاک خوید و کشتزار را یکنواخت می‌کنند . به این ترتیب که خاک را از جاهای بلند به محلی که گود است منتقل می‌کنند و یا با آن جوی و پشته می‌سازند .

۱۲- پنجه (به فتح اول و سوم) وسیله‌ای است بزرگتر از بیل ، برای مرز ساختن که یکنفر پایین وسیله را نگاه می‌دارد و دو نفر دیگر آن را می‌کشند .

۱۳- زاله (به فتح ل) مرز یا پشته هایی را می گویند که در کنار کرت های زراعتی ساخته می شوند تا قسمتی از زمین را از قسمت دیگر جدا کند و به این ترتیب آب آن قسمت به قسمت دیگر نرود .

۱۴- تور، وسیله ای است که از نخ بافته شده و موقع خرمن کوبی، یا شخم - زدن زمین آن را به دهان گاو یا الاغ می زنند تا از خورده شدن شاخه های درختان و گیاهان یا محصول خرمن توسط حیوان ، جلوگیری شود .

۱۵- چو ، اندازه که همان (چوب اندازه گیری) است و رسمواندزه (ریسمان اندازه) و پل (به فتح اول) که همان گام یا قدم است برای اندازه و و متر زمین بکار می رود .

۱۶- چوبیده (به ضم اول و فتح پنجم) چوبی که یونجه یا جو دیمی را با آن می پیچانند و به اصطلاح بیده می کنند .

وقتی که زمین آماده کاشت می شود و یا به اصطلاح سبزوارها و کرس (به کسر اول و دوم و سوم) یعنی آماده کار ، در یکی از چند موقعیت زیر قرار می گیرد :

۱- پسار (با ضم اول) اگر زمینی نرم نبود ، آن را آب می دهند ۴ یا ۵ روزی که گذشت آن را کالش می کنند یعنی شخم می زنند بعد گندم، جو یا ارزن و گاورس را می پاشند . چنین نوع کاشتن را در سبزوار، اصطلاحا پسار گویند .

۲- فرزاو (به کسر اول) زودکاشت گندم و جو و . . . را گویند.

۳- ورگ (به فتح اول و سکون دو حرف بعدی) دیرکاشت گندم و جو و . . . را گویند .

۴- اشو یا حشو (فتح حروف اول و دوم) اصطلاحی است برای زمین که آن را یک آب دهند برای کشت دیم .

۵ - خریگ (به ضم اول و کسر دوم) اصطلاحی است در مورد کاشت دیم در زمین شخم نزده ، که در نتیجه ، بازده آن خیلی کم است .

ظرف تخم : برای پاشیدن بذر یا تخم ، سبزوارها از ظرفی پارچه ای استفاده می کنند . آنهایی که به کمر بسته می شود و بذر داخل آن را برداشته و با مهارت ، به صورت یکنواخت می پاشند پیش- بال و پیش بند و ظرفی که می توان با دست چپ گرفت و با دست راست

تخم را برداشت و پاشید انبو (به کسر اول و ضم سوم که همان انبان) است گویند و تاوره (با فتح ر) و دلاو (به ضم د) ظروف پارچه‌ای هستند که بر گردن آویز کنند و پیشلاو چادرشب یا ساروقی می‌باشد که برای خوشه چینی به کمر بندند .

زمان کاشت گندم آبی در سبزوار از اول یا معمولا ۱۲ مهر تا ۲ ماه بعد (با توجه به هوای محل) ، و زمان برداشت آن تیرماه است (۱۹۷) .

زمان کاشت گندم دیمی در سبزوار از اول بهمن تا اول فروردین و زمان برداشت آن تیرماه است .

زمان کاشت جو آبی در سبزوار اول مهر تا ۲ ماه و زمان برداشت آن خردادماه است .

زمان کاشت جو دیمی در سبزوار از اول بهمن تا اول فروردین و زمان برداشت آن خرداد ماه است .

پنبه را معمولا حدود نیمه اردیبهشت می‌کارند و در آبان و آذر و دی ماه می‌چینند (۱۹۸) .

زیره از اواخر آذرماه کاشته شده و در خرداد ماه جمع می‌شود .
ارزن ، عدس ، کنجد و لوبیا را در فروردین و اردیبهشت می‌کارند و محصول آن را در مهر و آبان جمع می‌کنند .

نخود در اسفند ماه کاشته و در تیر و مرداد ماه برداشت می‌شود.

اصطلاحات مربوط به وجین و جمع‌آوری محصول : وجین را در اصطلاح

(۱۹۷) ماهیایی که در این موضوع نوشته شده مربوط به قصبه شمالی با تابستان معتدل است و در نواحی گرمسیر ، برداشت معمولا ۱۵ روز زودتر شروع می‌شود ، ضمنا دیم یا دیمه را که در سبزوار ، بهره (به فتح اول و سوم) گویند زود کاشتش اول قوس برابر با اواخر آبان و دیرکاشت آن در بهمن و اوایل اسفند شروع می‌شود) .

(۱۹۸) پنبه را در سه نوبت جمع‌آوری می‌کنند و در سبزوار به هر نوبت اصطلاحا (راو) گویند و اگر محصولی زیاد ثمره دهد گویند وی (به فتح اول) داشت .

محلی "بجای" (به ضم اول) و درو را "درو" (به کسر اول و فتح دوم) گویند .
۱- علف کول ، علفتراش و دالک (به فتح ل) وسایلی برای وجین می باشد .

۲- دیستره (با کسر چهارم و فتح حرف پنجم) ، مییون بر (به ضم ب) و منگال (به کسر م) وسایلی برای جمع آوری سبزیها و یا کشتهای کوتاه هستند .

۳- بق بر (به کسر اول و ضم سوم) که همان (بیخ بر) است برای برش شاخه های درخت مو بکار می رود .

۴- علف بر ، برای خرد و ریز کردن علوفه ، مثل یونجه استفاده می شود.

۵- بشله (به فتح سه حرف اول) از علف کول بزرگتر است برای درو و تقریبا به شکل داسی گرد است . در نیشابور به آن مشله گویند .

۶- بایوتی داس کوچکی است برای درو .

هر دسته گندم یا جو که به توانایی حمل افراد بستگی دارد یک دیسته (یک دسته) یا گرو ، گراو (به ضم اول) یا بغل گویند .

گندم و جو را پس از درو خرمن می کنند ، گروهی از کمباین استفاده می کنند ولی بیشتر از بردی (به ضم اول) یا گاوبردی بهره می برند . بردی بر دو نوع است : چوبی و آهنی .

۱- بردی با پره چوبی : بر محوری از چوب گرد شده شاید به قطر ۵۰ سانتیمتر ، یا کمتر و بیشتر و به درازای حدود ۲ متر ، معمولا ۵۰ تا ۶۰ چوب تراشیده به قطر ۵ سانتیمتر یا به اصطلاح ۵×۵ و به طول ۳۰ تا ۴۰ سانتیمتر کوبیده شده و آن را با یکجفت گاو یا الاغ و گاهی قاطر و اسب به خرمن برده و بر بوته های خشکیده و جمع شده در خرمن می چرخانند تا بوته های خشکیده و جمع شده در خرمن نرم شود .

۲- بردی آهنی که زودتر می کوبد ولی گرانتر است و پره های آن آهنی و گرد است و نحوه عمل آن مثل چوبی می باشد .

وسایل جدا کردن گندم یا جو و از گاه : برای این کار از

وسیله ای استفاده می‌شود با دسته ای چوبی تراشیده ، شاید به درازای ۱۵۰ سانتیمتر ، یا بلندتر و کوتاه تر (بستگی به قد استفاده کننده دارد) و چون بالای آن چهارچوب تیز با پوست وصل شده به آن چهارشاخ گویند که اگر چوبی بود ، چهارشاخ چوبی و اگر سرش چهارشاخه‌ی آهنی داشته باشد ، چهارشاخ آهنی گویند . پس از جدایی گاه از گندم یا جو ، محصول جدا شده از گاه را خرمن می‌کنند و با غربال (غلبر ، به کسر اول و سوم ، در اصطلاح محلی) تمیز کرده و به انبار حمل می‌کنند .

وسایل حمل : برای حمل محصول به انبار یا تحویل مستقیم به خریدار ، علاوه بر اتومبیل‌های کامیون که در داخل آن ریخته می‌شود ممکن است از تیجه (به کسر اول و فتح سوم) که همان جوال کوچک باشد و یا از خورجین بزرگ یا گوله (به کسر اول و فتح دوم و سوم) که همان گاله است و جوال که سبزواریها به ضم اول تلفظ می‌نمایند و آن از نخ و پشم بافته می‌شود و از ۲۵ تا ۵۰ من در دو طرف گنجا- یش دارد استفاده شود . اگر به انبار ببرند ، معمولا ابتدا در کسف انبار پهن میکنند تا سرد شود بعد به کندو یا کندی (به کسر اول) می‌ریزند .

دانستنی‌های گوناگونی در باره‌ی کشاورزی سبزوار : در باره‌ی کشاورزی سبزوار ، نویسندگان و دیدارکنندگان از این منطقه هر کدام گفتاری دارند : خانم لمپتون می‌نویسد :

۱- سبزوار اوضاع و احوال کشاورزی نسبتا مشابهی با مشهد ، تربت حیدری ، کاشمر ، قوچان ، بجنورد و نیشابور دارد .

۲- مال الاجاره زمینی که محصول شتوی^x در آن بعمل می‌آید در بعضی نقاط مانند اردکان ، سبزوار ، اصفهان ، مشهد و بنادر خلیج فارس

x شتوی (عربی) منسوب است به شتاء یعنی زمستانی و زراعت شتوی زراعتی است که در زمستان انجام شود مانند گندم و جو دیمی و . . . و صیفی (عربی) منسوب است به صیف به معنای تابستانی و زراعت صیفی ، زراعتی است که معمولا در تابستان حاصل دهد مثل خربزه و هندوانه و . . .

و پاره ای از نقاط اطراف تهران نصف مقدار محصولیست که بموجب عقد مزارعه ای که در محل معمول است به مالک تعلق می‌گیرد و مدت اجاره معمولاً ۳ تا ۵ سال است .

۳- عدّهی املاک خرده مالک در خراسان بیش از غالب نواحی دیگرست و بعضی املاک خرده مالک در ناحیهی سبزوار و نیشابور وجود دارد .
۴- هنوز در سبزوار قنات طاهری معروف است و مردم آن شهرستان می‌گویند که طاهر نام مقنی ای بود که چنین قناتهایی می‌ساخت (۱۹۹) .
آقای موسی جعفری در پایان نامهی خود بخشهای سبزوار را از لحاظ وجود فرآورده‌های کشاورزی ، بطور مستقل از یکدیگر دقیقاً بررسی کرده و چنین می‌نویسد :

" ۱- در بخش جغتای بویژه به علت حفر چاههای عمیق و استفاده از وسائل مکانیکی (آن هم بخصوص در دشت جوبین) حاصلخیزی و فراوانی غلات بچشم می‌خورد و جو ، گندم ، پنبه و زیره و به خصوص در سنوات اخیر که کارخانهی قند جوبین تاسیس یافته است ، چغندر قند کشت و حاصل می‌شود ، انواع میوه ها و صیفی آبی و دیمی و تخمهی هندوانه به مقدار زیاد محصول می‌دهد تا آنجا که جزء صادرات اصلی سبزوار بحساب می‌آید .

۲- بخش داورزن به خصوص بلوک کاه و باشتین غله خیز ترین منطقهی شهرستان می‌باشد ، زیره‌ی آن نیز بیشترین محصول و پنبه کاری (پنبه بومی) بطور کامل معمول است و پنبه‌ی فیلهستانی نیز کشت می‌شود ، انکور و خربوزه نیز در این بخش از محصولات عمده بشمار می‌آید .

۳- بخش ششتمد هم از حیث غلات و پنبه حاصلخیز و هم از جهت انگور و میوه های به اصطلاح سردرختی همچون آلو و سیب و . . . مشهور می‌باشد و صیفی کاری آن نیز زیاد است .

۴- بخش قصبه ، حاصلخیز و گندم و جو و پنبه و زیره در این بخش کشت می‌شود و در اطراف شهر باغات میوه بخصوص انار فراوان است

بطوریکه خسروگرد ، گودآسیا و . . . بهترین و پرمات ترین^x و درشت ترین انار را دارد ، به اصطلاح محلی نارمیه خاش (با حذف ا و کسر م ، ی به معنای مایه خوش یا همان خوش چاشنی) و دیگر خربوزه به خصوص خربوزه‌ی دیم رباط گز در شمال شرقی شهرستان و کلوت در شمال و دولت آباد در جنوب شرقی وایزی در خاور شهر مشهور است (۲۰۰) . آنچه از تحقیقات آقای جعفری برمی آید این است که در سال تحقیق (۳۹ و ۱۳۴۰ خورشیدی) در شهرستان سبزوار ۱۷۸۲۲ خرده مالک و ۳۱۸ مالک کل به کشاورزی مشغول بوده اند .

آقای امینی صالحی می نویسد که آب سبزوار بر مدار ۱۲ شبانه روز در چرخش است و اصطلاحی که در مورد گردش آب بکار برده می شود " سهم " است که هر سهم ۱۲ ساعت می باشد و برخی زمانها ، تقسیم آب و زمین باعث اشکالات و اختلافات بین خرده مالک می شده است . و بالاخره وی می نویسد : زمستان فصل برگشت خوش بشینان که به گرگان و تهران رفته اند به روستاهای خود در سبزوار است و فصل رکود کار کشاورزی ، مگر آبیاری و شخم زنی برای سال دیگر و فعالیت قالی بافی (۲۰۱) .

x ملات اصطلاح معمول غلطی است و درست آن ملاط می باشد ، و آن د اصل مخلوطی از شن و ماسه و آهک را گویند که در ساختمان بکار برند (۲۰۰) موسی جعفری ، جغرافیای سبزوار و راههای پیشرفت اقتصادی آن (پایان نامه) ، دانشکده‌ی ادبیات مشهد ، سال تحصیلی ۴۰-۳۹

(۲۰۱) امینی صالحی ، پایان نامه ، ۲۴ تا ۷۰ . نیاز به توضیح است که واحد سهم آب برای آبپاشی که از جهت مقدار کم و از لحاظ ارزش نیز کم ارزش می باشد ، در سبزوار ۱۲ ساعت است و بیشتر کشاورزان می توانند یکشنبه روز یا به اصطلاح یک پا که همان ۱۲ ساعت باشد ، آب داشته باشند ولی در مکان هایی مانند خسروگرد و . . . که آبش زیاد است و خیلی پرارزش ، از واحدهای کوچکتر استفاده می شود .

فرآورده های کشاورزی سبزوار

اکثر کشتزارهای شهرستان سبزوار از آب قنات و چشمه یا رودخانه بهره می برد ولی در سالهای اخیر که حفر چاههای عمیق مرسوم شده و شدت گرفته، بیشتر قناتهای سبزوار خشکیده است . با وجود این ، تعداد قناتهای شهرستان سبزوار در سال ۱۳۶۳ ، ۶۳۶ رشته و چشمه - های آن ۸۶ بوده است . سطح کل زیر کشت با بهره وری از آب چاههای عمیق ۲۳ هزار هکتار ، متوسط میزان بارندگی ۲۵۰ میلیمتر ، تعداد چاههای عمیق مورد بهره برداری ۶۸۵ حلقه (که از این حیث در استان خراسان ، حتی از مشهد برتر است) و چاه نیمه عمیق نیز ۱۶۴ حلقه که در این مورد هم مقام اول را در استان دارا است (۲۰۲) .

شاغلین روستاهای سبزوار در امور کشاورزی و معادن در سال ۶۵ ، ۱۷۷۱۷۷ تن و از ۶ ساله به بالا ۵۹۵۸۱ تن یعنی ۳۳/۶٪ می باشد ، (۲۰۳) و عده ای شاغل فقط در بخش کشاورزی در سنوات قبل از آن را که با سن ۱۰ سال به بالا مشخص گردیده گویای پیشرفت کشاورزی می باشد ، در سال ۱۳۳۵ - ۷/۲ ، در ۱۳۴۵ - ۵/۵ و در ۱۳۳۵ حدود ۵ درصد . در باره استعداد زمینهای سبزوار و رونق کشاورزی این شهرستان ، رزم آراء عقیده دارد که ، استعداد منطقه سبزوار جهت کشت انواع غلات و حبوبات بیش از سایر مناطق خراسان است مخصوصا پنبه و زیره بحد کافی در این شهرستان کشت می شود و بطور متوسط در سال ۱۱/۰۰۰ عدل پنبه و ۴ هزار تن زیره از این شهر صادر می شود (۲۰۴) . اینک در بررسی میزان تولید فرآورده های کشاورزی در شهرستان سبزوار، به محصول گندم ، جو ، پنبه و دیگر فرآورده ها می پردازیم .

(۲۰۲) معاونت آمار و برنامه ، برنامه و بودجه خراسان ، آمارنامه

استان خراسان ، سال ۶۳ صفحه ۸۳ .

(۲۰۳) سازمان برنامه و بودجه خراسان ، آمارنامه مقدماتی استان

خراسان ، سال ۶۵ صفحه ۲۸ .

(۲۰۴) فرهنگ جغرافیایی ایران ، جلد ۹ صفحه ۲۰۸ .

گندم : در تمام پهن‌دشت و کوهپایه های شهرستان سبزوار به صورت آبی و دیم کاشت می‌شود . در حدود سال ۴۶ در پیش از ۲۰ هزار هکتار زمین در سبزوار ، گندم کشت می‌شده و ۶۰ هزار تن محصول آن بوده . این سطح کشت به سال ۱۳۶۳ بطرز شگفت آوری فزونی گرفته و کشت گندم آبی ۳۴ هزار هکتار و گندم دیم ۵۰ هزار هکتار و جمع هر دو ۸۴ هزار هکتار زمین را دربر گرفته است .

با توجه به آمار ، عملکرد و بازده در هکتار گندم آبی ۱/۲۲ تن بوده که حاصل‌ضرب آن ۴۴/۸۸۰ تن می‌شود و گندم دیم با بازده ۱۲٪ تن در هکتار به مقدار ۶ هزار تن و مجموع هر دو بازده تقریباً ۵۱ هزار تن عملکرد هکتاری گندم که در استان بعد از بجنورد و بیرجند قرار گرفته است . با وجود این مقدار محصول گندم یا جو را نمی‌توان به درستی مشخص نمود ، زیرا که کشاورزان مقداری از برداشت را برای مصرف سالانه و قسمتی را هم برای بذر سال آینده نگهداری می‌کنند ، یا پاره‌ای را با اجناس و کالاهای مورد نیاز خود (به ویژه مواد خوراکی) به صورت پایاپای مبادله می‌کنند ، مقداری را شخصاً به بازرگانان که بیشتر کاروانسرا- داران طرف معامله‌ی خود هستند می‌فروشند و بالاخره قسمتی دیگر را از کانال شرکت‌های تعاونی روستائی به سیلوی بزرگ سبزوار تحویل می‌دهند و بهر حال بهترین روش برای مشخص کردن فرآورده‌ی گندم ، ضرب سطح زیر کشت در عملکرد هکتاری است . اینک پاسخ اداری کشاورزی سبزوار را ملاک قرار داده و به سنجش دو ساله می‌پردازیم . با توجه بر محصول گندم در سال ۱۳۵۶ که متجاوز از ۵۰ هزار تن بوده و در سال ۱۳۶۵ بیش از ۸۰ هزار تن ، افزونی محصول مشخص می‌شود . خوب است بدانیم که بیشتر محصول گندم سبزوار از دشت وسیع جوبین و براکوه و بلوک گاه- باشتین (از بخش داورزن) به دست آمده و آمار ارائه شده در جدول شماره‌ی ۱۲ محصول گندم سال ۱۳۶۶ سبزوار می‌باشد .

جو : در سال ۱۳۶۵ ، محصول جو سبزوار ۴۲ هزار تن بوده است که در ۲۲ هزار هکتار جو آبی و ۳۰ هزار هکتار دیم کاشت شده است ، ضمن عملکرد حدود ۱/۳۹ تن در هکتار آبی مقام چهارم و از لحاظ کلّ محصول جو سبزوار ، در سطح زیرکشت در استان اوّل ، حتی از مشهد برتر است

شاخص مقدار محصول و کشت گندم سبزوار در سال ۱۳۶۶

نوع گندم	سطح زیرکشت	عملکرد در هکتار	حاصل
آبی	۲۵ هزار هکتار	۱/۸ تن	۶۳ هزار تن
دیمی	۵۰ هزار هکتار	۳۲۰ کیلوگرم	۱۶ هزار تن

جمع بازده ۷۹ هزار تن

(جدول شماره ۱۲)

(۲۰۵). در سال ۱۳۵۶ ، بازده این محصول ۲۲ هزار تن بوده و ده سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۶ ، که جو آبی در سطح زیر کشت ۲۵ هزار هکتار با عملکرد ۱/۸ تن در هکتار و بازده کلی ۴۵ هزار تن و جو دیمی در سطح زیرکشت ۳۰ هزار هکتار با عملکرد ۴۰۰ کیلو در هکتار و کل محصول ۱۲ هزار تن ، مجموع هر دو گونه ۵۷ هزار تن بوده است .

پنبه : در باره‌ی ارزش و مقام پنبه‌ی سبزوار ، رزم آراء برایین عقیده است که : " پنبه و زیره بحد کافی در شهرستان سبزوار کشت می‌شود و " . لرد کرزن نیز در کتاب خود می‌نویسد که : " کار تجارت در سبزوار رونق فراوان یافته زیرا که مرکز کشت پنبه شده است " (۲۰۶) . مقصود لوی در کتاب *مخابرات استرآباد* که گزارش‌گونه ای است ، در باب حمل پنبه به روسیه نوشته که : " سالی ۵۰ هزار تاجه ، از شاهرود و استرآباد و سبزوار و دامغان ، پنبه به روسیه حمل می‌شود " (۲۰۷) .

در تاریخ جنبش سربداران نوشته‌ی حقیقت ، ضمن یاد خوبیها و فراوانی محصولات سبزوار آورده که : " به جهت آب فراوان ، محصول پنبه‌ی شهرستان سبزوار در استان خراسان در درجه‌ی اول است " (۲۰۸) ۲ نوع پنبه در سبزوار کاشته می‌شود ۱- پنبه‌ی بومی ۲- پنبه‌ی فیلیستانی (تخم

(۲۰۵) آمارنامه‌ی استان خراسان ، سال ۶۵ ، ص ۵۰ .

(۲۰۶) جرج ناتانیل ، کرزن ، ایران و قضیه‌ی ایران ، ع ، وحید مازندرانی

بنگاه ترجمه و نشرکتاب ، تهران ، ۱۳۴۹ ، جلد ۱ ، ص ۳۵۹ .

(۲۰۷) حسینقلی آقا ، مقصودلوی ، *مخابرات استرآباد* ، ۱۲۸۷ شمسی تا

۱۳۰۳ ، جلد ۱ ص ۳۳ .

ورامین یا آمریکایی) . در پنبه‌ی بومی که پنبه‌ی آن سفید یا رنگی است از ۱۰۰ کیلوگرم غلاف چوبی فقط ۲۶ کیلوگرم پنبه دارد. مناطق اصلی پنبه در شهرستان سبزوار، در مورد پنبه‌ی بومی بیشتر در حاشیه‌ی بادخیز کویر مثل قصبه‌ی جنوبی، جنوب بخش ششتمد و غرب سبزوار، مانند بخش داورزن، و مراکز محصول پنبه‌ی فیلستانی و کمی بومی، قلعه‌نو روداب و شامکان و حومه‌ی سبزوار و . . . می‌باشد و کلاً بهره‌ی آن در هر هکتار ۲ هزار کیلوگرم در سبزوار است. کاشت پنبه‌ی بومی در متجاوز از ۴ هزار هکتار و فیلستانی در بیش از ۳ هزار هکتار می‌باشد که هم از لحاظ هکتار زیرکاشت و هم مقدار محصول آن در سطح شهرستانهای استان خراسان مقام اول را دارد. و اما برای دانستن میزان بازدهی پنبه‌ی سبزوار به آمار سه ساله می‌نگریم:

سال	مقدار وش (پنبه تخم ورامین)	مقدار جوزه (پنبه‌ی بومی)	جمع
۱۳۵۶	۱۴/۷۱۹ تن	۹۴۹ تن	۱۵/۶۶۸ تن
۱۳۶۵	۵۶۸۹ تن	۹۲۷۹ تن	۱۴/۹۶۸ تن
۱۳۶۶	۱۲/۹۰۰ تن	۱۱/۰۰۰ تن	۲۳/۹۰۰ تن

(جدول شماره‌ی ۱۳)

با توجه براینکه مقدار جوزه (غوزه‌ی بومی) دارای الیاف کوتاه ارزش و کاربرد کمتر است (به علت نداشتن مصرف نساجی و بافت) و برعکس با نگرش بر ارزش والای مادّی و صنعتی پنبه‌ی اصلی (تخم ورامینی) درواقع کمبود محصول بین دو سال ۵۶ و ۶۵، برابر با ۹۰۳۰ تن است.

چغندر قند: چغندر قند سبزوار تا سال ۱۳۵۷ به کارخانه‌ی قند شاهرود حمل می‌شد ولی بعد از اینکه کارخانه‌ی قند جوبین آماده‌ی بهره برداری شد، چغندر قند در سبزوار از لحاظ سطح زیر کشت، رشد و جهش زیاد نمود و از آن تاریخ چغندر دشت جوبین و براکوه و سلطان آباد

پاورقی از صفحه‌ی قبل

(۲۰۸) عبدالرفیع حقیقت، تاریخ جنبش سریداران و . . . ص ۱۲۲.

و نقاط دیگر سبزوار و هم حاصل مجتمع کشت و صنعت جویین به آن تحویل گردید و اضافی آن به شاهرود و شیروان و گاهی به کارخانهی قند نیشابور حمل می‌گردد .

جدول زیر میزان تولید چغندر قند و افزایش آن را طی سال های ۵۶ تا ۶۶ نشان می‌دهد :

محصول سال ۵۶	سال ۶۳	سال ۶۵	سال ۶۶
۱۳۰ هزار تن	۲۰۰ هزار تن	۲۲۰ هزار تن	۲۴۰ هزار تن

(۲۰۹)

(جدول شماره ی ۱۴)

آقای امینی صالحی در پایان نامه اش تولید چغندر قند و دیگر چغندر را در سبزوار آن هم به سال ۱۳۵۶ حدود ۲۸۰ هزار تن نوشته و در سطح زیر کشتی حدود ۱۱۵۰۰ هکتار .

در آمارنامه ی سال ۶۳ میزان محصول و سطح زیر کشت سبزوار و تربت حیدریه و نیشابور همپا و یک اندازه آمده ولی ظرفیت اسمی تولید شکر کارخانه ی قند جویین نخستین رتبه را دارا است .

زیرهی سبز : زیرهی سبز سبزوار پاک و به اصطلاح یکدست و یکی از صادرات مهم و جالب سبزوار است . زیره محصولی است کم زحمت و کم نیاز به آب ، به آن حدّ که حتی اگر سالی برف و باران زیاد ببارد با استفاده از نم حاصل شده و موجود در زمین کاشته می‌شود و دیگر آبی هم نمی‌خواهد . یا اگر خشکسالی باشد ، معمولاً قبل از کاشتن زمین را فقط یک آب می‌دهند . در تمام مناطق و بخشهای شهرستان سبزوار ، تقریباً به نسبتی زیره کشت می‌شود ولی بخش ششتمد و قسمتهای جنوب سبزوار ، از جهت کاشت و برداشت مقام والایی را دارد . در سال ۱۳۴۰ خورشیدی نزدیک به ۳ هزار تن و به سال ۱۳۵۶ — میزان تولید آبی و دیم زیرهی سبزوار ۲۲۳۰ تن و در سال ۶۵ مقدار

(۲۰۹) محصول سال ۶۶ ، از سطح زیرکشت ۱۲ هزار هکتار با عملکرد هکتاری ۲۰ تن می‌باشد .

۹۵۰ تن از سبزوار به کارخانه‌ی مجهز همین شهر و ۲ کارخانه‌ی مشهد تحویل شده است .

در سال ۱۳۶۶ زیرمی یک آبی قبل از کاشت چنین بازدهی داشته است .

سطح زیر کاشت	عملکرد در هکتار	میزان برداشت
۴۵۰۰ هکتار	۳۰۰ کیلو	۱۳۵۰ تن

(جدول شماره‌ی ۱۵)

دانه های خوراکی : همی فرآورده های دانه های خوراکی سبزوار و مقام آن در مقایسه با شهرهای همپا جمعیت خود در استان خراسان بدین شرح است : در سال ۱۳۶۳ سطح زیر کشت دانه های خوراکی ۳۸۰ هکتار بوده با محصولی نزدیک به ۱۹۳ تن که از لحاظ سطح زیرکشت و محصول آن از بیرجند بیشتر و از سه شهر تقریباً یکسان جمعیت دیگر، یعنی بجنورد ، تربت حیدریه و نیشابور کمتر بوده است .

آمار خردادماه ۶۷ اداره‌ی کشاورزی سبزوار ، فرآورده‌ی دانه های خوراکی را به این شرح نشان می‌دهد :

فرآورده	سطح زیر کشت	عملکرد در هکتار	مقدار تولید
نخود آبی	۵۰ هکتار	۱ تن	۵۰ تن
نخود دیمی	۱۰۰ هکتار	۳۰۰ کیلو	۳۰ تن
انواع لوبیا	۷۰ هکتار	۱۲۰۰ کیلو	۸۴ تن
عدس	۲۰ هکتار	۱۰۰۰ کیلو	۲۰ تن
ماش	۴۰ هکتار	۱۱۰۰ کیلو	۴۴ تن

(جدول شماره‌ی ۱۶)

انگور : در تمام پهن‌دشت سبزوار و هم‌نواحی مرتفع این شهرستان انگور به صورت آبی و دیم کاشت می‌شود و بیشتر از مصرف اهالی محصول می‌دهد .

انواع انگور سبزوار به این شرح است : انگور عسکری ، انگور خلیلی ، انگور سرخک (یا قوتی) ، انگور دمبه ای (گرد و سفید و نرم

و درشت مانند دنبهی گوسفند) ، انگور لوگه (به ض م ل و تشدید ک) که چاق و گرد و درشت و زرد رنگ می باشد ، انگور دیوانه ، انگور باشاوری یا باشاورو ، انگور سیاه یا هروه (۲۱۰) ، انگور لعل ، انگور شست عروس ، انگور صاحبی ، انگور علّنی (به فتح اول و کسر و تشدید دوم) که آونگی هم گویند ، انگور گلایی و در سال ۵۶ متجاوز از ۱۲ هزار تن و در سال ۱۳۶۵ حدود ۱۹ هزار تن میزان محصول انگور سبزوار بوده است . (آخرین آمار بازده انگور سبزوار به شرح این جدول است) :

نوع انگور و و جای بهره گیری	سطح زیرکشت	عملکرد در هکتار	میزان محصول	کل محصول
آبی (باغها و خویدهای نزدیک به آب)	۷۰۰ هکتار	۸/۵ تن	۵۹۵۰ تن	۲۰۹۵۰ تن
دیمی (پهند - شت و دامنه کوهها)	۷۵۰۰ هکتار	۲ تن	۱۵۰۰۰ تن	

(جدول شماره ۱۷)

و اما در گونه گونی مویز سبزوار باید نوشته شود که ۳ گونه است ۱- مویز مشهور به کوهی که از انگورهای درشت سیاه (هروه) و سفید درشت درست می کنند (۲۱۱) ۲- مویز طیفی ۳- نوعی قهوه ای پر- رنگ که با ذائقه ی مردم سبزوار بیشتر آشنا است . (البته نوع صادراتی آن به صورت کالیفرنایی ساخته می شود) . از انگور باشاورو که سبز و درشت و شاداب است ، شیرهی انگور درست می کنند .

(۲۱۰) شاید صحیح آن ، لغت مصطلح هراتی منسوب به شهر هرات یا هروی باشد ، که " ی " به " ه " تبدیل شده است .
(۲۱۱) از ذکر مشخصات و گویش لهجه ی محلی در مورد انگور و هم طرز ساخت انواع مویز ، برای جلوگیری از زیاد شدن نوشته ، خودداری شد .

آلو : در بخش ششتمد و بویژه در روستای آباد ششتمد حاصل می‌شود و روستاییان با اسلوب خاص ، پوسته‌ی روی آن را کنده و نیمه - خشک می‌کنند . محصول آلوی صادراتی سبزوار در سال ۴۶ متجاوز از ۲ هزار تن بوده و در سال ۶۵ به حدود ۳ هزار تن رسیده است .

محصولات جالیزی یا به اصطلاح غلط آن صیفی‌جات که میوه‌های به دست آمده از جالیز یعنی بوته‌ی خربزه و هندوانه و یا خوراکیهایی از این قبیل است در سبزوار زیاد کشت می‌شود تا آنجا که کشاورزان و بازرگانان و واسطه‌های معاملات ، از درآمد خربزه و تخمه‌ی آن و همچنین تخمه‌ی هندوانه زندگی خوبی دارند . زمینهایی را که خربزه و هندوانه ، در آن به صورت دیمی کاشته می‌شود ، سبزوارها " بند " یا کلاً " بندسار " گویند و زمینهایی را که به صورت جویچه درآورده و تخم هندوانه یا خربزه می‌کارند و ۱۲ روز یکبار یا زودتر آبیاری می‌کنند پالیز نامند .

نام محلی انواع خربزه‌های سبزوار به این شرح است : نخست خربزه‌های زودرس که در تیرماه به بازار می‌آید و گرمه (به فتح اول و سوم) یا گرمک نامیده می‌شود و دیگر طالبی و قرقاوند . و از خربزه‌های بندی که زرداندام کشیده و با پوست رگه دار است و بهترین نوع آن در کلوت ، ایزی ، دولت آباد و کاشته می‌شود . خربزه‌ی رحیمی که دارای پوست سبز است و نرم و پرآب می‌باشد و در حارث آباد و کیزور کاشته می‌شود . بلک نی (برگ نی) کشیده و سبز رنگ و . . و مانند خربزه‌ی اصیل مشهدی (خاقانی) است ، خربزه‌ی خاقانی ، خربزه‌ی جودنه (جو دانه) که مانند خربزه‌ی بندی است ولی در پوسته‌ی آن خالهای سیاه دیده می‌شود . دیگر خربزه‌ی محولاتی که اصل تخم آن از محولات تربت حیدریه است و پوست سبز پررنگ و ضخیم و لاشای تقریباً پرتقالی رنگ دارد و نرم و شیرین و معطر و زمستانی است . نوع دیگر خربزه‌ی دیمی مخصوص رباط گز می‌باشد معروف به (خربزه‌ی رباطی) که پوسته اش زرد کم رنگ و راههای منظمی از طول دارد و بیضی شکل و خیلی شیرین است .

هندوانه : هندوانه ها انواع فراوان دارد و نام محلی آنها این

است : حج مطلبی که حاج مطلب نام شخصی است که احتمالا این تخم را از جایی آورده و کاشته و رایج شده است ، هندوانه‌ای است دارای پوست سبز کم رنگ و نازک و معمولا در کیزور و اطراف کاشته می‌شود و دانه‌ی قرمز دارد . هندوانه‌ی مسکوی (مسکاو) که پوسته‌ی آن سیاه و سفید و شاید تخمش به وسیله‌ی بازرگانانی که به روسیه می‌رفت‌اند به سبزوار آورده شده . هندوانه خانمی که با پوست نرم که دارای تخمی ریز و قرمز و بیضی شکی است و شاداب و شیرین . هندوانه‌ی مشهدی و بالاخره هندوانه‌ی میبندری یا میبودری که هم نام محلی است و هم میان دار و پرلاشه است و سیاه و بزرگ می‌باشد و دیگر هندوانه‌ی نصر-آبادی و . . . (۲۱۲) و اما در مقدار برداشت خربزه و هندوانه‌ی سبزوار به این اعداد می‌رسیم :

در سال ۱۳۵۶ متجاوز از ۶۵ هزار تن و در سال ۱۳۶۳ حدود ۲۴۵۷۲۵ تن که به علت بازدهی خوب و درآمد جالب تخمه‌ی خربزه و بوئژه هندوانه ، همانطور که دیده می‌شود طی ۷ سال مقدارش نزدیک به ۴ برابر شده است . دانستنی ما ، در سال ۱۳۶۵ چنین است :

نوع میوه	سطح زیر کشت به هکتار	عملکرد در هکتار به تن	محصول به تن
خربزه	۱۵۰۰	۱۵	۲۲۵۰۰
هندوانه‌ی آبی	۲۰۰۰	۱۵	۳۰۰۰۰
هندوانه‌ی دیمی	۷۰۰۰۰	۳/۵	۲۴۵۰۰۰
جمع	۷۳۵۰۰	—	۲۹۷۵۰۰

(جدول شماره‌ی ۱۸)

با توجه به محصول سال‌های ۵۶ با ۶۵ و سنجش آن دو با هم ، می‌بینیم که بازده سال ۶۵ تقریبا ۵ برابر سال ۵۶ می‌باشد و این بر اثر زیاد کردن سطح زیرکشت و بالا بردن عملکرد در هکتار است که چندین برابر مشهد و نزدیک به ۳ برابر تربت جام و از لحاظ کل محصول سبزوار پس

(۲۱۲) از ذکر جزئیات خودداری شد .

از شهرستان مذکور قرار دارد .

سبزی ها : سبزی ها که پیاز و سیب زمینی ، گوجه فرنگی و مانند آن را شامل می شود در سال ۶۳ در سطح زیر کشت ۴۶۶ هکتار ، در هر هکتار پیاز ۷ تن ، سیب زمینی ۱۰ تن ، گوجه فرنگی ۲۰ تن و سایر سبزیها حدود ۷ تن با مجموع بازدهی پیاز ۳۵۰ تن ، سیب زمینی ۸۰۰ تن ، گوجه فرنگی ۳۶۰۰ تن و سایر سبزیها ، ۱۰۶۱ تن بوده است و در سال ۱۳۶۶ جدول زیر نمایانگر آن است :

اسم محصول	سطح زیر کاشت	عملکرد در هکتار	مقدار برداشت
سیب زمینی	۶۰ هکتار	۱۰ تن	۶۰۰ تن
پیاز	۵۰ هکتار	۷ تن	۳۵۰ تن
گوجه فرنگی	۱۸۵ هکتار	۲۰ تن	۳۷۰۰ تن
سایر سبزیها	۱۵۰ هکتار	۷ تن	۱۰۵۰ تن
مجموع	۴۴۵ هکتار	—	۵۷۰۰ تن

(جدول شماره ی ۱۹)

سیب زمینی ، پیاز و گوجه فرنگی برداشت شهرستان سبزوار ، کفاف مصرف اهالی را نمی نماید و همه ساله مقداری (گر چه کم) — سیب زمینی از ده سرخ کاشمر ، اردبیل ، شاهرود و . . . ، پیاز از شاهرود و اردبیل و گوجه فرنگی فصل (به موقع) از نیشابور و پیش از فصل ، از مراکز جنوب کشور به سبزوار وارد می شود .

میوه های درختی : میوه های درختی که برخی از آنها به صورت کالیفرنمایی و نوعی محلی ، به صورت خشکبار ، از سبزوار صادر می شود و یا آنها که در حد خوردن خود اهالی به دست می آید و در محل مصرف می گردد عبارت است از آلو که (یادش گذشت) ، زردآلو که انواع و عناوینی به این شرح دارد ۱- نوری که گرد و زودرس ، پوست نازک ، نرم و شیرین است . ۲- عروک (به ضم اول) که درشت آن ترش مزه و دانه اش تلخ است و نوع ریز آن مایل به شیرین و هسته ی آن هم شیرین و بیشتر به صورت برگه (۲۱۳) صادر می شود ۳- زردآلوی

"چینگ کلاغ" نوعی است به شکل نوک کلاغ، زرد و قرمز، ترد و شیرین و جالب که اکنون خیلی کم شده و دیر هضم می‌باشد. ۴- زردآلوی شکرپاره به مانند چینگ کلاغ ولی درشت و کمی گرد و اغلب دانه به لاشه چسبیده است، ۵- زردآلوی سرحوضی شبیه شکرپاره و کمی مایل به سفید ۶- زردآلوی شفقی (به زیر در نخستین و دومین) شاید همان شکرپاره باشد و درشت تر و آبدارتر ۷- پرسی که همان زردآلوی پارسی باشد و سفید و بیضی شکل و

گوجه درختی: گوجه‌ی درختی را در سبزوار "گورجه" (با راء ساکن) نامند و نوع ریز و ترش آن را لیشی (لوشی) گویند.

بادام: در مناطق کوهستانی و دارای هوای معتدل تابستانی، به دو صورت آبی و دیم کاشته می‌شود و سبزوارها به آن "بادم" (به ضم دال) گویند. محصول بادام سبزوار در سال ۱۳۶۶ عبارت بوده است از: آبی در سطح زیرکاشتی متجاوز از ۲۵ هکتار با عملکرد در هکتاری ۲۵۰۰ کیلو جمعا ۵۰ تن.

دیمی در سطح زیرکاشتی متجاوز از ۲۰۰ هکتار با عملکرد در هر هکتار ۶۰۰ کیلو جمعا ۱۲۰ تن و کل جمع‌آوری ۱۷۰ تن.

گردو: گردو در مناطق کوهستانی کاشته می‌شود ولی سطح کاشت مجتمع و انبوه ندارد، بلکه پراکنده است و حدودا در ۷ هکتار بسا محاسبه‌ی تقریبا ۳۰۰ درخت در هکتار که شاید ۲۱۰۰ درخت، با بازده هر درخت بطور متوسط حدود یک تن و کلا بیش از ۲ هزار تن محصول می‌دهد. بیشتر مناطق گردوده سبزوار دهستان طبس، بخش جغتای، بویژه دهستان براکوه می‌باشد.

دانه های روغنی: در تولید دانه های روغنی همچون کرچک و کنجد و نیز سبزوار مقام والایی را دارا است، بطوری که سطح زیر

پاورقی از صفحه قبل

(۲۱۳) برگه را در گویش محلی سبزوار کیشته (به فتح ت) گویند و قیسی هم نوع دیگری از صادرات زردآلو می‌باشد که بجای خود از آن واز زردآلو و لهجه‌ی محلی آن بحث خواهد شد.

کاشت این گونه زراعت‌های صنعتی به سال ۱۳۶۳ خورشیدی ۱۲۰ هکتار بوده است و از این جهت ، بعد از درگز و بجنورد ، حتی برتر از مشهد ، در سطح استان قرار دارد و کلاً جمع مساحت زیرکاشت زراعت‌های صنعتی با ۱۷۱۲۰ هکتار در استان خراسان اول است (۲۱۴) .

محصولات خودرو و طبی

۱- کتیرا : که از بوته‌ی خارمانندی به نام گون گرفته می‌شود ، در تمام نواحی کوهستانی بویژه در قسمت‌های جنوب غربی و شمال غربی شهرستان سبزوار می‌روید و اقسام متعدد دارد که دارای محصولات گوناگون می‌باشد و مهمترین آن گونی است که اسم علمی آن استراگالوس^x است . برای بدست آوردن کتیرا ، بر روی ساقه‌ی گیاه (نزدیک به ریشه) تیغ می‌زنند . از کتیرا در پارچه بافی و ساختن جیب و مصارف صنعتی استفاده می‌شود و اثر درمانی معینی در پزشکی ندارد . محصول آن در سال‌های نزدیک به ۱۳۴۰ خورشیدی ، حدود ۲۵۰ تن بوده است و بعد از آن آماری به دست نیامد . غیر از کتیرا انواع مختلف صمغ‌های دیگر از ساقه‌ی درختان گیلان ، زردالو ، گوجه ، بادام و غیره نیز در سبزوار حاصل می‌شود که در اصطلاح محلی به آن " زنج " (به کسر اول) گویند .

۲- انگوزه : محصول نباتی است موسوم به کما (به ضم اول) و در زمین‌های خشک شنی و آهکی و زمین‌های شوره زار می‌روید و آب و هوای گرم در نشو و نمای آن موثر می‌باشد . محل رویش انگوزه ، بیشتر بیابان‌های شمال و جنوب ، بویژه جنوب باختری سبزوار است . این ماده را از شیرهای خشک ریشه‌ی نبات می‌گیرند و معمولاً از بیستم فروردین در چهار نوبت ، تا آخر تیر دوران بهره دهی است . انگوزه به عنوان ادویه تند استعمال می‌شود و برای رفع اختلالات گوارشی

(۲۱۴) آمارنامه‌ی خراسان ، سال ۶۳ ، ص ۵۱ .

ASTRAGALUS x . (گون به فتح اول و دوم می‌باشد) .

(جهت معده ای که زخم یا ناراحتی نداشته باشد) و رفع حمله (هیستری) و امراض ناشی از عصبانیت و هم برای ضد کرم استفاده می‌شود .

۴- **درمنه‌ی ترکی** : که ماده‌ی تلخی دارد در اغلب نقاط سبزوار می‌روید و در عالم طب برایش اهمیت زیادی قائلند و بویژه برای دفع کرم و دل درد و هم در بی‌اشتهایی و قاعدگی نامنظم داروی موثری است . وجود احتمالی ماده‌ی موثری به نام سانتونین در این گیاه برای دفع کرم جانوران مفید است (۲۱۵) .

۴- **شاه تره** : نباتی است صحرایی ، خودرو و طبی که در فصل بهار ، از گیاهی یکساله با برگهای شلاقی جمع‌آوری می‌شود و خاصیت تلخین مزاج دارد و منبع درآمدی برای افرادی است که با آن و نحوهی جمع‌آوری آن آشنایی دارند .

۵- **زیرمی کوهی** : گیاهی است خودرو در کوهستان‌ها که جنبه‌ی رفع دل درد و ناراحتی گوارشی دارد و از میانه‌ی اردیبهشت تا آخر تیر فصل جمع‌آوری آن در سبزوار می‌باشد .

۶- **ترنجبین** : ترنجبین چاشنی جوشانده ای است که از ترکیب چند علف دارویی صحرایی تهیه می‌شود و اشتهاآور و برطرف‌کننده‌ی ملال و رونده است و از بوته‌های خارمانندی در سبزوار جمع‌آوری می‌شود (۲۱۶) .

گیاهان طبی و صمغی خودروی دیگری همچون مازو ، زدو ، ریوند ، صمغ (سقز) یا به اصطلاح محلی سقز به کسر اول و دوم (، سریش (سرشک به کسر اول و دوم) ، شیرخشت ، فلوس ، گل بنفشه ، گل گاوزبان ، گزانگبین و در نقاط مختلف شهرستان سبزوار می‌روید (۲۱۷) .

(۲۱۵) علی زرگری ، گیاهان دارویی ، چاپ دانشگاه تهران ، جلد ۲ ص ۱۴۸ .

(۲۱۶) موسی جعفری ، پایان نامه ، ص ۳۱ تا ۳۵ .

(۲۱۷) برای آگاهی بیشتر از گیاهان دارویی و اثر آنها ، علاوه بر

دام و فراآورده های دامی سبزوار

بیشتر کشاورزان سبزوار ، همراه با فعالیت کشاورزی به پرورش دام نیز مشغولند ، که به دو صورت "کم دامداری" یا به اصطلاح محلی چکنه (به کسر اول و فتح دوم و سوم) و دامپروری می باشد که پس از عرضی دام در بازار داخلی شهر یا شهرستان ، افزون بر مصرف آن به شهرهای دیگر صادر می شود .

علاوه بر دام اصلی که شامل گوسفند و گاو و در بعضی جاها شتر می باشد ، مردم سبزوار به نگهداری طیور و پرندگان خانگی و غیر آن و همچنین کرم ابریشم و زنبور عسل نیز می پردازند .

در جنوبی ترین قسمت سلسله جبال البرز ، که از شمال شهرستان سبزوار می گذرد و هم در کوه های جغتای و طبس و نیز در دنباله کوه های کومس در جنوب ، انواع حیوانات وحشی درنده و گوشتخوار پیدا می شود . سبزوارپها به محلی که چهارپایان در آنجا نگهداری می شوند اغل (به فتح اول و دوم) و هم پیگاه (پایگاه) و در بعض جاها " پاوال " نامند . اینک در محدوده چهارپایان اهلی در سبزوار به لحاظ جنسیت و سن آنها اشارتی می شود .

۱- گوسفند : می دانیم که گوسفند انواع و اسامی مختلفی دارد که شرح آنها در سبزوار چنین است : میش را مش (به کسر اول) ، برهی نوزاد را بره یا خلمه (به فتح اول و دوم و سوم) می گویند ، گلمی گوسفندان کم سال را هم " خلمه " و چوپان را " چاپو " می نامند . بره که ۶ ماهه شد " طفلی " (به ضم اول) ، یکساله شد یعنی همان هنگام که ۲ دندان شیری می اندازد " شیشک " (به فتح سوم) ، دو ساله به بالا را " بخته " (به فتح اول و سوم) ، سه ساله را " سه زه " یا " نوبخت " و به گوسفند نر

دنباله پاورقی از صفحه قبل

منبع شماره ۲۱۵ به کتاب گیاهان دارویی پروفیسور هانس فلوک ، ترجمه دکتر توکلی و مراجعه شود .

تخمی " قوچ " می‌گویند . گوسفند اگر جوان باشد تا ۱۰ ساله گاهی در سال ۲ مرتبه و هر دفعه هم شاید ۲ بره بزاید .

۲- بز : سبزواریه‌ها بچه بز را ، بزغله " بزغاله " و یکساله‌ی آن را " کالار " و دو ساله اش را " چاووش " ، بز شیرده را " داشتی " و بالاخره بز نر را " تکه " (به فتح اول و دوم) نامند ، بزى که پیشانی اش سفید است بز پیشانی سفید و نوع دیگر آن بز عروس (عریس) می‌باشد که بین دو شاخ زیبایش موی قشنگ بافته دارد . اگر بز شاخ نداشته باشد ، بز کل و چنانچه بزى گوشش تا داشته باشد " مری " ، (به ضم اول و تشدید دوم) گویند .

در سال ۱۳۴۵ در کشتارگاه سبزوار ، روزانه حدود ۸۰ راس گوسفند کشتار می‌شد و در سال ۱۳۶۷ خورشیدی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ راس . در سال ۶۸ با توجه به آمار دامپزشکی سبزوار ، تعداد گوسفند (میش و قوچ) ۷۸۰/۵۲۰ راس ، بز ۲۹۱/۶۳۳ راس و جمعا ۱/۰۷۲/۱۵۳ راس در ۱۱- مرکز و ۳۵۸ روستا گزارش شده و شاید بیش از این هم در روستاهای دورافتاده که آمار نداده اند وجود داشته باشد . ضمنا گوسفندان سبزوار از نژاد بلوچ ، مغان ، قزوینی ، کردی و . . . هستند .

۳- گاو : گاوداری هم مانند مراکز دامداری و دامپروری گوسفند ، در تمام سطح شهرستان سبزوار گسترده است و در جنوب و جنوب غربی بیشتر می‌باشد و در این منطقه ، مرکزی وابسته به گاودار صنعتی دورگه هم وجود دارد . (اصطلاحات محلی در باره‌ی انواع گاو به این شرح است : گوسله (به فتح سوم و چهارم) گوساله . جونه (به کسر اول و فتح دوم و سوم) جوانه که گوساله‌ی نر یکساله می‌باشد . تخت (به ضم اول) گوساله‌ی ماده . میه گاو (به کسر اول و دوم) گاو ماده .

در سال ۱۳۶۷ خورشیدی به گفتار مسوولی در دامپزشکی سبزوار ، آمار انواع گاو در این شهرستان به شرح زیر بوده است :
گاو شیرى ۳۴/۹۵۷ راس ، تلیسه (گوساله‌ی نزدیک به مادر شدن) ۱۶/۱۱۰ راس ، گاو نر ۱۳/۴۱۳ راس ، جمع ۶۴/۴۸۰ راس . (روشن است که خارج از این آمار هم ، بیش از این وجود خواهد داشت) .

کشتار رسمی گاو و گوساله در کشتارگاه سبزوار در حدود سالهای

۴۵-۴۶ روزانه حدود ۱۰ راس بوده ولی در سال ۱۳۶۷ به ۱۵ تا ۱۶ راس افزایش یافته است . با توجه به اظهار دامپزشکی سبزوار جهت پرورش و بهره گیری گاو در این شهرستان ، در اواخر سال ۶۷ برای ۵۰۰ راس گاو ، ۳۰۰۰ راس گوساله و ۱۴۰۰ راس دو رگه از نژاد ایرانی و هلشتاین پروانه صادر شده است .

۴- شتر : اصطلاحات مربوط به این حیوان پرطاقت ، در سبزوار از این قرار است : هشی (به فتح اول) شتر شیرخوار تایکساله . حق (به فتح اول) بچه شتر ۲ ساله . ارونه (به فتح اول ، سوم و چهارم) شتر جوان بلند اندام . لوک (به ضم اول) شتر نر . این حیوان بیشتر در جنوب سبزوار مانند حارث آباد و دولت آباد و در پهن دشت حاشیه کویر و دشت وسیع جوبین پرورش و نگهداری می شود . تعداد کشتار شتر در کشتارگاه سبزوار ، در سال ۴۶ ، ۳ نفر و در سال ۱۳۶۷ ، روزانه ۵ نفر بوده است . تعداد شتر در سال ۱۳۶۷ برابر آمار دامپزشکی سبزوار ۳۴۸۱ بوده است (شاید بیش از این هم در آمار نیامده است) . دیگر حیوانات اهلی موجود در سبزوار در مرداد ماه ۱۳۶۷ برابر آمار دامپزشکی به این شرح بوده است :

اسب ۶۴۴ راس ، قاطر ۸۹ راس ، الاغ ۳۲۵۹ راس و بالاخره جمع کل دامهای سبزوار ۱/۱۷۳/۴۳۹ راس می باشد .

دام و دامپزشکی در سبزوار : بیماریهایی که برخی از حیوانات سبزوار به آن دچار می شوند به این قرار است :

۱- بیماریهای واگیردار ، مثل سیاه زخم که در مناطق ششتمد ، از جاهای دیگر زیاده تر است ، و بیماری دیگری به اصطلاح محلی (شور- بادی) که شاید معادل خارجی آن (آگالاکسی) است و بر اثر خوردن علف شور ، شل و بی حال می شوند ، و هم بچه اندازی که بر اثر تب مالت ، عارض حیوانات می شود و درمان آن زیاد طول می کشد .

۲- بیماریهای انفرادی مانند بیماریهای کمبود غذایی و مواد معدنی و ویتامینی .

۳- بیماریهای انگلی مانند کرم روده یا به اصطلاح محلی " کرم رادگی " یا همان کرم رودگی و به بیانی دیگر کخ راده ، (به ضم ک) و هم

کرم جگر سفید و کرم جگر سیاه (کرم جگر) ، کرم معده یا " قزل قورت " ، بیماریهای کیست ، بیماریهای کرم کدو (کدی) در گوشت گاو ، کرم دماغ که به مخ می‌رسد و از کرمهای معمولی کلفت تر است . اگر حیوان به شدت سرفه کرد کرم از بینی او پریده و خوب می‌شود و الاً دچار سرگیجه می‌گردد و بالاخره دیوانه می‌شود !

از بیماریهای دیگر آب خسب می‌باشد و آن مرض یا عادتی است که معمولاً الاغ و اسب دچار می‌شوند و آن بدین گونه است که چون حیوان به آب می‌رسد ، در آن می‌خسبد .

" دلاغ " (به ضم اول) بعضی گویند مخصوص الاغ است ولی سایر حیوانات هم بر اثر سرما خوردن دچار می‌شوند و از علامات آن ، این است که : ابتدا از چشم و دماغ حیوان آب می‌آید و بعد بندی بینی و بالاخره تب کردن و از کار ماندن از پیشامدهای آن است . برای درمانش ، روستاییان چوب تیز یا درفش داخل بینی حیوان می‌کنند ، چند قطره خون می‌آید و خوب می‌شود .

" طبقه " (به فتح اول و دوم و سوم) بیماری ویژه گاو است که لاعر و لاعر می‌شود و بالاخره می‌میرد ، و این شاید همان طاعون گاوی باشد ، برای درمان آن ، در محل به حیوان آب نمک می‌دهند .
" سم ساییدگی " مرض دیگر این حیوانات ، ساییدگی یا به اصطلاح محلی " باد گرفتگی " سم برای گاو است که معمولاً حیوان را چند روز استراحت می‌دهند و مواظبت می‌کنند تا خوب شود .

" پس " (به کسر اول) که همان پيس و پيسه می‌باشد ، بیشتر در گوسفند و شتر پیدا می‌شود ، با پیدا شدن شوره ، بر روی بدن حیوان و برای درمان این بیماری بدن حیوان را شسته و پس از خشک شدن با روغن چرب می‌کردند .

" شقاق " به (ضم اول) ، نوع بدخیم و شدید پيسه که مو یا پشم شتر و گوسفند می‌ریزد و نرمه شوره ها بطور زیاد ، بر تمام بدن حیوان ظاهر می‌شود ، در این موقع باید حیوان را کشت و گوشتش را سوزاند یا چال کرد که سالم مانده ها دچار این بیماری خطرناک نشوند .
" زردی " که معمولاً بیماری گوسفند است ، برای درمان آن

حیوان را در زمین جو درو شده ، که پس از درو ، آب داده اند ، می‌خوابانند و علفی شیرین که در محل شناخته شده به گوسفند می‌دهند و به خوراکش نمک اضافه می‌کنند .

(فرآورده های دامی سبزوار ، به علت اهمیت و نقشی که در صادرات این شهرستان دارد ، در قسمت مربوط به صادرات صفحه ۲۷۰ به بعد آمده است .)

پرندگان : از پرندگان اهلی ، به دو صورت می‌توان نام برد :

۱- سنتی و روستایی ۲- پرندگانی که به روش علمی جدید در محله‌ها و دستگاه‌های ویژه پرورش می‌یابند و در این مورد از بعض جهات ، دولت نظارت دارد . پرندگان سنتی و روستایی که آمار آن در اداره ی کشاورزی شهرستان سبزوار تنظیم گردیده ، به این شرح است : مرغ ۱۵۱/۰۶۲ قطعه ، خروس ۶۶/۹۳۲ ، اردک ۴/۲۴۶ ، غاز ۱/۸۵۴ و بوقلمون ۷/۷۴۶ قطعه .

مرغداری در شهرستان سبزوار : در شهرستان سبزوار ، تعداد ۳۹ واحد پرورش مرغ گوشتی کد دار ، به ظرفیت ۸۷۶/۵۵۰ قطعه و ۳۰۰ واحد آزاد به ظرفیت بیش از یک میلیون قطعه که برابر کوبین اعلام شده و حواله به همشهریان داده می‌شود و چون تولید آن‌ها از مصرف سبزوار بیشتر است ، برابر حواله صادره از سوی اداره ی کل بازرگانی خراسان ، در درجه ی اول به مشهد و بعد هم به مناطق دیگر حمل می‌گردد (۲۱۸) . علاوه بر دو رقم ذکر شده ۱۹ واحد مرغ تخم گذار در سطح بازدهی بالا نیز ، به صورت رسمی در سبزوار فعالیت دارند .

زنبور عسل : در مناطق کوهستانی خوش آب و هوار و درخت دار و گلزار سبزوار پرورش می‌یابد . علاوه بر آنچه که هنوز هم ،

(۲۱۸) اداره ی کل صنایع خراسان ، آمار مرغداری گوشتی را ، ۱۸۲ واحد با ۱/۶۰۰۰/۰۰۰ قطعه ، تخمی را ۱۸ واحد با ۱۶۱/۷۰۰ قطعه و گاو - داری را ۷ واحد در اوایل سال ۶۷ ، اعلام کرد . بدیهی است که آمار فعلی زیاده تر بوده و همچنین به صوت شخصی و مستقل تعداد بیشتری در شهرستان سبزوار موجود می‌باشد .

خارج از روش ارائه شده از سوی اداره‌ی دامپروری ، در روستاها بهره گرفته می‌شود ، در روستاهای جغتای ، طبس ، افچنگ ، بالش آباد ، کراب ، نوده ارباب (نوده انقلاب) ، حسن آباد ده زمین ، کیذقان و . . . به راه های علمی از ۴۲۷ کندوی عسل بهره برداری گردیده با میانگین بهره دهی هر کندو ۷ کیلوگرم عسل .

ابریشم : در بعضی روستاها و بیشتر در مناطق کوهستانی شهر-ستان سبزوار ، از طرف اداره‌ی کشاورزی ۱۷۰۰ جعبه تخم نوغان دربین روستاییان درخواست کننده و واجد شرط پخش گردیده که هر جعبه بطور متوسط ۳۰ کیلوگرم پیله می‌دهد . سادگی تغذیه کرم ابریشم و وجود درختان توت ، با توجه به زمان برداشت آن که قبل از برداشت خرمن گندم و جو و ... است باعث شده که در مکانهای مناسب به پرورش کرم ابریشم بپردازند .

صنعت و پایه و مبنای آن

صنایع ماشینی و کارخانه های تولیدی و تبدیلی در سبزوار عبارتند از :

۱- کارخانه های پنبه پاک کنی : سال ۱۳۳۵ بود که نخستین کارخانه‌ی پنبه پاک کنی سبزوار ، با سرمایه گذاری میرزا حسین خان غنی در خیابان پهلوی سابق (اسد آبادی فعلی) تاسیس گردید . (البته قبل از این زمان در کاروانسرای اصفهانی هم کارخانه ای به صورت ابتدایی وجود داشت) .

در حدود سال ۱۳۴۵ خورشیدی ، سه کارخانه تصفی‌ی پنبه و جدا کردن تخم پنبه و بسته بندی آن (عدل بندی) در محدوده‌ی شهر سبزوار وجود داشت که برحسب فصول ، ۲۶ تا ۹۰ کارگر در آن مشغول به کار بودند و این کارخانه ها وابسته به شرکتهای برق خصوصی قدیم بوده که یکی شرکت سهامی برق و صنایع دارای ۲ دستگاه جین لوموس با ۳۰ کارگر ، سالانه حدود ۱۰ هزار عدل پنبه و دومی شرکت تجارتي دارای ۴ دستگاه غوزه شکن و ۲ دستگاه لینتر و یکدستگاه پرس عدل بندی با بازده

سالانه بیش از ۱۶ هزار عدل پنبه که در زمان بهره برداری دارای ۷۰ - کارگر و در سایر فصول ۱۰ تن بود که اقدام به تعمیر وسایل و آماده کردن کارخانه برای دورهی فعالیت بعدی می‌کردند .

برابر برگهای مشخصات واحدهای صنعتی مربوط به سال ۶۷ که در ادارهی کل صنایع خراسان موجود می‌باشد ، در پنبه پاک کنی شاهین که فعالیت آن در جهت تهیهی پنبهی محلوج است ، ۲۵۵۰ تن پنبه‌ی محلوج و بیش از ۵ هزار تخم پنبه ، بازده در سال تولید می‌شود و در آن ۸۰ میلیون ریال سرمایه گذاری شده و ۳۵ تن کارکنان آن می‌باشند .

در این کارخانه ها علاوه بر تولید نخ و پارچه های نخی ، ازپنبه دانهی حاصله ، روغن نباتی و از تفالهی آن کنجاله برای خوراک دام تهیه می‌شود . با توجه به اطلاعات بدست آمده از سازمان پنبه‌ی سبزوار ، نیشابور و . . . که مرکز آن در سبزوار است ، در بین شهرستانهای زیر نظر این سازمان ، سبزوار به تنهایی با داشتن سه کارخانهی پنبه پاک کنی مجهّز ، از لحاظ تعداد کارخانه به تنهایی سه برابر هر شهر وبازده آنها هم حدود ۲ برابر مجموع بازده سایر نواحی تابعه (اسفراین ، جاجرم ، دامغان و نیشابور) می‌باشد . این هم عملکرد کارخانه های پنبه پاک کنی شهرستان سبزوار در ۲ سال ۱۳۵۶ و ۶۵ خورشیدی برای سنجش و آگاهی :

سال	مقدار وش	تعداد عدل از تخم ورامین	پنبه محلوج	مقدار جوزقه	تعداد عدل از پنبه بومی	پنبه محلوج
۵۶	۱۴۷۱۹ تن	۳۲۵۳۹ عدل	۵۲۹۵۵۵۰ کیلو	۹۴۹ تن	۱۳۷۹ عدل	۲۴۲۰۰۲ کیلو
۶۵	۵۶۸۹ تن	۱۲۳۳۳ عدل	۱۹۱۰۸۴۴ کیلو	۹۲۷۹ تن	۱۴۳۵۶ عدل	۲۲۰۶۴۷۵ کیلو

(جدول شماری ۲۰)

۲- کارخانه های پشم پاک کنی : با کشتار گسترده و زیاد گوسفند و . . . در سطح شهرستان سبزوار ، نیاز به تاسیس کارخانه هایی برای پشم پاک کنی و زدودن خاک و . . . و تمیز کردن آن ، در این شهر احساس

شد. لذا در سال ۱۳۵۶ تعداد ۵ کارخانه‌ی پشم پاک کنی که سه تای آن در محدوده‌ی شهر و دو تای دیگر در جنوب شهر سبزوار بود تاسیس گردید که پس از شستشوی پشم و زدودن، آن را به صورت خامه در می‌آوردند و حدود ۴۰ تن کارگر در آن مشغول بودند. در سال ۱۳۶۶ کارخانه‌های پشم قائم سبزوار، ریسندگی پشم سبزوار و شرکت خاص محمدیه، بسا داشتن پروانه برای ۹۰۰ تن تبدیل سالانه، تا یک هزار تن خامه برای صنعت مهم و فراگیر شهرستان یعنی قالیبافی تولید می‌کردند. میزان سرمایه گذاری آنها ۱۸۷ میلیون ریال و تعداد کارگرانی که در آن به کار مشغولند ۱۲۰ تن می‌باشد.

۳- کارخانه‌های کرک و مو پاک کنی: شاید کمی پس از سال ۱۳۴۰ محصول کرک و موی سبزوار ۱۰۰ تن بوده و اکنون با ایجاد دستگاه‌های مخصوص جدا کردن مو و کرک از پشم و چیدن آنها و همچنین وجود کارخانه‌های مجهز سالامبو سازی، مقدار کرک و موی شهرستان سبزوار، حداقل ۴ برابر فزونی گرفته است.

۴- کارخانه‌های تهیه‌ی پوست (سالامبوسازی): تا سال ۱۳۴۲ حدود ۳۰ کارگاه قدیمی (دباغ خانه) در سبزوار وجود داشت. این کارگاه‌ها بیشتر در مناطق جنوبی شهر (در آن زمان) از جمله پایین کوچه‌ی نقابشک و یا پایین محله‌ی سبزی قرار داشتند. در این کارگاه‌های کثیف دباغی، حوضچه‌هایی بود که در هر کدام ۶ یا ۷ نفر کارگر با روشی ابتدایی کار می‌کردند. کارگران دباغی در آن زمان بیش از ۲۰۰ نفر می‌شدند که دستمزد روزانه‌شان ۸ ریال برای استاد و ۴ ریال برای شاگرد بود. به تدریج، با ورود فراوان پوست از شهرهای دور و نزدیک به سبزوار، و توسعه یافتن کار، کارخانه‌های مجهز سالامبوسازی تاسیس گردیده و کارگاه‌های سابق دباغی تعطیل شدند. هم‌اکنون سه کارخانه در محله‌ی جعفرآباد (در جنوب شهر) و ۶ کارخانه‌ی دیگر در محور جاده‌ی تهران (ابتدای جاده‌ی خسروگرد) مشغول کار هستند.

روش زدودن پشم و مو، از پوست در قدیم چنین بود که کوبیده‌ی پوست انار و ریشه‌ی ریواس تهیه شده را توسط خراس به داخل تفرار (حوضچه) می‌ریختند و پوست را تا ۵ روز یا بیشتر در خمها یا تفرارهای محکم سفالی پرآب می‌گذاشتند و سپس کارگران به داخل تفرار

رفته و با پا ، پوستها را لگد می‌کردند. و به هر حال ، به این صورت هر ماه بیش از ۱۰۰۰ جلد پوست گوسفند و ۵۰۰ جلد چرم گاو و تعدادی چرم شتر تهیه می‌شد .

اما اکنون ، برابر آمار اداری کل صنایع خراسان ، کارخانه های سالامبوسازی سبزوار ، با سرمایه گذاری به میزان ۲۲۹ میلیون ریال و در اختیار داشتن ۷۸ کارگر ، دست‌اندرکار تولید سالانه ۵۰۰/۰۰۰ جلد انواع چرم آستری و سبک و پوست تیماج (۲۱۹) هستند. علاوه بر اینها چند دستگاه زهتابی وجود دارد که از روده‌ی گوسفند ، سالانه یک میلیون رشته " زه " درست می‌کنند. اضافه بر آنچه یاد شد ، همه ساله بیش از ۲۰۰ هزار جلد تیماج و چرم به صورت سالامبو ، در کارخانه های سبزوار آماده می‌شود که حدود ۵۰ هزار آن از سبزوار و بقیه از شهرستانهای نیشابور قوچان و مشهد ، حتی اهواز و اصفهان خریداری و به کارخانه های — سبزوار برای پشم و موکشی تحویل و به وسیله‌ی این کارخانه ها سالامبو می‌شود و تعدادی از این چرم و تیماج ها به تهران و تبریز حمل می‌گردد و از آنجا معمولا به ایتالیا که طرف قرارداد است و یا سایر کشورها فرستاده می‌شود . سبزوار با داشتن ۶ کارخانه و بازدهی متناسب ، در سطح بالا ، در استان خراسان مقام اول را دارا می‌باشد .

۵- کارخانه های ریسندگی و بافندگی : تا سال ۱۳۵۶ تعداد کارخانه‌های نخریسی سبزوار ۲ باب بود ، یکی در جنوب شهر و دیگری در کنار جاده‌ی تهران سبزوار که برای تهیه‌ی مواد اولیه‌ی قالی و . . . فعالیت می‌کردند و چون بازده آنها بیش از حد بازار مصرف این شهر بود به نیشابور و کاشمر و اسفراین هم برده می‌شد . همچنین یک واحد نختابی در خیابان طالقانی (مسیر جاده‌ی سبزوار به طبس) و اضافه

(۲۱۹) فامیلی که به این کار اشتغال داشتند (تیماج چی) گویند همچنانکه شاغلین به کار دبّاغی را کلاً دبّاغی ، دبّاغ و دبّاغچی با علامت زیر در نخستین حرف گویند و هنوز از بازماندگان آنان به همین نام خانوادگی هستند و زهتابزاده ها برای زه ساختن و چرمچی ها ، برای چرم ، فامیل‌های معروف سبزوار می‌باشند .

براینها کارگاههای پشم ریزی خانگی بیش از ۲ هزار مورد به عنوان شغل جنبی خانه داری برای زنان در محلات مسکونی پایین شهر وجود داشت .

مشخصات کارخانه های ریسندگی و بافندگی سبزوار با توجه به اطلاعات اداری کل صنایع خراسان به شرح زیر است :

الف : بافندگی پارچه الیاف مصنوعی با شرکت آقایان زارع و وکیلی با ۶۰۰ هزار متر ظرفیت سالانه ، با سرمایه گذاری ۷۷/۷ میلیون ریال و ۲۴ کارگر و کارمند .

ب : کارخانه ی بافندگی نازگل با سرمایه گذاری آقای شعبانپور به مبلغ ۳۸۹/۴ میلیون ریال با ۱۲۰ کارگر و سرمایه ی ۲/۷۰۰/۰۰۰ ریال .
پ : نختابی در ۴ واحد (کارخانه) که سرمایه گذاران آن ، آقایان دادرسی و زارع ، ساده و وکیلی با سرمایه ی ۵۹۷۲ میلیون ریال و ۵۸۹/۵ تن ظرفیت سالانه و کارکنانی حدود ۵۰ تن می باشد .

۶- کارخانه ی آرد سازی سبزوار : گرچه متجاوز از ۱۰ کارخانه ی آرد، در حد متوسط تجهیز و بازدهی ، درشهر و روستاهای سبزوار وجود دارد ولی کارخانه ی بزرگ و مجهز و اصلی سبزوار به نام " شرکت تولیدی آرد سبزوار " که در حدود ۱۰ کیلومتری غرب شهر سبزوار (به طرف شاهرود) واقع شده ، به علت تشخیص موقعیت مناسب و مجموع حاصل عالی به وسیله ی آقای طاهری ، با سرمایه ی ۳۶۵ میلیون ریال با بیش از ۲۰ کارگر و کارمند در این منطقه دایر گردید . آرد این کارخانه به اندازه ای نرم و سفید و جالب است که حتی شیرینی فروشهای مشهد در انتظار رسیدن آرد آن چشم به راه دوخته اند .

تولید شبانه روزی این کارخانه ۱۰۰ تن می باشد و شاهرود و سبزوار و اسفراین و . . . و مشهد از بازده این کارخانه برخوردار می شوند .

۷- کارخانه های روغن گیری یا روغنکشی : سابقا ، در سبزوار چند دستگاه روغن کشی با وسایل ابتدایی (خراس) وجود داشت که از دانسه ی هندوانه ، تخمه ی خربوزه ، آفتابگردان و دانه های روغنی مانند پنبه تخم کنجد ، کرچک و بادام ، روغن می گرفتند و تولیدات آنها درصابون سازی و پزشکی و کمی هم برای خوراک ، مورد استفاده قرار می گرفت .

برای روغن گیری در قدیم کارگاه هایی وجود داشت که با دستگاهی بنام خراس (به ضم اول) به شیوه ای کاملاً ابتدایی اقدام به ایسن کار می کردند . تا حدود سال ۱۳۴۰ خورشیدی ، روغن گیران سبزواری در چنین کارگاه هایی فعالیت داشتند . تعدادی از آن ها در ابتدای کوچه ی پادروخت ، و یا جنب مدرسه ی فخریه وجود داشتند . خراس وسیله ای بود ساخته شده از سنگ های مخصوص مدور و گود شده که محکم به زمین نصب شده بود . چوبی بلند (شاید به طول ۶ متر و قطر حدود ۳۰ سانتی متر) در داخل گودی سنگ قرار داشت . اسبی را با چشمان بسته به این چوب می بستند و مرتب به دور سنگ می چرخاندند . دانه های روغنی که بر روی سنگ ریخته می شد بر اثر فشار چوب ، شکسته و له می شد و روغن آن جدا می گشت . این گونه کارگاه ها با توجه به خستگی کارگران و اتلاف وقت زیاد دارای بازدهی پائین بودند . در سال های بعد ، با افزایش کشت دانه های روغنی و رشد میزان تولید ، و نیاز بازارهای خارج از سبزوار ، بتدریج کارخانه های مدرن تری تاسیس و مورد استفاده قرار گرفتند .

۸- کارخانه ی زیره پاک کنی : به علت زیادی فرآورده ی زیره ی شهرستان سبزوار و حتی حمل این محصول از بعضی شهرستان های مجاور ، به ایسن شهر ، کارخانه ای مجهز برای زیره پاک کردن به کوشش شادروانان ، برادران فروغی ، به صورت شرکت سهامی خاص با مسئولیت محدود ، به نام شرکت بازرگانی و تولیدی سبزوار ، در کنار جاده ی ورودی شاهرود به سبزوار در باختر شهر تاسیس گردید که تا سال ۱۳۵۶ بیش از ۱۰ تن کارگر داشت^x.

۹- کارخانه ی قند جوین : این کارخانه که بخشی از فعالیت واحد کشت و صنعت جوین است ، در کنار روستای نقاب که مرکز بخش جوین می باشد قرار دارد و در سال ۱۳۵۶ به سرمایه ی آقای مهدوی تاسیس گردید و پس از انقلاب اسلامی زیر نظر سازمان صنایع ملی کشور اداره می گردد .

x جهت اختصار ، از چگونگی پاک کردن زیره در گذشته و زیره آسیابانی سنتی و کارخانه ای و . . . خودداری می شود .

در این کارخانه از ۲۲۲ هزار تن چغندر قند خریداری ، فقط شکر حاصل و تصفیه می‌شود که شاید (۱۶ تا ۲۰٪) شکر به دست آمده است و حدود ۱۰۰ روز در سال با ۵۵۰ تن کادر فعال است و روزانه بیش از ۲ هزار تن چغندر مصرفی آن می‌باشد و از جهت بازده اسمی ، در استان خراسان اول است .

چغندر تحویل شده به این کارخانه ، بیشتر از دشت وسیع جوبین و بخش جغتای و سلطان آباد می‌باشد و شکر حاصله به دولت داده می‌شود تا در مصرف سرانه مردم ، یا صنایع از جمله داروسازی ، نوشابه سازی ، تهیهی کمپوت و مربا حواله گردد .

اکنون برای جلوگیری از کشت مطلب ، سایر کارخانه های شهر-ستان سبزوار با استفاده از برگ مشخصات واحدهای صنعتی که از ادارهی کل صنایع و معادن ، و صنایع سنگین خراسان دریافت شده طی جدولی آورده می‌شود :

(جدول شماری ۲۱)

مشخصات واحدهای صنعتی سبزوار در سال ۱۳۶۸

ردیف	نام واحد	نوع فعالیت (محصول)	ظرفیت سالانه	میزان سرمایه گذاری	تعداد کارکنان
۱۰	شرکت خشکبار	بسته بندی آجیل و خشکبار	۲۹۰۰ تن	۱۳۰/۷۲ میلیون ریال	۴۰ تن
۱۱	شرکت مواد پروتئینی	تهیه پروتئین از ملاس	۴۶۰۰ تن	۷۵۰ میلیون ریال	۱۰ تن
۱۲	شرکت تولیدی و صنعتی عظاملک	شیرآلات بهداشتی	۵۰۰ تن	۳۴۸/۴ میلیون ریال	۹۰ تن
۱۳	مجتمع کشت و صنعت دشت جوبین	خوراک دام و استفاده از ضایعات کشتارگاه	۲۴۰۰۰ تن	۲۱۳/۶ میلیون ریال	۲۹ تن
۱۴	شرکت نان ماشینی	نان ماشینی	۱۲۰۰۰ تن	۸۲/۷ میلیون ریال	۱۱ تن

دنباله‌ی جدول شماره‌ی ۲۱

۱۵	شرکت قالیشوئی شریف-خوشنویس	قالیشوئی	۱	بستگی به مراجعین دارد	۱۳۰ میلیون ریال	۸ تن
۱۶	آبتین سبزواری	سردخانه	۱	۲۰۰۰ تن	۳۹۰/۴۳ میلیون ریال	۲۵ تن
۱۷	صنایع چوبی	سرویس آشپزخانه و اطاق خواب	۴	متراژ و تعداد آن بستگی به مواد اولیه دارد	۱۰۵ میلیون ریال	۳۰ تن
۱۸	پلاستیک سازی و نایلون	قطعات و ظروف پلاستیک و نایلون	۴	۱۲۶ تن	۷۴ میلیون ریال	۲۹ تن
۱۹	صنایع ملامین	ظروف ملامین	۳	بستگی به وجود مواد اولیه دارد	۴۱ میلیون ریال	۸ تن
۲۰	صنایع کاغذ و مقوا	تهیه دفترچه و کارتن	۴	۳ میلیون جلد و ۵۰۰ تن	۷۳ میلیون ریال	۱۷ تن
۲۱	مواد اولیه ساختمانی	آجر ماشینی - آهک ماشینی	۲	۴ میلیون قالب و ۳۳ هزار تن	۲۲۸/۵ میلیون ریال	۳۲ تن
۲۲	ممالح اولیه ساختمانی	بلوک، سرامیک و کاشی	۷	۴۳۳ هزار متر	۲۷۷ میلیون ریال	۸۴ تن
۲۳	صنایع شیمیایی	بیکرمات سدیم و زاج و ...	۱	۲ هزار تن	۴۰ میلیون ریال	۱۸ تن
۲۴	شرکت گاز اکسیژن طوس	تهیه گاز اکسیژن	۱	۱۲۰ هزار کپسول	۱۲۳/۵ میلیون ریال	۱۲ تن
۲۵	شرکت کامپیوتری رایان	تهیه میکرو- کامپیوتر	۱	۲ هزار دستگاه	۴۸۰ میلیون ریال	۵۴ تن
۲۶	کارخانه یخسازی	تهیه یخ	۴	۵ هزار تن	۷۵/۷۵ میلیون ریال	۱۱ تن
۲۷	کارخانه های یخچالهای الوند و کولاک	تهیه یخچال- های گوناگون	۲	۴۸۰ دستگاه	۴۶/۵۳ میلیون ریال	۶۶ تن
۲۸	مجموع تراشکار- یهای شهرستان	تراشکاری و قالب سازی	۲۳	۲۱۷ تن و ۲۵۰۰ قالب	۲۵۴ میلیون ریال	۱۰۷ تن
۲۹	مجموع کارگاه های آهنگری بزرگ	آهنگری و ...	۴	۳۱۰ تن	۳۷/۶۷ میلیون ریال	۲۴ تن
۳۰	مجموع کارگاه های ساخت ادوات کشاورزی	چغندر کن و گا و آهن	۴	۱۰۰ دستگاه از هر کدام	۱۷۷۰ میلیون ریال	۶۳ تن

دنباله‌ی جدول شماره‌ی ۲۱

۳۱	مجموع کارگاه - های ریخته‌گری	ریخته‌گری چدن و آلومینیوم	۳	۶۶۰ تن	۱۷۰ میلیون ریال	۵۲ تن
۳۲	شرکت قطعات اتومبیل ایران	ساخت و تجهیز کابلهای کنترل	۱	۱۵۰ هزار عدد از هر کدام	—	۴۵ تن
۳۳	کارگاههای قالب سازی	قالب سازی برای نختابی	۲	روزانه ۳۰ دستگاه و ۳۰	۵۳ میلیون ریال	۱۷ تن
۳۴	کارخانه های شیر پاستوریزه و پنیرسازی	مواد لبنی (پنیر و خامه)	۲	روزانه ۳۰ تن شیر ۲۰ تن پنیر و ۲۴ تن خامه	۸۰ میلیون ریال	۳۹ تن

طراحان و مبتکران سبزوار

با توجه به اهمیت خودکفایی در زمینه های مختلف صنعت ، کشاورزی و سایر امور ، برخی از سبزواریهای دانشمند و علاقمندان دردمند ، به ابتکار و اختراع روی آورده و آثاری ارزشمند ارائه داده اند که ذیلا ، در حد امکان به نام و آثار تعدادی از آنان اشاره می شود :

۱- آقای احمد آریاکیا ، طراح کمباین تراکتوری : این دستگاه در برداشت غلات ، با استفاده از نیروی محرکه‌ی تراکتور مورد استفاده قرار می گیرد و عملیات درو ، خرمکوبی و بوجاری گندم و سایر غلات را انجام می دهد .

۲- آقای علی اسفندیاری طراح برنامه نویسی - سی EPORM-PROGRAMMER از جمله آی - سی هایی که در ساختمان میکرو - کامپیوتر به کار می روند ، آی - سی های EPROM می باشد ، این آی - سی ها دارای نوعی حافظه هستند که با استفاده از آنها می توان برنامه می میکرو کامپیوتر را در آنها نگهداری نمود ، بدون آنکه پس از خاموش شدن میکرو کامپیوتر این برنامه ها پاک شوند . جهت ثبت برنامه می میکرو کامپیوتر ، در این آی - سی ها از دستگاهی به نام برنامه نویسی EPROM استفاده می شود .

۳- آقای ناصر امیری ، طراح آبگرمکن خورشیدی : این طرح به منظور استفاده از انرژی خورشیدی ، برای گرم کردن آب منازل و جایگزینی این انرژی رایگان بجای انرژی حاصله از نفت و . . . تهیه گردیده است .

۴- آقای علی توکلی ، طراح دو طرح سیستم ارتباطی معمول با محیط و طرح فرکانس متر دیجیتال : ۱- سیستم ارتباطی معمول با محیط اطراف که مقدار زیادی از امکانات مورد لزوم کلیه افراد را در اختیار معلولین که از گردن به پایین فلج هستند قرار می‌دهد ، از جمله بازکردن یا بستن درها ، خاموش یا روشن کردن چراغها و . . . ۲- فرکانس متر دیجیتال جهت اندازه گیری فرکانس از یک هرتز تا ۵۰ مگاهرتز طراحی شده و دارای دقت فوق العاده زیادی است . آزمایشهای مختلف نشان داده که خطای آن کمتر از $\frac{1}{1000}$ می‌باشد و این خود نشانه برتری آن نسبت به انواع خارجی آن است .

۵- آقای عباس جعفری ، تهیه کننده کاغذ حساس عکاسی و همچنین مشعل با استفاده از فشار آب شهر . الف - کاغذ حساس عکاسی : املاح نقره به همراه بعض مواد امولسیفایر وقتی بر روی مقوای معمولی کشیده شود ، یک کاغذ حساس چاپ عکس را بوجود می‌آورد ، تهیه کاغذ حساس عکاسی توسط آقای جعفری دبیر بازنشسته آموزش و پرورش سبزوار ، با توجه به نیاز شدن از ورود این نوع کاغذ از خارج ، کاری بس ارزشمند است .

ب : مشعل ، این مشعل برخلاف مشعلهای دیگر که توسط فشار باد به کار می‌افتد ، از فشار آب شهر استفاده می‌کند و طول شعله آن در تمام وقت ثابت است و زمان کار آن بستگی به حجم مخزن دارد ، از مخزن این مشعل آبی می‌توان کارگاهی را لوله کشی کرده و در نقاط مختلف کارگاه مشعلهای کوچک و بزرگ را به کار انداخت . کاربردش در شستشوی ماشین آلات با نفت این گونه است که نيزه های سمپاشی را باید توسط شیلنگ (لوله های پلاستیکی) به مخزن مشعل آبی متصل کرد . . .

۶- آقای سید محمد صالح طوسی ، طراح سیستم پلی اسکوب : این سیستم قادر است کلیه مشخصات فرکانسی تقویت کننده ها و فیلترها را تنظیم و در صورت نیاز تصحیح نماید و در کلیه آزمایشگاههای الکترونیکی

کاربرد موثر دارد .

۷- آقایان مهندس محمد مهدی عطار و مهندس مسعود فلاحتی ، که مشترکاً برای نگهداری و خشکاندن صحیح و تثبیت رنگ زرشک طرحی را ارائه داده اند . زرشک که یکی از محصولات عمده مناطق محروم جنوب شرقی استان خراسان (بویژه بیرجند و قاین) است به علت عدم آشنایی کامل به اصول صحیح خشکاندن ، مقادیر زیادی از آن ضایع شده و از این طریق ضررهای جبران ناپذیری به مردم زحمتکش وارد می آید . در این روش ، ضمن تهیه نمونه خام ، آزمایشهای مختلفی از قبیل بلانچینگ که منظور (غیرفعال کردن آنزیمها) می باشد ، استفاده از گاز گوگرد ، استفاده از اسیدهای ارگانیک ، جهت پایداری و تثبیت رنگ و خشک کردن در خلا و غیره انجام شده است .

۸- آقای مهندس فلاحتی ، طراح تهیه اسید تاتاریک و کرم تارتار: اسید تاتاریک به عنوان یک اسید خوراکی در صنایع غذایی و صنایع دیگر مصارف زیادی دارد ، از جمله به عنوان استریلیزان در صنایع کنسرو و کمپوت سازی برای یکنواخت کننده PH در اکثر محصولاتی که مصرف خوراکی دارند ، باعث بهبود طعم و شیرینی فرآورده های غذایی می گردد و علاوه بر آن مصارف زیادی در صنایع نساجی و نوشابه های گازدار دارد و هم در صنعت روغنکشی ، در صنایع دارویی و صنایع تهیه مواد قنادی و لبنی از آن بهره برده می شود . ویژگی این طرح در بکار گرفتن ضایعات کارخانه های آب انگور ، برای تولید این اسید می باشد .

۹- آقای حسن گنجی ، طراح دو موضوع ۱- خشک کن مواد غذایی ۲- شعله افکن نظامی ، که اولی در آزمایشگاههای صنایع غذایی و دومی که صحنه عملیات جبهه را روشن می نماید .

۱۰- آقای محجوبی ، دستگاه قالببافی با کارده سریع و خوب و جالب ساخته است .

۱۱- آقای مهندس محمد ملکانیان ، طراح دستگاه انکوباتور و فتوترایی که دو طرح همزاد است : اولین طرح مورد استفاده ی نوزادان نورس قرار می گیرد و هم این دستگاه می تواند همی نوزادان طبیعی را برای تطبیق بهتر با شرایط بیرون ، موثر واقع شود .

فتوتراپی برای برطرف کردن یرقان نوزاد است و پیش از این برای درمان یرقان کودکان ، از روش تعویض خون استفاده می‌کردند ولی با این اختراع ، می‌توان با استفاده از اشعه ، به درمان این بیماری پرداخت^x.

صنایع دستی کارگاه‌ها و بررسی کمی و کیفی آن در سبزوار

۱- قالی بافی : تا سال ۶۱ ، به صنعت مهم فرش توجه زیادی می‌شد ، سال مذکور ، سال اوج این شغل بوده است . پیشینه‌ی این کاردستی پر- ارزش به سالهای دور و درازی می‌رسد . اما در سال ۱۳۴۰ خورشیدی حدود ۵۰ دستگاه قالی بافی ، آن هم فقط در شهر و حومه‌ی آن، مشغول کار بود و دامنه‌ی فعالیت از لحاظ مکانی به روستاها کشانده نشده بود بازده این ۵۰ کارگاه یا دستگاه در هر ماه حدود ۳۰ قطعه فرش مرغوب بود که ۸۰٪ آن را سبزواریه‌ها ، خود خریدار بودند و بقیه صادر می‌شد . در سال ۱۳۵۶ به علل استفاده از نیروی انسانی ، کسب درآمد ، مصرف پشم و مو و کرک محلی ، کارگاههای سبزوار به ۷۰۰ دستگاه با سه هزار تن شاغل افزایش یافت .

اما از سال ۱۳۵۷ شاغلین به این امر به طور فوق‌العاده‌ای ، زیاد شدند ، تا به سال ۱۳۶۱ حدود ۱۰ هزار دستگاه قالی بافی در حوزهی شهرستان سبزوار دایر و حدود ۴۰ هزار کارگر ، بیشتر نوباوگان و زنان در آن مشغول به کار شدند . اما از آن زمان به بعد با توجه به روی آوردن مردم به امر کشاورزی ، این کارگاهها به حدود ۵ هزار تقلیل یافت . ایجاد کارگاههای قالی بافی در روستاها ، ضررهای زیادی داشت که

x این دانستنیها از سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی یا تحقیقات شخصی به دست آمده و بدیهی است که مبتکران و طراحان دیگری از سبزوار ، در همه جا هستند که به سبب دسترسی نداشتن به آثارشان، ابتکار و طرح آنان در این نوشته نیامده ، که چنانچه مرا بطور کامل در جریان بگذارند ، در جلد دوم یادشان خواهد رفت .

از آن جمله فرهنگی ، کشاورزی ، بهداشتی و پایین آمدن کیفیت جنس ، نقشه و طرح قالیه‌های سبزوار شد و متأسفانه سطح صادرات این صنعت را تنزل داد .

این کارگاهها معمولا از ۲۲ طرح و نقشه‌ی تبریزی ، مشهدی و کاشانی استفاده می‌برند که بافت تبریزی محکم و شکننده می‌باشد و موقع تازدن می‌شکند ولی بقیه نرم و نازک بافت است .

در روستاهای جوبین قالیچه‌های بلوچی و کردی بیشتر توسط زنان با طرحهای خوب ، با حوصله بافته می‌شود و همچنین گلیم بافی در حکم آباد ، ربع شامات ، شامکان ، کوه همایی و . . . می‌باشد .

۲- پارچه بافی دستی و کرباسهای سفید و ظریف در بیشتر روستاهای سبزوار جریان دارد ، بویژه ریسندگی و بافندگی در کوه همایی و زمج .

۳- مصنوعات چرمی بیشتر در کرّاب است .

۴- صنعت سرامیک و سفال که با حوصله‌ی تمام با نقشه‌های زیبا و پخت مناسب در روستاهای فروغن و براباد رواج دارد .

۵- خراطی و چاقوسازی : علاوه بر بعض آهنگران قدیمی ، خراطیهای دقیق و ظریف با رنگ‌آمیزیهای مناسب وسیله‌ی کولی‌ها یا به اصطلاح محلی " غوروشمارها " ساخته می‌شود .

۶- صنعت بسته بندی چای : در سبزوار پنج کارگاه بسته بندی چای وجود دارد ، مانند عارف چای که از ۱۵ سال پیش به بسته بندی چای می‌پرداخته و صاحب آن آقای محمد عارفی است ، دیگر چای باشتین به مسئولیت آقای محمد مختارشاهی ، چای میرحسین به مدیریت آقای میرحسینی ، چای تلاش با سرمایه گذاری آقای عوضوردی و بالاخره چای جهان که سالهاست به این امر مشغول می‌باشد که هر ۵ موسسه به طور متوسط همه ماهه بیش از ۵۰ تن چای را در سبزوار بسته بندی می‌کنند.

۷- منابع نیرو و برق رسانی : نخستین کارخانه‌ی برق در شهر سبزوار در سال ۱۳۱۰ خورشیدی پا گرفت . مرحوم حاج محمد حسین دولت آبادی برق را با کارخانه‌ی دیزلی کوچک به سبزوار آورد ، آن هم فقط با ۱۰۰- مشترک .

در سال ۱۳۲۸ خورشیدی ۲ شرکت با سرمایه گذاری بازرگانان

محلی با این عناوین تاسیس شد : ۱- شرکت سهامی برق و صنایع سبزوار با یکدستگاه ام - آ - ان آلمانی به قوهی ۲۲۰ کیلو وات و ۶ سیلندر عمودی با ۳۷۵ دور در دقیقه و قدرتی برابر ۲۸۰ اسب بخار .
 ۲- شرکت سهامی تجارتی سبزوار ، با سه دستگاه موتور که ۲ دستگاه آن هر یک با قوهی ۱۰ اسب بخار و یک دستگاه ۱۵۰ اسبی . در اینجا یادآوری سه نکته ضرورت دارد :

الف : موتور برق قدیم (مربوط به مرحوم دولت آبادی) را شرکت تجارتی خریداری نمود و به مشترکین آن برق داد .
 ب : فقط شبها برای استفادهی روشنایی از وجود کارخانه ها استفاده می شد .

پ : همهی موتورهای دیزلی بوده و در سال ۱۳۲۸ فقط ۶۵۰ مشترک داشتند . پس از آنها ، شهرداری برای تامین روشنایی سبزوار دست به کار شد و کارخانه ای با ۲۲۰ ولت برق دهنده به سبزوار آورد .

تا سال ۱۳۵۷ با ۶ مولد دیزلی به ساکنان شهر و حومهی آن برق داده می شد . از حدود ۱۳۵۰ تا ۵۷ ، در بارهی برق سبزوار ، این اطلاعات ، را داریم : ظرفیت انواع مولدهای برق سبزوار در ۱۳۵۳ که دیزلی بوده با ظرفیت اسمی ۴۹۶۷ کیلو وات ، تولید کل ۱۱۲۱۴ هزار کیلو وات ، مصرف داخلی نیروگاه ۶۰۷ هزار کیلو وات وتولید خالص ۱۰۶۰۷ هزار کیلو وات . در سال ۱۳۵۳ مشترکین برق در سبزوار جمعا ۱۱۳۸۳ بوده و جدا شدهی آن عبارتند از ۲۵۶۴ عمومی ، ۹ صنعتی ، ۸۸۰۶ خانگی ۱ کشاورزی و ۳ مشترک موسسات عام المنفعه که در جمع و ۳ مورد پس از مشهد ، مقام اول را دارا بوده است (۲۲۰) . برق سبزوار از سال ۶۱ به شبکه متصل شده که پس از پیوستن به شبکهی سراسری ، جمعا با داشتن ۶۳/۴۶۸ مشترک پس از نیشابور و در روشنایی معابر با ۳/۲۳۴/۴۶۸ لامپ ، پس از مشهد رتبه اول را در خراسان داشته است (۲۲۱) . با انتقال نیرو و وصل به شبکهی

سراسری خراسان ، خطوط ۱۳۲ هزار ولت نزدیک به ۳۴ هزار مشترک شهری و ۱۲ هزار بخش حومه و ششمد ، نزدیک به ۱۲ هزار مشترک در منطقه‌ی جوبین و ۴۵۰۰ مشترک در منطقه‌ی داورزن که نزدیک به ۹ هزار مشترک عمومی (صنعتی ، کشاورزی و . . .) و بیش از ۵۲ هزار مشترک خانگی می‌باشد و مجموع ، اعم از عمومی و خانگی شهرستان سبزوار ۶۱۵۰۰ مشترک دارد . در حال حاضر نزدیک به ۱۵۰ روستا از برق شبکه‌ی سراسری خراسان و ۵ روستای جلمبادان ، ششمد ، جغتای طبس و داورزن ، از موتورهای گازوییلی سابق شهر بهره می‌برند. انجام امور برقی و سیم‌کشی روستاها وسیله‌ی اداره‌ی برق سبزوار و با همکاری جهاد سازندگی انجام می‌شود و روستاییان به علت کم مصرفی ، بیشتر مورد بخشودگی قرار می‌گیرند و نحوه‌ی وصول مصرفی بقیه‌ی آنان از کنترلر مادر شورای محل روستا از کنترلر کلی روستا مشخص می‌گردد . تعداد ۲ موتورسیار قبلی موجود است و برق چاههای عمیق نیز بیشتر از جریان سراسری بهره می‌برند و مصرفی آنان را ، باز هم برق منطقه‌ی سبزوار وصول می‌کند و ...

صنایع پایه

مواد اولیه و مادر ، در صنعت

گانه‌ها و درآمد‌های زیرزمینی سبزوار : سبزوار به لحاظ وجود معادن ، موقعیت ممتازی دارد و این امتیاز را از گذشته‌های دور برای خود حفظ کرده است .

لرد کرزن در باره‌ی معادن سبزوار می‌نویسد : " معادن مس که در سبزوار است ، غنی‌ترین معادن شمال ایران است " (۲۲۲) قدرت الله روشنی نیز بر وجود همین معدن نوشته که : " در جنوب سبزوار یک معدن بسیار معتبر وجود دارد ، آدما‌های امین معدن ، در آنجا کار

پاورقی از صفحه‌ی قبل

(۲۲۱) آمارنامه‌ی استان خراسان ، سال ۱۳۶۳ ص ۸۸ و ۹۸ .

(۲۲۲) لرد کرزن ، ایران و قضیه‌ی ایران ، ص ۳۶۰ .

می‌کنند (۲۲۳) . مسعود کیهان در جغرافیای مفصل ایران آورده که :
 " معادن مس مهمی در نزدیک شهر دیده می‌شود که از قدیم استخراج
 می‌شده است " (۲۲۴) . ژنرال سرپرسی سایکس در سفرنامه‌ی خود
 یادآور این موضوع است و می‌نویسد : معدن مس سبزوار مشهور است
 (۲۲۵) . رزم آراء در باره‌ی معادن سبزوار می‌گوید که : " معادن
 ذغال سنگ در طبس سبزوار و درفک (به ضم اول و دوم) و صفی آباد
 و دهنه‌ی اجاق ، معادن مس در محمد آباد بالای صدخرو ، دهنه‌ی سیاه ،
 زنگانلو و برجک ، زاج در بخش کوه میش و بخصوص کیدور و سنگ آسیا
 در باغجرو ... وجود دارد " (۲۲۶) . علاوه بر معادن یاد شده ، در
 دایره‌ی المعارف مصاحب افزوده شده که : " سبزوار معادن کرومیت و
 منیزیت دارد " (۲۲۷) . برابر تحقیقات جدیدتر ، سبزوار سرشار از
 معدن است و انواع کشف شده‌ی آن : آهن ، سنگ ساختمانی ، سنگ
 گچ ، سرب ، کرومیت ، گوگرد ، گل سفید ، گل زرد ، مرمر ، مس ،
 منگنز ، منیزیت ، و نمک می‌باشد که ۹ قلم آنها استخراج
 می‌شود . سازمان برنامه‌ی خراسان (شاخه‌ی معاونت آماری) کانه‌ای در
 حال بهره برداری سال ۱۳۵۳ سبزوار را در کل ، سطح الارضی ۴ واحد
 و کرومیت ۱۰ معدن ذکر نموده که از این جهت در سطح خراسان ، پس
 از مشهد مقام اول را داشته است (۲۲۸) .

- (۲۲۳) قدرت اله روشنی ، سه سفرنامه‌ی هرات ، مرو ، مشهد از انتشارات
 دانشگاه تهران ، ۱۳۴۷ ، ص ۱۹۱ .
 (۲۲۴) مسعود کیهان ، جغرافیای مفصل ایران ، از انتشارات شورای عالی
 معارف ، ۱۳۱۱ خورشیدی ، جلد ۲ ص ۱۹۴ .
 (۲۲۵) ژنرال سرپرسی سایکس ، سفرنامه ، ترجمه‌ی حسین سعادت نوری ،
 انتشارات لوحه ، ۱۳۶۳ ، ص ۴۰۹ .
 (۲۲۶) رزم آرا ، فرهنگ جغرافیایی ایران ، از انتشارات دایره‌ی
 جغرافیایی ستاد ارتش ، سال ۱۳۲۹ ، جلد ۹ ص ۲۰۸ .
 (۲۲۷) غلام حسین مصاحب ، دایره‌ی المعارف فارسی ، ناشر شرکت سهامی
 افست ، ۱۳۴۵ تهران ، جلد ۱ ص ۱۲۵۷ .

در مورد کرومیت سبزوار و سایر معادن آن ، مدارک موجود در اداری کل صنایع و معادن خراسان نشان می‌دهد که حدود ۳۰ مسورد گواهی کشف در این زمینه صادر شده و در معادن کرومیت سرور (به فتح اول و ضم واو) ، فریومد شرقی ، گفت (به فتح اول) قبلا عملیات بهره برداری صورت می‌گرفته و بعدا به صورت تعطیل درآمده است . از سال ۱۳۶۷ ، کرومیت سرور در حال اکتشاف می‌باشد و نزدیک به بهره برداری است و این کرومیتها در سنگهای اولترابازیک^x قرار گرفته اند . ضمنا در همین سنگهای اولترابازیک کانسارهای پنبه کوهی نیز وجود دارد ولی هنوز کانساری که اقتصادی باشد پیدا نشده است . در این ناحیه کانسارهای نمک آبی کال شور ، سنگ گچ اطراف سبزوار و سنگهای ساختمانی کوه کمر ، آهک سبزوار ، سنگ ساختمانی قریه دلبر ، سرب و مس و روی در جنوب شرقی سبزوار وجود دارد . یکی از لایه های مس در ۱۷۵ کیلومتری جنوب سبزوار واقع بوده و شرکت لوت پروانهی بهره برداری از آن را دارد . ذخیره احتمالی معدن ۲۰۰ هزار تن برآورده شده و عیارهای مادهی معدنی ۱ تا ۱/۵٪ سرب و ۰/۵٪ روی و ۱/۲٪ مس می‌باشد و با ۹۸ کارگر و کارمند ، سالانه حدود ۳۶ هزار تن مادهی معدنی کم عیار استخراج می‌گردد که از محصول فوق حدود ۶۵۰ تن محصول پرعیار با ۱۵٪ سرب و ۱۲٪ مس و حدود ۶۳۰ تن روی ۴۴٪ بدست می‌آید . معدن سنگ ساختمانی دلبر سبزوار در ۳۳ کیلومتری شمال غرب سبزوار می‌باشد . مقدار استخراج آن ۱۰۰۰ تن لاشه (۲۲۹) در سال می‌باشد ، ذخیرهی حتمی معدن ۵۵۰ هزار تن در سال پیش بینی می‌شود . سنگ ساختمانی محمد-

پاورقی از صفحہی قبل

(۲۲۸) آمارنامهی استان خراسان ، سال ۱۳۵۴ ، نشر مرکز آمار ایران ، ص ۸۰ .

x سنگهای ترکیبات منیزیم و باریم (خاصیت بازی زیاد) .
(۲۲۹) لاشه سنگهای آذرین و آتشفشانی است که به صورت تکه تکه برای پی بناها و پلها استفاده می‌شود و پلهای راه آهن نمونهی روشن آنها است .

آباد در ۶۵ کیلومتری جنوب سبزوار سالی ۹ هزارتن لاشه دارد و استخراج و ذخیره‌ی حتمی معدن ۱۵۰ تا ۳۰۰ هزار تن می‌باشد. از معدن نمک‌آبی کال شور جاجرم نزدیک به ۵۰۰ تن در سال و از معدن دیگری در ۳۶ کیلومتری جنوب سبزوار همان مقدار استخراج می‌گردد (۲۳۰). شرکت‌هایی که تا سال ۱۳۵۷ امتیاز استخراج معادن سبزوار را داشته و فعال بودند به این شرحند: ۱- شرکت کانیزا، ۲- شرکت کرومیت ۳- شرکت سهامی لوت، شرکت کرومیت متعلق به برادران رضائی بود که در تمام ایران امتیاز استخراج کرومیت را در اختیار داشت و کوه‌های فریومد و منطقه‌ی جوبین، از کوه‌های آبادی گفت تا کاهک از میزان محصول سرشاری برخوردار بود. شرکت سهامی لوت نیز با داشتن دستگاه‌های مدرن و مجهز سنگ‌های کرومیت تا ۷۰٪ خالص تهیه می‌کند. استخراج معدن سنگ سرب که در بین طبس و کاشمر واقع است برعهده‌ی این شرکت بوده و مرکز آن در سبزوار می‌باشد، سنگ سرب آن هم که معمولاً روزی ۱۰ هزارتن استخراج می‌شده از طریق سبزوار به راه آهن حمل و از آنجا با واگن‌های باری به نزدیکترین مرز روسیه برده می‌شود. تعداد کارگران این معدن ۶۰۰ تن بوده است. شرکت کوهستان نیز سنگ سرب را از سبزوار به بندر انزلی و از آنجا به روسیه صادر می‌کرده است. تحقیقات و کاوش‌های انجام شده نشان می‌دهد که مس در داورزن، صدخرو، مهر، طبس و نواحی کوه میش وجود دارد. حتی در قاسمی و دلبر، مس به صورت رگه موجود است و طبق تشخیص مهندسی رگه‌هایی با ۹۰٪ مس وجود دارد.

سایر معادن: کات سبز، در هلاک آباد ر گل سفید در باغجر وجود دارد و نمک آبی در بیشتر نقاط مجاور کال شور، از رودخانه کال شور گرفته می‌شود و مقداری از آن به سولفات دوسو تبدیل شده و در کروژده (به ضم اول و دوم) در ناحیه‌ی جوبین، از شوره باروت می‌سازند. از ۱۳۵۸ به بعد فقط یک معدن کرومیت و دو معدن سنگ ساختمانی و نمک، فعال بوده و کاربری دارند و وجود همین معادن سنگ

(۲۳۰) مجموعه‌ی بررسی امکانات توسعه‌ی صنعتی مناطق حاشیه‌ی کویر، وزارت صنایع و معادن، ۱۳۵۷، ص ۲۱۰ تا ۲۱۲.

ساختمانی و آهک باعث شده که حدود ۷۰ واحد صنعتی مربوط به ساختمان، از قبیل سنگ کوبی، شن شویی، آجرسازی، تیرچه بلوک و... امکان فعالیت داشته باشند.

دانستنیهای دیگر پیرامون معادن سبزوار

۱- آهک: در باغجر (حدود ۲۰ کیلومتری خاوری شهر سبزوار) روزانه با توجه به فصل تا ۳۰ تن استخراج می‌شود.

۲- براکس: (برات سدیم) در مجاورت محمد آباد اریان از بخش کوه-میش یا ششتمد شناخته شده ولی بهره برداری نشده است.

۳- سرب: در تکنار و چاه سرب در ۳۳۷ کیلومتری جنوب شهر سبزوار وجود دارد که به علت بالا بودن هزینه در حال حاضر بهره برداری نمی‌شود.

۴- سنگ ساختمانی: سنگ ساختمانی مشهور به گوهری در جنوب و غرب سبزوار دیده شده و قبلاً هم از نوعی از آن بهره می‌گرفته اند.

سنگ ساختمانی جالب دیگر سبزوار مشهور به مرمریت است که نمای بسیاری از ساختمان‌ها در مشهد، با این سنگ انجام می‌شود. یکی از مهندسان خبره که سالها در اکتشاف و بهره برداری معادن سابقه دارد می‌گفت: "معادن سنگ ساختمانی مرمری صدخرو، به اندازه ای غنی و محکم و خوش رنگ است که درآمد همین معدن شهرستان سبزوار را کفایت می‌کند". نام معدن، شرکت منطقه‌ای و پیمانکاران آن، آقایان هوشیار می‌باشند و طبق قرارداد مقدار استخراج سالانه ۱۵ هزار تن می‌باشد.

۵- کرومیت: با توجه بر وجود ۳۶ معدن کرومیت در سطح استان خراسان، نزدیک به ۲۰ معدن آن، از باختر شهرستان سبزوار یعنی از فریومد و کوههای جغتای، صدخرو، کوههای جنوب سبزوار تا سنگ - کلیدر شروع می‌شود، که متأسفانه در حال حاضر (۱۳۶۸) تنها یکی از آنها که در سرور فریومد در ۵ نقطه می‌باشد مورد بهره برداری است و عیار آن متجاوز از ۵۰٪ است. معدن کرومیت گفت که مقدار استخراج

آن ۶۲۳۰ تن بوده است در سال ۱۳۵۲ تعطیل گردید . ولی اخیراً پروانه بهره برداری این معدن و معادن کرومیت صدخرو ، مهر و کاهک صادر شده که امید است به زودی استخراج شود . معدن کرومیت سرور سالانه از ۳۶ تا ۱۰۰ هزار تن از ذخیره آن به صورت روباز زیر نظر آقای مهندس علی فاضلی که از صاحب نظران است به پیمانکاری شرکت اسفندقه استخراج می گردد .

۶- گچ : کان گچ در کلانه الاو (به فتح اول و تشدید دوم) واقع در شمال سبزوار ، توسط بنیاد مسکن استخراج می شود .

۷- مس : معدن مس عباس آباد در ۱۲۳ کیلومتری باختر سبزوار با ذخیره بیش از ۸۰۰ تن وجود دارد . در پشت داورزن و کمردوک بالای جغتای هم معادن مس غنی و جالبی وجود دارد که در اختیار سازمان مس کشور می باشد و در حال حاضر فعالیت ندارد .

۸- منگنز : در شمال و جنوب باختری سبزوار معادن بزرگ منگنز وجود دارد که قبلاً استخراج می شده ولی فعلاً تعطیل است .

۹- نمک آبی : که در حوضچه هایی جهت تبخیر آب رودخانه شور در کناره های آن کنده می شود ، سالانه بیش از ۱۸۰۰ تن برداشت دارد . علاوه بر معادن مذکور ، در این شهرستان پنبه ی نسوز و گسل سفید هم قبلاً بهره برداری می شده است .

خدمات دولتی

وسایل ارتباطی و ارتباط جمعی در سبزوار

۱- وسایل ارتباطی

راه زمینی : سبزوار بر سر راه ابریشم واقع بوده که از جهت ارتباطات اهمیت زیادی داشته است .

بارتلد خاورشناس مشهور روس تحت عنوان (راه بیهق) می نویسد که " جغرافیایان و مسافران عرب راههایی را تعریف می کنند که نیشابور را با هرات و سرخس و سواحل بحر خزر و غرب ایران ، و از راه کویر با ولایات جنوبی متصل می کردند که مهمترین راه از خراسان و از راه

ولایت بیهق که شهرهای آن سبزوار و خسرو جرد بوده به غرب ایران می‌رفت و . . . " (۲۳۱) . در حدود سال ۱۳۴۵ خورشیدی ، راه‌های سبزوار از این قرار بود :

۱- سبزوار - مشهد که تا نیشابور شنی کوبیده و از آنجا به مشهد آسفالت سرد بود .

۲- سبزوار - شاهرود که تا فاصله‌ی کمی آسفالت سرد داشت و بقیه‌ی جاده شنی بود .

۳- سبزوار - کاشمر که به علت گذر از خاک‌های حاشیه‌ی کویر ، خاکی و شنی بود .

۴- سبزوار - اسفراین که از پیچ و خم‌های کوه‌های طبس سبزوار گذر می‌کرد و جاده‌ی باریک و شنی و خطرناکی داشت .

راه آهن : به سبب فاصله‌ی ۴۷ کیلومتری ایستگاه راه آهن سبزوار با شهر ! سبزوارها به نسبت بسیار کمی از ترن استفاده کرده و می‌کنند .

در سال ۱۳۵۵ ، در طرح تفصیلی و جامع سبزوار پیش بینی شد که شبکه‌ی خط آهن تا سال ۱۳۶۵ بیشتر نقش رفت و آمد مسافران و حمل و نقل کالا را بر عهده گیرد و در مسیر آن ۲ کانون شهری در محل حکم آباد و سلطان آباد به وجود آید . اما توجه به راه‌های اصلی ارتباطی ظاهراً موجب فراموشی این مسئله گردید که تا سال ۱۳۶۵ ، ارتباط سریع بین مراکز شهری و تولیدی و مصرفی منطقه و این خط به وجود آید و ...
راه هوایی : باند فرودگاه سبزوار در جنوب خاوری شهر قرار دارد و درازای آن ۱۴۰۰ متر است و در گذشته فقط گاهی هواپیماهای کوچک در آن فرود می‌آمد .

در ۱۳۴۰ خورشیدی به علت استقرار پادگان ارتش در سبزوار ، این فرودگاه مجهز گردید و هواپیماهای ارتشی در آن می‌نشست ولی برای رفت و آمد مسافر و حمل کالا پروازی نداشت . ولی در طرح جامع و تفصیلی سبزوار پیش بینی شده بود که فرودگاه در نقل و انتقالات هوایی نقش حساسی را داشته باشد که متأسفانه اجراء نشد . ولی اخیراً زمینی در

فاصله‌ی ۴ کیلومتری جنوب غربی شهر سبزوار برای احداث و ایجاد فرودگاه بزرگی در نظر گرفته شده و کلنگ ساخت آن نیز زده شده است .

از **آمارنامه‌ی استان خراسان بهره می‌گیریم** : در سال ۱۳۶۳ راه روستایی آسفالتی سبزوار با ۲۵ کیلومتر راه داخلی پس از بجنورد داشته و از جهت سایر راههای آسفالتی با ۱۵۵ کیلومتر در سطح استان اول و از لحاظ راه شنی با ۳۹۷ کیلومتر پس از بیرجند ، در جای دوم قرار گرفته است (۲۳۲) .

آخرین اطلاعات از راههای سبزوار : در این تحقیق تازه ترین دانستنیها در باره‌ی راههای سبزوار را جدا جدا می‌خوانید :

الف - راههای خارجی : (پیوند با شهرهای دیگر) یا به تعبیر

دیگر ، راههای اصلی سبزوار :

۱- راه آسفالتی سبزوار - نیشابور و ادامگی آن به مشهد . این مسیر ، شهر سبزوار را از ۲ راه به مشهد پیوند می‌دهد : نخستین از طریق سلطان آباد (با فاصله‌ی ۴۲ کیلومتر تا سلطان آباد و با آسفالت سرد قدیمی) و از سلطان آباد که آخرین آبادی جاده‌ای سبزوار است به طرف قوچان وارد جاده‌ی شمال ایران می‌شود و در سطح کمی ، در حمل و نقل و رفت و آمد به قوچان تاثیر دارد و از سلطان آباد پس از طی ۵ کیلومتر به ایستگاه راه آهن می‌رسد . از طریق این جاده می‌بایستی از سبزوار ۱۱۰ کیلومتر پیمود تا به نیشابور رسید و از فاصله‌ی کمی بیش از این به مشهد می‌پیوندد و از جاده‌ی سبزوار مشهد در محل امام تقی (شاه تقی سابق) به جاده‌ی اصلی تربت حیدریه و شرق و جنوب شرقی خراسان و استان سیستان و بلوچستان و . . . می‌پیوندد . دومین راه آن جاده‌ی آسفالتی ای است که به تازگی احداث شده ، از پایین شهر سبزوار از جاده‌ی کمربندی شهر ، از مسیر سابق راه ابریشم که در گذشته به سبب جابجایی ابریشم و ادویه و . . . خاور جهان و جنوب شرقی ایران اعتبار و رونق خاصی داشت ، از آبادیهای دلقدن ، باغان و . . .

می‌گذرد و فاصلهی سبزوار به مشهد را نسبت به نخستین راه حدود ۲۰ کیلومتر کم نموده است .

۲- راه آسفالتی سبزوار - شاهرود به طول ۲۵۴ کیلومتر :
ادامهی جادهی جدید نیشابور به سبزوار از جنوب شهر به صورت کمربندی به پمپ بنزین اختصاصی (مغرب شهر) می‌گذرد و از مقابل پمپ بنزین به طرف شاهرود ادامه می‌یابد . . . تا به تهران برسد .

۳- راه آسفالتی سبزوار - اسفراین (به طول ۱۰۵ کیلومتر) ، از خیابان طالقانی در شمال شهر سبزوار شروع می‌شود و از طریق طبس و جویین به اسفراین می‌رسد . (این راه مشهور به جادهی طبس می‌باشد) .

۴- راه جدید آسفالتی سبزوار ، جویین اسفراین (به طول ۱۰۰ کیلومتر) :
این راه که از انتهای غربی جادهی کمربندی شهر به طور فنی و با عرض زیاد و آسفالت اساسی به تازگی ساخته شده ، جادهی خوب و کم پیچ و خمی است و با توجه به راههای دیگر فاصلهی آن کمتر می‌باشد .

۵- راه خاکی سبزوار - کاشمر (به طول ۲۱۰ کیلومتر) : از جنوب شهر سبزوار ، جاده ای خاکی به سوی کاشمر کشیده شده که پس از عبور از روی پل دیدنی کال شور و حارث آباد به محمد آباد اریان (عریان) و از آنجا به بخش بردسکن کاشمر و بالاخره به کاشمر می‌رسد که قسمتی از این جاده به تازگی آسفالت شده است . همچنین پس از عبور از روی پل کال شور به طرف ششتمد جاده ای دیگر احداث گردیده و در دست آسفالت است .

ب - راههای داخلی شهرستان سبزوار : یعنی راههایی که باعث ارتباط شهر سبزوار با مراکز بخش و دهستانها و روستاهای شهرستان می‌شود :

۱- به جویین و جغتای ، که در آن از سه راه امکان پذیر می‌شود ، یکی راهی است که از وسط روستای آباد طبس می‌گذرد ، که دارای امتداد کم

و خطرناک و برفگیر است . دوم جاده ای است که از سمت مشهد در راه آسفالتی قدیمی ، بعد از سلطان آباد به طرف شیرخان و شماوار و درفک (به ضم دو حرف اول) و نصرآباد کشیده شده ، تقریباً در ۶ کیلومتری طبس ، بازهم به جاده‌ی مذکور در فوق می‌پیوندد که راه بهتر و کوتاهتری است . سوم همان راه جدید آسفالتی سبزوار ، جویسن ، اسفراین است که شرح آن قبلاً گذشت .

۲- راههایی نیز بین سبزوار و بخش ششتمد ، به مرکز بخش و روستاهای آن ، پس از عبور از پل کال شور به طرف چپ و هم بعد از گذشت از حارث آباد به طرف راست وجود دارد و نیز در بخشهای دیگر راههایی جهت اتصال و ارتباط روستاها دیده می‌شود و

۲- وسایل ارتباط جمعی : درین قسمت از پست ، تلگراف، تلفن، رادیو و مایکروویو بحث می‌شود .

پست : از گذشته‌ی آن می‌گذریم تا به زمان ناصرالدین‌شاه می‌رسیم که دفتری یا نمایندگی در سبزوار ایجاد می‌شود و از ۱۳۱۰ خورشیدی رسمیت می‌یابد . در آمارنامه‌ی سال ۱۳۵۳ آمده که : " پست و تلگراف سبزوار تعداد دفتر رسمی شهری ۱ ، روستایی ۱۵ و نمایندگی پستی در روستاها ۱۲ است و با ۱۲ صندوق شهری پایه دار بزرگ و ۸ صندوق صندوق پایه دار کوچک ، پس از مشهد در استان مقام اول را دارد و تا قبل از سال ۱۳۶۰ ، همه روزه نامه‌ها و بارهای پستی ، از تهران تا ایستگاه راه آهن سبزوار و از آنجا با اتومبیل ویژه به سبزوار آورده می‌شد . پست مشهد به سبزوار هم تا میانه‌ی سال ۱۳۶۵ با قطار حمل و از آن تاریخ با ماشین مخصوص پست و تلگراف خراسان انجام می‌گیرد . از اوایل سال ۱۳۶۴ پست سبزوار ، امانات خارجی را به عنوان نمایندگی گمرک قبول کرده ، و به خارج از کشور ارسال می‌دارد .

تلگراف : با گذشت از گذشته های دور ، نوشته‌ی مخابرات استر-آباد حکایت از آن دارد که در سال ۱۳۰۰ ، سبزوار از دستگاه تلگراف بهره می‌برده است ، درین کتاب یادآور می‌شود که : " مخبرالدوله سه نفر

تلگرافچی از ادارهی استرآباد خارج نموده ، و در عوض یک نفر از ساری و یکنفر از سمنان و یک نفر از سبزوار که تلگرافچی فوق العاده است به استرآباد آیند . " و جایی هم اشاره دارد که : " در باب اغتشاش شاهرود پنج نفر مجاهد از طرف خراسان وارد شده ، از سبزوار تلگراف شد آنها را بگیرند " (۲۳۳) .

و هم از اوست که " رشید السلطان در شاهرود خرابی زیاده کرده ، از آنجا به سبزوار می‌رود ، اهالی سبزوار و اطراف به هیجان آمده تلگراف سخت نمودند . " افضل الملک در افضل التواریخ نوشته است که " از سبزوار تا سیستان و سایر امکنه را بتوسط تلگراف به امراء بزرگ خراسان و حگام سابق بلاد سپردند " (۲۳۴) .

در سه سفرنامه‌ی هرات ، مرو و مشهد ، از موقعیت مناسب تلگرافخانه‌ی سبزوار صحبت شده و نویسنده در آن چنین نوشته : " تلگرافخانه‌ی سبزوار نزدیک به دروازه‌ی نیشابور است و جای خوبی است به جهت تهنیت رسیدن تلگراف ، مردم بسیار به تلگرافخانه آمدند " (۲۳۵) .

فعلی تلگرافخانه‌ی سبزوار : ۱- از لحاظ سیستم جنتکس که وسیله‌ی ارتباطی اتوماتیک در سطح ارتباط مملکتی است ، سبزوار دارای سه دستگاه و از این جهت در استان خراسان اول است . ۲- از لحاظ دستگاه تلکس که برای مبادله‌ی پیام مستقیم به صورت فارسی یا لاتین با ایجاد ارتباط مستقل دستگاه یا سازمانی در داخل و خارج می‌باشد ، سبزوار ممتاز و یکی از ۸ شهر ایران است که تلکس دارد . ۳- دستگاه هاس‌لر ، دستگاه مجهزی است که خود شامل ۲ نوع دستگاه MSR با ۲۰ کیلو حافظه ، کم نظیر و ASR با ۴ کیلو حافظه ۳۰۰ بعد است ، این دستگاه که ساخت سوئیس است به فارسی و هم لاتین کار می‌کند و در

(۲۳۳) حسینقلی آقا مقصود لوی ، مخابرات استرآباد ، ۱۳۲۶ خورشیدی جلد ۱ ص ۷۱ ، ۱۶۴ ، ۲۶۸ .

(۲۳۴) غلامحسین افضل الملک ، افضل التواریخ ، به کوشش منصوری نظام مافی و . . . ، نشر تاریخ ایران ، ۱۳۶۱ ، ص ۸۸ .

(۲۳۵) قدرت اله روشنی ، سه سفرنامه‌ی هرات ، مرو ، مشهد ص ۱۹۱ .

سبزوار مورد استفاده است . ۴- دستگاه بتا ، نیز در در تلگرافخانه سبزوار وجود دارد . ۵- نقطه به نقطه ، دستگاه یا روش کاری است که مستقیماً نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر (مثلاً سبزوار را با مشهد) ارتباط می‌دهد ، این دستگاه از ۷ صبح تا ۷ بعدازظهر پیاپی کار می‌کند (چون شاید از حوصله‌ی خواننده خارج باشد ، از بحث در جزئیات و موارد فنی خودداری شد) .

ضمناً سبزوار از جهت تعداد تلگرام و کلمات وارده ، پس از مشهد ، در استان مقام اول را دارد .

تلفن : به صورت داخل شهری از ۱۳۱۶ خورشیدی با ۱۰۰ مشترک تلفن مغناطیسی کار خود را در سبزوار آغاز کرده است . در سال ۱۳۵۲ خورشیدی تلفن مغناطیسی سبزوار به تلفنهای خودکار تبدیل شد . بی‌سیم سبزوار در همان موقع با مشهد و تهران و یزد برقرار بود ولی بین سبزوار قوچان ، سبزوار اصفهان و سبزوار کرمان ، به علت کمی مشتری تعطیل گردید . ضمناً با روستاهای داورزن ، مزینان ، مهر ، نقاب جغتای ، بید و طبس ، قبل از سال ۱۳۵۰ ، ارتباط تلفنی برقرار بود . آمارنامه‌ی سال ۱۳۶۳ نشان می‌دهد که در آن سال ، سبزوار دارای ۷ هزار شماری مشترک بوده و از این جهت مقام اول را پس از مشهد دارا بوده است (۲۳۶) . ارتباط تلفنی خودکار سبزوار از تمام کشور و خارج از کشور ، مستقیماً با کد (۰۵۲۲۱) انجام می‌شود و شماری اطلاعات سبزوار ۱۱۸ و شماری خرابی و تعمیر ۱۱۷ و ارتباط با راه دوری که دارای تلفن مغناطیسی باشد ۱۱۶ می‌باشد و ۳۲ روستا در شهرستان سبزوار دارای تلفن می‌باشند ، و اکنون شهر سبزوار ۹ هزار شماره تلفن دارد .
رامپو : آمارنامه‌ی استان خراسان سال ۱۳۶۳ ، از مرکز (FM) در سبزوار یاد می‌کند که در اردیبهشت ۱۳۶۲ افتتاح شده ولی دستگاه جدیدی در عید فطر ۱۴۰۸ هـ - ق برابر با ۱۳۶۷ هـ - ش ، در محل اردوی آوارگان افغانستان و مرکز تعلیمات بسیج سپاه پاسداران سبزوار ،

به فاصله‌ی ۳ کیلومتری جنوب شهر ، نصب شده که در موج متوسط با طول موج ۲۰۲ متر و فرکانس ۱۵۸۴ کیلوهرتز ، برنامه‌ی سراسری را از شبکه‌ی تهران گرفته و آن را تنظیم و تقویت و در سطح شهرستان پخش می‌کند . (این مرکز پخش برنامه‌ی محلی ندارد و ساعت پخش از تهران هم از ۵ بعدازظهر تا پایان اخبار نیمه شب است .

مایکروویو : دستگاهی است که ارتباطات راه دور ، یعنی پیام و امواج را در حدّ بالا و قوی پخش می‌نماید و وظیفه‌ی آن ، انتقال خطوط تلفنی یا پیام از شهری به شهری یا کشوری به کشور دیگر می‌باشد . و با این ویژگیها ، در سبزواری هم از آن بهره برده می‌شود .

بازرگانی سبزواری موقعیت بازرگانی و مبادلات تجاری سبزواری

۱- ویژگیها : تجارت و بازرگانی سبزواری ، بدان حدّ اهمیت دارد که مشهد و سایر شهرستانهای استان را تحت الشعاع قرار داده است . این اهمیت و معروفیت به خاطر موقعیت جغرافیایی ویژه‌ی شهرستان سبزواری ، داشتن محصولات عمده‌ی تجاری ، مرکزیت تجاری ، تبادل و عرضی کالا ، بسته بندی مرتب و تمیز و صحیح به طریق استاندارد و قابلیت جذب بازار و صادرات به سایر کشورها است . آثار و نوشته های مورخان و سفرنامه نویسان خارجی و داخلی نیز صدق اهمیت تجاری این شهرستان را آشکار می‌سازد :

۱- وضع تجارت این شهر ، در گذشته های دور ، از نوشته‌ی حمدالله مستوفی در *نزهة القلوب* برمی‌آید که : " بازارهای فراخ و خوب در سبزواری است و راههای این شهر ، منزلگاه صاحبان حرف کوچک ، همچون آهنگران پارچه بافان و معاملان بزرگ است " .

۲- *لرد کرزن* انگلیسی در کتاب خود نوشته که : " کار تجارت در سبزواری

(۲۳۷) ایران و قضیه‌ی ایران ، جرج ناتانیل ، *لرد کرزن* ، ترجمه‌ی وحید مازندرانی ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، ۱۳۴۹ جلد ۱ ص ۳۶۰ .

رونق فراوان یافته . . . یک تجارتخانهی ارمنی در آنجاست که از طریق استرآباد و بندرگز، با روسیه تجارت دارد ، پنبه و پشم صادر و قند و چیت وارد می‌کند " (۲۳۷) .

۳- گزارشهای حسینقلی مقصودلو که در ۱۳۴۳ هـ - ق به مراجع انگلیسی نوشته شده نیز رونق تجارت سبزوار را می‌رساند ، او در راپورت نمره ۶ ، سال ۱۹۱۹ میلادی می‌نویسد : " در باب ترقی و تنزل ارزاق خصوصاً شکر و قند که در سبزوار و استرآباد ، از شکر سفید قند درست کرده ، تراکمه بی‌نهایت خریده حمل به روسیه می‌نمایند . " و در جای دیگر می‌نویسد: " یک هفته است تجار سبزوار ، از استرآباد خرید پنبه می‌نمایند خرواری صد تومان می‌خرند و حمل به هندوستان می‌شود " (۲۳۸) .

۴- در دفتر عوارض دریافتی شهرداری سبزوار در سال ۱۳۴۵ خورشیدی می‌بینیم که عوارض وارداتی سبزوار ، کمی بیش از ۲ میلیون ریال و عوارض صادراتی این شهر بیش از ۴ میلیون ، یعنی دو برابر و با سنجش این دو چنین دریافت می‌شود که میزان صادرات سبزوار بیش از واردات بوده ، یا فقط درآمد عوارض مختلف شهرداری به اندازه‌ای بوده که تمام هزینه های این دستگاه عریض و طویل را بسنده بوده است .

۵- درآمد های مالیاتی سبزوار هم نشان دهندهی تجارت پر رونق این شهر است و در این مورد دریافت های مالیات دو سال به اعداد و ارقام اخذ شده از طرف ادارهی دارایی سبزوار و سنجش آنها قابل توجه می‌باشد :

سال	مبلغ دریافتی مالیاتهای مستقیم	غیرمستقیم	جمع
سال ۱۳۵۶	ریال ۱۱۶۱۰۰۹۴	ریال ۶۵۹۵۱۸۸	ریال ۱۸۲۰۵۲۸۲
سال ۱۳۶۵	ریال ۴۰۲۵۰۲۴۷۵	ریال ۴۵۰۷۸۲۸۲۰	ریال ۸۵۳۲۸۵۲۹۵

(جدول شماری ۲۲)

با دقت در جمع دو سال متفاوت مالی می‌بینیم که : درآمد سال ۶۵، حداقل ۴۷ برابر سال ۵۶ بوده است .

۶- بانک ملی سبزوار که در سال ۱۳۰۷ خورشیدی یکی از ۳۵ واحد بانکی مصوبه در سراسر کشور بوده و در سال ۱۳۱۳ ، رسماً در این شهر به فعالیت پرداخته ، بر اثر بده بستانهای بازرگانان و کسبهی معتبر و سپرده های بزرگ آنان ، اعتبار و ترقی فوق العاده یافته و از این جهت جایگاه والایی را در سطح کشور دارد . پس از مشهد ، مقام اول را دارا می‌باشد (اعداد و ارقام موجود در بانک مذکور گواه درستی این نوشته است که برای طولانی نشدن مطلب ، از ذکر آنها خودداری می‌شود .)

۷- جمع دریافتی حق بیمه اتومبیلها و تعداد خودروهای سبزوار دلیلی دیگر در وضع خوب زندگانی مردم آن و درآمد آنان است که صفحات ۱۰۲ و ۱۱۰ ، آمارنامهی خراسان مربوط به سال ۱۳۶۳ موید آن می‌باشد .

و . . .

واردات و صادرات سبزوار : واردات اصلی سبزوار ، واردات معمول بیشتر شهرهای ایران است مانند ماشین آلات ، وسایل کشاورزی ، ابزار الکتریکی و الکترونیکی و یا بعضی مواد خوراکی .

در باره ی واردات سبزوار ، در گذشته ، مقدسی در **احسن التقاسیم** ، در مطلبی تحت عنوان (تجارت سبزوار) می‌نویسد : " از جمله واردات سبزوار پشم و پنبه است که برای پاک کردن و زدودن کثافات و خاک و درجه بندی و بالاخره بسته بندی به این شهر می‌آید و بعد از همین مرکز صادر می‌شود و از جمله صادرات آن ، در گذشته پارچه بوده است که بسیار صادر می‌کردند " .

در دایره المعارف سرزمین و مردم ایران هم آمده که : " گندم ، جو ، پنبه ، زیره و کتیرا از محصولات کشاورزی و صادراتی سبزوار می‌باشند " . **مطلع الشمس** نوشته ی اعتماد السلطنه تحت عنوان (مال التجاره ی معتبر سبزوار) ، از پنبه ، پشم ، ابریشم ، غله ، کرچک ، خربزه و هندوانه و سایر فواکه نام می‌برد ، که در مورد پنبه سه کارخانه ی مجهز در شهر و جوبین ، پس از تصفیه به نحو مطلوب صادراتی (استاندارد) عدل بندی نموده ، مقداری از آن به کارخانه های

داخلی و بقیه به خارج از کشور صادر می‌شود .

زیره سبزوار از شهرت زیادی برخوردار است و تولیدات کارخانهی بزرگ زیره پاک کنی این شهرستان به خارج صادر می‌شود . از محصولات دیگر صادراتی این شهرستان : گندم ، جو ، انواع خشکبار مانند آلو ، بادام ، گردو ، مویز ، برگه‌ی زردآلو و هلو ، انار ، تخمهی خربزه و تخمهی هندوانه است .

تخمهی هندوانه از صادرات مهم و پردرآمد کشاورزان سبزوار است. این تخمه‌ها را ، پس از بوجاری به چهار درجه‌ی سفید ، سیاه ، حنایی و قرمز تقسیم می‌کنند و سپس به بازار عرضه می‌نمایند و یا برای صادر کردن به بازرگانان بزرگ می‌فروشند . عمل سورت و بسته بندی این ماده پولزا ، تماشایی و اشتغال زا است و محل‌های مشخص کاشت و برداشت هندوانه و تخمهی آن در دشت گسترده‌ی جوین ، دهستان‌های طبس و براکوه است . مقدار صادراتی از سبزوار نزدیک به ۱۰ هزار تن در سال است . معروف است که اصطلاح تخمهی هندوانه به تخمهی ژاپنی از ژوپان یکی از آبادی‌های قدیم سبزوار بسوده و شاید همان گویان یا جویان (جویین فعلی) باشد ولی در اصطلاح چون تخمهی هندوانه‌ی آن عالی بوده به تخمهی ژاپنی مشهور شده است . دانه‌های روغنی مانند کنجد و کرچک و ... و بازده گیاهانی همچون ترنجبین ، شیرخشت ، و گل گاوزبان و ... و موادی که در صنعت از وجود آنها بهره می‌برند مثل کتیرا و ... هم جزو صادرات سبزوار شمرده می‌شوند . مواد صنعتی و کانی هم که در قسمت معادن سبزوار یاد شد در تجارت و درآمد سبزوار نقش اساسی دارد . علاوه بر پشم حاصله از گوسفندان سبزوار که (در بخش فرآورده های صنعتی) آمده است ۷۰٪ پشم گوسفندان شمال و ... نیز به سبزوار وارد می‌شود و پس از به اصطلاح ، زدن و تمیز شدن ، برای صدور آماده می‌شود . ورود و صدور کرک و مو نیز ، در سطحی عالی در سبزوار رایج است و در این راستا قالی هم رقم بزرگی از صادرات سبزوار را شامل می‌شود . پوست و روده نیز ، که ۹ کارخانه‌ی مجهز سبزوار پوست را سالمبو نموده و کشتار زیاد این شهر که نزدیک به مشهد

است ، ارزش کمی و کیفی این دو را بالا برده است . صابون سفید سبزوار نیز به خاطر درجهی خلوص و استفاده از پیه ، مشهور و از صادرات این شهر است .

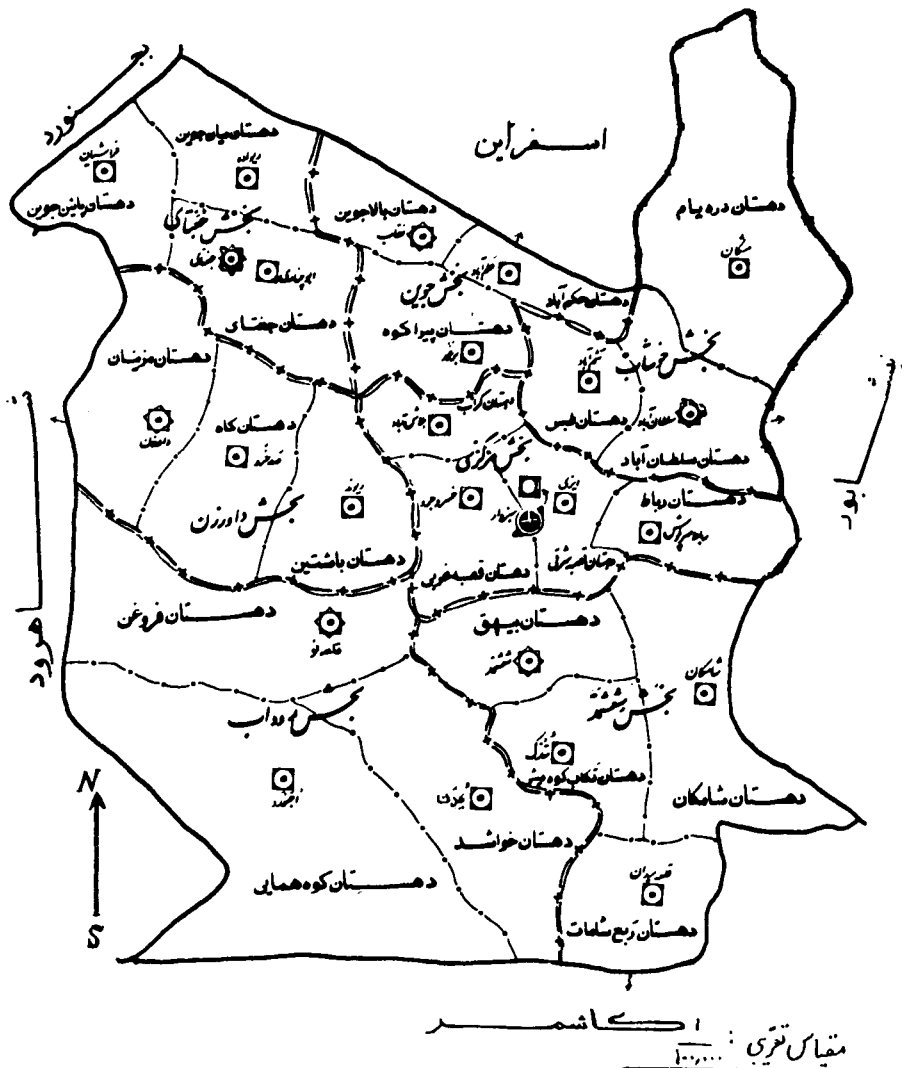
بخش پنجم بخشهای شهرستان سبزوار تقسیمات اداری شهرستان

رابطه شهر و روستا : ارتباط شهر با مراکز بخش و روستاهای سبزوار ، جاده های شوسه و آسفalte می باشد و عوامل دیگری مانند ازدواج بین روستا نشینان و شهرنشینان و مهاجرت روستاییان به شهر به طور موقت و دائم و همچنین آمدن آنان به شهر ، برای برآورد نیازهای مادی و کارهای اداری ، وجود ارتباط بین شهر و روستا را استحکام می بخشد .

نکری اجمالی از بخشهای شهرستان سبزوار و چگونگی فعالیتهای آنان : برای آگاهی بر تطور و دگرگونیهای شهرستان سبزوار و بخشها و روستاهای این شهرستان ، در آثار گذشتگان مطالبی آمده است . از جمله در تاریخ بیهق و آثار باستانی خراسان که پاره آبادیهای سبزوار را در گذشته نزدیک به ۴۰۰ دانسته اند ، حقیقت در تاریخ جنبش سربداران ، ضمن گفتاری از این سلسله ، در باره آبادیها و تقسیمات اداری شهرستان سبزوار هم می نویسد که سبزوار مشتمل بر ۳۲۱ قریه می باشد و همو در صفحه ۱۲۳ کتابش نوشته سبزوار از ۵ بخش بنام حومه ، داورزن ، صفی آباد ، جغتای و شتمد و ۴۷ آبادی تشکیل شده است (۲۳۹) . اعتماد السلطنه در کتاب **مرآت البلدان** که در پایان قرن سیزدهم ه - ق نگاشته ، نوشته است که : " سبزوار متضمن ۳۲۱ قریه است " (۲۴۰) .

(۲۳۹) عبدالرفیع حقیقت ، تاریخ جنبش سربداران و دیگر . . . ص ۱۰۹ .
(۲۴۰) محمد حسنخان صنیع الدوله ، مرآت البلدان ناصری ، ص ۳۲۸ .

نقوہ شہرستان سبزوار بقیہ بخش و دہستان



نشانها

مرز با شورهای می

مرز بی کشتی

مرز بی پستانها

مرز پستان

مرز کشتی

مرز چستان

در از انچه در این کتاب
 در از این کتاب
 در از این کتاب
 در از این کتاب
 در از این کتاب
 در از این کتاب

—+—+—

مرکز بین دستاویز
مرکز شهرستان

سرگرمیوں کی کھینچاؤ
سرگرمیوں کی کھینچاؤ

حکیم الممالک در بارهی مرز باختری و خاوری سبزوار ، در روزنامهی سفر خراسان چنین آورده : " داورزن اوّل خاک سبزوار است با ۴۰-۳۰ خانوار . " و همو در جای دیگر نوشته که : " در ۱۲۸۶ هـ - ق ، حدود سبزوار از قلعهی سنگ کلیدر حدّ طبیعی خاک سبزوار و نیشابور است " (۲۴۱) . آمارنامه‌ها در تقسیمات اداری سبزوار ، بخشهای این زمان شهرستان سبزوار را این چنین آورده‌اند : تعداد بخشهای سبزوار برابر سرشماری ۱۳۵۵ ، چهار بخش و تعداد دهستانهای آن ۲۳ و تعداد آبادیهای سبزوار که کلاً مسکونی و یا خالی از سکنه است ۱۸۱۸ و تعداد آبادیهای مسکون ۴۸۱ ، و جمعیت کل روستاها ، ۱۸۲۴۰۲ نفر می‌باشد (۲۴۲) .

همچنین آمارنامهی سال ۱۳۶۱ ، مانند آمارنامهی گذشته ، چهار بخش برای سبزوار بر می‌شمارد با این مشخصات :

۱- بخش جغتای : مرکز جغتای در فاصلهی حدود ۱۲۰ کیلومتری شمال غرب سبزوار ، دارای ۱۳۰ آبادی مسکون با جمعیت ۵۹۸۱۲ تن شامل دهستانهای بالا جوین ، پایین جوین ، پیراکوه ، حکم آباد و میان جوین .
۲- بخش حومه : مرکز شهر سبزوار ، دارای ۱۲۷ آبادی مسکون با جمعیت ۵۶۲۶۲ تن شامل دهستانهای سلطان آباد ، مصبهی شمالی ، قصبهی جنوبی ، قصبهی شرقی ، قصبهی غربی ، کرّاب و بالاخره دهستان طبس .

۳- بخش ششتمد : مرکز ششتمد در فاصلهی ۳۶ کیلومتری جنوب شرقی شهر ، دارای ۱۶۳ آبادی با ۴۰۴۳۳ تن جمعیت شامل دهستانهای تکاب ، کوه میش ، خواشد ، ربع شامات ، ، فروغن و کوه همایی .
۴- بخش داورزن : مرکز داورزن در فاصلهی ۷۰ کیلومتری غرب سبزوار ، دارای ۶۱ آبادی مسکون ، با جمعیت ۲۵۸۹۵ تن ، شامل دهستانهای کاه ، باشتین و مزینان (۲۴۳) .

(۲۴۱) علینقی حکیم الممالک ، روزنامهی سفر خراسان ، ناشر فرهنگ ایران زمین ، ۱۳۵۶ ، ص ۱۱۶ و ۱۴۰ .

(۲۴۲) آمارنامهی استان خراسان ، سال ۱۳۶۰ ، ص ۱ .

این تقسیمات ، با تقسیماتی که در نتیجهی سرشماری سال ۱۳۶۵ در آمارنامه آمده تقریباً یکنواخت است ، با ۲ تغییر در جمعیت بخش ها و تعداد آبادیهای مسکونی آنها ، منجمله در سرشماری ۶۵ ، بخش جغتای به جمعیت ۷۷۲۹۳ تن ، بخش حومه ۶۸۴۰۳ تن ، بخش ششتمد ۴۹۳۶۲ تن و بالاخره بخش داورزن به ۳۰۶۷۶ تن ، افزایش یافته است ، تفاوت کمی هم که در تعداد آبادیهای مسکونی دیده میشود چنین است : (۲۴۴)

ردیف	نام بخش	آبادی مسکونی سال ۵۵	آبادی مسکونی سال ۶۵	تفاوت و مقایسه
۱	جغتای	۱۳۰	۱۱۸	۱۲ قریه از آبادیهای نشیمن در سال ۶۵ کمتر شده است.
۲	حومه	۱۲۷	۱۵۴	به سبب داشتن امکانات بیشتر ۲۷ قریه به آن افزوده شده است.
۳	ششتمد	۱۶۳	۱۵۲	۱۱ قریه از آبادیهای - نشیمن ، در سال ۶۵ کمتر شده است
۴	داورزن	۶۱	۶۰	۱ قریه از آبادیهای - نشیمن ، در سال ۶۵ کمتر شده است .

(جدول شماری ۲۳)

و اما ، در آخرین تقسیمات کشوری ، شهرستان سبزوار (۲۴۵) ، دگرگونیهای

پاورقی از صفحهی قبل

(۲۴۳) آمارنامهی استان خراسان ، سال ۶۱ ص ۵ .

(۲۴۴) آمارنامهی استان خراسان ، مربوط به سال ۶۵ ، سازمان برنامه و

بودجه ، چاپ مرکز آمار ایران ، تهران ، بهمن ۶۶ ص ۴ .

(۲۴۵) مصوبهی جلسهی مورخهی ۶۸/۴/۲۱ هیات وزیران که طی ۴۹۱۳۶ ت

۵۹۹ مورخهی ۶۸/۵/۱۴ ، از وزارت کشور به استانداری خراسان ابلاغ

شده است .

زیادی دیده می‌شود که با دریافت از (گروه تقسیمات کشوری استانداری خراسان) به این شرح به اطلاع می‌رسد :

- ۱- سبزوار از ۴ بخش به ۷ بخش ارتقاء و فزونی یافته است .
- ۲- تعداد کلّ دهستانهای شهرستان سبزوار ۲۳ می‌باشد که (در استان بر سایر شهرستانها پیشی گرفته است) (۲۴۶) .
- ۳- تعداد آبادیهای سبزوار به ۱۹۱۷ رسیده و بالا رفته است .
- ۴- درصد رشد جمعیت شهرستان سبزوار در سنجش سال ۵۵ تا ۶۸ نزدیک به ۴۵٪ فزونی یافته است .

بخش خانوارهای شهری و روستایی شهرستان سبزوار (مهرماه ۱۳۶۸ خورشیدی)

محلّ	مرکز	تعداد آبادی			خانوار	جمعیت به تن	وسعت به کیلومترمربع
		جمع	دارای سکنه	خالی از سکنه			
کلّ شهرستان سبزوار	شهر سبزوار	۱۹۱۷	۴۷۱	۱۴۴۶	۸۵۴۳۲	۴۲۸۲۴۴	۲۵۰۵۰۲
شهر سبزوار	شهر سبزوار	-	-	-	۳۳۸۵۷	۱۵۲۳۵۷	۲۰ -
۱- بخش مرکزی	شهر سبزوار	۳۹۶	۷۳	۳۲۳	۱۰۸۳۵	۵۳۵۰۰	۱۹۹۵
دهستان رباط	رباط سربوش	۳۹	۱۹	۲۰	۱۵۰۰	۷۵۰۰	۶۳۷
دهستان قمبیه شرقی	ایزی	۱۱۴	۲۰	۹۴	۴۰۵۰	۲۰۰۰۰	۴۳۴
دهستان قمبیه غربی	خسروگرد	۱۳۰	۲۳	۱۰۷	۳۲۸۰	۱۶۰۰۰	۵۴۶
دهستان کراب	بلاش آباد	۱۱۳	۱۱	۱۰۲	۲۰۰۰	۱۰۰۰۰	۴۷۸
۲- بخش جغتای	شهر جغتای	۲۲۵	۴۳	۱۸۲	۶۰۰۰	۳۰۰۰۰	۲۲۲۵
دهستان پایین - جوبین	فراشیان	۵۶	۱۸	۳۸	۲۴۰۰	۱۲۰۰۰	۳۸۹
دهستان جغتای	ابوجناری	۱۱۷	۷	۱۱۰	۱۵۰۰	۷۵۰۰	۹۱۵
دهستان میان جوبین	ریواده	۵۲	۱۸	۳۴	۲۱۰۰	۱۰۵۰۰	۱۰۲۱
۳- بخش داورزن	داورزن	۲۰۹	۶۷	۱۴۲	۷۲۸۰	۳۶۰۰۰	۲۸۷۳
دهستان باشتین	ریوند	۶۰	۱۶	۴۴	۲۰۰۰	۱۰۰۰۰	۸۳۰
دهستان گاه	مدخرو	۶۵	۲۸	۳۷	۲۶۰۰	۱۳۰۰۰	۱۰۴۹

(۲۴۶) رک ، گروه تقسیمات کشوری ، استانداری خراسان ، مشهد ۱۳۶۸ .

دهستان مزینان	داورزن	۸۴	۲۳	۶۱	۲۶۸۰	۱۳۰۰۰	۱۰۰۴
۴- بخش ششتمد	ششتمد	۲۸۴	۶۳	۲۲۱	۷۲۰۰	۳۶۰۰۰	۳۷۸۶
دهستان بیهق (زمج سابق)	ششتمد	۱۱۱	۳۰	۸۱	۲۶۰۰	۱۳۰۰۰	۲۸۴
دهستان تکاب - کوه میش	تندک	۹۹	۱۵	۸۴	۲۱۰۰	۱۰۵۰۰	۷۶۹
دهستان ربع شامات	قلعه میدان	۵۳	۱۱	۴۲	۱۲۰۰	۶۰۰۰	۷۶۵
دهستان شامکان	شامکان	۲۱	۷	۱۴	۱۳۰۰	۶۵۰۰	۱۴۶۸
۵- بخش جوبین	نقاب	۲۱۲	۶۱	۱۵۱	۱۰۶۰۰	۵۳۰۰۰	۱۶۵۲
دهستان بالاجوبین	نقاب	۸۱	۲۷	۵۴	۴۴۰۰	۲۲۰۰۰	۴۹۸
دهستان پیراکوه یا پراکوه	برغمد	۸۱	۱۷	۶۴	۳۲۰۰	۱۶۰۰۰	۶۳۹
دهستان حکم آباد	حکم آباد	۵۰	۱۷	۳۳	۳۰۰۰	۱۵۰۰۰	۵۱۵
۶- بخش رونداب	قلعه نوروداب	۳۴۲	۸۵	۲۵۷	۴۰۹۰	۲۰۱۸۴	۵۱۴۳
دهستان خواشد	یجدن	۱۷۷	۲۸	۱۴۹	۲۰۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۷۸
دهستان فروغن	قلعه نوروداب	۳۵	۱۳	۲۲	۱۲۰۵	۵۹۹۸	۷۶۵
دهستان کوه همایی	اجنورد	۱۳۰	۴۴	۸۶	۸۸۵	۴۱۸۶	۳۳۰۰
۷- بخش خوشاب	سلطان آباد	۲۴۹	۷۹	۱۷۰	۹۸۴۰	۴۷۲۰۳	۱۸۸۷
دهستان سلطان آباد	سلطان آباد	۷۸	۳۰	۴۸	۳۶۰۰	۱۷۰۰۰	۵۳۸
دهستان طیس	شم آباد	۱۳۶	۲۰	۱۱۶	۳۳۰۰	۱۵۵۰۰	۴۹۸
دهستان دره یام	مشکان	۳۵	۲۹	۶	۲۹۴۰	۱۴۷۰۳	۸۵۱

(جدول شمارهی ۲۴)

توضیحاتی پیرامون جدول :

- ۱- با برداشت از رویدادهای چهارگانه ، که (در قسمت جمعیت ایسن کتاب آمده است) و نگاهی و نگرشی بر آمار زایش و مرگ و میر آورده شده در آن ، و کاستن درگذشتگان و پا به جهان نهادگان (در چند سال) و نیز رشد ترکیبی و افزایش جمعیت سالانه ۱۱ هزار نفری و افزایش حدود ۱۵ هزار تن در دهستان دره یام که جزئی از سرولایت نیشابور بوده و به سبزوار واگذار شده ، نفوس کل شهرستان سبزوار در پایان سال ۱۳۶۹ نزدیک به ۴۲۰ هزار تن است و جمعیت شهر بستگی به کشش و جذب مهاجر را دارد .
- ۲- میانگین خانوار در روستاها (۵) ، در شهر (۴/۶) و معدل آن که برای شهرستان به حساب آمده (۴/۸) تن می باشد .

۳- کلّ جمعیت روستاهای سبزوار تا اول مهر ۶۸ ، برابر با ۲۷۵۸۸۷ تن می‌باشد .

۴- مساحت شهرستان سبزوار با پیوسته شدن دهستان دره ییام ، ۲۵۵۰۲ کیلومتر مربع می‌باشد .

۵- تراکم نسبی جمعیت شهرستان سبزوار (جمعیت زیست کننده‌ی در هر کیلومتر مربع) نزدیک به ۲۰ تن و در شهر ۷۶۱۸ تن می‌شود .

پایان گفتار

به پایان آمد این گفتار ، لیکن حرفها باقی است .
در این کتاب ، به لطف پروردگار ، و یاری یاورانی ادب دوست و جامعه شناس و تاریخدان و محیط شناس ، و ارشاد استادان ، آنچه را که می اندیشیدم خواندنش لازم و مفید است گرد آوردم ، و تلاش داشتم به کیفیت بهای بیشتری بخشم تا به کمیت .

گرچه این کتاب مجموعه ای است از آمار و ادبیات و تاریخ و جغرافیا و فرهنگ و موارد دیگر بیهق پیشین و دیرین و سبزوار نوین ، این امید را در من زنده می دارد که بازده پشتکار و نتیجه ی اندیشه و دقت در تحقیق و مطالعه و پرسش محلی شاید پاسخی گویا به نیازهای همشهریان ارجمند و سایر پژوهندگان راه ادب و دانش باشد و خواسته ی شیفتگان به دانستنیهایی در باره ی خاک پاک بیهق را برآورده است . ولی در عین حال می دانم که هنوز گفتنیها و نوشتنیهای دیگری ، در این نوشته جایشان خالی است و از دید من به دور مانده اند .

چنین اندیشه ای ، من را از صاحبان نظر و ارباب ذوق و ادب متوقع می دارد که نقص و عیب و کمبود نوشته ام را ، تذکر فرمایند و بدانند که از یادآوری عزیزان رنجیده خاطر نشده ، بلکه خوشحال خواهم گردید ، زیرا ، معتقدم که :

دوست دارم ، که دوست ، عیب مرا	همچو آیینی ، روبرو گوید
نه ، که چون شانه ، با هزار زبان	پشت سر رفته ، موبمو گوید

به دنبالای این درخواست ، یاد این نکته نیز خالی از لطف نخواهد بود که

به دلایل فراوانی، پاره ای از مطالب را که، از لحاظ ردیف موضوع نوشتار، به مانند یاد، و شرح مشاهیر ادبی، علمی و سیاسی سبزوار و هم شاعران و مورخان بیهق و سبزوار و نیز بحث در قواعد لغات و ریشه‌ی واژه‌های محلی و ذکر آداب و عادات و مراسم ویژه‌ی مردم این شهرستان و خلق و خوی و اعتقادات آنان را به جلد دوم و سوم موکول نموده‌ام و پربار شدن آنها را هم درگرو یادآوریهای دانایان می‌دانم و از آنان که مرا، در این مهم، یاری خواهند فرمود پیشاپیش سپاسگزاری می‌کنم.

بهرحال اعتقادم بر این است که ناظر دقیق و باریک بین و آگاه، با آنکه در حاشیه است، متن را خوب می‌بیند و وجدان پاکش، وی را برمی‌انگیزد که دوست خود را یاری کند.

گرچه در پیشگفتار، از تمام کسانی که مرا یاری کرده اند سپاسگزاری کرده‌ام، اما سپاس مجددی و تذکری است که مؤمنین را سودمند خواهد بود. و به همین سبب، از مسئولان کتابخانه‌ها در تهران و مشهد و دیگر شهرها، از گروه تقسیمات کشوری و ادارات کل استان خراسان و ادارات شهرستان سبزوار، که با روی خوش، پرسشهای مرا پاسخگو بودند، اظهار امتنان می‌نمایم و با طلب پوزش از کاستی‌ها برای همه دعای خیر می‌کنم.

شکر که این نسخه، به عنوان رسید پیشتر از مرگ به پایان رسید

پایان جلد اول

محمود بیهقی

کتابشناسی سبزواری

- ابن اثیر ، عزالدین علی بن محمد : **اللباب فی معرفة الانساب** (به عربی) ،
مکتبه القدسی ، چاپ قاهره ، ۱۳۵۷ هـ - ق .
- ابن اثیر ، عزالدین علی بن محمد : **الکامل فی التاریخ**
(به عربی) ، دارصادر ، جلد ۱ تا ۱۳ ، بیروت ، ۱۳۸۵ هـ - ق .
- ابن بابویه القمی ، ابیجعفر محمد : **اکمال الدین و اتمام النعمه فی اثبات
الغیبه و کشف الحیره تاجر کاشانی** ، محمدحسین ، تهران حدود ۱۳۰۰ هـ - ق .
- ابن بطوطه ، شرف الدین ، ابو عبد الله محمد : **رحله یا سفرنامه ابن-
بطوطه** ، مؤجد ، محمد علی ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ،
تهران ۱۳۳۷ .
- ابن حوقل ، محمد : **صورة الارض یا کتاب المسالك و المعالك** ، شعار ،
جعفر ، بنیاد فرهنگ ایران ، تهران ۱۳۴۵ .
- ابن خرداد به ، ابوالقاسم عبیدالله : **المسالك و المعالك** ، (به عربی)
تصحیح دوجوریه ، بغداد ، چاپ افست و لیدن ۱۸۸۹ میلادی .
- ابن رسته ، احمد بن عمر : **الاعلاق النفیسه** ، قره چانلو ، حسین ، امیر-
کبیر ، تهران ۱۳۶۵ .
- ابن واضح یعقوبی ، احمد بن ابی یعقوب : **البلدان** ، آیتی ، محمد ابراهیم ،
بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران ۱۳۴۳ .
- ابن واضح یعقوبی ، احمد بن ابی یعقوب : **تاریخ یعقوبی** ، آیتی ، محمد -
ابراهیم ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، جلد دوم ، تهران ۱۳۴۳ .
- ابن یمین ، امیر فخرالدین محمود : **دیوان ابن یمین** ، تصحیح باستانی-

- راد ، حسینعلی ، کتابخانه‌ی سنائی ، تهران ۱۳۴۴ .
- ابوالفداء ، عمادالدین اسماعیل : المختصر فی اخبار البشر یا تاریخ ابوالفداء (به عربی) ، چاپ اول ، ناشر سید محمد عبداللطیف و شرکاء چاپ مصر ۱۳۲۵ هـ - ق .
- ابوالفدا ، عمادالدین : تقویم البلدان ، آیتی ، عبدالمحمد ، بنیاد فرهنگ ایران ، تهران ۱۳۴۹ .
- ابودلف الخزر جی ، مشعرین مهلهل : سفرنامه‌ی ابودلف در ایران ، تحقیقات مینورسکی ، ولادیمیر ، ترجمه‌ی طباطبایی ، ابوالفضل ، چاپ دوم ، انتشارات زوار ، تهران ۱۳۵۴ .
- اتحادی ، کاظم : برخی از جنبه‌های جغرافیای شهری سبزوار ، (رساله)، دانشکده‌ی ادبیات دکترشریعتی ، مشهد ۱۳۵۷ .
- اته ، هرمان : تاریخ ادبیات فارسی ، رضازاده شفق ، صادق ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران ۱۳۳۷ .
- احتشام کاویانیان ، محمد : شمس الشموس و انیس النفوس ، آستان قدس رضوی ، مشهد ۱۳۴۵ .
- اداره‌ی کل صنایع خراسان : شناسنامه‌ی صنعتی شهرستان سبزوار ، اداره‌ی مطالعات منطقه‌ای خراسان ، مشهد ۱۳۶۶ .
- اسراری ، ولی‌الله : شیخ علی‌بن ابی‌الطیب ، چاپ بی‌هق ، سبزوار .
- اشپولر ، برتولد : تاریخ مغول در ایران ، میرآفتاب ، محمود ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران ۱۳۵۱ .
- اصطخری (کرخی) ، ابواسحق ، ابراهیم : مسالک الممالک ، به اهتمام افشار ، ایرج ، تهران ۱۳۴۰ .
- ابراهیم اصلاح عربانی : راهنمای شهرستان‌های ایران برای ، سازمان فار ، تهران اسفند ۱۳۴۵ .
- افضل الملک ، غلامحسین : افضل التواریخ ، به کوشش اتحادیه، منصوره/ سعدوندیان ، سیروس ، نشر تاریخ ایران ، تهران ۱۳۶۱ .
- افضل الملک ، غلامحسین : سفرنامه‌ی خراسان و کرمان ، به اهتمام روشنی ، قدرت‌اله ، انتشارات توس ، تهران ۱۳۶۲ .
- اقبال آشتیانی ، عباس : تاریخ مغول ، امیرکبیر ، جلد اول ، چاپ

سوم ، تهران ۱۳۴۷ .

اقبال آشتیانی ، عباس : تاریخ مغل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت ، جلد اول ، وزارت معارف ، مطبعه مجلس ، تهران ۱۳۱۲ .
امام ، سید محمد کاظم : مشهد ، طوس ، کتابخانه ملی ملک ، تهران ۱۳۴۸ .

امیر تیمور : منم تیمور جهانگشا ، گردآورنده بریون ، مارسل . ترجمه منصور ، ذبیح الله ، کتابخانه مستوفی ، چاپ ششم ، تهران ۱۳۶۳ .
امین ، سید حسن : احوال و افکار ملاهادی سبزواری ، انگلستان ، گلاسکو ، فروردین ۱۳۶۷ .

امینی صالحی ، ناصر : جغرافیای کشاورزی شهرستان سبزوار (رساله)
دانشکده ادبیات مشهد ، ۱۳۵۹ .

انصاری دمشقی ، شمس الدین ابی عبدالله محمد . . . : نخبه الدهرفی - عجایب البر والبحر (به عربی) ، مكتبة المثنی بیغداد ۱۹۲۳ میلادی .
بارتولد ، واسیلی ولادیمیروویچ : تذکره جغرافیای تاریخی ایران ، سردادور حمزه ، توس ، تهران ۱۳۵۸ .

بارتولد ، واسیلی ولادیمیروویچ : ترکستان نامه ، کشاورز ، کریم ، جلد اول ، تهران ۱۳۵۲ .

باستانی پاریزی ، محمد ابراهیم : کوچه هفت پیچ ، انتشارات نگاه ، تهران ۱۳۵۵ .

باستانی پاریزی ، محمد ابراهیم : هشت الهفت ، انتشارات نویسن ، چاپ اول ، چاپ آسان ، تهران ۱۳۶۳ .

بانک ملی ایران : فهرست اسامی شعبه ها - نمایندگیها و بجاهای بانک ملی ایران ، مولف و ناشر بانک ملی ایران دی ۱۳۴۷ .

برتولد ، اشلر : تاریخ مغول در ایران ، میرآفتاب ، محمود ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران ۱۳۵۱ .

بزرگ نیا ، علی : بررسی اهمیت تاریخی مناطق ازباده شهرهای مهم خراسان ، (رساله) ، دانشکده ادبیات مشهد ۱۳۵۴ .

بغدادی ، صفی الدین : مراد الاطلاع علی الاسماء الامکنه والبقاع ، (به عربی) ، مصر ۱۳۷۳ هـ - ق و ۱۹۵۵ میلادی مصر .

- بلالذری ، احمد دبن یحیی : فتوح البلدان
آذر نوس ، آذرتاش . بنیاد فرهنگ ایران ،
تهران ۱۳۴۶ .
- بویل ، جی ، آ ، و . . . : تاریخ ایران کمبریج ، انوشه ، حسن ،
انتشارات امیرکبیر ، جلد ۵ ، تهران ۱۳۶۶ .
- بهار ، محمدتقی (ملک الشعراء) : سبک شناسی ، جلد ۳ ، چاپ سوم
(کتابهای پرستو) ، تهران ۱۳۴۹ .
- بهار ، محمدتقی (ملک الشعراء) : مجملی نوبهار ، شماره ۱۵ ،
تهران ۱۳۰۲ .
- بهار ، محمدتقی (مصحح) : تاریخ سیستان ، موسسه خاور ۱۳۱۴ .
- بیهقی ، ابوالحسن علی بن زید (ابن فندق) : تاریخ بیهقی ، تصحیح و
تعلیقات از بهمنیار ، احمد ، کتابفروشی فروغی ، چاپ دوم ، تهران
۱۳۱۷ .
- بیهقی ، ابوالفضل محمد بن حسین (دبیر) : تاریخ بیهقی ، تصحیح
فیاض ، علی اکبر و غنی ، قاسم . کتابفروشی بیرقدار ، چاپ اول ، مشهد
۱۳۲۴ .
- بیهقی ، ابوالفضل محمد بن حسین (دبیر) : یادنامه ابوالفضل بیهقی ،
دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد ، ۱۳۵۰ (بهره از نوشتار
مهدوی دامغانی ، محمود) .
- بیهقی ، ابوبکر احمد بن حسین : دلائل النبوه ، مهدوی دامغانی ، محمود
مرکز انتشارات علمی و فرهنگی (وزارت آموزش عالی) جلد ۱ و ۲ ،
تهران ۱۳۶۱ .
- بیهقی / بینش : نامه آستان قدس ، شماره ۱ دوره ۱۰ (۳۷) مسلسل ،
مقاله درباره خسروگرد ، مشهد ۱۳۵۳ .
- بیهقی ، سلیمان : جنگل کاری حاشیه کویر به منظور تثبیت شنهای روان ، در
روستای حارث آباد سبزار (رساله) دانشکده کشاورزی همدان ، ۱۳۵۵ .
- بیهقی (حسین زاده) ، محمدعلی : سفرنامه مکی معظمه و
۱۳۲۹ هـ - ق (قسمتی در مجملی خاطرات وحید ، دوره ۱۰ شماره ۶ و
. . .) تهران ۱۳۵۱ .

- پاول ، هرن : تاریخ مختصر ایران از آغاز اسلام ، رضازاده شفق ، صادق ، کمیسیون معارف ، مطبعه‌ی مجلس ، جلد ۱ ، تهران ۱۳۱۴ .
- پطروشفسکی ، ایلپاپاولویچ : نهضت سربداران خراسان ، کشاورز ، کریم انتشارات پیام ، تهران ۱۳۵۱ .
- پولاک ، ادواردیاکوب : سفرنامه‌ی پولاک یا ایران و ایرانیان جهاننداری کیکاوس ، انتشارات خوارزمی ، تهران ۱۳۶۱ .
- پیرنیا (مشیرالدوله) ، حسن : تاریخ ایران باستان ، کتابهای جیبی ، ابن سینا ، کتاب هشتم ، چاپ سوم ، تهران ۱۳۴۲ .
- پیگولوسکایا ، ن ، و (۴ نفر دیگر) : تاریخ ایران از دوری باستان تا پایان سده‌ی هجدهم میلادی ، کشاورز ، کریم ، پیام ، تهران ، ۱۳۵۴ .
- ترقی ، محمدعلی : فرهنگ فارسی به فرانسه ، کتابفروشی خیام ، چاپ دوم ، چاپخانه‌ی شرکت سهامی طبع کتاب ، تهران ۱۳۲۷ .
- تسبیجی ، محمدحسین : از خوانسار تا خراسان ، چاپخانه جدید اردو تایپ ، لاهور ، ۱۳۵۳ .
- توحدی ، کلیم‌الله : حرکت تاریخی کرد به خراسان در دفاع از استقلال ایران ، جلد اول ، مشهد ۱۳۵۹ .
- توحیدی ، فائق : گزارشگونه ، پلی‌کپی شده در مورد آثار باستانی سبزوار میراث فرهنگی خراسان ، مشهد ۵۵ و ۱۳۵۶ .
- توکل‌ی‌راد ، اکبر : معادن استان خراسان ، اداره‌ی کل صنایع و معادن خراسان ، مشهد ۱۳۵۸ .
- تهرانچی ، محمد مهدی : پژوهشی در ورزشهای زورخانه‌ای ، کتابسرا ، مقابل دانشگاه تهران ، تهران ۱۳۶۴ .
- جعفری ، موسی : جغرافیای سبزوار و راههای پیشرفت اقتصادی آن (رساله) ، دانشکده‌ی ادبیات مشهد ، ۱۳۴۰ .
- جوینی عطاملک : تاریخ جهانگشا ، اهتمام و غلط‌گیری ، قزوینی، محمد امیرکبیر ، جلد ۱ و ۲ ، تهران ۱۳۶۲ .
- جهانگیرمیرزا (پسر عباس‌میرزا نایب‌السلطنه) : تاریخ نو ، به‌سعی اقبال ، عباس ، شرکت سهامی چاپ ، مشهد ۱۳۲۷ .

- حافظ ابرو ، عبدالله بن لطف الله : **جغرافیای حافظ ابرو** ، به کوشش مایل ، هروی ، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران (ربع چهارم) چاپخانهی اتحاد ، تهران ۱۳۴۹ .
- حاکم نیشابوری ، ابو عبدالله محمد بن عبدالله : **تاریخ نیشابور** ، به سعی کریمی ، بهمن ، ابن سینا ، تهران ۱۳۳۷ .
- حجفروش ، محمدتقی : **نتایج مقدماتی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵** ، معاونت طرح و آمار ، سازمان برنامه‌ی خراسان ، مشهد ۱۳۶۵ .
- حقیقت ، عبدالرفیع : **تاریخ جنبش سربداران و دیگر جنبشهای ایران** ، تهران ۱۳۶۳ .
- حقیقت ، عبدالرفیع : **تاریخ قومس** ، چاپ اول ، تهران ۱۳۴۴ .
- حقیقت ، عبدالرفیع : **تاریخ نهضت‌های ملی ایران از سوگ یعقوب لیث** ، بنیاد نیکوکاری نوریانی ، تهران ۱۳۵۴ .
- حکیم الممالک ، علینقی : **روزنامه‌ی سفر خراسان** ، (انتشارات فرهنگ ایران زمین) ، تهران ۱۳۵۶ .
- حکیم میرزا محمدتقی : **گنج دانش** ، (انتشارات میرزا حبیب الله) ، تهران ۱۳۰۵ هـ - ق .
- حموی ، یاقوت : **تاریخ معجم البلدان** (به عربی) ، جلد دوم ، مصر ۱۳۲۳ هـ - ق .
- خواجه رشیدالدین ، فضل الله : **جامع التواریخ** ، کریمی ، بهمن و طهرانی ، سیدجلال ، مطبعه مجلس و چاپ تابش ، تهران ۱۳۳۸ .
- خواندمیر ، غیاث‌الدین ... الحسینی : **تاریخ حبیب‌السير فی اخبار البشر مصحح همایی** ، جلال ، کتابخانه‌ی خیام ، چاپ جدید ، تهران ۱۳۳۳ .
- خورموجی ، محمدجعفر : **حقایق الاخبار ناصری** ، کوشش خدیوچم، حسین . نشر نی ، چاپ دوم ، ۱۳۶۳ .
- داون ، جیمز : **عارف دیهیم‌دار** ، منصوری ، ذبیح‌الله ، تهران ۱۳۶۳ .
- دایره‌ی جغرافیایی ستاد ارتش : **فرهنگ جغرافیایی ایران** ، جلد ۹ ، تهران ۱۳۲۹ .

دولتشاه سمرقندی (دولتشاه بن بختی شاه سمرقندی) : تذکرة الشعراء ،
تصحیح براون ، ادوارد ، مطبعه بریل ، لیدن ، هلند ۱۹۰۰ میلادی .
دهخدا ، علی اکبر : لغت نامی دهخدا ، سازمان چاپ لغت نامه و ساز
مان چاپ دانشگاه تهران (جلد ب غ تا ب ی و س و ... جلد ۳۰) ،
تهران ۱۳۴۹ .

رازی ، امین احمد : هفت اقلیم ، مصحح فاضل ، جواد ، جلد ۲ ، کتاب -
فروشی علی اکبر علمی و ادبیّه ، تهران ۱۳۴۰ .
رازی ، عبدالله : تاریخ کامل ایران ، موسسه ی اقبال و شرکاء ،
چاپ چهارم ، تهران ۱۳۴۷ .

رزم آراء ، علی : جغرافیای نظامی خراسان ، (دایره ی جغرافیایی ستاد
ارتش) ، تهران ۱۳۲۰ .

رنه دالمانی ، هانری : سفرنامه ی از خراسان تا بختیاری ، فرهوشی ،
بهرام ، ابن سینا ، تهران ۱۳۳۵ .

روشنی ، قدرت اله : سه سفرنامه ی هرات ، مرو ، مشهد ، دانشگاه تهران
تهران ۱۳۴۷ .

زاهد جلیل و زهتابی ، محمدرضا : ایران زمین ، پدیده ، تهران ۱۳۴۸ .
زرگری ، علی : گیاهان دارویی ، انتشارات دانشگاه تهران ، جلد ۱
۱۳۶۰ و جلد ۲ ، ۱۳۶۱ .

زرین کوب ، عبدالحسین : تاریخ ایران بعد از اسلام ، انتشارات امیرکبیر
و وزارت آموزش و پرورش ، چاپ اول ۱۳۴۳ و دوم ۱۳۵۵ .
زرین کوب ، عبدالحسین : دو قرن سکوت ، انتشارات احمد علمی ، تهران
۱۳۴۴ .

زمجی اسفزاری ، معین الدین محمد : روضات الجنّات فی اوصاف مدینه
هرات ، تصحیح امام ، محمدکاظم ، دانشگاه تهران ۱۳۳۹ .

زیدری نسوی ، محمدبن احمد : سیرت جلال الدین مینکبرنی ، مینوی ،
مجتبای ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران ۱۳۴۴ .

سازمان برنامه و بودجه : آمارنامه ی استان خراسان ، (سرشماری عمومی
نفوس و مسکن ۴۵) ، تهران ۱۳۴۶ .

سازمان برنامه و بودجه : آمارنامه ی استان خراسان ، (سرشماری عمومی

نفوس و مسکن ۴۵) ، معاونت طرح و آمار خراسان ، مشهد ۱۳۵۱ .
 سازمان برنامه و بودجه : آمارنامه استان خراسان ، مرکز آمار ایران ،
 تهران ۱۳۵۳ .

سازمان برنامه و بودجه : آمار عمومی نفوس و مسکن ۱۳۵۵ ، معاونت
 طرح و آمار ، تهران ۱۳۶۰ .

سازمان برنامه و بودجه : آمارنامه استان خراسان ، مربوط به سال ۵۵ ،
 معاونت طرح و آمار خراسان ، مشهد ۱۳۶۱ .

سازمان برنامه و بودجه : آمارنامه استان خراسان ، معاونت آمار و
 اطلاعات خراسان ، مربوط به سرشماری سال ۶۵ ، مشهد ، اردیبهشت
 ۱۳۶۶ .

سازمان برنامه و بودجه : آمارنامه استان خراسان ، مربوط به سال ۶۵
 مرکز آمار ایران ، تهران ، بهمن ۱۳۶۶ .

سازمان حفاظت آثار باستانی ایران : فهرست بناهای تاریخی و اماکن
 باستانی ایران ، تهران ، بی تا .

سایکس ، پرسی : سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس ،
 سعادت نوری ، حسین ، انتشارات لوحه ، چاپ اول ، تهران
 ۱۳۶۳ .

ستوده ، حسینقلی : تاریخ آل مظفر ، دانشگاه تهران ،
 ۱۳۴۲ .

ستوده ، منوچهر (تصحیح) : حدود العالم من المشرق الى المغرب ،
 انتشارات دانشگاه تهران ، تهران ۱۳۴۰ .

سدید السلطنه مینابی ، محمدعلی : سفرنامه سدید السلطنه (التدقیق
 فی سیرالطریق) ، تصحیح اقتداری ، احمد (انتشارات بهنشر) چاپ
 اول ، تهران ۱۳۶۲ .

سعیدیان ، عبدالحسین : دائرة المعارف سرزمین و مردم ایران ، از
 انتشارات مجله علم و زندگی ، چاپ اول ، تهران ۱۳۶۰ .

سمرقندی ، کمال الدین عبدالرزاق : مطلع السعدین و مجمع البحرین ، به
 اهتمام نوائی ، عبدالحسین ، کتابخانه طهوری ، تهران ۱۳۵۳ .

شاملوئی ، حبیب الله : تاریخ ایران (از ماد تا پهلوی) ، بنگاه

- مطبوعات صفيعلی‌شاه ، چاپ اول ، تهران ۱۳۴۷ .
- شبانکاره‌ای ، محمدبن علی‌بن محمد : **مجمع‌الانساب** ، محدث ، میرهاشم انتشارات امیرکبیر ، تهران ۱۳۶۳ .
- شریعتی ، علی : **راهنمای خراسان** ، جلب سیّاحان مشهد ، چاپ دوم ، مشهد ۱۳۶۳ .
- شریف رازی ، محمد : **گنجینه‌ی دانشمندان** ، جلد پنجم ، قم ۱۳۵۳ .
- شیروانی ، زین‌العابدین : **بستان‌السیاحه** ، کتابخانه‌های سنائی و محمودی ، تهران ۱۳۱۵ هـ - ق .
- شیروانی ، زین‌العابدین : **ریاض‌السیاحه** ، تصحیح حامدربانی ، ناشر سعدی ، چاپ دوم ، تهران ۱۳۶۱ .
- صبوری ، جهانگیر : **جغرافیای تاریخی شهرستان سبزوار** ، (رساله) ، دانشکده‌ی ادبیات مشهد ، ۱۳۵۴ .
- صنیع‌الدوله ، محمدحسنخان (اعتماد السلطنه) : **مرآت‌البلدان ناصری** جلد اول ، ۱۳۰۳ هـ - ق .
- صنیع‌الدوله ، محمدحسنخان (اعتماد السلطنه) : **مطلع‌الشمس** ، جلد ۳ تهران ، ۱۳۰۳ هـ - ق .
- طاهری ، ابوالقاسم : **جغرافیای تاریخی خراسان از نظر جهانگردان** ، شورای مرکزی . . . مشهد ۱۳۴۸ .
- علوی ، محمد : **بزرگان تاریخی سبزوار** ، (رساله) ، دانشکده‌ی ادبیات مشهد ۱۳۴۴ .
- علوی ، محمود : **نهضت سربداران در عهد تیموری** ، (رساله) دانشکده ادبیات مشهد ، ۱۳۴۰ .
- عمید ، حسن : **فرهنگ عمید** ، علمی محمدعلی (انتشارات جاویدان) تهران ۱۳۴۳ .
- غفّاری کاشانی ، قاضی احمد : **تاریخ نگارستان** ، تصحیح و ادامه مطلب مدرس گیلانی ، مرتضی ، کتابفروشی بوذرجمهری ، تهران ۱۳۴۰ .
- غنی ، قاسم : **زندگانی من** ، کوشش غنی ، سیروس ، انتشارات آبان ، جلد اول ، چاپ اول ، تهران ۱۳۶۱ .

- فریزر ، جیمز بیلی : سفرنامه‌ی فریزر ، امیری ، منوچهر ، انتشارات توس ، چاپ اول ، ۱۳۶۴ .
- فلوک ، هانس : گیاهان دارویی ، روزبهان ، چاپ اول ، تهران اول ، تهران ۱۳۶۴ .
- قراخانی بهار ، حسن : آثار باستانی و معماری و بقاع متبرکمی اطراف سبزوار و اسفراین ، فرهنگسرا چاپ اول ، تهران ۱۳۶۳ .
- قزوینی ، زکریا ، محمدبن محمود : آثارالبلاد و اخبارالعباد (به عربی) دارصادر و داربیروت ، بیروت ، ۱۹۶۰ میلادی .
- قمی‌الحسینی ، قاضی احمدبن شرف‌الدین و . . . : خلاصة التواریخ تصحیح دهگان ، ابراهیم ، جلد ۲ (تاریخ صفویان) ، اراک ۱۳۳۴ .
- کرزن ، ناتانیل : ایران و قضیه‌ی ایران ، وحید مازندرانی ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران ۱۳۴۹ .
- کریستن سن ، آرتور : ایران در زمان ساسانیان ، یاسمی ، رشید ، چاپ اول ، ابن سینا ، تهران ۱۳۵۱ .
- کسروی ، احمد : نادرشاه ، انتشارات بنیاد ، چاپ دوم ، تهران ۱۳۴۴ .
- کشمیری ، مینا : تاریخچه‌ی شهرهای خراسان قبل از حمله‌ی عرب به ایران (پایان نامه) ، دانشکده‌ی ادبیات مشهد ، ۱۳۵۴ .
- کیهان ، مسعود : جغرافیای مفصل ایران ، جلد ۲ ، چاپخانه‌ی مجلس ، تهران ۱۳۱۱ .
- گلستانه ، ابوالحسن : مجمل‌التواریخ در تاریخ زندیه ، تصحیح و مقدمه مان ، اسکات ، لیدن بریل ۱۸۹۱ میلادی .
- گلستانی ، ن : فرهنگ فرانسه به فارسی ، شرکت سهامی طبع کتاب ، چاپ سوم ، تهران ۱۳۳۲ .
- گوره ، ژان : خواجه‌ی تاجدار ، منصوری ، ذبیح‌الله ، جلد دوم ، امیرکبیر ، تهران ۱۳۶۱ .
- لاکهارت ، لارنس : انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران

- عماد ، مصطفی قلی ، چاپ تابان ، تهران ۱۳۴۳ .
- لسترنج ، گی . . . : جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، عرفان محمود انتشارات علمی و فرهنگی ، تهران ۱۳۶۴ .
- لمتون ، ا ، ک ، س : مالک و زارع در ایران ، امیری ، منوچهر ، چاپ اول ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ، تهران ۱۳۴۵ و وزارت فرهنگ چاپ سوم ۱۳۶۲ .
- مستوفی قزوینی ، حمدالله : نزهة القلوب ، به کوشش دبیرسیاقی ، محمد کتابخانهی طهوری ، تهران ۱۳۳۶ .
- مصاحب ، غلامحسین : دائرة المعارف فارسی ، موسسهی انتشارات فرانکلین ، جلد ۱ ، تهران ۱۳۴۵ .
- معین ، محمد : فرهنگ فارسی دکتر معین ، انتشارات امیرکبیر ، ۶ جلد تهران ۱۳۵۷ .
- مفخم پایان ، لطف الله : فرهنگ آبا دیهای ایران ، انتشارات امیرکبیر ، تهران ۱۳۳۹ .
- مقدسی ، ابو عبدالله محمد : احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم ، به تصحیح منزوی ، علینقی ، کاویان ، جلد ۲ ، تهران ۱۳۶۱ .
- مقصودلوی ، حسینقلی : مخابرات استرآباد ، به اهتمام ایرج افشار و محمد رسول دریاگشت ، نشر تاریخ ایران ، جلد ۱ و ۲ ، تهران ۱۳۶۳ .
- مک کرگر ، سی ، ام : شرح سفری به ایالت خراسان ، مهدی زاده ، مجید ، معاونت فرهنگی آستان قدس ، مشهد مرداد ۱۳۶۶ .
- مولوی ، جلال الدین محمد : مثنوی ، تصحیح و حواشی ، م ، درویش ، انتشارات جاویدان ، دفتر پنجم ، تهران ۱۳۴۲ .
- مولی ، عبدالحمید : آثار باستانی ایران (خراسان) ، انجمن آثار ملی مشهد ۱۳۵۴ .
- موید ثابتی ، علی : تاریخ نیشابور ، وزارت راه ، تهران ۱۳۳۵ .
- موسسهی کیهان : کتاب هفته . هیات تحریریه ، شماره ۱۱ ، تهران ۱۳۴۵ .
- میرخواند ، میرمحمد : روضة الصفا ، تصحیح مشکور ، محمد جواد ، کتابفروشی خیام ، جلد های ۴ ، ۵ ، ۹ و ۱۱ ، تهران ۱۳۳۸ .

- ناصرالدین‌شاه قاجار : سفرنامه‌ی دوم خراسان ، شبتاب ، کاوش ، تهران ۱۳۶۳ .
- نظام السلطنه مافی ، حسینقلی : خاطرات و اسناد حسینقلی‌خان ، به سعی معصومه مافی و . . . نشر تاریخ ایران ، چاپ دوم ، ۱۳۶۲ .
- نفیسی ، سعید : تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره‌ی معاصر ، انتشارات بنیاد ، ۲ جلد ، تهران ۱۳۴۴ .
- نفیسی سعید : ماه‌نخشب ، مطبوعات‌ی امیرکبیر ، چاپ سوم ، تهران ۱۳۴۷ .
- نقوی ، نقیب : فهرست مقالات مربوط به خراسان ، کتابخانه‌ی جامع گوهرشاد ، مشهد ۱۳۶۴ .
- وزارت صنایع و معادن : مجموعه‌ی بررسی امکانات توسعه‌ی صنعتی مناطق کشور ، معاونت برنامه‌ریزی صنعتی ، تهران ۱۳۵۷ .
- وزارت کشور : آمار عمومی ، (سرشماری کشور در سال ۱۳۳۵) جلد ۱ و ۲ ، تهران ۱۳۴۵ .
- وزارت مسکن و شهرسازی : طرح جامع و تفصیلی شهر سبزوار ، شهرداری سبزوار و ادارهی کل مسکن و شهرسازی خراسان ، سبزوار ۱۳۵۵ .

فهرست اعلام

۲

- آبرود : ۷۴
آبکو : ۲۴
آثار البلاد و اخبار العباد : ۳۸
آثار باستانی خراسان (کتاب) : ۱۰۵
۱۷۶-۲۷۵
آخوند ترکه : ۱۲۲-۱۳۷
آخوند کری : ۱۲۲
آخوند ملا قربانعلی : ۱۷۳
آذربزین مهر (آتشکده) : ۱۵۷
آذربزین مهر (سردار ایرانی) : ۴۲
آذر مهر ، حاج نورالدین : ۲۱۰
آریا (گرمابه) : ۱۱۶
آریا کیا ، احمد : ۲۵۰
آزاد (روزنامه) : ۱۵۲
آزاد ، عبدالقدیر : ۱۵۲
آزاد منجیر : ۹۶-۱۷۹-۲۴
آزادوار : ۷۱
آقا : ۱۰۴-۱۱۲-۱۱۹-۱۲۳-۱۳۷-۲۰۱
آقابابایی ، حاج عباسعلی : ۱۲۲-۱۳۶
- آقا حسام الدین : ۲۱۰
آقازاده (کوچه) : ۱۳۸
آقاسی (قنات) : ۲۰۲
آقا عبدالصمد : ۲۱۰
آقا محمدخان : ۶۲
آق قلعه : ۱۵۷
آل بویه : ۵۹
آل بیت عصمت (ع) : ۶۰
آل مظفر : ۵۷
آمناباد : ۲۴-۴۱
آموزش و پرورش : ۲۰۴-۲۰۵
آندقان (اندگان) : ۶۷
آهو (کلاته) : ۱۹۴

الف

- ابارش : ۱۸۲
ابراهیم نژاد : ۱۲۴
ابراهیمی (دکتر) ، ابراهیم : ۱۵۲
ابراهیمی ، رضا : ۱۳۷
ابراهیمی ، محمد : ۱۲۶
ابراهیمی ، میرزا حسینخان : ۱۲۶

- ابریشم (پل) : ۶۸
 — (جاده) : ۱۵۶
 ابن ابی الحديد : ۱۵
 ابن ابی الطیب : ۱۸۶
 ابن اثیر : ۳۷-۴۶
 ابن حوقل ، محمد : ۲۳
 ابن خرداد : ۲۲
 ابن یمین (آرامگاه) : ۱۸۷-۲۰۴
 — (خیابان) : ۱۰۲
 — (شاعر) : ۱۶-۵۹-۱۵۵
 ابوالفداء : ۳۷
 ابوچناری : ۲۷۹
 ابوذر (شهرک) : ۲۰۲
 ابورفاعه ، ابن تمیم : ۱۸۱-۱۸۹-۴۴
 ابوسعید بهادرخان : ۴۸-۴۹-۵۲
 ابوسعیدک : ۴۵
 ابوشجاع محمد : ۴۵
 ابوعلی ، محتاج : ۴۵
 ابیورد : ۵۲
 اتمیک (روزنامه) : ۱۵۳
 اتویوس داران (اتحادیه‌ی مسافر
 بری) : ۱۱۷
 اجتهادی ، حاج شیخ احمد : ۱۲۲
 اجیورد : ۲۸۰
 احترام (خانم) : ۱۳۷
 احتشام ، میرزا مهدی : ۲۰۹
 احسن التقاسیم : ۲۲-۲۷۰
 احمدآباد : ۲۴-۲۵-۲۸
 احنف (ابن قیس) : ۴۳
 ادهم : ۳۵
 اردبیل : ۳۵
 اردبیلی ، شیخ عبدالعظیم : ۱۲۳
 اردشیر : ۴۲-۱۵۶
 اردکان : ۲۲۱
 ارشاد اسلامی : ۱۵۴
 ارغونشاه : ۵۰-۵۳
 ارغون میرزا : ۶۳
 ارگ (دروازه) : ۱۰۳-۱۵۸
 — کوچه : ۱۱۰-۲۰۱
 — مسجد و حسینیه : ۱۳۴
 اروپا : ۱۵۶
 از خراسان تا بختیاری (سفرنامه) :
 ۱۹۸
 استادیوم ورزشی : ۹۶
 استاربد : ۳۶
 استرآباد : ۶۲-۲۲۶-۲۶۶-۲۶۹
 استیر (سدیر) : ۳۰-۱۸۹
 استغفرالله العظیم (کتاب) : ۱۲۱
 اسحاق آباد : ۳۶
 اسدآبادی (خیابان) : ۱۰۶-۱۰۷-۱۰۸
 ۱۱۰-۱۱۶-۱۱۷-۱۵۳-۲۰۴-۲۴۲
 اسرار (آرامگاه) : ۱۸۵-۲۰۴
 اسراری (حاج شیخ ولی الله) : ۱۲۴-
 ۱۸۶
 اسرار (دبستان) : ۱۳۷
 — (دبیرستان) : ۱۰۶-۱۳۷-۱۳۸
 اسرار شرق (مجله) : ۱۵۲
 اسفراین : ۱۹-۴۹-۶۸-۹۰-۱۱۱-۱۵۱-
 ۲۴۳-۲۶۲-۲۶۴
 اسفندیار : ۴۲
 اسفندیاری ، علی : ۲۵۰
 اسکویی ، کاظم : ۱۵۲

- اسکویی زاده ، احمد : ۱۲۶
 اسلام (اسلامی) : ۴۳-۴۴-۱۱۶
 اسودین کلثوم : ۴۳
 اشرف افغان : ۶۱
 اصحاب کھف : ۱۹۴
 اصطخری (کرخی) ، ابراهیم : ۲۲
 اصفهان : ۴۵-۵۶-۱۱۸-۱۵۰-۱۷۴-
 ۲۴۵-۲۲۱
 اصفهانی ، آقانورالله : ۱۰۴-۲۴۲
 اصفهانی (آیت الله) : ۱۳۳
 اعتزاز زاده : ۱۳۸
 اعتماد السلطنه — صنیع الدوله
 اعظمی (دکتر) ، ابوالحسن احتشام :
 ۲۱۰
 اعلی الرستاق : ۲۴
 افتخارالحکماء ، میرزا اسماعیل : ۲۰۹
 افتخارزاده ، حاج سید احمد : ۱۲۵-
 ۱۳۷
 افتخار (کوی) : ۹۵-۱۰۲-۱۱۲-۲۰۳
 افتخار ، حاج سید عباس : ۱۲۴
 افتخارزاده ، حاج سید یوسف : ۱۲۵
 افتخاری (دکتر) ، حسن : ۲۱۰
 افچنگ : ۲۶
 افسر ، هاشم میرزا : ۱۷
 افشار ، ایرج : ۲۲
 افضل آباد (قنات) : ۲۰۳
 افضل التواریخ : ۲۶۶
 افضل الملک : ۱۹۶-۲۶۶
 افغان (افغانه) : ۸۴-۲۶۷
 افقهی ، حاج سید فخرالدین : ۱۲۴
 افقهی ، میرزا علیرضا : ۱۲۴
 افیر (کوه) : ۸۱
 اقبال آشتیانی ، عباس : ۴۷-۴۸
 الیرز : ۶۷
 البلدان : ۲۲
 آلو (کلاته) : ۲۶۱
 الداغینه : ۲۰۱
 المعتمد بالله : ۱۶۳-۱۶۴
 المسالك و الممالك : ۲۲-۲۳
 المغرب : ۴۰
 الهی ، آقا میرزا محمد حسین : ۲۱۰
 امام تقی (شاه تقی) : ۲۶۳
 امام حسین (ع) : ۴۹-۱۸۲
 امام خمینی — خمینی (امام)
 امام رضا (ع) : ۹۹-۱۷۹-۱۸۱
 امرای خوارزم : ۴۶
 امیرآباد : ۷۵
 امیر ابواسحاق : ۱۶۴
 امیر تیمور : ۵۷-۶۰-۱۵۹-۱۹۹
 امیر شیخعلی : ۴۷
 امیر کبیر (خیابان) : ۶۲-۱۱۴ -
 ۱۱۶-۱۱۷
 امیر مسعود (وجیه الدین) : ۴۹ -
 ۵۰-۵۱-۵۶-۵۷-۲۰۲
 امیر ولی : ۵۶
 امیری ، ناصر : ۲۵۱
 امین (دکتر) ، سید حسن : ۶۲
 امین فر : ۱۳۴
 امینی صالحی : ۲۲۳-۲۲۸
 انزلی : ۲۵۹
 انصاری دمشقی ، شمس الدین : ۳۸
 انوار الشهاده : ۱۲۲

- اوزبک : ۶۱
 اوقاف : ۱۵۵
 اوکناى قاآن : ۴۷
 اولر : ۶۸ - ۸۱
 اوليا : ۱۰۴
 اهرابى (منيره) : ۱۳۷
 اهواز : ۲۴۵
 ايتاليا : ۲۴۵
 ايران پيما : ۱۱۷
 ايران در زمان ساسانيان (کتاب) : ۱۵۸
 ايران و قضيه ايران (کتاب) : ۱۹۶ - ۱۰۵
 ايزى : ۲۷۹ - ۲۳۱ - ۹۶ - ۲۴
 ايل ارسلان : ۴۶
 ايلخان : ۴۷
- ب**
- بابکان : ۱۵۶
 باختر (مهمانخانه) : ۱۱۶
 باخزر : ۴۴
 بادغيس (بادغوس) : ۸۰ - ۱۹۵
 بارتلد : ۲۶۱ - ۱۹۶ - ۴۸ - ۳۸
 بارز : ۵۳
 بازقن (بازقند) : ۲۶
 باستانی پاريزى : ۶۳
 باشتين : ۲۹ - ۳۱ - ۴۸ - ۴۹ - ۱۰۰ - ۱۵۹ - ۲۷۷ - ۲۲۲ - ۱۸۸ - ۱۸۱
 باشتينى، امير عبدالرزاق - سربدارى
 — ، خواجه فضل الله : ۴۹
 باغ انجير : ۹۵
- باغجر : ۲۵۷ - ۲۶۰
 باغ رضوان : ۹۹
 باغن (باغان) : ۲۴ - ۹۶ - ۲۶۳
 بالاجوين : ۲۷۷ - ۲۸۰
 بام : ۶۸
 بانک ملى : ۲۰۴
 باهنر (شهيد) : ۲۰۲
 بايقرا ، سلطان حسين : ۱۵۷
 بجنورد : ۹۳ - ۹۴ - ۱۴۸ - ۲۲۱ - ۲۳۵ - ۲۶۳
 بختيارى : ۸۵
 بديعى (حاج ميرزا بدیع) : ۲۰۷ - ۲۱۰ - ۲۰۹
 بدیلی ، شيخ احمد : ۴۶
 براباد : ۸۰ - ۲۵۴
 برابادى ، حاج ميرزا محمدعلى : ۱۲۳
 برازق : ۲۸
 براکوه (پيراکوه) : ۲۲۵ - ۲۲۷ - ۲۷۱ - ۲۸۰ - ۲۷۷
 برجک : ۲۵۷
 بردسکن : ۸۰ - ۲۶۴
 برزه : ۳۰
 برغمند : ۶۸ - ۷۴ - ۲۸۰
 برکه آباد : ۲۴
 برمكى ، يحيى : ۴۹
 بروجردى (مهمانخانه) : ۱۱۶
 برهان ، سيد عبدالله : ۱۶۴
 بژدن (بجدن) : ۲۸
 بستان السياحه : ۴۳
 بسطام : ۲۱
 بسيج مستضعفين (خيابان) : ۲۰۳

بی‌بی علیه خاتون (امامزاده) :

۱۸۸-۱۸۱

بید : ۲۶۷

بیذخ : ۲۸

بیرجند : ۹۳-۹۴-۲۶۳

بیروت : ۲۰۸

بیست ودوی بهمن (خیابان) : ۲۰۲

بیشین : ۳۶

بیگلربیگی ، میرزا محمد خان : ۶۲

بیلدارباشی ، میرمحمد : ۱۸۸-۱۸۷

بینالود : ۶۷

بیبق (بیهگ) : بیشتر صفحات

— (دهستان) : ۲۸۰

— مجله : ۱۵۲

بیبقی ، ابوالحسن : ۱۰-۱۴-۲۲-۳۹

۴۴-۴۱-۱۵۵-۱۶۲-۱۶۴-۱۸۰-۱۸۲

۱۸۳-۲۰۰

— ابوالفضل : ۱۴-۲۳-۴۵

— حاج محمدعلی (حسین زاده) :

۱۷۸-۱۸۳

— حسینعلی : ۱۹۹

— محمدابراهیم : ۱۲۶

بیهین (بیهیه) : ۳۹

پ

پادرخت (کوی) : ۱۰۱-۱۰۳

پارت : (پارتی‌ها) : ۴۲-۱۹۶

پارس : (مهمانخانه) : ۱۱۶-۱۷۲

پارک کودک : ۱۵۳

پازوکی ، عبدالحسین : ۱۳۸

بشتنق : ۳۲

بصیری ، شوکت : ۱۳۷

بغدادی ، صفی‌الدین : ۳۸-۴۰

بغره : ۳۲-۷۴-۷۷

بقراط (گرمابه) : ۱۱۶

بلاجرود : ۳۲

بلاش : ۱۵۶

بلاش آباد : ۳۰-۱۵۶-۲۷۹

بلخ : ۱۷۸

بلغوناباد : ۲۶

بلقیس (تیه) : ۱۹۳

بلوار (مهمانخانه) : ۱۱۶

بلوکی ، علی‌اصغر (فرزان) : ۱۷-

۱۵۲

بندرعباس : ۱۱۸

بنغن : ۱۹۳

بوعلی : ۱۴

بهداران (رود) : ۷۴

بهار (ملک الشعراء) : ۴۰-۵۹-۱۵۲

بهار (گرمابه) : ۱۱۶

بهارآباد : ۸۱

بهداری (بهداشت محیط) : ۲۱۲

بهبزستی : ۲۱۲

بہشت (گرمابه) : ۱۱۶

بہشتی (دکتر) : ۲۱۱

بہمن آباد : ۳۵-۱۵۶-۱۸۱

بہمن (بہمن‌الملک) : ۴۱-۴۲-

۱۵۶

بہمنیار ، احمد : ۲۲

بیار : ۴۹

بیارجندی : ۱۲۲

- پامنار (کاروانسرا) : ۱۶۱ — (کوی) : ۹۵-۱۰۰-۱۰۲-۱۱۲-۲۰۳
- (مسجد) : ۱۶۱-۱۶۴-۱۶۵
- پایین جوبین : ۱۸۷-۲۷۷
- پست و تلگراف (اداره) : ۲۰۴
- پشاکوه (پیشکوه) : ۳۶
- پطروشفسکی : ۴۸-۵۳
- پوپ : ۱۶۱
- پوریای ولی (باشگاه ورزشی) : ۱۱۹
- پهلوان حسن ، دامغانی : ۵۵
- پهلوان (روزنامه) : ۱۵۳
- پهلوانی ، کریلایی عبدالحسین : ۱۵۳
- پهلوی : ۶۴-۲۴۲
- پیامبر اسلام (ص) : ۴۴-۵۷-۵۸-۱۶۴
- پیرنیا (بولوار) : ۱۰۳-۱۰۷
- پیشاهنگی، پیشاهنگان (خانه) : ۲۰۴
- پیک سبزوار (مجله) : ۱۵۲

ت

- تاتار : ۵۹
- تاج آباد : ۱۸۸
- تاریخ بیهق : ۱۰-۸۳-۱۶۸-۱۷۶-۲۷۵-۱۸۹-۱۹۵
- تاریخ بیهقی : ۱۴-۲۳
- تاریخ جنبش سربداران : ۲۲۶-۲۷۵
- تاریخ قومس : ۶۱
- تاریخ معجم : ۲۱-۱۲۳
- تاریخ نگارستان : ۵۱
- تاریخ نو : ۶۳

- تبریزی ، علی اکبر : ۱۸۷
- تخت ارمنی : ۱۹۳-۱۹۴
- تختی : ۱۱۹
- تذکره جغرافیای تاریخی ایران : ۱۹۶
- ترانسپورت (شرکت مسافری) : ۱۱۷
- ترانه : ۱۳۸
- تریت جام : ۵۵-۲۳۲
- تریت حیدریه : ۵۵-۹۳-۹۴-۱۱۰-۲۶۳-۲۳۱-۲۲۸-۲۲۱
- تربیت ، طوبی : ۱۴۷
- تربیت معلم (دانشگاه) : ۱۵۰-۱۵۱
- ترک آباد (کوی) : ۹۵-۱۰۲-۱۱۲-۲۰۳
- ترکمان : ۶۴
- ترمینال خراسان (شرکت مسافری) : ۱۱۷
- تسنن : ۱۶۷-۱۶۸
- تشیع : ۱۶-۴۷-۵۷-۵۹-۱۶۸
- تغاجارگورکان : ۴۷-۸۴
- تقوی (آقا میرزا ابراهیم) : ۲۱۰
- تقوی (آقا میرزا جلال) : ۲۱۰
- تکاب : ۲۷۷-۲۸۰
- تندک : ۲۸۰
- توانبخشی (سازمان) : ۲۱۲
- توحیدی (باستانشناس) : ۱۵۸-۱۹۳-۱۹۴
- توس : ۵۴-۵۶
- تولی : ۴۶
- تهران : ۱۹-۱۱۵-۱۲۴-۱۵۰-۱۵۲-۲۶۷-۲۲۳-۲۰۲-۱۷۸

جلمیادان (بلند بارو) : ۶۸-۲۵۶
 جلوهای حقیقت (نشریه) : ۱۵۲
 جلین : ۲۴
 جمالی : ۱۳۷
 جمشیدیان (محمد) : ۱۳۸-۱۴۷
 جنتمور : ۴۷
 جوادی ، حسین : ۱۵۲
 جوالیقی : ۴۰
 جواهری (کتاب) : ۱۲۲
 جودی (کتاب) : ۱۲۲
 جور : ۵۲
 جوری ، شیخ حسن : ۵۱-۵۲-۵۶
 جوهر ، میرزا احمد : ۱۲۲
 جوبین (گویان) : ۲۱-۲۲-۲۶-۲۸-۴۴-
 ۴۹-۶۱-۶۳-۶۷-۶۸-۷۳-۱۷۰-
 ۱۸۷-۲۱۶-۲۲۲-۲۲۵-۲۲۷-۲۳۹-
 ۲۴۷-۲۵۴-۲۵۹-۲۶۵-۲۷۱-۲۷۹-
 ۲۸۰
 جوبینی : ۴۶-۴۷-۱۸۷
 جهانگردی (مهمانخانه) : ۱۱۶
 جهانگیر میرزا : ۶۳
 جهانی : ۱۳۷
 جیمز داون (انگلیسی) : ۶۰
 چاووشی : ۱۳۸
 چاهک : ۱۷۹
 چشم (روستا) : ۵۴-۱۸۰-۱۸۱
 چشمی (پهلوان) ، حیدرقصاب : ۵۴-
 ۵۵-۵۶
 — (شمس الدین) ، خواجه علی :
 ۵۳-۵۴-۵۵
 چمران (بلوار) : ۱۱۵-۱۱۶-۲۰۲

ث

ثبت اسناد (اداره) : ۲۰۴
 ثعلبی ، ابواسحاق : ۱۷۶
 ثمنینی : ۱۳۷-۱۳۸

ج.ج

جابر آباد : ۲۸
 جاجرم : ۶۸-۲۴۳-۲۵۹
 جاجرمی : ۱۱۹
 جاشک (کاشک) : ۲۸
 جانبازان (بلوار) : ۱۰۳-۱۰۷
 جراح (دکتر) رجبعلی : ۱۳۸-۲۰۹
 جراحی (دکتر) ، عباسعلی : ۱۳۴-
 ۱۳۷
 جستنه (کوه) : ۶۸
 جعفرآباد (محلّه و قنات) : ۱۱۶-
 ۲۴۴-۲۰۳
 جعفر (امامزاده) : ۱۷۹
 جعفرزاده : ۱۰۴
 جعفری ، عباس : ۲۵۱
 جعفری ، موسی : ۲۲۲-۲۲۳
 جغتای : ۶۷-۶۸-۷۳-۷۸-۱۱۱-۱۴۸-
 ۱۵۷-۱۷۰-۲۲۲-۲۴۲-۲۵۶
 جغرافی مفصل ایران (کتاب) : ۲۵۷
 جکسن (جاکسون) : ۴۳-۸۵-۱۰۲-۱۵۸
 جلاهدکارن : ۲۸
 جلال الدین محمود : ۴۶
 جلالی ، خسرو : ۱۱۹
 جلالیه (داروخانه) : ۲۱۰

حسینی ، حاج میرزا حسن : ۱۹۳
 حشمت الدوله (سالار) ، میرزا
 هادیخان : ۲۰۸
 حشمتیه (بیمارستان) : ۱۱۴-۲۰۶-
 ۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹-۲۱۰-۲۱۱
 حشمتیه (داروخانه) : ۲۱۰
 حفیر : ۳۰

حقیران ، حاج میرزا محمود : ۱۷۷
 حقیقت ، عبدالرفیع : ۸۴-۲۲۶-۲۷۵
 حگاگ (استاد علی) : ۱۲۵
 حکم آباد : ۱۹-۲۵۴-۲۶۲-۲۷۷-۲۸۰
 حکومت سبزوار : ۲۰۶
 حکیم ، محمد تقی خان : ۳۸-۱۶۴
 حکیم الممالک : ۸۵-۲۷۷
 حکیمی ، بهاء الدین : ۱۸۶
 حکیمی ، حسام الدین : ۱۸۶
 حکیمی ، ضیاء الحق : ۱۷-۱۳۶-۱۸۶
 حمام حکیم (کوی) : ۹۵-۱۰۰-۱۱۲-
 ۱۲۲-۱۲۷-۱۳۷-۲۰۱
 حمزه بن آذرک : ۴۴-۸۳-۱۶۲
 حمزه علی (کربلایی) : ۱۳۴
 حموی ، یاقوت : ۲۱-۲۳-۳۸-۴۰
 حمید بن قحطبه : ۴۴
 حوض چهارراه (کوچه) : ۱۰۳
 حومه (بخش) : ۲۷۵-۲۷۸
 حیدر (تپه) : ۱۹۱
 حیثم : ۱۳۸

خ

خادمی (اعتمادی فر) : ۱۱۹
 خارسف : ۲۸

چنگیز : ۴۷-۵۸-۸۴-۱۵۷
 چوبین : ۸۰-۱۹۵
 چهارراه (حوض) : ۱۳۴
 چهارشک : ۲۶
 چهل دختر (دخمه) : ۱۹۴
 چین : ۱۵۶

ح

حاتک ، کبری : ۱۳۷
 حاتم (مهمانخانه) : ۱۱۶
 حاج باباخان : ۱۸۸
 حاج حیدر : ۹۵
 حاج عابدی (پل) : ۹۵
 حاج عباس : ۲۰۳
 حاج محمد زمان (کاروانسرا) : ۱۳۷-
 ۱۶۱
 حاجی مقلو : ۲۰۱
 حاج ملا : ۲۰۳
 حاجی میرزا محمد میرزا : ۶۳
 حارث آباد (روستا) : ۲۸-۱۱۶-۱۱۸-
 ۲۰۳-۲۰۴-۲۳۱-۲۳۹-۲۶۴
 حافظ : ۱۲۶
 حجازی ، شیخ محمد : ۱۵۲
 حجازی ، فخرالدین : ۱۵۲
 حجت آباد : ۶۸
 حدیثه : ۲۴
 حزب استقلال ایران : ۱۵۲
 حسن (فرزند حمزه) : ۴۸
 حسن آباد ده زمین : ۲۴۲
 حسنخان (حاکم) : ۶۳
 حسینی ، امیر جلال الدین : ۱۸۷

خواجه علاء الدين : ۵۰
 خواجه على : ۱۰۰
 خواجه على ، مؤيد : ۵۶-۵۷-۵۸-۵۹
 خواجه لطف الله : ۵۵
 خواجه مظفر : ۱۸۷
 خواجه نظام الملک : ۹۵-۱۰۷-۱۱۸-۱۸۶
 خوارج : ۴۴
 خوارزمشاهيان : ۴۶-۴۷
 خواشد : ۲۹-۲۷۷
 خواندمير : ۴۲
 خوشاب : ۲۸۵
 خوشبين (سرهنگ هوايي) ، يونس : ۱۱۹
 خيام : ۱۸۳
 خيريه (داروخانه) : ۲۱۰
 خيريه (مدرسه) : ۱۲۵-۱۲۶

د

دادرسى : ۲۴۶
 دادگستري (اداره) : ۲۰۴
 دارايي (اداره) : ۲۰۴
 دارالفنون : ۱۲۶
 دارين : ۲۹
 دامغان : ۲۱-۲۳-۳۸-۵۵-۵۷-۶۷-۲۴۳-۲۲۶
 دامغانى ، شيخ عباس : ۱۲۳
 دانش (دبستان) : ۱۲۴
 دانشراى مقدماتى (دختران) : ۱۴۷

خارکو (شرکت) : ۷۷
 خانم باجی : ۱۲۲
 خانه‌ی دیو : ۱۵۷
 خجستانی ، احمد : ۴۵-۱۶۴
 خجند : ۴۹
 خراسان : ۱۹-۳۸-۴۳-۴۴-۴۷-۴۸-۵۰-۵۲-۶۰-۶۳-۱۱۸-۱۱۹-۱۴۷-۱۵۶-۲۲۴-۲۳۵-۲۶۰
 خراسان و کرمان (سفرنامه) : ۱۹۶
 خراسانی (ابومسلم) : ۴۴-۱۷۶-۲۰۲
 خسروآباد : ۱۵۶
 خسرو دوم : ۱۵۶
 خسرو شیر : ۱۵۶
 خسروگرد (خسروگرد) : ۲۲-۲۳-۳۷-۳۸-۴۴-۶۴-۱۵۶-۱۶۲-۱۷۰-۱۸۲-۱۸۹-۱۹۶-۱۹۷-۱۹۸-۱۹۹-۲۲۳-۲۴۴-۲۷۹
 خسرو میرزا : ۶۳
 خضرايی ، میرزا عزيزالله خان : ۲۰۶-۲۰۸
 خلقی ، احمد : ۱۱۹
 خليج فارس : ۲۲۱
 خليفه دوم : ۴۳
 خليفه سوم : ۴۳
 خليلی ، میرزا محمد : ۱۳۶
 خليلی ، میرزا محمد رضا : ۱۳۶
 خميرچي (باجی ساعت) : ۱۲۲
 خمینی (امام) : ۱۰۰-۱۰۳-۱۰۷-۱۱۵-۲۰۳
 خواجه جمال الدين : ۵۸
 خواجه عزالدین ، علاء الدوله : ۵۵

دولت آباد : ۲۰-۸۰-۱۹۲-۲۲۳-۲۳۱-

۲۳۹

دولت (کلاته) : ۲۰۳

دولت آبادی، حاج محمدحسین : ۲۵۴-

۲۵۵

دهستان کاه : ۵۴

ده سرخ : ۲۳۳

دهنی اجاق : ۲۵۷

دهنی سیاه : ۲۵۷

دیالمه : ۵۹

دیلمی، فخرالدوله : ۱۷۱

— معزالدوله : ۱۷۲

دیوره : ۳۳

دیهم (روزنامه) : ۱۵۳

ر

رادمنش، عباسعلی : ۱۳۸

راز (روستا) : ۲۵

رافع بن هرثمه : ۴۵

راهنمایی رانندگی : ۱۱۴-۱۱۶

رباط زعفرانی : ۱۱۱

رباط سربوش : ۱۵۳-۱۶۱-۲۷۹

رباط شاه عباسی شهر سبزوار : ۱۶۰

رباط شاه عباسی مزینان : ۱۶۱

رباط گز : ۲۲۳-۲۳۱

ربانی (دبستان) : ۱۰۱

ربع شامات : ۲۵۴-۲۷۷-۲۸۰

رزاز، سید حسن : ۱۱۹

رزقن (رازقند) : ۲۵

رزم آراء : ۲۲۴-۲۲۶-۲۵۷

رسالت (میدان) : ۱۱۴

دانشکده ادبیات مشهد : ۱۵۹

دانشگاه آزاد اسلامی : ۱۵۰

دانشگاه کار : ۱۵۰-۱۵۱

داورزن : ۳۴-۵۴-۷۱-۱۳۴-۱۸۰-۱۸۲-

۱۹۲-۱۹۴-۲۲۲-۲۲۷-۲۵۶-

۲۵۹-۲۶۱-۲۶۷-۲۷۵-۲۷۷-

۲۷۸

داورزنی، حاج شیخ حسن : ۱۲۴-۱۲۶-

۱۳۴-۱۳۵

دختر حاجی عرب : ۱۲۳

درببر (دلبر) : ۲۸-۱۰۰-۲۵۸-۲۵۹

درفک : ۱۸۰-۲۵۷-۲۶۵

درگز : ۲۳۵

دروک : ۱۹۱

درویش آباد : ۱۹۱

درویش حسین : ۱۸۰

درویش رکن الدین : ۵۷

درویش عزیز مجدی : ۵۶-۵۷

درویش هندو : ۵۴

دره یام : ۲۸۰

دز سپید : ۴۳

دساکرها : ۲۶

دستگرد (دستجرد) : ۳۱

دسکری بیت النار : ۳۰

دقیقی : ۱۵۸

دلآباد : ۴۹

دلبرآباد (کوی) : ۹۵

دلبر — دربر

دلقند : ۲۴-۹۶-۲۶۳

داوزده امام (ع) : ۵۸

دواندر (دیواندر) : ۲۶

زرین : ۲۸

زرین قلم ، حاج عباس : ۱۱۹

زعفرانی (زعفرانیّه) : ۶۸ - ۹۶

زکریا (القزوينی) ، محمد : ۳۷

زمیج (زمج) : ۲۷ - ۲۵۴ - ۲۸۰

زند (میدان) : ۹۶ - ۹۹ - ۱۰۳ - ۱۸۴

زنگانلو : ۲۵۷

زنگنه : ۱۶۶

زوار ، محمد : ۱۳۸

زواک (کوه) : ۶۸

زیادآباد (زیدآباد) : ۲۴

زیبا (گرمابه) : ۱۱۶

زید (زیدیان) : ۱۷۶

ژاندارمری : ۱۶۰

س

ساده : ۲۴۶

ساروغ (روستا) : ۳۲

ساری : ۲۶۶

ساسان آباد : ۴۱

ساسان (ابن بهمن) : ۴۱ - ۴۲

ساسان (قاریز) : ۴۱

ساسانیان : ۴۲ - ۸۳ - ۱۵۶ - ۱۹۶

ساسویه (ابن شاپور) : ۴۲

سالار ، حسن خان : ۶۲

سالك : ۱۶

سامانیان : ۴۵

سام بیک ، زعفرانلو : ۶۱

سایکس (سر) ، پرسی : ۲۵۷

سبح : ۲۸

سبریز (اسپریس) : ۱۰۰ - ۱۰۲ - ۱۳۷

رستگار (بنگاه باربری) : ۱۱۷

رستمدرار فیروزکوه (مازندران) : ۵۱ -

۵۳

رضاقلی میرزا : ۱۸۷

رضایی ، محمود برادران : ۱۴۷ - ۲۵۹

رضوی (خیابان) : ۱۰۰ - ۱۸۶

رضوی (مهمانخانه) : ۱۱۶

رفعت (گرمابه) : ۱۱۶

رفیع پور ، حسین : ۱۱۹ - ۱۵۳

رکنی (رکن الدوله) ، محمدعلی : ۲۰۷

رمضانی ، علی : ۵۴

روح (دیه) : ۲۸

روداب : ۲۸۰

روداترک : ۵۱

روسیه : ۲۲۶ - ۲۵۹ - ۲۶۹

روشنی ، قدرت الله : ۲۵۷

روضه الشهداء (کتاب) : ۱۲۲

روم : ۱۵۶

ری : ۲۲ - ۱۱۸

ریواده : ۲۷۹

ریوند (ریود) : ۲۳ - ۴۰ - ۳۱ - ۴۲ - ۴۳

۷۴ - ۱۵۷ - ۱۵۸ - ۱۹۲

۲۷۹

ز

زارع : ۲۴۶

زاهدی (دکتر) ، حسن : ۱۲۴

زردکوه : ۸۱

زرسک (طرسک) : ۲۸

زرکوه : ۱۹۲

زرگرها (کوجه) : ۲۰۱

سلجوقیان : ۴۲-۴۵
 سلجوقی : ۱۶۱-۱۹۵
 سلجوقی ، سلطان سنجر : ۴۵
 سلطان آباد : ۱۹-۶۸-۲۲۷-۲۶۲-۲۷۷
 ۲۸۰
 سلطان ابوسعید : ۲۰۲
 سلطان مراد میرزا : ۶۳
 سلطانی (دکتر) ، یدالله : ۱۳۴
 سلماباد : ۲۹
 سلوکیه : ۴۲
 سمرقندی (کمال الدین) ، عبدالرزاق :
 ۵۲
 سمنان : ۲۱-۶۱-۲۶۶
 سنجرآباد : ۲۰۲
 سنقریدر (سنگ کلیدر) : ۲۴-۹۶
 سنگرد : ۱۹۳
 سنگ سفید (روستا) : ۵۶
 سنگلجی : ۱۲۴
 سویز : ۳۵
 سهراب : ۴۳
 سیادت (آیت الله) : ۱۰۷
 — ، حاج سید مصطفی : ۱۲۴
 — ، حاج میرزا علی : ۱۲۳
 سیدابراهیم (امامزاده) : ۱۸۲
 سیداسماعیل (امامزاده) : ۱۸۱
 سیدجعفر بن موسی (امامزاده) : ۱۸۰
 سید حسین (امامزاده) : ۱۷۹-۱۸۱
 سید حسین بن علی (امامزاده) : ۱۸۲
 سید حسین بن محمد (امامزاده) : ۱۸۲
 سیدعزالدین (امامزاده) : ۱۸۲
 سیدعزیز (امامزاده) : ۱۸۲

۱۵۷-۱۷۴-۱۸۶-۲۰۰-۲۰۳-۲۴۴
 سبزواری : بیشتر صفحات
 سبزواری (اسرار) حاج ملاهادی : ۱۶-
 ۴۱-۹۹-۱۵۱-۱۸۴
 سبزواری ، عذراء : ۱۳۶
 — میرمحمد حسین : ۱۷۵
 — میرمحمد : ۱۷۹
 سپهسالار (مدرسه عالی) : ۱۲۴
 سپیددز : ۲۰۰
 ستوده ، شیخ داوود : ۱۲۶
 ستوده ، شیخ محسن : ۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶
 سدید — استیر
 سربدار ، سربداران ، سربداریه : ۱۵-
 ۴۸-۵۳-۵۴-۵۵-۵۷-۵۸-۵۹-
 ۱۱۵-۱۱۶-۱۲۰-۱۵۹-۱۶۵-۱۶۷-
 ۱۷۶
 سربداران (باشگاه ورزشی) : ۱۱۹
 سربداری (باشتینی) ، امیرعبدالرز-
 اق : ۴۸-۴۹-۵۰-۵۸-۱۲۰
 سربداری ، خواجه مسعود : ۵۸
 سرخس : ۵۷-۱۷۶-۲۶۱
 سرده (کوی) : ۹۵-۱۰۳-۱۱۲-۲۰۰-
 ۲۰۳
 سرزمین و مردم ایران (دایره المعارف) :
 ۲۷۰
 سرسنگ (کوی) : ۱۰۰-۱۰۲-۱۵۷-
 ۱۸۶
 سرور (روستا) : ۲۵۸
 سروستان (کوی) : ۹۵-۱۰۳-۱۱۲
 سعدی : ۱۲۶-۱۳۸
 سفر خراسان (روزنامه) : ۲۷۷

شاهیده : ۱۴۷
 شبیری : ۱۲۴
 شجاع السلطنه : ۶۳
 شریعتمدار ، حاجی میرزا ابراهیم :
 ۱۰۳-۱۰۶-۱۲۲-۱۶۱-۱۷۳-۱۸۳
 شریعتمداری ، عفت : ۱۳۶
 شریعتی مزینانی (دکتر) ، علی :
 ۱۰۶-۱۱۴-۱۱۵-۱۱۷-۱۱۹-۱۵۵-۱۶۱
 ۱۷۳
 ششتمد : ۲۰-۲۸-۴۴-۱۵۲-۱۵۳-
 ۱۵۵-۱۸۳-۱۸۶-۱۹۲-۲۲۲-
 ۲۲۷-۲۳۱-۲۳۹-۲۵۶-۲۷۵-
 ۲۷۷-۲۷۸-۲۸۰
 ششم بهمن (دبیرستان) : ۱۴۷
 شعار ، دکتر جعفر : ۲۳
 شعبانپور : ۲۴۶
 شعبانی ربانی : ۱۲۴-۱۲۵-۱۲۶-۱۳۳
 ۱۴۷
 شعرانی (شهرآیین) : ۳۲
 شعیب (امامزاده یا شاهزاده) : ۹۵-
 ۹۹-۱۰۰-۱۵۳-۱۷۴-۱۷۵-۱۷۶
 شفاءالملک (گنابادی) ، محمد حسن :
 ۲۰۱
 شفق (گرمابه) : ۱۱۶
 شفقی ، عصمت : ۱۳۷
 شفیعی ، نصرالله : ۱۱۹
 شگفتی ، اقدس : ۱۳۶
 شم آباد (شماوار) : ۲۶۵-۲۸۰
 شمس آباد : ۴۱
 شمس الشریعه : ۱۳۷
 شملق : ۸۱

سید علی اکبر (امامزاده) : ۱۸۱
 سیدناصرین محمد (امامزاده) : ۱۷۹
 سیدی (دیه) : ۲۴
 سیزده بدر (تپه) : ۱۹۱
 سیستان و بلوچستان : ۲۶۳-۲۶۶
 سیستانی ، ملک محمود : ۶۱
 سیفاباد : ۲۶

ش

شاد (مهمانخانه) : ۱۱۶
 شادیاخ : ۲۸
 شاره : ۳۰
 شازده (کاروانسرا) : ۱۰۶
 شامکان : ۸۰-۹۶-۱۹۳-۲۲۷-۲۵۴-
 ۲۸۰
 شاه جهان (کوه) : ۶۸
 شاهچراغی : ۱۳۸
 شاه حبیب الله : ۱۸۷
 شاهرخ (نوهی نادرشاه) : ۶۲
 شاهرود : ۱۹-۲۱-۲۳-۱۰۶-۱۱۸-
 ۱۵۱-۱۸۲-۱۸۹-۲۰۳-۲۲۷-
 ۲۲۸-۲۳۳-۲۴۶-۲۴۷-۲۶۲-
 ۲۶۶
 شاهزاده ابراهیم : ۱۸۳
 شاهزاده حسین : ۱۸۳
 شاهزاده قاسم : ۱۸۳
 شاه شجاع : ۵۷
 شاه محمد (محمد شاه) : ۶۰
 شاهنامه : ۴۳
 شاهوردی بیک شیخانلو : ۶۱
 شاهی : ۱۶

- شواج (رود) : ۷۴
 شورکال : ۷۵
 شهرداری : ۲۰۵
 شهرداری (کلبه) : ۱۱۶
 شهرزاد (گرمابه) : ۱۱۶
 شهرستانی ، حاج شیخ حسین : ۱۲۳
 شیخ ابراهیم : ۱۹۰
 شیخ حسین : ۱۹۰
 شیخ خلیفه : ۵۲
 شیخ داوود : ۵۸
 شیخ شمس الدین محمد مکی (شهید
 اول) : ۵۸
 شیخ همام : ۱۸۸
 شیخیان جوریه : ۵۸
 شیراحمد (دامنه‌ی کوه) : ۸۱
 شیرو (شیرخو) : ۲۶۵
 شیروان : ۲۲۸
 شیروانی ، حاج زین العابدین : ۳۸
 شیعی ، محمد حسن : ۱۰۱

ص.ض

- صاحب الامر والزمان (عج) : ۵۸
 صالح آباد (محلّه) : ۹۹
 صالحی ، ملافرشته : ۱۲۲
 صاهه (چاهه) : ۲۶
 صبری : ۸۰
 صحت زاده ، عشرت : ۱۴۷
 صحت زاده ، عصمت : ۱۴۷
 صدخرو : ۳۵-۶۷-۷۴-۱۵۳-۲۵۷-۲۶۰
 ۲۶۱-۲۷۹
 صدقی محمدرضا : ۱۳۶

- صراف ، عالیبه : ۱۳۷
 صرف میر (کتاب) : ۱۲۳
 صفا (گرمابه) : ۱۱۶
 صفاریان : ۴۴-۴۵
 صفاییه (کوچه) : ۱۱۲-۲۰۳
 صفوی (صفویه) : ۸۴-۱۵۹-۱۷۴-۱۸۲
 ۱۸۷
 صفوی ، شاه اسماعیل : ۵۹-۶۰
 صفوی ، شاه تهماسب : ۶۱-۱۶۵-۱۶۷
 ۱۸۷
 صفوی ، شاه عباس : ۶۰-۶۱-۱۱۳-۱۶۰
 ۱۸۸
 صفی آباد : ۶۸-۹۰-۲۵۷-۲۷۵
 صلاح آباد (صالح آباد) : ۲۴
 صنیع الدوله (اعتمادالسلطنه) : ۶۱-
 ۷۱-۱۵۹-۱۶۴-۱۶۷-۱۷۰-۱۷۱
 ۱۷۴-۱۷۸-۱۷۹-۱۸۳-۱۸۹-۱۹۶
 ۲۷۵-۲۷۰
 صوره الارض : ۲۳
 صوفیه : ۴۶
 صولتی ، حاج محمد اسماعیل : ۱۶۴
 صهبا ، محمد علی : ۱۵۲
 ضیائی - حکیمی ، ضیاء الحق

ط.ظ

- طالب الحق ، شیخ نعمت الله : ۱۲۳
 طالقان : ۱۲۴-۱۲۶
 طالقانی ، حاج سید ابوالحسن : ۱۲۴
 — ، حاج سید محمود : ۱۲۴
 — (خیابان) : ۹۵-۱۱۴-۱۴۷
 ۲۶۴

عبداللہ بن عامر : ۴۳
 عبدالؤمن خان ، ازبک : ۶۰ - ۶۱
 عثمان آباد : ۳۰
 عراق (دروازہ) : ۱۰۱ - ۱۰۴
 عربشاہی (سادات) : ۱۱۹
 عربشاہی ، شوکت : ۱۳۷
 عزیز آباد : ۱۹۱
 عشرت آباد (ہشت آباد) : ۵۹
 عطار : ۱۳۸
 عطار (مہندس) ، محمد مہدی : ۲۵۲
 عظاملک : ۱۰۱ - ۱۰۴ - ۱۰۷ - ۱۱۰ - ۱۱۶
 ۲۰۳ - ۲۰۴
 عظیمیان : ۱۰۷ - ۱۱۴
 علم الہدی : ۱۲۴
 علوم (دبیرستان ملی) : ۱۳۸
 علوی ، امیرسید علی : ۱۷۹
 علوی ، حاج سید محمد حسن : ۱۲۴
 علوی ، حاج عبدالواسع : ۱۳۶
 علوی ، حاج میرزا ابراہیم : ۱۲۲
 علوی ، حاج میرزا حسین : ۲۰۶ - ۲۰۹
 علوی ، طوبی : ۲۱۱
 علوی (دکتر) ، محمود : ۱۵۹ - ۱۶۹
 علی (ع) : ۴۷
 علیاباد : ۲۸ - ۱۸۲ - ۱۹۰
 علیمحمدی ، حاج شیخ حسن : ۱۲۳
 علی قلی خان : ۶۰
 عمروین زرارہ : ۱۷۶
 عمرولیث : ۴۵
 عمومی (داروخانہ) : ۲۱۰
 عمید ، حسن : ۳۹
 عمیدآباد (قنات) : ۷۷ - ۹۵ - ۱۰۲ - ۱۱۱

طاہری ، ابوالقاسم : ۴۲ - ۲۲۲
 — : ۲۴۶
 طاہریان : ۴۴ - ۱۶۲
 طباطبائی (علامہ) : ۱۴۷
 طبرسی (خیابان) : ۱۷۴
 طبیس سبزواری : ۲۶ - ۶۷ - ۷۳ - ۷۴ - ۱۱۴
 ۱۵۱ - ۱۷۲ - ۱۷۹ - ۲۱۱ - ۲۴۲ - ۲۴۵
 ۲۵۶ - ۲۵۷ - ۲۵۹ - ۲۶۲ - ۲۶۴ - ۲۶۷
 ۲۷۱ - ۲۷۷ - ۲۸۰
 طزرق (طزر) : ۲۸ - ۳۵
 طغاتی مورخان (طغای تیمور) : ۴۷
 ۴۸ - ۵۰ - ۵۱ - ۵۵ - ۵۶
 طغان کوہ : ۶۸
 طلائی (تپہ) : ۱۹۳
 طوس (مہمانخانہ) : ۱۱۶
 طیبی (کلاتہ) : ۲۰۳
 ظفر محبوب ، زری : ۱۴۷

ع

عارف دیہیم دار (کتاب) : ۱۵۹
 عارفی ، محمد : ۲۵۴
 عاق والدین (کتاب) : ۱۲۱
 عباس آباد : ۲۶۱
 عباس میرزا — صفوی ، شاہ عباس
 عباس میرزا (نایب السلطنہ) : ۶۳
 عباسی ، ولید : ۱۷۸
 — : ۱۷۸
 عبدالرحمان (قنات) : ۷۷ - ۱۱۱
 عبدالرحیم بن حمویہ : ۲۵
 عبداللہ آباد : ۲۴
 عبداللہ بن طاہر : ۲۴ - ۴۴

عندلیبی (سدیری)، حاج شیخ نعمت-
الله : ۱۲۶
عندلیبی، حاج شیخ محمد تقی : ۱۲۳-
۱۶۸
عوضوردی : ۲۵۴

غ

غازان خان : ۱۷۸
غزان : ۴۶
غزنوی، سلطان محمود : ۴۵-۱۹۸
غزنوی، سلطان مسعود : ۴۵
غزنویان : ۴۵
غزنین : ۱۹۹
غلامان (دامنه‌ی کوه) : ۸۱
غلامی : ۱۲۰
غنی (دکتر)، قاسم : ۲۳-۴۶-۱۰۳-
۱۱۶-۱۲۲-۲۰۴-۲۰۷-۲۰۹-۲۱۰-
۲۱۲
غنی (میرزا حسین خان) : ۱۰۱-۱۶۸-
۲۴۲

غیاث‌الدین، کرت : ۵۷
غیلجی (قلیچی) : ۶۲

ف

فارش : ۵۷
فاریاب : ۱۹۶
فاضل (دانشجوی شهید)، محمد :
۲۱۲
فاضل خان (مدرسه) : ۱۳۴
فاضلی (مهندس)، علی : ۲۶۱
فاضلی، میرزا اسدالله : ۱۲۴

فاطمی (دکتر) : ۱۱۵
فتاوی : ۱۳۸
فتاحی : ۱۳۶
فتح آباد : ۲۰۳
فخریه (مدرسه) : ۱۱۶-۱۲۳-۱۷۱-
۲۴۷

فراشیان : ۲۷۹
فرامرز خان : ۱۶۱
فرامرزی، حاج علی خان : ۱۱۹
فرخاردس : ۲۶
فردوسی : ۱۲۶-۱۵۸-۲۰۴
فرزین، احمد : ۱۲۶-۱۳۴
فروغ (دبیرستان) : ۱۴۷
فروغن : ۲۵۴-۲۷۷
فرهنگی، ولی‌الله : ۱۳۶
فریدی : ۱۳۷
فریومد : ۳۶-۴۸-۴۹-۱۸۷-۲۵۹-۲۶۰-
فسنقر : ۱۱۸-۱۸۷
فشتنق : ۱۹۲
فصیحی، حاج عبدالمانع : ۱۷۲
—، محمد تقی : ۱۷۳
فصیحیه (مدرسه) : ۱۷۲
فضل بن زید (امامزاده) : ۱۷۹
فقاہتی، حاج سید ابوالفضل : ۱۲۴
—، حاج سید محمد تقی : ۱۲۴
فقیه سیزواری (آیت الله) : ۱۲۴-
۱۶۸-۱۷۳
فقیه نیا : ۱۳۷-۱۳۸
فلاحی (مهندس)، مسعود : ۲۵۲
فلسطین (میدان) : ۱۱۴-۱۱۹
فهرست بناهای تاریخی و اماکن

۴۴-۷۷-۲۰۰

قطن بن عمرو : ۴۴

قلعه میدان : ۱۹۲-۲۸۰

قلعه نوروداب : ۸۱-۲۲۷-۲۸۰

قلندریان : ۱۳۸

قلیچی ، اللهیارخان : ۶۲-۸۴

قم (شرکت مسافربری) : ۱۱۶-۱۱۷

قمنوان (علیا و سفلی) : ۲۵

قمی (مجدالملک) : ۱۸۲

قنات الی الاسود : ۲۸

قنبر سیاه (کوجه) : ۱۰۲-۱۱۲-۲۰۰

قوچان (خبوشان) : ۵۲-۶۱-۲۲۱-

۲۴۵-۲۶۳-۲۶۷

قومس (کومس) : ۲۱-۶۷

قهرمان میرزا : ۶۳

قهستان : ۴۵-۵۳-۵۷

قیصریه (حمام) : ۱۳۴

ک

کارگر (میدان) : ۹۵-۹۶-۱۰۳-۱۸۴-

۲۰۳-۲۰۴

کاشفی (خیابان) : ۱۰۷-۱۱۰-۲۰۳-

۲۰۴

— ، ملاحسین : ۱۶-۱۲۲-۱۸۶

کاشمر (ترشیز) : ۱۹-۲۰-۵۷-۶۳-

۷۲-۸۰-۱۰۶-۱۱۴-۱۱۶-۲۰۳-

۲۰۴-۲۲۱-۲۳۳-۲۵۹-۲۶۲-۲۶۴

کاشمیری (بنگاه باربری) : ۱۱۷

کال شور : ۲۰۴-۲۵۸

کال کشاد : ۱۹۲

کالماباد : ۲۶

باستانی ایران : ۱۹۸

فیاض (خیابان) : ۱۱۹

فیاض (دکتر) : ۲۳

فیروزآباد : ۳۶

فیروزی ، محمدتقی : ۱۵۲

ق

قائم (خیابان) : ۱۰۷-۱۷۳-۲۰۳

قائم مقام ، میرزا ابوالقاسم : ۶۳

قابوسنامه : ۱۲۶

قاجار (قاجاریه) : ۱۷۹-۱۸۷-۱۹۱-

۱۹۲

قاجار ، فتحعلیشاه : ۶۲-۶۳-۸۴

قارزی (کرجی) : ۲۶

قاسمی : ۱۳۸

قاسمی (روستا) : ۱۸۶-۲۵۹

قاضی ، حاج شیخ حسن : ۱۲۴

قاضی زاده (خیابان) : ۹۵-۱۰۱-۲۰۴-

— (دبستان) : ۱۰۱-۱۴۷-۲۰۴-

— (دکتر) ، علی : ۱۵۳

قاین : ۵۷

قدر ، میرزا محسن خان : ۱۲۴-۱۳۴-

۱۳۷

قدس (میدان) : ۱۱۴

قرآن مجید : ۵۲-۱۲۱-۱۳۴-۱۵۴

قراخانی ، حسن : ۱۵۷-۱۵۸-۱۵۹-

۱۶۰-۱۶۱-۱۶۲-۱۶۳-۱۶۴-۱۷۵-

۱۹۰-۱۹۶

قریشی : ۱۲۵

قصه (آب) : ۹۵-۱۰۰-۱۱۱

— (کوی و منطقه) : ۲۳-۲۵-۴۱-

- کاموند (علیا و سفلی) : ۲۹
 کاویان (انتشارات) : ۲۲
 کاه (بلوک) : ۲۲۲-۲۲۵-۲۷۷-۲۷۹
 کاهک : ۱۹-۶۸-۲۵۹-۲۶۱
 کال شور : ۷۱-۷۵-۷۶-۲۶۴
 کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان : ۱۵۳
 کانیزا (شرکت) : ۲۵۹
 کتابخانه عمومی فرهنگ : ۱۵۵
 کتاب لمعه : ۵۸
 کراب : ۳۰-۵۵-۱۰۰-۲۴۲-۲۵۴-۲۷۷
 کرابی ، خواجه ظهیر : ۵۵
 کرابی ، خواجه یحیی : ۲۰
 کرلایی محمد آقا : ۱۲۳
 کردآباد (حسن آباد) : ۲۶
 کرزن (لرد) : ۸۴-۱۰۵-۱۹۶-۲۲۶-
 ۲۵۶-۲۶۸
 کرمان : ۴۹-۲۶۷
 کروزد (کروژده) : ۲۴-۱۸۷-۲۵۹
 کرومیت (شرکت) : ۲۶۱
 کره (کوه) : ۶۸
 کسروی ، سیداحمد : ۶۱
 کسکن : ۳۰-۷۷-۱۰۰
 کشاورزی (اداره) : ۲۲۵
 کلاته خواجه علی : ۵۹
 کلاته میرعلی : ۸۰
 کلاوشک : ۱۹۲
 کلاه فرنگی (کوی) : ۱۰۹-۱۰۳-۲۰۳
 کلب شرف (ملاشرف) : ۱۲۲
 کلروون : ۱۹۶
 کلواسفندیار : ۵۳-۵۴
- کلوت : ۷۷-۲۲۳-۲۳۱
 کلیدر (کتاب) : ۱۰۱-۱۶۰
 کلبله و دمنه : ۱۲۶
 کمردوک : ۲۶۱
 کموزدو : ۳۴
 کمیز : ۷۴-۱۹۴
 کمیل (ابن زیاد) : ۱۸۹
 کمیلی (قنات) : ۲۰۳
 کنعانی ، شیخ موسی : ۱۲۳
 کوچہ نو : ۲۰۱
 کورش (گرامه) : ۱۱۶
 کوشک (محلہ) : ۹۵-۱۰۲-۱۰۷-۱۱۴-
 ۱۵۷-۲۰۳
 کوهسار کیودجامه : ۴۹
 کوهستان (شرکت) : ۲۵۹
 کوه کمر : ۲۶۰
 کوه میش : ۶۷-۷۲-۲۱۵-۲۵۷-۲۵۹-
 ۲۶۰-۲۷۷-۲۸۰
 کوه همایی : ۲۵۴-۲۷۷-۲۸۰
 کهناب : ۲۵
 کینذر : ۲۸-۲۳۱-۲۵۷
 کیذقان : ۲۸-۲۴۲
 کیهان ، مسعود : ۲۵۷
- گ**
- گدار (شرکت) : ۷۷
 گرامی (خانم) : ۱۳۷
 گرگان (جوزجان) : ۵۱-۵۶-۱۷۶
 ۱۷۸-۲۲۳
 گز (بندر) : ۲۶۹
 گشتاسب : ۱۵۸

مالاریا (اداره) : ۲۱۱
 ماهوی : ۴۳
 مایان : ۳۴
 مبینی ، محمود : ۲۱۱
 متولی (دکتر) ، محمد : ۱۳۴
 مجموعه‌ی امروز (نشریه) : ۱۵۲
 مجوسی : ۴۳
 محجوبی : ۲۵۲
 محقق (خیابان) : ۱۱۶
 محمدآباداریان (عریان) : ۸۱-۱۹-
 ۲۶۴-۲۶۰-۲۵۹-۲۵۷
 محمدآتیمور : ۵۳
 محمد بن طاهر : ۱۶۲
 محمدی : ۱۲۳
 محمدیه (مدرسه) : ۱۷۳
 محمدیه ، حاج ملا محمد : ۲۰۳
 — (شرکت باربری) : ۱۱۷
 محولات : ۲۳۱
 مخابرات استرآباد : ۲۶۵-۲۲۶
 مجیرالدوله : ۲۶۵
 مختار (سرای) : ۱۷۲-۱۳۴
 مختارشاهی (مختاری) : ۱۷۲-۲۵۴
 مدرّس (خیابان) : ۱۰۳
 مرآت البلدان : ۶۱-۷۱-۲۷۵
 مرصداالاطلاع : ۴۰
 مرشد قلی خان : ۶۰
 مرکز تربیت معلم (پسران) : ۱۴۷
 مرکز تربیت معلم (دختران) : ۱۴۷-
 ۲۰۴
 مرمر (گرمابه) : ۱۱۶
 مریضخانه (کوچه) : ۱۱۲-۱۴۷

گفت (روستا) : ۲۵۹-۲۶۰
 گلستان (کتاب) : ۱۲۳
 گل محمد : ۱۶۰-۱۰۱
 گنج دانش : ۳۸-۴۳-۱۶۸
 گنجی ، حسن : ۲۵۲
 گودآسیا : ۱۹۰-۲۲۳
 گودانبار (کوی) : ۱۵
 گوهرشاد (دبستان) : ۱۳۷-۱۴۷
 گوهرشاد (دبیرستان) : ۱۰۱-۱۳۸-
 ۲۰۴
 کیلان : ۱۴۷
 گیلک : ۵۷

ل

لازارفاپی : ۱۵۸
 لاهوتی سبزواری (آقای روح) : ۱۲۳-
 ۱۳۷
 — (آقای نور) : ۱۲۳
 لسان ، آقا سیدرضا : ۱۲۲
 لسترنج : ۳۹
 لطیف آباد : ۱۹۱
 لطفعلیخان (حسینیّه) : ۱۳۴
 لقافیان ، علی اکبر : ۱۳۸
 لمپتون ، ا-ک-س : ۲۲۱
 لوت (شرکت) : ۲۵۸

م

مأمون : ۱۶۱
 مازندران : ۵۱-۵۲-۵۳-۵۵-۱۴۷
 ماشدان : ۳۵
 مافلون : ۱۹۱

- مزار سبز : ۱۸۶-۲۰۱
 مزینان : ۲۲-۳۴-۶۲-۶۳-۶۴-۶۸
 ۷۶-۸۱-۱۷۰-۱۷۳-۱۸۱
 ۱۹۳-۱۹۵-۲۶۷-۲۷۷
 مزینانی ، علی یار خان : ۶۲
 مسالک الممالک : ۲۲
 مستوفی ، حمدالله : ۳۸-۴۱-۱۰۵-
 ۲۶۸
 — کوچه : ۱۳۴
 مستوفی الممالک : ۱۸۵
 مسجد الاقصی : ۱۶۰
 مسجد جامع چشم : ۱۶۹
 مسجد جامع خسروگرد : ۱۷۰
 مسجد جامع سبزوار : ۵۹-۱۰۴-۱۶۵-
 ۱۶۶-۱۶۷-۱۶۸
 مسجد جامع پایین قلعه‌ی مزینان : ۱۷۰
 مسجد جامع فریومد : ۱۷۰
 مسجد جامع قارزی : ۱۷۰
 مسجد جامع نزل آباد : ۱۷۰
 سروری : ۱۱۷
 مسکن (روستا) : ۸۱-۱۰۰
 مسلم ، محمدرضا : ۱۳۶
 مسلم ، محمود : ۱۶۸
 مشتی محمد : ۱۲۲
 مشکان : ۲۸۰
 مشکانی : ۱۱۹
 مشهد : ۱۹-۲۳-۵۲-۶۱-۶۳-۶۴-۹۹-
 ۱۱۰-۱۱۷-۱۱۸-۱۳۴-۱۴۸-
 ۱۵۰-۱۵۲-۲۰۲-۲۲۱-۲۲۴-
 ۲۴۵-۲۵۷-۲۶۰-۲۶۲-۲۶۵-
 ۲۶۷
 مشیرالدوله (پیرنیا) ، حسن : ۲۱
 مصاحب (دایره المعارف) : ۲۵۷
 مصباح ، طاهره : ۱۳۷-۱۳۸
 مصدق : ۱۵۲
 مصطفوی ، حاج شیخ اسدالله : ۱۲۵
 مصلاّی سبزوار : ۱۱۸-۱۵۹-۱۸۱-۱۸۶-
 ۲۰۲
 مطلع الشمس : ۱۶۵-۱۶۸-۱۷۱-۱۷۴-
 ۱۸۱-۱۹۰-۲۰۱-۲۷۰
 مطهری ، شیخ مرتضی : ۱۲۴-۱۵۳
 مظهری ، ابوالقاسم : ۱۱۹
 معتمم : ۴۴
 معجم البلدان : ۲۳-۳۸-۴۰
 معمارزاده ، حاج عباس : ۱۰۶-۱۳۴-
 ۲۰۳
 معماری ایران (کتاب) : ۱۶۱
 معن : ۱۶۲
 معین (دکتر) ، محمد : ۲۱-۳۹-۴۴
 مفول : ۴۷-۴۸-۵۰-۵۸-۱۷۰
 مفیثه : ۳۳
 مفیثه ای ، حاجیه ملا : ۱۲۲
 مقدسی ، محمد : ۲۲-۲۶۹
 مقصودلوی : ۲۲۶-۲۶۹
 مکتب نرجس : ۱۲۲
 ملانوروزعلی : ۱۲۴
 ملکانیان (مهندس) ، محمد : ۲۵۲
 ملّی (مهمانخانه) : ۱۱۶
 ممتحنی (حمید سبزواری) : ۱۳۴-
 ۱۳۵
 مناره‌ی خسروگرد : ۴۶
 منتصر (خلیفه‌ی عباسی) : ۱۶۴

ن

نادرشاه : ۶۱-۸۴-۱۸۷-۱۹۹
 ناصرالدین شاه : ۶۲-۶۳-۱۵۹-۱۶۶-
 ۱۹۷-۲۶۵
 ناصری (کلاته) : ۸۱
 ناطقی : ۱۳۷-۱۳۸
 — ، مریم : ۱۳۸
 نامین (نامن) : ۳۱-۸۰-۱۰۰
 ناوده (نوده) : ۶۷
 ناوی ، امجد : ۱۲۲
 ناوی : ۱۰۰-۱۰۷-۲۰۳
 نبوی ، سید حسن : ۱۲۶
 نحاب (نه آب) : ۳۰
 نزلآباد (نزل آباد) : ۲۴-۱۷۰-۱۹۱
 نزهه القلوب : ۱۰۵-۲۶۸
 نصاب الصبیان : ۱۲۳
 نصرآباد : ۲۶۵
 نصرالله ، باشتینی : ۵۶
 نصرین سیار : ۴۴
 نظام العلماء ، سید جعفر : ۱۸۶
 نعیمی ، کربلایی فریدون : ۱۱۹
 نقاب : ۶۸-۱۵۳-۱۵۷-۱۸۷-۲۴۷-
 ۲۸۰-۲۶۷
 نقابشک (کوی و میدان) : ۲۵-۹۵-
 ۱۰۲-۱۴۷-۱۵۰-۱۵۴-۱۵۷-۱۷۴-
 ۲۰۰-۲۴۴
 نقرآباد : ۱۹۳
 نقیب زاده ، سید حسن : ۱۱۹
 نوایی ، امیرعلیشیر : ۱۵۷
 نوبهار (مجله) : ۱۵۲

منزوی (دکتر) : ۲۲
 منوچهری : ۱۳۴
 موثق : ۱۳۴
 موسی بن جعفر (ع) : ۱۸۲-۱۸۳
 موسیو : ۱۲۵
 موش و گربه (کتاب) : ۱۲۲
 مولای متقیان (باشگاه ورزشی) : ۱۱۹
 مولوی ، عبدالحمید : ۱۰۵-۱۵۹-۱۶۴-
 ۱۶۷-۱۷۴-۱۸۳-۱۸۵-۱۸۷-۱۹۸
 مؤید آی ابه : ۴۶
 مهارکوه : ۶۸
 مهدوی : ۲۴۷
 مهدوی ، میرزا احمد : ۲۰۹
 مهدوی دامغانی (دکتر) ، محمود : ۴۰
 مهر (روستا) : ۳۵-۴۳-۷۴-۷۸-۱۵۷-
 ۱۵۸-۲۵۹-۲۶۱-۲۶۷
 مهرآبادی : ۱۲۴
 مهریویان : ۱۳۷
 مهرکند : ۲۸
 میان جوبین : ۲۷۷-۲۷۹
 میانداشت : ۴۳
 میراث فرهنگی : ۱۵۵
 میرحسینی : ۲۵۴
 میرزا باجی (ننه آغا) : ۱۲۲
 میلانی ، غلامعلی : ۱۳۴
 میلون (ملوند) : ۳۳
 میهن (بنگاه باربری) : ۱۱۷
 میهن تور (شرکت مسافربری) : ۱۱۷
 مییندر : ۶۷

نوح بن نصر : ۴۵

نودیه ، نوده ارباب ، (نوده انقلاب) :

۲۴۲-۲۶

نورکای نویان : ۴۷-۸۴

نوس دراز : ۱۲۲

نهاردان (نهادان) : ۳۶

نه بام (کوچه) : ۱۰۲

نیشابور : ۱۹-۲۱-۲۲-۲۳-۳۷-۳۹-

۴۲-۴۴-۴۵-۴۶-۴۷-۵۰-۵۱-۵۷-

۷۵-۷۶-۹۳-۹۴-۱۰۴-۱۴۸-۱۷۶-

۲۲۱-۲۲۸-۲۳۳-۲۴۳-۲۵۵-۲۶۱-

۲۷۷

نیشابوری ، حاکم : ۲۳

و

ورامین : ۲۲۷

وریان : ۲۹

وزارت داخله : ۲۰۶

وستاج (استاج) : ۲۹

وشمگیر زیاری : ۴۵

ولی عصر (باشگاه ورزشی) : ۱۱۹

ولی عصر (گرمابه) : ۱۱۶

ه

هارون آباد : ۲۶

هارون الرشید : ۴۹-۱۶۱

هانری رنه دالمانی : ۴۰-۱۹۸

هجیر : ۴۳

هرات : ۵۱-۱۷۶-۲۶۱

هرات ، مرو و مشهد (سفرنامه) :

۲۰۱-۲۶۶

هرتسفلد : ۱۶۵

هفده دی (دبستان) : ۱۳۷

هفده شهریور (دبیرستان) : ۱۴۷-

۲۰۴

هلاک آباد : ۲۵۹

هلال احمر (خیابان) : ۹۵-۱۰۷

هلال احمر (شیر و خورشید) : ۲۱۱

همای در : ۲۶

همت آباد (محلّه) : ۹۵

هندو ، خواجه علاءالدین محمد : ۴۸-

۴۹

هنربخش (دکتر مهندس) ، حسن :

۱۱۲-۱۳۸-۱۵۰-۱۵۳

هوشیار : ۲۶۰

هویزه‌ی خوزستان : ۵۸

ی

یام (دهستان) : ۱۴۸

یحیی آباد : ۸۰-۱۹۵

یحیی بن موسی (امامزاده) : ۱۰۳-

۱۷۱-۱۷۶-۱۷۷

یزد : ۲۶۷

یزدگرد : ۴۳

یسنا (کتاب) : ۱۵۸

یعقوب لیث : ۴۵

یعقوبی (ابن واضح) : ۲۲

یوزباشی (فرامرزی) : ۱۱۹

یونان : ۱۵۶

کتابستان مشهد منتشر ساخته است:

♦ ده مقاله در شعر و ادب

نوشته : علی باقرزاده

چاپ اول : مهر ۱۳۶۷

قیمت : ۷۰۰ ریال

♦ ۱۰۰۱ برنامه کامپیوتر

(کتابهای رایانه - ۱)

نوشته : مارک ساووش

به زبان انگلیسی

چاپ اول : آبان ۱۳۶۷

چاپ دوم : مرداد ۱۳۷۰

قیمت : ۸۵۰ ریال

♦ مبانی زیست شناسی سلولی و

ملکولی

نوشته : دوروبرتیس و دوروبرتیس

ترجمه : سیدعلی حسینی تهرانی

و محمود عرفانیان احمدپور

چاپ اول : اردیبهشت ۱۳۶۸

چاپ دوم : اردیبهشت ۱۳۶۹

چاپ سوم : مرداد ۱۳۶۹

چاپ چهارم : آبان ۱۳۷۰

قیمت : ۱۷۰۰ ریال

♦ قصر یخ

برنده جایزه بزرگ شورای

اسکاندیناوی

نوشته : تاریه وسوس

ترجمه : قاسم منگوی

چاپ اول : مهر ۱۳۶۸

قیمت : ۱۳۰۰ ریال

♦ رقص رنج

نوشته : محمدرضا ذاکر

چاپ اول : بهمن ۱۳۶۸

قیمت : ۶۲۵ ریال

♦ برگهای خاکستری

شعر معاصر خراسان - ۱

سروده جلال قیامی میرحسینی

چاپ اول : فروردین ۱۳۶۹

قیمت : ۶۰۰ ریال

♦ دیدار پدر بزرگ

برای کودکان ، گروه سنی ب

نوشته : ن - نوسف

ترجمه : رضا آذری

چاپ اول : مهر ۱۳۶۹

قیمت : ۲۵۰ ریال

♦ کودکان پرتحرک

روان پزشکی و روانشناسی بالینی

نوشته : علی محمد گودرزی

چاپ اول : بهمن ۱۳۶۹

قیمت : ۹۵۰ ریال

♦ مسایل طراحی سازه های بتن آرمه

نوشته : کنت لیت

تنظیم و تدوین برای چاپ توسط

کتابستان مشهد

چاپ اول : اسفند ۱۳۶۹

قیمت : ۶۰۰ ریال

♦ اصول و مبانی عمران ناحیه ای

نوشته : محمد جعفر زمریدیان

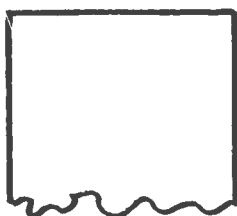
چاپ اول : ۱۳۶۴ (توسط مولف)

♦ دیارمن همیشه خزان است

نوشته : محمد رضا ذاکر

چاپ اول : دی ۱۳۷۰

قیمت : ۹۵۰ ریال



کتابستان مشهد منتشر خواهد کرد

♦ آناتومی اندامهای فوقانی و تحتانی

آناتومی انسانی - کتاب اول

نوشته : محمود عرفانیان احمدپور

♦ طالع بینی ایرانی

نوشته : محود رفعت

♦ کیمیای مراد

مجموعه مقالات

نوشته : دکتر محمدجعفر یاحقی



♦ چاپ دوم : اردیبهشت ۱۳۷۰

قیمت : ۱۵۰۰ ریال

♦ نسیمی از دیار خراسان

شعر معاصر خراسان - ۲

گزیده اشعار بقا - سہی - مرحوم

قدسی - قهرمان - کمال

چاپ اول : مهر ۱۳۷۰

قیمت : ۱۷۰۰ ریال

♦ داستان چیست و چگونه نوشته

می شود

برای نوجوانان

نوشته : جواد نعیمی

چاپ اول : آذر ۱۳۷۰

قیمت : ۳۱۰ ریال

♦ مبانی گرافیک کامپیوتری

(کتابهای رایانه - ۲)

نوشته : دونالد هرن - پاولین بیکر

ترجمه : مهندس سعید جواد نژاد

چاپ اول : دی ۱۳۷۰

قیمت : ۱۴۵۰ ریال

♦ برنامه نویسی به زبان پاسکال

(همراه با معرفی تورپاسکال)

جلد اول

(کتابهای رایانه - ۳)

نوشته : رادنی زاکس

ترجمه : امیر علیخانزاده و بهنام

اسراری

چاپ اول : دی ۱۳۷۰

قیمت : ۱۱۰۰ ریال